

خبرنامه



سال هشتم، شماره‌ی هفتاد و سوم، دی و بهمن ماه ۱۳۹۹

### جشن سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی



رونمایی از کتاب «اتصال به ریشه: انطباق با زمان»



آیت‌الله محسن قمی در مراسم سالگرد پیروزی انقلاب:

## انقلاب اسلامی گفتمان سوم را ایجاد کرد

آیت‌الله محسن قمی، در مراسم جشن انقلاب پژوهشگاه که ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۹۹، برگزار شد ضمن تشکر از بابت برگزاری این مراسم، به موضوع چيستی چشم‌انداز صدور انقلاب در گام دوم پرداخت و گفت: توجه به این سؤال اساسی، سؤال‌های فرعی و جانبی را هم به‌دنبال خواهد داشت که چه‌گونه این امر اتفاق خواهد افتاد. اصلاحات کیفی و کمی آن چيست. همه‌ی انقلاب‌ها تأثیر فرامرزی دارند. این تأثیرات هم طبیعی است و هم به‌صورت گسترده در جهان اتفاق می‌افتد. هرچند که مدعی صدور انقلاب نیستند ولی اثرات خودشان را دارند.



واژه‌ی صدور انقلاب قبل از این، کمتر استفاده شده و بعد از انقلاب اسلامی کاربرد فراوانی پیدا کرده که تفاسیر متعارضی هم داشته است. انقلاب اسلامی، دوقطبی معمول سوسیال-لیبرال را شکسته و گفتمان سومی را ایجاد کرده که مبتنی بر کرامت انسانی است. این گفتمان کرامت درون خودش؛ آزادی، عدالت و انسانیت را هم شامل می‌شود. این انقلاب به فرامرزها رفته و اثرات خودش را برجای گذاشته است. در طی ۲۰ سال اول انقلاب، حدود ۱۲۰۰ کتاب به زبان‌های مختلف در دنیا، چاپ و منتشر شده است.

آیت‌الله قمی درخصوص صدور گفتمان انقلاب سه رویکرد موجود را مورد ارزیابی قرار داد: مارکسیستی، اسلامی‌گرایی افراطی و انقلابی که نگاه کالایی به آن نیست. وی تأکید کرد: انتقال افکار و اندیشه‌ها مهم است که باید زمینه‌های آن مانند: خردورزی، عقل‌ورزی فراهم باشد. کمک به کشورهای مظلوم که در اصل ۵۱ حقوق منشور جهانی نیز به آن پرداخته شده، جزو این زمینه‌های صدور انقلاب است. بنابراین برای صدور گام دوم انقلاب باید مسیری را در پیش بگیریم که الگوی موفق در زمینه‌های مختلف را به‌دنیا معرفی کنیم، هرچند که با نقطه‌ی مطلوب فاصله‌ی زیادی داریم. مسئله‌ی بعدی قابل توجه این است که، فرهنگ ایثار تبدیل به یک گفتمان شده است. شعارهای انقلاب تاریخ‌مصرف ندارد و انسانی‌ست که همیشه هم هست. کادر انقلابی در بخش‌های مختلف تربیت کردیم، در صورتی که دنیای سکولاریزم با بحران مواجه شده و تشنه‌ی معنویت اصیل است. شیوع و گسترش ویروس کرونا، نقص علم بشری را پدیدار کرده است. بیماری، پوچ‌بودن زندگی انسان و استرس امروزی، معنا را از بشر گرفته است. جنبش‌ها با مایه‌ی مذهبی و معنوی، دگرگونی جهان را مطالبه می‌کنند. ادبیات جدید پس از انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی را در گام دوم پیگیری می‌کند.

دکتر قمی توضیح داد: تمدن‌ها، سه لایه دارند: روایی (سبک زندگی، معماری و ...)، میانی (علوم مختلف) و زیربنایی (معرفت‌شناسی و جهان بینی). اسلام به جهت‌گیری ما کمک می‌کند و می‌توانیم تمدن اسلامی را بنا کنیم، زیرا تجربه‌ی صدر اسلام را داریم، تجربه‌ی ۴۰ سال پس از انقلاب اسلامی را داریم و پیشینه‌ی خوبی داریم. جوانان ما، نشان دادند که معلول تاریخ نیستند و خودشان سرنوشت‌شان را رقم می‌زنند. کار سختی است که نیاز به همت و اراده دارد و باید با توکل به خدا پیش برویم.

به قول حافظ:

مرغ زیرک چون به دام افتد، تحمل بایدش  
کار ملک است آن که تدبیر و تأمل بایدش  
راهرو گر صد هنر دارد، توکل بایدش

ای دل‌اندر بند زلفش از پریشانی منال  
رند عالم‌سوز را با مصلحت‌بینی چه‌کار  
تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافرست

در ادامه‌ی این مراسم، هم‌زمان با رونمایی از کتاب «اتصال به ریشه، انطباق با زمان»، از سایر کتاب‌های تازه منتشر شده‌ی پژوهشگاه نیز رونمایی صورت گرفت و از پزشک بازنشسته پژوهشگاه قدردانی شد. در پایان مراسم، فرزندان اعضای پژوهشگاه که در مسابقات خاطره‌نویسی و نقاشی موفق به کسب مقام شده بودند، معرفی و مورد تجلیل قرار گرفتند. این مراسم، با بخش‌های متنوعی هم‌چون: پخش کلیپ سرودهای انقلابی و اجرای سرود توسط گروه اسراء خاتمه یافت.



رئیس بیمارستان شریعتی تهران در مراسم سالگرد پیروزی انقلاب:

## کرونا موجب هم‌گرایی بیشتر علوم انسانی و تجربی شده است

به‌مناسبت چهل‌ودومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و به‌همت معاونت فرهنگی و کاربردی‌سازی علوم انسانی پژوهشگاه، مراسم جشن انقلاب اسلامی، ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۹۹، به‌صورت حضوری و مجازی در سالن حکمت پژوهشگاه برگزار شد.



دکتر سعیدرضا مهرپور، رئیس بیمارستان شریعتی تهران طی سخنانی حضورش در پژوهشگاه را مایه‌ی خرسندی دانست و گفت: من از کودکی به علوم انسانی علاقه‌مند بودم. وی با اشاره به سیرتاریخی و گذشته‌ی علوم طبیعی، ادامه داد: علوم طبیعی زائیده‌ی علوم انسانی بوده و توسط فیلسوفان بزرگ به‌وجود آمده است که مرتبط با شیوع و گسترش بیماری‌های عفونی بوده است. قرن ۱۴ میلادی، زمانی که چراغ علم به خاموشی رفته بود، ناگهان بیماری طاعون گسترش یافت. بشر متوجه شد که گرفتاری‌های او با علوم قدیمی و دعا حل نمی‌شود و برای حل آن نیازمند روش‌های جدید است که بتوان با طبیعت تعامل کرد. از

قرن ۱۶ میلادی؛ شک‌گرایی، عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی پیدایش یافتند که انقلاب علمی نامیده می‌شوند. علم و کلیسا باهم در تعارض بودند. ارسطو، مشاهده و توصیف می‌کرد. به باور فرانسیس بیکن، هرآنچه مشاهده می‌شود، باید آزمایش و تحلیل شود. علوم تجربی به‌مرور زمان پیشرفت کرد و بعد از مدتی خودش را مغرورانه از علوم انسانی جدا کرد.

دکتر مهرپور ادامه داد: ایران آن‌زمان نیز که مغول‌زده و طاعون‌زده بود، از تغییرات و نهضت در علوم دنیا بی‌خبر بود و از قرن نوزدهم به‌بعد، به‌مرور زمان با جهان پیرامون آشنا شدند. بعد از سه قرن تلاش و کوشش از قرن شانزدهم تا نوزدهم، بشر یاد گرفت که، عوامل بیماری‌زا را کشف کند. بعد از جنگ جهانی اول، دنیا با آنفولانزای اسپانیایی مواجه شد که از آمریکا گسترش یافت و به‌علت این‌که کشور اسپانیا آن را برملاء و افشا کرد به‌همین عنوان مشهور شد. این بیماری، سه موج داشت که در مجموع میلیون‌ها کشته برجای گذاشت و بعد از مدتی خودبه‌خود نابود و محو شد. حالا پس از صد سال، شیوع ویروس کرونا را شاهد هستیم. شیوع این ویروس سبب شده که، به‌غیر از مسائل پزشکی، مسائل علوم انسانی هم در جامعه مورد توجه قرار گیرد و گسترش یابد. این توجه به علوم انسانی باعث خوشحالی همه‌ی ما است که در فضای جدید، تعاملات علوم طبیعی و علوم انسانی را گسترش دهیم و ...

وی در پایان سخنانش، به عدم مطالعه‌ی تاریخ توسط مردم ایران اشاره و خاطر نشان کرد: حتی اگر واکسن ساخته شود، ولی اعتماد مردم نباشد در واکسیناسیون موفق نخواهیم بود. بنابراین با علوم طبیعی مغرورانه و علوم انسانی مغرورانه به جایی راه نمی‌بریم و نیازمند تعامل آنها هستیم تا گره‌ها باز بشود.



دکتر قبادی پس از سخنان دکتر مهرپور توضیح داد: واقعاً باعث افتخار ماست که شما با این تحصیلات و سمت تا این حد به نکات کلیدی در مورد اهمیت علوم انسانی اشاره می‌کنید که پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از ایده‌ها و اندیشه‌های شما و سایر استادان و پژوهشگران استقبال می‌کند.

دکتر قبادی در مراسم سالگرد پیروزی انقلاب::

## برای پژوهشگاه، فعالیت سازمانی و پژوهش اصل است

مراسم جشن ۴۲ سالگی انقلاب اسلامی به شکل حضوری و مجازی روز ۲۱ بهمن ماه ۱۳۹۹ در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در ابتدای این مراسم، دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه با تبریک فرارسیدن دهه‌ی مبارم فجر و قدردانی از برگزارکنندگان مراسم سخنانش را با قرائت شعری از مولوی آغاز کرد.



وی در خصوص اعتلاء در علوم انسانی گفت: باور پژوهشگاه این است که عنصر جوهره‌ی اعتلاء در علوم انسانی، از اعتلای انقلاب اسلامی جدایی پذیر نیست، بلکه این دو توأمانند و ازسوی دیگر عمیقاً هردو با پیشرفت ایران نیز پیوند می‌خورند و سه‌ضلع یک حقیقت را باز می‌تابانند.

بر این اساس، اعتلای علوم انسانی و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و پیشرفت کشور با هم پیوستگی و ملازمت دارند؛ چرا که انقلاب اسلامی

در درجه‌ی نخست، ماهیتاً انقلابی «معنوی» «اجتماعی» و «فرهنگی» بوده و بنیان‌های آن، یعنی اجتماع، فرهنگ و معنویت بر جنبه‌های مادی و بر اقتصاد و سیاست تقدم داشته است؛ اگرچه مسائل اجتماعی در مفهوم عام، عناصر و کنش‌های اقتصادی را هم شامل خواهد بود. به‌عنوان نمونه، اقدامات برای عبور از نظام طبقاتی و نیل به حکمرانی بهینه در بعد اقتصادی، در عین حال، امری اجتماعی نیز به‌شمار می‌آید و شعار اصلی انقلاب اسلامی یعنی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» نماد و نمود همین گزاره است.

قبادی افزود: به‌دلیل وجوه ماهیتی این جنبش، در فرایند تعمیق و تداوم انقلاب، نوعی نشانه‌های هم‌ذات‌پنداری و انگاره‌های بین‌الذهانی میان این نهضت با موارث تمدنی، تاریخی و دینی پدیدار شده است. در این پدیداری، علوم انسانی نقشی تعیین‌کننده و کارکردی اثرگذار داشته و دارد. در زیست‌بوم ایران و ایرانی همین پیوستگی است که با پیشرفت انقلاب و تحقق استقلال و آزادی در این سرزمین گره می‌خورد.

از سال ۱۳۹۲ به این سو، بر مبنای همین فرض، مدیریت پژوهشگاه کوشیده است: مشی‌ای بر پایه‌ی شایسته‌سالاری، اخلاق‌گرایی، ارزش‌مداری اصیل، برنامه‌مداری، جامعه‌گرایی با رویکرد اصالت کار و کوشش و مجاهدت دور از هر حاشیه در پیش بگیرد که فعالیت سازمانی و پژوهیدن در آن اصل باشد و با عزم راسخ بر پایه‌ی توکل عمیق به حضرت حق بر اساس اولویت‌های برآمده از برنامه‌ی توسعه‌ی راهبردی و در چهارچوب اسناد بالادستی به پیش برود.

درباره‌ی اعتلای علوم انسانی باید یادآور شد که این مهم در ایران، مستلزم نگاهی جامع‌نگر و تمدن‌مدار است. از همین روی، زنده‌یاد استاد دکتر صادق آئینه‌وند(ره) رئیس فقید پژوهشگاه شعار محوری «اتصال به ریشه و انطباق با زمان و نیاز» را برگزیده بود.

اگر در تمدن ایران‌زمین در افق تاریخ مذاقه شود، روشن خواهد شد که رشته‌ای طولانی، دانه‌های ریز و درشت وقایع و رویدادهای مختلف را به هم پیوند داده و با وجود گسست‌های سیاسی، اجتماعی، انسان‌شناختی و مردم‌شناختی، پیوستاری از هویت ایرانی را به نمایش گذارده است. این رشته چیزی نیست جز ریسمان فرهنگ و تمدن ایرانی که از دیرباز بر اصول و مبانی مشخصی استوار بوده و در پیوند با معرفت اسلامی بر ظرفیت اندیشه‌ورزی و نظری‌ورزی آن افزوده شده است و گویی با خوانش انقلاب اسلامی، تمدن این سرزمین بازخوانش می‌شود.

خردورزی، دادگری، خداپرستی، شهودگرایی، معنویت، راست‌گویی، توجه به قدسیت و کلان روایت‌ها؛ حکمرانی بهینه، پیوندهای حکمت و حکومت، عدل الهی، فقه و عرفان اسلامی همگی مجموعه‌هایی نظری و عملی هستند که عناصر فرهنگ و تمدن این سرزمین را فریاد می‌آورند، که البته بر بستر زبان فارسی از دوره‌ای به دوره‌ی دیگر انتقال یافتند و میراث فرهنگی ایرانی-اسلامی را تداول بخشیدند. بنابراین می‌توان به



روشنی دریافت که هویت ایرانی-اسلامی بیش از هر چیز مرهون اندیشه‌ها، باورها و رهیافت‌هایی کلان است که امروزه ذیل علوم انسانی احصاء می‌شوند. در واقع، جامعیت حکمت دینی، اجتماعی و سیاسی را می‌توان درونمایه اصلی فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی برشمرد که اکنون و در دوره‌ی جدید جامعه‌ی علوم انسانی بر تن کرده‌اند.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تأکید کرد: با این توضیح، در دوره‌ی کنونی علوم انسانی به لحاظ فرهنگی و تمدنی نقش کانونی را برعهده دارد. پژوهش‌های انسانی می‌تواند در لایه‌های مختلف زندگی اجتماعی نفوذ کند و ضمن رفع آسیب‌ها و کمبودها، بسترهای لازم را جهت توسعه‌ای چندبعدی و پایدار فراهم آورد. پژوهش‌های علوم انسانی می‌تواند در سه بخش بنیادین، کاربردی و توسعه‌ای نیازهای کشور را شناسایی و برطرف کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی سال‌های اخیر کوشیده است با رویکردی جامع به علوم انسانی و با عنایت به ترکیب نیروهای هیأت‌علمی خود، جایگاه علوم انسانی در کشور را ارتقاء دهد.

راهبردهای اصلی برنامه‌ی توسعه نخست عبارت بود از: توسعه‌ی مدیریت دانایی‌محور، توسعه‌ی فرهنگی اجتماعی، توسعه‌ی مناسبات فراگیر و شبکه‌سازی علوم انسانی، تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و برنامه‌های کلان ملی، توسعه‌ی زیر ساخت‌ها، ساختارها و فرایندها، توسعه‌ی پژوهش، توسعه و بهبود نظام جامع مدیریت منابع انسانی و اجتماعی.

توسعه‌ی مدیریت دانایی‌محور به‌عنوان نخستین راهبرد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از سال ۱۳۹۳ به این سو به‌طور جدی پی گرفته شد و به‌منظور نیل به این هدف رهیافت‌های مناسبی تعریف و پی گرفته شد که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان با اتکا به خردجمعی و افزایش شوراها و گسترش مشورت‌ها اشاره کرد. در سال‌های اخیر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بر پایه‌ی تأکیدات یادشده مقام معظم رهبری و متناسب با اسناد بالادستی و سیاست‌های نظام به سمت کاربردی سازی حرکت کرده است و با اتکا به روش‌های پیشرفته‌ی جهانی، تولیدش را به سمت پژوهش‌های مسئله‌محور سوق داده و متناسب با نیازهای اجتماعی مردم تحقیقات خود را انجام داده است. گونه‌های تولید دستاوردهای پژوهشی پژوهشگاه از سخنرانی، کتاب و مقاله به‌سمت گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاستی، گزارش‌های مدیریتی، گزارش‌های علمی و ملی و ... سوق داده شده و در این مسیر از بسته‌های تخصصی مانند خدمات مشاوره، تعامل عمیق با دستگاه‌های اجرایی نیز بهره گرفته شده است.

قبادی تأکید کرد: اکنون با به بلوغ رسیدن رهیافت کاربردی‌سازی در مرحله‌ی عبور از پژوهش‌های کاربردی و ورود به پژوهش کلینیکال قرار داریم. توسعه‌ی پژوهش‌های کلینیکال می‌تواند با تقویت رابطه‌ی علوم انسانی با نظام اجتماعی، بر جامعه‌مدار بودن پژوهش‌های انسانی بیفزاید و پیوند میان نظریه و کنش را مستحکم‌تر سازد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در افق برنامه‌ی راهبردی نخست یکی از مأموریت‌های خود را تحقق «پژوهشگاه بدون دیوار» دانسته است. این مهم در گروی تقویت ارتباط این نهاد علمی با جامعه‌ی مدنی، سازمان‌های مردم‌نهاد و ائتلاف مختلف اجتماعی است. اهتمام به ترویجی‌سازی علم و تقویت ارتباط سازمانی پژوهشگاه با آحاد جامعه در کنار گسترش طرح‌ها و پروژه‌های مسئله‌مدار، تقاضامحور و اثربخش تلاش‌هایی است که در راستای نیل به آرمان «پژوهشگاه بدون دیوار» ضروری است.

از دیگر سو، توسعه‌ی فرهنگی و اجتماعی در گرو کاربست ابزارهای مختلفی است که ازجمله آن‌ها می‌توان به دیپلماسی علمی و دیپلماسی عمومی اشاره کرد. در واقع، ورود به حوزه‌ی دیپلماسی علمی از دیگر مأموریت‌های مهم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. این راهبرد توجه به مزیت علوم انسانی ما در ایران نیز به شمار می‌آید. ایران یک کشور تمدنی با سابقه است، این سابقه‌ی تمدنی و موقعیت جغرافیایی یکی از مزیت‌های منحصربه‌فرد ایران به شمار می‌رود، علوم انسانی می‌تواند این مزیت‌ها را به سرمایه تبدیل کند و چنان‌چه پژوهش‌های علوم انسانی وارد حوزه‌ی دیپلماسی عمومی شود می‌تواند دستاوردهای خوبی را برای کشور بیافریند. در این مسیر در پژوهشگاه علوم انسانی، «دانشنامه‌نگاری» را در دستور کار قرار داده است و دانشنامه‌های مشترک فرهنگی با برخی از کشورهای نظیر چین، روسیه، ترکیه و کشورهای عربی تدوین یا در حال تدوین است.

همچنین می‌توان از پتانسیل‌های علمی برای گسترش دیپلماسی عمومی استفاده کرد. به‌طور کلی، یکی از مأموریت‌های مهم پژوهشگاه علوم انسانی، پژوهش درباره‌ی علوم انسانی، سرمایه‌های فرهنگی و هنری ایران و تبدیل آن به دیپلماسی علمی و عمومی است.

## محکومیت ترور ناجوانمردانه‌ی شهید دکتر محسن فخری‌زاده (رض)

در پی ترور ناجوانمردانه و شهادت دکتر محسن فخری‌زاده، هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پیامی را صادر کرد که متن این پیام از نظر تان می‌گذرد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالَ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا  
 ترور ناجوانمردانه شهید دکتر محسن فخری‌زاده که عمر ارزشمند خویش را در راه بسط دانش و فناوری بومی و ارتقای اعتماد به نفس در میان جوانان و دانشمندان ایرانی گذراند، موجب تألم و اندوه شدید به‌ویژه در میان دانشگاهیان و پژوهشگران کشور شد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با محکومیت شدید تروریسم افسارگسیخته تحت حمایت و هدایت استکبار جهانی، این ضایعه‌ی غمبار را به امت اسلامی و ملت مظلوم و شهیدپرور ایران تسلیت می‌گوید.

تردیدی نیست که حاصل جان‌های فدا شده در راه عزت و آبادانی ایران؛ در نهایت به دست جوانان سخت‌کوش و متعهد به درخت تناور و بالنده‌ی پیشرفت و استقلال کشور رهنمون خواهد شد و این ترورها و جنایت‌ها جز رسوایی و روسیاهی بیشتر برای صهیونیسم غاصب و حامیانش، نزد وجدان‌های آگاه جامعه‌ی جهانی در پی نخواهد داشت.

هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





در اولین سالگرد شهادت سردار قاسم سلیمانی مطرح شد:

## قریشی: «مردمی بودن» از خصایص حاج قاسم از نوجوانی بود سادات حسینی: باید بتوانیم سیره و جهت فکری حاج قاسم را بهتر تشخیص بدهیم

سیزدهم دی‌ماه ۹۹ هم‌زمان با اولین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی در فرودگاه بغداد، نشست «بازخوانی ابعاد مکتب سردار سلیمانی با رویکرد ترویج اندیشه و تفکر این شهید والامقام» به صورت مجازی برگزار شد. در این نشست که به همت مرکز مقاومت بسیج کارکنان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و با همکاری پایگاه مقاومت بسیج کارکنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد، دکتر سیدحمیدرضا قریشی (فرمانده بسیج ادارات) و سردار سیدباقر سادات حسینی (معاون قرارگاه ثارالله سپاه تهران) به ایراد سخنرانی پرداختند.



در ابتدای این نشست دکتر حسین نصیرزاده، فرمانده بسیج کارکنان وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و مراکز آموزش عالی فرارسیدن سالگرد شهادت سردار سلیمانی و درگذشت آیت‌الله مصباح یزدی را تسلیت گفت. همچنین دکتر ابوالفضل نصیرزاده مجری این مراسم بود که از دکتر قریشی دعوت کرد تا سخنانش را آغاز کند. دکتر قریشی در شروع سخنانش با تشکر از بابت برگزاری چنین نشست‌هایی گفت: ما در شرایط فعلی باید تلاش کنیم تهدیدات را به فرصت تبدیل کنیم که درباره‌ی حاج قاسم من می‌خواهم دو، سه مطلب بگویم و دین خودم را به این شهید ادا کنم. ان‌شاءالله بتوانیم خودمان نیز راه این شهید را ادامه دهیم.

دکتر قریشی در ادامه‌ی سخنانش به پنج مرحله از مراحل زندگی سردار سلیمانی اشاره کرد و گفت: شهید سلیمانی از نوجوانی و جوانی با مردم و مشکلات آن‌ها آشنایی داشت و «مردمی بودن» از خصایص حاج قاسم از نوجوانی است که او در مراحل بعدی زندگی و در فرماندهی تیپ فتح‌المبین و بعد از آن فرماندهی لشکر، عملیات خیبر و در سال ۸۶ نیز فرماندهی نیروی سپاه قدس؛ همه‌ی این موارد او را از مردم دور نکرد تا در مرحله‌ی پنجم زندگی‌اش به شهادت رسید.

وی تأکید کرد: در هر برهه‌ی تاریخی و در هر مرحله‌ی زندگی این شهید بزرگوار، درس‌های خاصی را فرامی‌گیریم و در مرحله‌ی پنجم به فرموده‌ی حضرت‌آقا، از شهادت و مکتب شهید سلیمانی هم درس می‌گیریم که این شرایط ما را بر آن داشت تا مکتب شهید سلیمانی را بیشتر بشناسیم.

دکتر قریشی در ادامه به سه خصیصه‌ی شهید سلیمانی؛ اخلاص، بصیرت در تفکر و ولایی بودن او اشاره کرد و گفت: سردار سلیمانی در عمل و پیروی از ولی امر مسلمین نیز نمونه بود. در مورد ولایی بودن حاج قاسم این‌که؛ ایشان فرموده بودند «من حاضرم ۲۰ بار در عراق شهید شوم و یکبار در ایران! چون سرزمین امام حسین (ع) است». بنابراین او از ابتدا جان خودش را با امام حسین (ع) عجین کرده بود و با همراهانش که تعداد آن‌ها ۱۰ نفر می‌شدند، شهید شد و پیکر آن‌ها مخلوط شد به طوری که در نجف بدنی داریم که بدن مخلوط شده‌ی حاج قاسم، ابومهدی المهندس و دیگر هم‌زمان ایشان است و در کرمان نیز همین‌طور تا مردم با خلوص در مزار این عزیزان حاضر شوند و علیه استعمار موضع بگیرند. استعماری که ۸ سال مردم دوکشور را به‌جان هم

انداخته بود اما اکنون باید شرایط را ببینیم و با بصیرت کار کنیم. فرمانده بسیج وزارت‌خانه‌ها و ادارات در خاتمه‌ی سخنانش به شرایط اخلاقی شهید سلیمانی اشاره کرد و گفت: سردار سلیمانی فرمانده لشکری بود که به‌دنبال اخلاق و پهلوانی بود او خودش را درشرایطی قرار می‌داد که درخواست مردم باشد و ما امروزه هر پدیده‌ای را که می‌بینیم یاد حاج قاسم می‌افتیم که اخیراً وقتی برف دیدم، یاد حاج قاسم افتادم که از مناطق عملیاتی سوریه با معاون اداری و پشتیبانی خود تماس می‌گرفت و به فکر آهو و قوچ‌های کنار پادگان بود تا برای آن‌ها غذا تهیه کنند و با وجود این‌که در میدان جنگ حضور داشت، اما به جزئیات هم حساس بود.

در ادامه‌ی این مراسم مجازی کلیپی از شهید مطهری پخش شد که توصیه می‌کرد؛ فرماندهان باید خود پیش‌رو باشند و سربازان و سایرین را به‌دنبال خود بکشند. این‌که فرمانده در عقب بماند و به سرباز بگوید، برو جلو! خوب نیست. در این کلیپ شخص سردار سلیمانی نیز به این مورد تأکید داشت و ضمن این‌که گفته شد، در مکتب انبیا و اولیاء الهی نیز حضرت علی علیه‌السلام می‌گفت «من دارم پیش‌قدم می‌شوم که شما هم بیایید». بعد از این کلیپ، سخنان سردار سادات حسینی شروع شد. او سخنانش را با اهداء سلام و صلوات به امام زمان(عج)، امام راحل و شهدای هشت‌سال جنگ تحمیلی و دفاع مقدس و تشکر از برگزارکنندگان این مراسم شروع کرد و گفت: همین الان که با شما صحبت می‌کنم با ۴ مناسبت روبه‌رو هستیم؛ ایام فاطمیه، سالروز شهادت سردار سلیمانی، سالروز حماسه‌ی ۹ دی و درگذشت آیت‌الله مصباح یزدی، سنگربان علم و معرفت است که برای ایشان از خداوند متعال علو درجات را خواستارم.



وی با اشاره به سوره‌ی حج آیه ۳۲، «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَنَاهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» گفت: هر کس شعائر الهی را گرامی بدارد این کار نشانه‌ی تقوای دل‌ها [ی آن‌ها] است. ما چگونه می‌توانیم مناسبت‌های مختلف الهی را گرامی بداریم؟ وی به این سؤال خود این‌چنین پاسخ داد: اهل معرفت دو شیوه را در این باره مطرح می‌کنند؛ اول، گرامی‌داشتن در ظاهر، یعنی حتی با پوشیدن لباس مشکی. دوم، گرامی‌داشتن در باطن، یعنی شناخت تفکر، سیره و اندیشه‌ی بزرگان. مثلاً تفکر در اندیشه‌ی فاطمی. در این جلسه بیشتر سعی می‌کنیم به‌مناسبت شهادت حاج قاسم، شناخت عمیق‌تری از شخصیت و مکتب ایشان در قالب مکتب سلیمانی بپردازیم.

سردار سادات حسینی ادامه داد: یکی از نکات مهم مربوط به شرایط فتنه «تحریف» است که ما نباید اجازه‌ی تحریف دهیم و ابعاد وجودی این سردار بزرگ را بهتر به جهانیان بشناسانیم. یکی از ابعاد وجودی شناخت حاج قاسم، بازخوانی وصیت‌نامه‌های ایشان است که در این فرصت می‌توانیم به بخش‌هایی از اصلی‌ترین حرف‌ها و تفکرات او دسترسی پیدا کنیم. ما می‌توانیم مکتب و شخصیت حاج قاسم را در سه محور دیانت و معنویت، ولایت و بصیرت ارائه دهیم. در مورد دیانت و معنویت و این‌که چه قدر متدین بود و چه قدر التزام عملی داشت؛ یکی از گزاره‌هایی که در وصیت‌نامه‌اش بود که می‌گوید «خداوندا تو را سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر اما متدین و عاشق اهل بیت قرار دادی». از گزاره‌های دیگر گفتن، اشهدان لاله‌الله و شهادت به اصول دین است یا این‌که در بخشی دیگر شهادت می‌دهد «قیامت حق است، قرآن حق است، بهشت و جهنم

حق است، سؤال و جواب حق است. معاد، عدل، امامت، نبوت حق است». وی تأکید کرد: در بخش دیگری از وصیت‌نامه‌ی سردار آمده است: خدایا دستانم و کوله‌پشتی سفرم خالی است، خدایا مرا بپذیر و پاکیزه بپذیر، جز دیدار تو نمی‌خواهم. بهشت من جوار توست که حتی مقام معظم رهبری نیز می‌فرمایند؛ «معجزه‌ی اخلاص حاج‌قاسم در این بخش‌ها موج می‌زند». عمق اعتقاد حاج‌قاسم این است که می‌گوید؛ بارها تو را دیدم و حس کردم و دستم را بپذیر آن‌چنان‌که شایسته‌ی تو باشد. این‌ها همگی بیان‌گر تدین اوست و همگی در عمل، رفتار و سیره‌ی خودش ملموس بود و این بعد ولایت‌مداری اوست او در همان ابتدا مطرح می‌کند؛ «اگر بی‌بهره بودم از دوره‌ی مظلومیت علی‌بن ابیطالب و فرزندان معصوم و مظلومش، مرا در همان راهی قرار دادی که آن‌ها در همان مسیر، جان خود را که جان جهان و خلقت بود، تقدیم کردند». در واقع شهید سلیمانی اصل ولایت را در ارتباط با خدا و پیامبر گرامی و ائمه‌ی اطهار می‌بیند. سادات حسینی تصریح کرد: حاج‌قاسم در وصیت‌نامه‌ی خودش چندین بار حضرت امام (ره) و اسم مقام معظم رهبری را به‌عنوان ولی فقیه زمان یاد می‌کند «خداوند! تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام، تشیع، ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز - که جانم فدای جان او باد- قرار دادی». در جای دیگری از وصیت‌نامه‌اش می‌گوید: «جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است... برای نجات اسلام خیمه‌ی ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه‌ی رسول‌الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است. دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله‌الحرام، مدینه، حرم رسول‌الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند... من حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای را خیلی مظلوم و تنها می‌بینم. او نیازمند همراهی و کمک شماست». در مورد بصیرت هم می‌گوید: «من با عقل ناقص خود می‌دیدم برخی خناسان سعی داشتند و دارند که مراجع و علماء مؤثر در جامعه را با سخنان خود و حالت حق‌به‌جانبی به سکوت و ملاحظه بکشانند و...».

سردار سادات حسینی در خاتمه‌ی سخنانش تأکید کرد: فرهیختگان، دانشجویان، استادان و پژوهشگران باید بتوانیم سیره و جهت فکری حاج‌قاسم را بهتر تشخیص بدهیم. البته هرکس که می‌خواهد خودش را در مسیر حاج‌قاسم نشان دهد ارزشمند است، اما باید در «عمل» بتوانیم با بهره‌گیری از مکتب فاطمی آن خاتون مجاهدت، مقاومت و خاتون شهادت که فرزندان خودش را در طول تاریخ تربیت کرد، عمل کنیم و گام برداریم.



## گزارش جشن میلاد حضرت زهرا(س) و بزرگداشت مقام زن و مادر

جشن میلاد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها و بزرگداشت مقام زن و مادر، با همکاری گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده مطالعات اجتماعی و معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۹، به‌صورت مجازی (وبینار) برگزار شد.

در ابتدای نشست دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن تبریک میلاد حضرت زهرا(س) و بزرگداشت مقام زن و مادر گفت: ابتدا باید نکته‌ای را در باب ارزش این جلسات عرض کنم. با مرور شاهنامه‌ی فردوسی و تمدن ایرانی، ملاحظه می‌کنیم که عنصر جشن در آن بسیار نهادینه و مهم بوده است و ایرانیان ده‌ها فستیوال در شاهنامه به دلایل و مناسبات گوناگون برگزار می‌کردند. امیدوارم این جشن‌ها را هم عمق بخشیده و هم متعدد و متکثر کنیم و بتوانیم از طریق جشن‌های آئینی-مذهبی، جامعه‌ی با نشاط‌تری داشته باشیم. از گروه پژوهشی مطالعات زنان نیز می‌خواهم به‌منظور تقویت بنیان و نهاد خانواده و تقویت مناسبات نسلی و تعمیق روابط عاطفی بین خانواده در بین نسل‌های مختلف، به پدیده‌ی جشن‌های آئینی و ایرانی-اسلامی به‌طور ویژه همت گمارند و به‌دلیل میان‌رشته‌ای بودن این گروه تلاش کنند از پتانسیل و توانایی سایر پژوهشکده‌ها استفاده و جنبه‌ی پیش‌ران و پیش‌تازانه‌ی پژوهشگاه را از منظر علمی و آکادمیک در حوزه‌ی زنان به‌ویژه پدیده‌ی نشاط اجتماعی خانواده‌ها در پرتوی آئین‌های ایرانی-اسلامی مدنظر قرار دهند.

دکتر قبادی با تأکید بر رویکرد مسئله‌شناسانه‌ی زندگی حضرت زهرا(س) افزود: با توجه به شرایط اجتماعی

زمانه و عصر حضرت زهرا(س) که کلیه‌ی امور حتی مزار ایشان فریاد ناشناختگی و گمنامی می‌زدند، ما به‌عنوان پژوهشگر و محقق وظیفه داریم ابعاد عطرآگین وجود معنوی فاطمه‌ی زهرا(س) را بشناسیم و دستاوردهای تربیتی حضرت را برای فرزندان‌شان به‌صورت مسئله‌مندانه بشکافیم و زمانی که صحبت از الگو می‌کنیم، ببینیم این الگو باید چه شاخص‌هایی داشته باشد. همچنین معنویت وجودی حضرت را به‌عنوان دختر، مادر، همسر و مصلح بزرگ اجتماعی بشماریم و بتوانیم به نسل‌های آینده منتقل کنیم. البته پژوهش در جامعیت حضرت زهرا(س) باید با بازخوانش‌های دقیق پژوهش و بر مبنای مقتضای حال باشد تا بتواند نیاز نسل امروز را عرضه کند.

در ادامه‌ی این مراسم دکتر فاطمه جان‌احمدی، معاون پژوهشی و منابع دیجیتال کتابخانه‌ی ملی ایران، حضرت فاطمه (س) را شخصیتی والا که دارنده‌ی تمامی فضائل اخلاقی است برشمرد و افزود: در عصر تاریخی باید حضرت زهرا(س) را پدیده‌ای متفاوت دانست که ممیزکننده‌ی دو جامعه‌ی جاهلی و اسلامی است. اگر قرار باشد جامعه‌ی پیامبر را به دو بخش تقسیم کنیم؛ بخش نخست بی‌تردید بخش جاهلی است که در مکه



طی شده و بخش دیگر سیره‌ی نبوی است که در مدینه فرصت جدیدی را در جامعه‌ی اسلامی ایجاد کرده است. دکتر جان‌احمدی درخصوص مدیریت حضرت زهرا(س) افزود: حضرت زهرا(س) در خانه‌ی حضرت علی(ع) به‌عنوان یک مدیر توانمند یا رب‌البیت خانه‌ی علی(ع) است و تمام این افتخار را به خود اختصاص داد تا نام بیت حضرت علی(ع) را در انحصار خود قرار دهد. تمام منابع آورده‌اند بیت حضرت زهرا(س) خانه‌ای است که می‌تواند در آن سیره‌ی فاطمی رشد کند، حضرت علی(ع)، امام حسن و امام حسین(ع) در این دامن قرار



بگیرند و به‌عنوان شاخص‌های حاکمیت علوی و فرهنگ نبوی رشد کنند. باید مطالب را این‌گونه پیش ببریم که فاطمه زهرا(س) در عصری همسری را پذیرفتند که جامعه‌ی مدینه دچار بحران متفاوتی بود؛ پیامبر(ص) تمام دوره‌ی ده ساله‌ی مدینه در جنگ بوده، فقر و نداری و کمبودهای رفاهی در مدینه وجود داشت. به‌نظر می‌رسد حضرت زهرا(س) از یک‌سو توانست منطق خانواده‌ی فقیر را در جامعه‌ی مدینه تغییر دهد و آن‌را به‌عنوان یک رفاه‌مند معنوی معرفی کند و از سوی دیگر توانست خانه‌ی علی(ع) را به مأمونی برای بالندگی فرزندان هم‌چون امام حسن(ع)، امام حسین(ع) و حضرت زینب(س) تبدیل کرده و موجب نقش‌آفرینی متعدد آن بزرگواران در طول تاریخ شود که چنان‌چه حضرت زینب(س) نبود، شاید برای مصداق‌زدن از سیره‌ی علوی و نبوی، مشکل داشتیم. او در ادامه گفت: آن‌چه مسلم است حضرت زهرا(س) در تربیت فرزندان آن‌هم در خانه‌ی حضرت علی(ع) با نهایت کم‌سنی با عالی‌ترین شکل ممکن عمل کرده است. به‌طوری‌که همه‌ی منابع اسلامی از این سبک مدیریت و سبک زندگی به‌عنوان یک سبک زندگی اسلامی یاد می‌کنند. ایشان منطق فقر، رفاه اجتماعی و اقتصادی را تغییر داده و خانه‌ای بنا کرد که می‌توانید فرهنگ علوی را در آن شاخص‌گذاری کنید. همچنین ما حاصل نوع نگاه حضرت زهرا(س) به مقولاتی مثل؛ توحید، نبوت، امامت و معاد را در خطبه‌ی فدک ایشان ملاحظه می‌کنیم و می‌بینیم که چگونه فرهنگ آن به فرزندان و نوادگان او به‌درستی آموخته شده است. از سویی دیگر، بیشتر منابع اهل سنت بر جامعیت علم او اشاره کرده به‌طوری‌که بارها مورد تعجب شخص حضرت علی(ع) و دیگران قرار گرفته است. و در نهایت حضرت زهرا(س) یکی از بزرگ بانوانی است که در انتقال مباحث اجتماعی عصر خود بسیار تأثیرگذار بوده است.

در ادامه‌ی این برنامه دکتر قائمه نبئی، متخصص مغز و اعصاب و ستون فقرات و فاطمه فکور و روپاک نانوا به‌عنوان پزشک و پرستار از تجربه‌ی زیسته خود در ایام شیوع بیماری کرونا به‌عنوان مادر، همسر و کادر درمان صحبت کردند.

در پایان نشست فاطمه سالاروند، قائم مقام دفتر شعر جوان، اشعاری را در وصف مقام مادر و زن سرود.

## انتخاب عضو هیأت علمی پژوهشگاه به‌عنوان سفیر و نماینده‌ی دائم جمهوری اسلامی در یونسکو

دکتر احمد پاکتچی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به پیشنهاد دکتر منصور غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری همچنین با موافقت و حکم رئیس جمهوری و وزیر امور خارجه به‌عنوان سفیر و نماینده‌ی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان آموزش علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) منصوب شد.

دکتر احمد پاکتچی دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی)، رئیس پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری این پژوهشگاه و دانش آموخته‌ی رشته‌ی تاریخ از دانشگاه تهران، مطالعات ادیان و زبان‌شناسی تاریخی از دانشگاه فارابی آلماتی است که تلاش‌های علمی ارزنده‌ای در حوزه‌ی اسلام‌شناسی، زبان‌شناسی، تاریخ و مطالعات فرهنگی و قرآنی دارد.

تدریس در دانشگاه‌های فارابی قزاقستان، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی، تألیف بیش از ۱۹ عنوان کتاب، حدود ۱۴۰ مقاله در مجلات علمی-پژوهشی یا مجموعه مقالات همایش‌های علمی، ۳۵۰ مقاله دانشنامه‌ای به زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی و روسی، کسب جایزه‌ی کتاب سال رضوی (۱۳۹۲)، جایزه‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴) و نیز کتاب سال دانشگاهی دانشگاه تهران (همان سال)، حضور در بیش از ۳۵ همایش داخلی و خارجی، راهنمایی بیش از ۶۰ رساله‌ی دکتری و پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد و افزون‌بر ۳۰ سال کار دانشنامه‌ای را در کارنامه‌ی آموزشی و پژوهشی خود دارد.

دکتر پاکتچی به‌لحاظ سوابق اجرایی افزون بر مدیریت گروه‌های آموزشی-علمی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی؛ ریاست حلقه‌ی نشانه‌شناسی تهران، مدیریت دفتر ایرانی دایره‌المعارف انگلیسی‌زبان اسلامی با همکاری انتشارات بریل نیز عهده‌دار بوده است.



پس از انتصاب دکتر پاکتچی به‌عنوان سفیر و نماینده‌ی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان آموزش علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) جلسه‌ی تودیع ایشان به‌عنوان سرپرست پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سی‌ام دی‌ماه ۱۳۹۹، در سالن دکتر بیرشک این پژوهشکده برگزار شد.

در ابتدای این مراسم دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با تکریم مقام بزرگ بانوی اسلام، حضرت فاطمه زهرا (س) و تسلیت ایام فاطمیه و آرزوی سلامت برای همه‌ی همکاران، دکتر پاکتچی را علامه و دانشمندی متضلع و توانا خطاب کرد و با بیان این بیت شعر «إِذَا غَامَرْتَ فِي شَرْفِ مَرُومٍ / فَلَا تَقْنَعْ بِمَا دُونَ النُّجُومِ» ادامه داد: اگر چه استعداد و توانایی خدادادی در شکوفایی و رشد در عرصه‌های مختلف مهم است؛ اما همت افراد از آن والاتر است. همت والای استاد دکتر پاکتچی مثال‌زدنی است و فضایل اخلاقی؛ تهذیب، دانش، وفاداری و صداقت؛ در وجود ایشان یک‌جا جای گرفته است و در عرصه‌های عمل و اجراء شخصیتی بسیار فعال، منظم و سخت‌کوش هستند و نهایت مراقبت، توجه و تعهد را دارند.

دکتر قبادی تأکید کرد: شکوفایی پروژه‌های علمی و محصولات بین‌المللی شده‌ی پژوهشکده دانشنامه‌نگاری محک خوبی است برای توان و دقت اجرایی ایشان که قرار است در عرصه‌ای دیگر برای کشور خدمت کند. وی گفت: میراثی ماندگار از دکتر پاکتچی در این مجموعه به‌جا مانده است که امیدوارم بتوانیم قدر شخصیت معتدل، خردورز، دغدغه‌مند ایشان در علم و عمل را بدانیم که ایثارگرانه به امور اجرایی پرداختند. ایشان در این مدت که مسئولیت اجرایی داشتند؛ با وجود دغدغه‌های علمی فراوان، وقت گران‌بهایشان را با نهایت دقت، نظم و کارآمدی در امور اجرایی پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری صرف کردند و حال‌که ایشان به‌عنوان سفیر و نماینده‌ی دائم جمهوری اسلامی ایران در یونسکو انتخاب شده، ابراز خرسندی می‌کنیم و برای او آرزوی توفیقات الهی در سمت جدیدش داریم.

قبادی در ادامه‌ی سخنانش تصریح کرد: ان‌شاءالله همکاری علمی ایشان با پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ادامه خواهد داشت و امیداریم بتوانیم در مدت حضور ایشان در این منصب، کرسی یونسکو در پژوهشگاه راه‌اندازی شود ضمن این‌که مسئولیت‌های جانبی علمی که به ایشان واگذار شده در رابطه با تمدن نوین اسلامی ان‌شاءالله باتوجه به روان‌بودن ارتباطات در فضای مجازی ادامه پیدا کند. پایان سخن این‌که؛ برای این انتخاب و کارنامه‌ی علمی، اجرایی و صلاحیت اخلاقی و مراتب تقوی، تعهد و تخلق دکتر پاکتچی باید به مجموعه‌ی نظام جمهوری اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری تبریک و تهنیت گفت.

در ادامه‌ی مراسم دکتر ملایی‌توانی، معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی سخنانی دکتر پاکتچی را نمونه‌ی والای یک انسان فرزانه و فرهیخته دانست و با توصیف خصوصیات علمی و اخلاقی ایشان با



ایراد مثالی از «ماکس وبر» که تعبیری به‌عنوان دانشمند و سیاست‌مدار دارد، گفت: من به‌عنوان محقق و مدیر اعتراف می‌کنم که به ندرت این دو ویژگی در یک انسان جمع می‌آید، از ایشان یاد می‌کنم که این استاد ترکیب متوازی از هر دو را دارد و هم دانشمندی توانمند و هم مدیری خلاق هستند. ملایی توانی تأکید کرد: خدا را شکر می‌کنیم که مسئولین جمهوری اسلامی و کارگزاران امر توانستند ایشان را کشف و بر این مسند انتخاب کنند و برای ایشان هم آرزوی موفقیت در مسئولیت محوله را دارم که دکتر پاکتچی الگوی کاملی از یک میدان وسیع مطالعات میان‌رشته‌ای هستند و در حوزه‌های مختلف مداخل، کتب و مقاله‌هایی که تدوین کردند، می‌توان به سطح دانش و تفکر ایشان پی برد. به‌ویژه جایگاه ایشان در دانشنامه‌نگاری که با دیدن‌شان یاد دانشنامه می‌افزاید. دکتر پاکتچی به تعبیری دایره‌المعارفی سیار از علوم و دانش‌های مختلف است که پیچیده‌ترین مباحث و مضامین علمی را به ساده‌ترین و مؤدبانه‌ترین شکل و زبان انتقال می‌دهد و نظمی که داشتند همه‌گی، نشانه‌ای از فرزندی ایشان است که در سمت جدیدشان آرزوی نیز توفیق دارم. در ادامه‌ی برنامه دکتر فروغ پارسا، دکتر مریم کامیار، دکتر گل‌اندام شریفی و مهدی جعفری نیز طی سخنانی کوتاه، تشکر و احساس قلبی خود را درباره‌ی همکاری با دکتر پاکتچی ابراز داشتند.

در بخش پایانی مراسم، دکتر پاکتچی به ایراد سخنان خود پرداخت و با تشکر از رئیس پژوهشگاه، دوران فعالیت خود در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری را تجربه‌ای خوب و لذت‌بخش توصیف کرد و گفت: همان‌طور که در قبال این کشور وظایفی دارم در قبال خانواده‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی هم وظایفی دارم که حتماً انجام خواهم داد.

دکتر پاکتچی تأکید کرد: من از دوستان و همکاران دانشمندم در پژوهشگاه خداحافظی نخواهم کرد و به‌مأمورتی خواهم رفت و همیشه با شما عزیزان در ارتباط خواهم بود. در این مدت برای من دوره‌ی کارآموزی خوبی بود و توفیق همکاری نزدیک با دکتر قبادی و ظرافت و نکته‌سنجی ایشان، درایت و سیاست و درک محیطی که در آن قرار دارد و افرادی که با آن‌ها کار می‌کنند، مطالبی نیست که در دوره‌های درسی بتوان آموخت و من این امور را از ایشان آموختم و از دکتر ملایی، قنبرلو، پارساپور و تک‌تک همکاران گرامی‌ام نهایت قدردانی را دارم. دکتر پاکتچی ادامه داد: در طول این مدت که در پژوهشکده حضور داشتم، صمیمت در مجموعه‌ی دانشنامه‌نگاری موج می‌زد. ما خانواده‌ای صمیمی هستیم که شاید فاصله‌ی فیزیکی بین ما باشد، اما این دوستی‌ها باید حفظ شود و هر کسی جایگاه خود را دارد و به‌جای شخصیت حقوقی افراد با شخصیت حقیقی آن‌ها که ماندگار است، ارتباط داشته‌ام و امیدوارم که همیشه پایدار باشد و تمام تلاش‌م بر این است که طبق فرمایش دکتر قبادی عرصه‌هایی چون کرسی‌های ترویجی، کارگاه‌های مشترک، وینارهای مشترک، دعوت‌های متقابل و دعوت از استادان را با سازمان یونسکو داشته باشیم و برای رشد و تعالی پژوهشگاه در عرصه‌های بین‌المللی نیز نهایت تلاش‌م را به‌کار خواهم گرفت. این مراسم تودیع، با تقدیم لوح یادبود و هدایایی به دکتر پاکتچی پایان پذیرفت.





## پژوهشگاه برای چهارمین سال پیاپی، به مقام نخست در جشنواره‌ی نقد دست یافت

در آیین اختتامیه‌ی هفدهمین دوره‌ی جشنواره‌ی «نقد کتاب» مقالات محمدمهدی اردبیلی، سیدحسین میرجلیلی، سیاوش شوهانی و تعداد ۱۲ مقاله‌ی پژوهش‌نامه‌ی انتقادی و یک مقاله از نشریه‌ی کهن‌نامه‌ی ادب پارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌عنوان مقالات برگزیده یا شایسته‌ی تقدیر انتخاب و معرفی شدند و جوایز و لوح یادبودی به این مناسبت، به افراد برتر تعلق گرفت.



بر اساس این گزارش، مقالات متعدد ماه‌نامه‌ی علمی پژوهشی «پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی» وابسته به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی هم‌چون سال‌های گذشته به هفدهمین دوره‌ی جشنواره «نقد کتاب» راه یافته و تعدادی از آن‌ها به‌عنوان مقالات برگزیده و شایسته‌ی تقدیر انتخاب شدند.

پس از فراخوان خانه‌ی کتاب در اردیبهشت‌ماه ۹۹ تا پایان مرداد، تعداد ۱۷۶ مقاله در بخش‌های مختلف اعم از اخلاق، ادبیات داستانی، ادبیات و نقد ادبی، ارتباطات، اقتصاد، تاریخ، دین، زبان و ادبیات عربی، زبان و زبان‌شناسی، عرفان، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، فقه و حقوق، فلسفه و کلام، قرآن و حدیث، کلیات و اطلاع‌رسانی، کودک و نوجوان، متون قدیم و هنر در سامانه‌ی جشنواره بارگذاری شد. اواخر آذر تا اوایل دی‌ماه نیز ۵۸ مقاله از مقالات نشریه‌ی پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون به‌عنوان مقالات راه‌یافته به دور دوم جشنواره اعلام شد که از این میان ۹ مقاله در موضوع علوم اجتماعی، ۸ مقاله در موضوع تاریخ و جغرافیا، ۸ مقاله در موضوع زبان‌شناسی، ۶ مقاله در موضوع علوم سیاسی، ۶ مقاله در موضوع فلسفه، ۴ مقاله در موضوع اقتصاد، ۴ مقاله در موضوع نقد ادبی، ۴ مقاله در موضوع هنر، ۳ مقاله در موضوع فقه و حقوق، ۳ مقاله در موضوع کلیات اسلام، ۲ مقاله در موضوع عرفان و ۱ مقاله در موضوع کلیات اطلاع‌رسانی معرفی شدند.



در نهایت در آیین اختتامیه‌ی هفدهمین دوره‌ی جشنواره‌ی «نقد کتاب» که در تاریخ ۲۱ دی ماه سال ۱۳۹۹ با حضور محسن جوادی، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ایوب دهقان‌کار، مدیرعامل خانه‌ی کتاب و ادبیات ایران، حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدحسین اسلامی‌اردکانی، دبیر علمی جشنواره و جمعی از برگزیدگان برگزار شد؛ تعداد ۵ مقاله از نشریه‌ی پژوهش‌نامه‌ی انتقادی به‌عنوان مقالات برگزیده و ۷ مقاله به‌عنوان مقالات شایسته‌ی تقدیر انتخاب شدند که عبارت‌اند از:



- \* **کلیات و اطلاع‌رسانی (برگزیده):** «نقد کتاب مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی با تأکید بر نقد ساختاری براساس نظریه‌ی تقسیم در منطق ارسطویی»، مصطفی همدانی، پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۹۸.
- \* **دین با زیرگروه فقه و حقوق (برگزیده):** «نقد و بررسی کتاب حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها»، محمد مهدی‌الشریف و سید محسن قائم‌فرد، پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون، ش ۱۲، اسفند ۱۳۹۸.
- \* **ادبیات فارسی با زیرگروه نقد ادبی (برگزیده):** «الزامات شرح متن با نگاهی به روایت غلامحسین دینانی از غزلیات شمس»، رحمان مشتاق‌مهر، پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون، ش ۳، خرداد ۱۳۹۸.
- \* **ادبیات فارسی با زیرگروه نقد ادبی (برگزیده):** «سرگشتگی نشانه‌ها: نگاهی به نشانه‌معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی»، داود عمارتی‌مقدم، پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون، ش ۳، خرداد ۱۳۹۸.
- \* **تاریخ و جغرافیا با زیرگروه باستان‌شناسی (برگزیده):** «نقدی بر کتاب مقدمه‌ای بر ژنتیک باستان‌شناسی»، جواد حسین‌زاده ساداتی، پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون، ش ۴، تیر ۱۳۹۸.
- \* **فلسفه، کلام و عرفان (شایسته‌ی تقدیر):** «هگل بعد از نیچه: نقد و بررسی کتاب فراسوی هگل و نیچه اثر لیوت ل. ژورست»، محمدمهدی اردبیلی، پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون، ش ۷، مهر ۱۳۹۸.
- \* **علوم اجتماعی با زیرگروه علوم اجتماعی (شایسته‌ی تقدیر):** نقد و بررسی کتاب جامعه‌ی مصرفی و شهر پسامدرن»، سیاوش قلی‌پور و همایون مراخوانی، پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون، ش ۱۰، دی ۱۳۹۸.
- \* **علوم اجتماعی با زیرگروه علوم سیاسی (شایسته‌ی تقدیر):** «عدالت هویتی و اقلیت‌های فرهنگی: نقد و بررسی کتاب شهروندی چند فرهنگی اثر ویل کیملیکا»، شهاب دلیلی و مجتبی مقصودی، پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون، ش ۷، مهر ۱۳۹۸.
- \* **علوم اجتماعی با زیرگروه اقتصاد (شایسته‌ی تقدیر):** «جایگاه اقتصاد و جامعه در اندیشه‌ی ماکس وبر»، ابراهیم توفیق، پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون، ش ۱۰، دی ۱۳۹۸.
- \* **اقتصاد (شایسته‌ی تقدیر):** «نقد کتاب اقتصاد فقیر»، سید حسین میرجلیلی، پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون، ش ۹، آذر ۱۳۹۸.
- \* **زبان و زبان‌شناسی با زیرگروه زبان انگلیسی (شایسته‌ی تقدیر):** «بررسی و نقد کتاب تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی»، مصطفی حسینی، پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون، ش ۶، شهریور ۱۳۹۸.
- \* **هنر (شایسته‌ی تقدیر):** «عکاسی به‌مثابه عملی تئاتری: تحلیل و بررسی کتاب صحنه‌آرایی در عکاسی»، محمد خدادادی مترجم‌زاده، پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون، ش ۵، مرداد ۱۳۹۸.
- \* **متون کهن؛ نشریه‌ی کهن‌نامه‌ی ادب پارسی پژوهشگاه علوم انسانی**  
در این حوزه یک اثر برگزیده شناخته شد: «بازخوانی ویراست حدیقه سنائی به تصحیح محمدجعفر یاحقی و مهدی زرقانی»، وحید عیدگاه طرهبه‌ای، کهن‌نامه‌ی ادب فارسی، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
- \* همچنین در آیین اختتامیه‌ی هفدهمین دوره‌ی جشنواره‌ی «نقد کتاب» سه نقد از جمع آثار اعضای هیأت علمی و پژوهشگران پژوهشگاه علوم انسانی به‌عنوان آثار برگزیده و شایسته‌ی تقدیر انتخاب شدند.
- \* **در حوزه‌ی «تاریخ و جغرافیا»** مقاله سیاوش شوهانی با عنوان «در گیسو دار فرم: بررسی و نقد کتاب روش پژوهش در تاریخ‌شناسی»، (نقد کتاب علوم انسانی، شماره‌ی ۵، بهار ۱۳۹۸) به‌عنوان تنها «اثر برگزیده» شناخته شد.
- \* **در حوزه‌ی «فلسفه، کلام و عرفان»** مقاله‌ی دکتر محمدمهدی اردبیلی با عنوان «هگل بعد از نیچه: نقد و بررسی کتاب فراسوی هگل و نیچه اثر لیوت ل. ژورست»، (پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون، ش ۷، مهر ۱۳۹۸) به‌عنوان تنها اثر «شایسته‌ی تقدیر» شناخته شد.
- \* **در حوزه‌ی «اقتصاد»** مقاله‌ی دکتر سیدحسین میرجلیلی با عنوان «نقد کتاب اقتصاد فقیر»، (پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون، ش ۹، آذر ۱۳۹۸) به‌طور مشترک «شایسته‌ی تقدیر» شناخته شد.

## نام دو عضو هیأت علمی پژوهشگاه در میان برگزیدگان طرح‌های صنعتی وزارت عتف

دفتر ارتباط با صنعت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فهرست طرح‌های پژوهشی برگزیده‌ی صنعتی در سال ۱۳۹۹ را اعلام کرد. در این گزارش نام دو تن از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه؛ دکتر سیدمحسن علوی‌پور با عنوان طرح «ارزیابی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در شناسایی و حل مسائل سال‌مندی» و طرح پژوهشی دکتر حمید سجادی با عنوان «ارتقاء عملکرد مدیریت امنیت داخلی در مواجهه با اعتراضات» به چشم می‌خورد.



لازم به یادآوری است که از جمع ۱۲۰ طرح اعلام‌شده در هفته‌ی پژوهش طی جلسه‌ای با حضور دکتر رحیمی، معاون پژوهش و فناوری و دکتر غفاری، معاون فرهنگی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، از ۵ طرح پژوهشی به‌عنوان طرح برگزیده‌ی پژوهشی قدردانی شد که در این میان، طرح دکتر علوی‌پور به‌عنوان تنها طرح برگزیده در حوزه‌ی علوم انسانی با اهدای لوح تقدیر و تندیس ارتباط با صنعت، مورد تشویق قرار گرفت.

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

**طرح‌های صنعتی برگزیده**

**دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور**

## سه عضو هیأت علمی پژوهشگاه به‌عنوان نفرات برتر در همکاری با جامعه و صنعت معرفی شدند

معاونت پژوهشی و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (دفتر ارتباط با جامعه و صنعت) اعضای هیأت علمی برتر در همکاری با جامعه و صنعت را معرفی کرد.

در میان افراد معرفی شده، نام سه عضو هیأت علمی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ دکتر الهام ابراهیمی، دکتر محمدعلی ابوترابی و دکتر سیدحسین میرجلیلی به چشم می‌خورد. شایان توجه است که پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تنها پژوهشگاه علوم انسانی معرفی شده از سوی وزارت عتف در همکاری با جامعه و صنعت است و از میان شش عضو هیأت علمی پژوهشی انتخاب شده، سه عضو از پژوهشگاه انتخاب شده‌اند.





سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

دفتر ارتباط با جامعه و صنعت

حوزه تخصصی	مرتبه علمی	نام
اقتصاد پولی	دانشیار	<b>آقای دکتر سیدحسین میرجلیلی</b>
پست الکترونیک	پژوهشکده	پژوهشگاه
h.jalili@ihcs.ac.ir	اقتصاد	علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



**تجارب مشارکت در فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای**

- مشارکت در تهیه قانون بانکداری، بازنگری قانون بانک مرکزی، سند سیاست تجارت خارجی و لایحه رقابت
- دبیر کارگروه تخصصی ارزیابی بهران اقتصادی جهان
- عضویت در شورای سیاست‌های کلی اصل ۴۴
- ارزیابی انکوی پایه پیشرفت برای مجمع تشخیص مصلحت نظام

مهمترین قرار دادهای تفاضامحور





سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

دفتر ارتباط با جامعه و صنعت

حوزه تخصصی	مرتبه علمی	نام
مدیریت منابع انسانی	استادیار	<b>خانم دکتر الهام ابراهیمی</b>
پست الکترونیک	پژوهشکده	پژوهشگاه
e.ebrahimi@ihcs.ac.ir	اقتصاد و مدیریت	علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



**تجارب مشارکت در فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای**

- طرح جذب مدیر کل سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در سطح ملی بر اساس گام‌های ارزیابی شایستگی‌های مدیران
- طرح معادل‌سازی سطح آگاهی فناوری در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی در راستای منسب‌سازی آیین‌نامه ارتقای اعضای هیأت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مهمترین قرار دادهای تفاضامحور



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



حوزه تخصصی	مرتبه علمی	نام
اقتصاد کلان-مالی	استادیار	<b>آقای دکتر محمدعلی ابوترابی</b>
پست الکترونیک	پژوهشکده	پژوهشگاه
aboutorabi@econ@gmail.com	اقتصاد و مدیریت	علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



**تجارب مشارکت در فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای**

- مشاور طرح «نویس سند برنامه ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش فرهنگ»، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مهمترین قرار دادهای تفاضامحور

- همکاری طرح «ارزیابی اقتصادی طرح‌های پژوهشی عاتم‌هافته (با تکمیل فرم‌های مربوطه) و تعیین میزان استفاده از نتایج پروژه‌ها با

## بازدید نمایندگان مجلس شورای اسلامی از پژوهشگاه

دکتر علی کریمی فیروزجایی (عضو هیأت رئیسه) و دکتر حاجی‌پور؛ اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی با حضور در پژوهشگاه و بازدید از بخش‌های مختلف آن، در دیداری صمیمانه با حضور مسئولین و استادان پژوهشگاه، مسائل و مشکلات پژوهشگاه را مورد بررسی قرار دادند.

در این دیدار، دکتر کریمی فیروزجایی با اشاره به نقش علوم انسانی در پیشرفت کشورها، از ژاپن به‌عنوان کشوری نام برد که با اتکا به قصه‌ها و حکایت‌های مرسوم در جامعه، توانسته است مسیر توسعه را با سرعت طی کند و تأکید کرد که علوم انسانی در ایران نیز باید در پیوند با تکنولوژی، همین نقش را ایفا کند.

دکتر حاجی‌پور نیز اهمیت علوم انسانی در جهت‌گیری سایر علوم به‌منظور پیشرفت علمی و تخصصی کشور را مورد اشاره قرار داد و تأکید کرد: پژوهشگاه باید نیازها و ملزومات گسترش فعالیت‌های علمی ملی و بین‌المللی را به نهادهای مسئول اعلام کند تا با تشریح ظرفیت‌های این نهاد مهم علمی برای ثروت‌آفرینی و ارتقای سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور، امکان ارائه‌ی حمایت‌های همه‌جانبه فراهم آید.

در ادامه‌ی این جلسه مسائلی مانند محدودیت‌های فضای فیزیکی و مشکلات ناشی از فرسودگی ساختمان؛ ضرورت حمایت از جذب اعضای هیأت علمی نخبه و برجسته در رشته‌های مختلف، بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی اعضای هیأت علمی و پژوهشگران پژوهشگاه در رفع مشکلات کشور، ارتقای شبکه‌ی نخبگانی و ارائه‌ی حمایت‌های لازم، توجه به ظرفیت‌های پژوهشکده‌های مختلف، به‌ویژه پژوهشکده‌های قدیمی و برخوردار از طرح‌های کلان ملی، فرهنگی و تمدنی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی نسبت به مساعدت و رفع مشکلات پژوهشگاه ابراز امیدواری کردند.



## انعقاد تفاهم‌نامه‌ی همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با دانشگاه کابل

دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با توجه به زمینه‌های مشترک فرهنگی و رسالت‌ها و وظایف پژوهشگاه علوم انسانی و دانشگاه کابل به‌ویژه در زمینه‌ی شناسایی و پاسداری از زبان و فرهنگ فارسی پس از پیگیری‌های مداوم از طریق مرکز همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت عتف و وزارت امور خارجه موفق به انعقاد تفاهم‌نامه همکاری با دانشگاه کابل شد.

دانشگاه کابل قدیمی‌ترین و معروف‌ترین دانشگاه دولتی افغانستان است که در سال ۱۹۳۲م. (۱۳۱۱ ش) تأسیس شده است و در حال حاضر دارای ۲۲ دانشکده، ۱۰۲ گروه، بیش از ۸۹۰ استاد و بیش از ۲۶۰۰۰ دانشجوی در مقطع‌های لیسانس و فوق لیسانس است. دانشگاه کابل با توجه به اهمیت برقراری تفاهم‌نامه‌های علمی بین‌المللی خود جهت تأمین و گسترش فعالیت‌های علمی، ارتقای کیفیت و ایجاد زمینه‌ی مشارکت در تجارب و مهارت‌های علمی- فنی با بیش از ۶۰ دانشگاه معتبر دنیا تفاهم‌نامه‌های علمی منعقد کرده است. دانشکده‌ی زبان و ادبیات یکی از دانشکده‌های قدیمی دانشگاه کابل بوده که در سال ۱۳۲۳ دوره‌ی کارشناسی زبان و ادبیات پارسی دری و پشتو را به‌صورت مشترک آغاز کرده است و در ۱۳۳۵ گروه‌های پارسی دری و پشتو از هم جدا شدند. برنامه‌های کارشناسی ارشد هر دو گروه به شکل جداگانه در ۱۳۵۶ و نخستین دوره‌ی دکترای هر دو گروه به‌صورت جداگانه در سال ۱۳۹۲ آغاز شده است.

در نشست مجازی که روز اول بهمن ۱۳۹۹ با حضور دکتر حسینعلی قبادی (رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر شکوه السادات حسینی (مدیر دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی) و دکتر یامان حکمت (به نمایندگی از دانشگاه کابل) از ایران و دکتر محمد عثمان بابری (رئیس دانشگاه کابل)، دکتر راحله حمیدزی (رئیس گروه زبان و ادبیات دانشگاه کابل) و نیز حضور غلامحسین شیرزاد مقدم (رایزن فرهنگی ایران در کابل) از افغانستان برگزار شد، این تفاهم‌نامه‌ی همکاری علمی امضا شد و دکتر حکمت به نمایندگی از دانشگاه کابل و شیرزادمقدم به نمایندگی از پژوهشگاه علوم انسانی تفاهم‌نامه‌ها را برای تسلیم به طرفین تحویل گرفتند.

عمده‌ترین اهداف این تفاهم‌نامه، همکاری دوجانبه، تبادل استاد، انجام تحقیقات علمی مشترک توسط استادان و دانشجویان دو نهاد، تبادل دانشجویان به‌منظور تشریح آموزش و پرورش در فرایند یادگیری دانشجویان، فراهم‌سازی زمینه‌ی برنامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های زبان‌شناسی و ادبیات برای دانشگاه کابل، راه‌اندازی نشست‌ها و همایش‌های علمی و تحقیقی مشترک، فراهم‌سازی چاپ مقالات علمی بین‌المللی، فراهم‌سازی بورسیه‌های تحصیلی برای دانشجویان دوطرف، و همچنین فراهم‌سازی زمینه‌ها جهت انجام کارهای عملی و دوره‌های آموزشی کوتاه مدت برای محصلان هر دو نهاد با استفاده از امکانات هم‌دیگر است.





در آغاز نشستی که به مناسبت مراسم امضای این تفاهم‌نامه تشکیل شد، دکتر شکوه‌السادات حسینی با قدردانی از تلاش‌های دکتر حمیدزی و دکتر حکمت، توضیحاتی درباره‌ی مقدمات انعقاد تفاهم‌نامه داد و ضمن اظهار امیدواری برای ادامه‌ی همکاری رسمی و مثمرتر میان پژوهشگاه علوم انسانی و دانشگاه کابل، از رؤسای دو طرف دعوت به سخنرانی کرد.

دکتر محمد عثمان بابری (رئیس دانشگاه کابل) با تشکر از همکاری که زمینه‌ی انعقاد این تفاهم‌نامه را فراهم کردند، اظهار امیدواری کرد که در آینده فعالیت‌های علمی مشترک چشم‌گیری رقم بخورد.

در ادامه، دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی، نیز سخنان خود را با عرض تسلیت مجدد حادثه‌ی ناگوار ترور ۲۲ تن از دانشجویان دانشگاه کابل و یادآوری یاد و خاطره‌ی قربانیان این حادثه‌ی شوم به تقدیم پیام هم‌دردی از سوی پژوهشگاه علوم انسانی در سفارت افغانستان در ایران، آغاز و اظهار امیدواری کرد که دیگر هیچ‌گاه نمونه‌ی چنین رخدادهایی را شاهد نباشیم. همچنین قبادی با توجه به زمینه‌های مشترک فرهنگی و زبانی دو کشور همکاری‌های نهادهای علمی ایران و افغانستان را اجتناب‌ناپذیر دانست و با اشاره به قدمت و سابقه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی قریب به ۶۰ سال و پیش‌گامی این پژوهشگاه در رشته‌هایی چون زبان‌شناسی شناختی و معناشناسی و نزدیکی پژوهشگران این حوزه‌ها به مرزهای دانش جهانی در نسل‌های قبلی و نسل‌های جدید، پژوهشگاه را دارای بستر مناسبی برای ایجاد همکاری‌های علمی در زمینه‌های مشترک دانست.

دکتر قبادی با اشاره به اهمیت همکاری با دانشگاه بزرگ و قدیمی کابل و نیز سوابق همکاری گذشته بین دانشجویان و استادان افغان با پژوهشگاه علوم انسانی، اظهار امیدواری کرد که امضای این سند تفاهم‌نامه، همکاری دو طرف را در زمینه‌های دیگر از جمله برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت هم‌چون کارگاه‌های علمی و نشست‌های مشترک تا تبادل استاد و دانشجو و اخذ مجوز از شورای گسترش وزارت علوم ایران برای پذیرش دانشجویان افغانستانی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری با ارائه‌ی مدرک رسمی افزایش دهد و بتوان در زمینه‌ی گسترش زبان و ادبیات فارسی خدمات خوبی ارائه کرد و به رشد و ترقی و نیز گسترش مودت و دوستی عمیق بین دو کشور کمک کرد.

در ادامه‌ی این نشست دکتر حکمت، این روز را برای دانشگاه کابل و پژوهشگاه علوم انسانی روزی تاریخی خواند و پیوند این دو نهاد با سابقه و معتبر در هر دو کشور را دارای ثمرات نیکویی از جمله تربیت نسلی از زبان‌شناسان متخصص در زمینه‌ی زبان فارسی و پشتو خواند که ما را به توسعه‌ی علم در افغانستان نزدیک‌تر کند. همچنین وی افزود، بی‌تردید پژوهشگاه هم می‌تواند از طریق این تفاهم‌نامه در زمینه‌ی زبان پشتو از دانشگاه قدیمی کابل استفاده‌های خوبی ببرد.

در ادامه شیرزاد مقدم (رایزن فرهنگی ایران در افغانستان) نیز با اشاره به روابط دوستانه، صمیمانه و هم‌دلانه‌ی رایزنی فرهنگی ایران در افغانستان با دانشگاه کابل و استقبال از انعقاد تفاهم‌نامه‌هایی با مؤسسات علمی افغانستان که به همکاری‌های علمی و فرهنگی دو کشور کمک خواهد کرد، بر تاریخ مشترک چهارهزار ساله‌ی دو کشور و زمینه‌های مشترک زبانی تأکید کرد و امضای این یادداشت تفاهم را گامی در جهت تداوم روابط دوستانه‌ی دو کشور خواند. وی با اشاره به بنای درحال ساخت دانشکده‌ی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه کابل با همکاری ایران، این اقدام نیکو را نیز یکی از راه‌های گسترش زبان و ادبیات فارسی در این کشور خواند.

دکتر راحله حمیدزی با اشاره به تلاش‌های صورت‌گرفته برای انعقاد این تفاهم‌نامه در ماه‌های اخیر آن را نقطه‌ی عطفی در روابط دانشگاه کابل و پژوهشگاه دانست.

گفتنی است، در سال‌های گذشته همکاری قابل توجهی در زمینه‌ی برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها بین پژوهشگاه علوم انسانی و نهادهای علمی کشور افغانستان صورت گرفته است؛ از جمله: نشست «ملایض محمدکاتب‌هزاره پدر تاریخ افغانستان»، نشست «زبان فارسی در افغانستان» با سخنرانی دکتر محمد سرور مولایی و هم‌اندیشی «میراث مشترک نوروز در افغانستان» در سال ۱۳۹۶؛ نشست «رمان مهاجرت زنان افغانستان» در سال ۱۳۹۷؛ نشست «بررسی ادوار شعر فارسی افغانستان از بیداری تا سقوط سلطنت» با سخنرانی دکتر رضا چهرقانی در سال ۱۳۹۸؛ و نیز حضور هیأتی ۲۵ نفری از استادان زبان و ادبیات فارسی از کشور افغانستان با سخنرانی استاد تقی پورنامداریان در همین سال؛ و سخنرانی دکتر مریم سادات فیاضی در نشست مجازی «بازتاب کرونا در نغمه‌ها و ترانه‌های آسیا» با عنوان «تحلیل زبان‌شناختی نغمه‌های ایران و افغانستان در دوره‌ی کرونا» که با حضور علاقه‌مندانی از افغانستان در سال ۱۳۹۹ برگزار شد.

## گزارش پژوهشگاه در طرح ارتقاء به تراز بین‌المللی

جلسه‌ی شماره ۶۹ کمیته‌ی هدایت و نظارت «پروژه‌ی ملی اقتصاد مقاومتی ارتقاء و تبدیل پنج دانشگاه و پنج مرکز پژوهشی برتر به تراز بین‌المللی»، ۲۰ دی ماه ۱۳۹۹، به‌منظور ارائه‌ی گزارش فعالیت‌های دانشگاه تهران و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در طرح تراز بین‌الملل به‌صورت مجازی با حضور دکتر علی خاکی صدیق (معاون آموزشی وزارت عتف)، دکتر سیدمحمدعلی توکل کوثری (استاد دانشگاه تهران)، دکتر یوسف ثبوتی (استاد دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان)، دکتر حسین راغفر (استاد دانشگاه الزهراء)، دکتر عبدالله سلیمی (استاد دانشگاه کردستان)، دکتر سعید سمنانیان (استاد دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر عبدالرضا سیمچی (استاد دانشگاه صنعتی شریف)، دکتر شجاع‌الساداتی (استاد دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر مجتبی شریعتی نیاسر (استاد محترم دانشگاه تهران) دکتر علی‌اکبر صبوری (استاد دانشگاه تهران)، دکتر نیلی احمدآبادی (رئیس دانشگاه تهران) دکتر محمد جوان (عضو کارگروه پروژه و استاد دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر نوه ابراهیم (عضو کارگروه پروژه و استاد دانشگاه خوارزمی)، دکتر حسینعلی قبادی (رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر شکوه‌السادات حسینی (مدیر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه) برگزار شد. در ابتدای این نشست مجازی، دکتر نیلی احمدآبادی (رئیس دانشگاه تهران) درخصوص گزارش عملکرد دانشگاه تهران در طرح تراز و نقد و بررسی آن توسط حاضرین گزارشی ارائه کرد.



سپس دکتر حسینعلی قبادی در خصوص فعالیت‌های بین‌المللی پژوهشگاه بیان کرد که پژوهشگاه در مقایسه با دانشگاه‌های جامع چون دانشگاه تهران، تقریباً در نقطه‌ی صفر قرار دارد اما برخلاف محدودیت‌ها و پتانسیل‌های موجود، اقدامات قابل توجهی انجام شده است. قبادی با اشاره به طرحی در حوزه‌ی زبان‌شناسی که به سفارش یکی از مؤسسات علمی در کشور کانادا آغاز و به‌دلایل امنیتی متوقف شده بود، موانع امنیتی و مسائل ایدئولوژیکی را به‌عنوان نمونه‌هایی از موانع انجام فعالیت‌های بین‌المللی در رشته‌های علوم انسانی برشمرد. وی همچنین به انعقاد تفاهم‌نامه‌های خوبی که با مؤسسات و مراکز دانشگاهی با کشورهای ترکیه، آلمان، روسیه، هندوستان، کشورهای شمال آفریقا و نظایر آن اشاره کرد که می‌تواند در انعقاد قراردادهای بین‌المللی راه‌گشا باشد. قبادی همچنین با اشاره به برگزاری سالانه‌ی همایش شمس و مولانا با حضور سفیر کشور ترکیه در خوی، یکی از اقدامات مثمر پژوهشگاه در حوزه‌ی بین‌المللی را شناسایی و ثبت چهره‌ها و میراث تمدنی کشور به نام ایران در عرصه‌ی بین‌المللی خواند.

پس از سخنان رئیس پژوهشگاه، دکتر شکوه‌السادات حسینی، مدیر همکاری‌های علمی و فرهنگی، با ارائه‌ی گزارش عملکرد پژوهشگاه در ۵ سال گذشته در شش محور خواسته شده توسط معاونت آموزشی وزارت عتف، توضیحاتی



را ارائه کرد. محورهای ارائه شده به شرح زیر بود:

۱. گزارشی از مقایسه‌ی عملکرد پژوهشگاه طی سالهای حضور در پروژه و جایگاه در نظام‌های رتبه‌بندی مصوب پروژه؛
۲. آمادگی برای ارائه‌ی خدمات پژوهشی و مشارکت اجتماعی و عکس‌العمل سریع در شرایط بحران و سطح تاب‌آوری در برابر ناملايمات؛
۳. جهت‌گیری جدید پژوهشی برای فعالیت در سالهای آتی با عنایت به شرایط شیوع ویروس کرونا؛
۴. راهکار استقلال مالی و چگونگی کاهش میزان وابستگی مراکز به بودجه دولتی؛
۵. روند ارتباطات بین‌المللی در سالهای آتی با توجه به شرایط شیوع ویروس کرونا؛
۶. اقدامات به‌عمل آمده در حرکت به سوی پژوهشگاه جامعه‌محور؛

در ادامه دکتر خاکی صدیق، معاون آموزشی وزارت عتف، با اشاره به اقدامات بسیار قابل توجهی که پژوهشگاه در زمینه‌ی پاندومی کرونا انجام داده است، و تقدیر و تشکر از مسئولان پژوهشگاه برای حضور فعال در این شرایط بحرانی، عدم تسلط اعضای هیأت علمی پژوهشگاه به زبان‌های خارجی و نیز ترجمه‌ی آثار تولید شده در پژوهشگاه به زبان انگلیسی را به‌عنوان موانع ورود به عرصه‌ی بین‌المللی خواند. همچنین دکتر سمنانیان و دکتر شجاع‌الساداتی قلت کسب درآمدهای اختصاصی برای استقلال مالی پژوهشگاه را به‌عنوان نقطه ضعف در ارائه‌ی گزارش پنج ساله و نیز لزوم جذب گرنت برای اعضای هیأت علمی را به‌عنوان یکی از راهکارهای تقویت آن دانست.

در خاتمه‌ی این نشست مجازی نیز دکتر قبادی در خصوص تسلط اعضای هیأت علمی پژوهشگاه به زبان‌های خارجی، توضیح داد که چهره‌های شاخصی به‌ویژه در رشته‌های زبان‌شناسی، فرهنگ و زبان‌های باستانی در پژوهشگاه وجود دارند که به بیش از یک زبان نیز مسلط هستند اما با وجود موانعی که در ابتدا به آن‌ها اشاره شده امکان حضور در عرصه‌های بین‌المللی را با محدودیت‌هایی مواجه کرده است. وی در خصوص انتشار کتاب به زبان انگلیسی در پژوهشگاه به مواردی اشاره کرد و این هدف را به‌عنوان یکی از اهداف آتی پژوهشگاه برشمرد. قبادی همچنین با توجه به عدم تحقق ۲۸ درصد از بودجه‌ی سال گذشته‌ی پژوهشگاه، اقدامات به‌عمل آمده در خصوص کسب درآمدهای اختصاصی از طریق طرح‌های کارفرمایی و نیز مرکز آموزش‌های آزاد که در گزارش پژوهشگاه بیان شده، تنها بخشی از درآمدهای اختصاصی پژوهشگاه دانست و بیان کرد: کمیته‌هایی به منظور افزایش درآمدهای پژوهشگاه در حال شکل‌گیری است که امید است در خصوص استقلال مالی راهکارهای مناسبی در دستور کار قرار گیرد.



## پیشنهاد تأسیس موزه یا بنیاد فردوسی در محل کتابخانه‌ی استاد مینوی

نشست مشترک پژوهشگاه با مسئولان شهرداری و شورای شهر تهران در خصوص مسائل کتابخانه‌ی استاد مینوی در تاریخ ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۹، در محل این کتابخانه برگزار شد.

در ابتدای این نشست حاضرین در جلسه از مجموعه‌های مختلف کتابخانه‌ی استاد مینوی و استاد دانش‌پژوه بازدید به‌عمل آوردند، سپس دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، ضمن آرزوی سلامتی برای همه‌ی بیماران، درباره‌ی اهمیت کتابخانه‌ی استاد مینوی و تلاش‌های پژوهشگاه باوجود برخی مشکلات و کمبودها نکاتی را درخصوص توسعه و تجهیز کتابخانه، مطرح کرد.

در ادامه دکتر حمیدرضا رادفر، مدیر کتابخانه، مرکز اسناد و اطلاعات علمی پژوهشگاه در مورد پیشینه، اهمیت، نحوه‌ی سازماندهی و خدمات‌رسانی کتابخانه و تلاش‌هایی که در چند سال گذشته برای بهبود شرایط عمرانی و توسعه‌ی خدمات و فعالیت‌های پژوهشی در این کتابخانه شده است، سخن گفت.

دکتر ملایی‌توانی، معاون پژوهش و تحصیلات تکمیلی نیز در ادامه ضمن پرداختن به اهمیت این کتابخانه و منابع آن، پیشنهاد ایجاد بنیاد فردوسی یا مطالعات فردوسی در این مکان را ارائه دادند.

دکتر زهرا پارساپور، معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی نیز ضمن ارائه‌ی طرح‌نامه، ایجاد خانه یا موزه‌ی استاد مینوی، بر اهمیت این کتابخانه برای محله تأکید کرد. وی ضمن برشمردن مشکلات فیزیکی و مالی کتابخانه‌ی استاد مینوی، پیشنهاد خرید و اضافه کردن ساختمان کناری کتابخانه که ظاهراً خالی از سکنه نیز هست را به مجموعه‌ی شهرداری ارائه کرد. دکتر قبادی نیز تأکید داشت تبدیل این کتابخانه به موزه می‌تواند بر جذابیت‌های این مکان علمی بیافزاید.

سپس دکتر محمد دهقانی، پژوهشگر و عضو هیأت امنای کتابخانه‌ی استاد مینوی، توضیح داد: پس از مدتی کار و پژوهش در این کتابخانه و تورق کتاب‌ها و خواندن یادداشت‌های استاد مینوی تازه به میزان بزرگی و اهمیت استاد آشنا شدم. وی از بررسی بیش از ۵۰۰۰ کتاب و یادداشت‌های آن خبر داده و نوید انتشار کتابی تحت عنوان ویراستار خاموش در همین زمینه را داد. همچنین از بررسی بیش از ۵۰۰۰ برگ سند و نامه‌ی تاریخی و این‌که این منابع در حوزه‌ی تاریخ از اهمیت والایی برخوردارند صحبت کرد. دکتر دهقانی باتوجه به منحصربه‌فرد بودن برخی کتاب‌های خطی موجود در کتابخانه و همچنین اهمیت بالای اسناد، نامه‌ها و تصاویر موجود در کتابخانه، ضرورت اسکن آثار را بسیار بالا دانست و حفاظت فیزیکی از منابع را جزو دغدغه‌های اصلی خود بیان داشت. در ادامه احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر تهران، ضمن سپاس از نظم و ترتیب حاکم بر کتابخانه، پیشنهاد مذاکره با سازمان نوسازی شهرداری جهت تعمیر و نوسازی ساختمان را مطرح کرد. مسجدجامعی پیشنهاداتی در زمینه‌ی انتقال کتاب‌های اهدایی به کتابخانه‌ی استاد مینوی، به کتابخانه‌های دیگر، دعوت از مهندسين جهت مقاومت‌سنجی ساختمان، راه‌اندازی جایزه‌ی استاد مینوی در زمینه‌ی تاریخ، و همکاری و کار مشترک با کتابخانه‌های مهم داخلی و منطقه‌ای به‌خصوص کشور ترکیه را نیز ارائه کرد.

در ادامه‌ی برنامه دکتر سمیه حاجوی، شهردار منطقه ۷ تهران، ضمن تشکر از دعوت و بیان اهمیت این کتابخانه در منطقه، اعلام کرد: نسبت به پیگیری موارد درخواستی و کسب مجوزها اقدام خواهند کرد.

در پایان نشست نیز المیرا خانلرخانی، مسئول کتابخانه استاد مینوی باتوجه به اهمیت و قابلیت‌های فضای مجازی بر حرکت به‌سوی کتابخانه‌ی دیجیتال جهت توسعه‌ی خدمات‌رسانی این کتابخانه نکاتی را یادآور شد.



## بازدید عضو شورای شهر و شهردار منطقه ۶ از پژوهشگاه

احمد مسجدجامعی عضو شورای اسلامی شهر تهران به همراه مهندس تورج فرهادی، شهردار منطقه ۶ تهران، روز پنج‌شنبه ۲۷ آذرماه ۱۳۹۹، با حضور در ساختمان مرکزی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن بازدید از بخش‌های مختلف، در جریان مسائلی و مشکلات آن قرار گرفتند. در این جلسه دکتر قبادی با ارائه‌ی گزارشی از فعالیت‌ها و ظرفیت‌های ویژه‌ی پژوهشگاه جهت ارائه خدمات مؤثر و ماندگار فرهنگی به شهروندان، از شهرداری تهران خواست در این زمینه مساعدت کند. در ادامه برخی مسائل و مشکلات حقوقی و اداری در خصوص ساختمان‌ها و اموال پژوهشگاه مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مهندس فرهادی با اشاره به دغدغه و عزم شهرداری برای حمایت از نهادها و مؤسسات علمی نسبت به رفع این مشکلات قول مساعد داد. گفتنی است، در این زمینه صورت جلسه‌ای جهت تسهیل فرآیندهای قانونی امضاء شد.



## بازدید روزانه‌ی پرتال جامع علوم انسانی از مرز یک صد هزار نفر گذشت

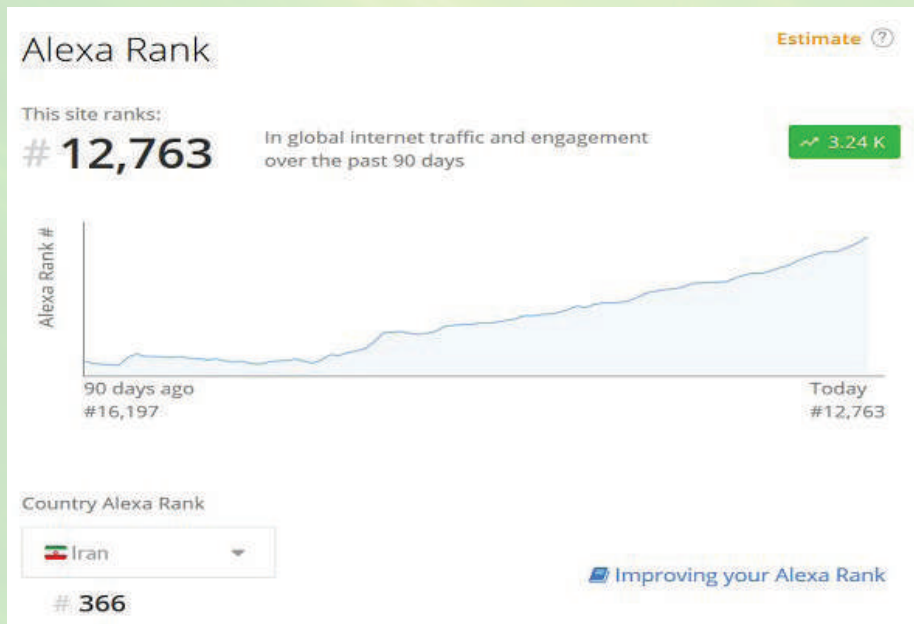
پرتال جامع علوم انسانی (<http://ensani.ir/fa>) به‌عنوان تنها بانک اطلاعاتی کشور با دسته‌بندی موضوعی در بیش از سه هزار و ۳۰۰ زیرشاخه علوم انسانی و اسلامی، تاکنون اقدام به بازانتشار نسخه‌ی الکترونیک بیش از ۳۵۵ هزار مقاله تمام متن از حدود یک‌هزار و ۴۰۰ نشریه‌ی علمی کشور در قالب بیش از ۴۰ هزار شماره مجله کرده است.



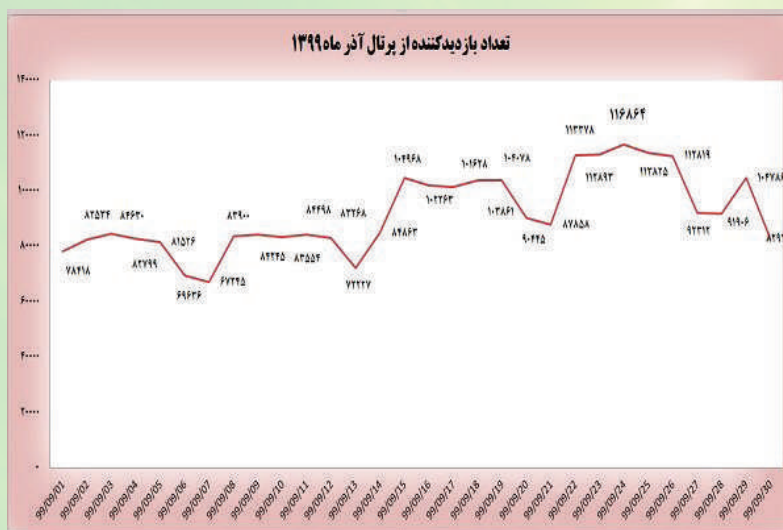
وجود بیش از ۳۵۵ هزار مقاله‌ی تمام متن که باعث مراجعه مداوم استادان دانشگاه، پژوهشگران، دانشجویان، و علاقه‌مندان به یافته‌های پژوهشی به پرتال جامع علوم انسانی شده، این پرتال را به محل مناسبی برای معرفی و نمایش آخرین دستاوردهای علمی از جمله مقالات، کتب و دوره‌های آموزشی کرده است. پرتال جامع علوم انسانی تاکنون اقدام به درج دو فراخوان برای ثبت نشریات حوزه‌ی علوم انسانی و اسلامی و همچنین فراخوان درج مقالات میان‌رشته‌ای نشریات در پرتال کرده است.

### ویژگی‌های ممتاز پرتال جامع علوم انسانی

رایگان بودن، دسترسی به محتوای تمام‌متن، دسته‌بندی موضوعی مطالب، سهولت دسترسی از طریق فیلترهای موجود نظیر: منبع منتشر کننده، نام نویسنده، سال انتشار، درجه علمی مطلب، موضوع مقاله و ... در کنار سرعت مناسب دسترسی به محتوا و روزآمدی که از ویژگی‌های ممتاز پرتال جامع علوم انسانی (<http://ensani.ir/fa>) محسوب می‌شود، فضایی را فراهم آورده که میزان مراجعات به پرتال روزبه‌روز در حال افزایش است.



همچنین در رتبه‌بندی پربازدیدترین وبگاه‌های مراجعه شده توسط کاربران ایرانی که از سوی وبگاه معتبر Alexa منتشر می‌شود، پرتال جامع علوم انسانی در رتبه‌ی ۳۶۶ قرار گرفته که رتبه‌ی قابل ملاحظه‌ای محسوب می‌شود. پرتال جامع علوم انسانی با در پیش گرفتن برنامه‌ریزی مناسب امکان دسترسی آسان به تحقیقات را فراهم ساخته که این امر ضمن کمک به پیشرفت علمی، باعث افزایش استناددهی محققان ایرانی نیز می‌شود.



نشریات علاقه‌مند می‌توانند درخواست عضویت خود را از طریق نشانی <http://ensani.ir/fa/form> در پرتال ثبت فرمایند.

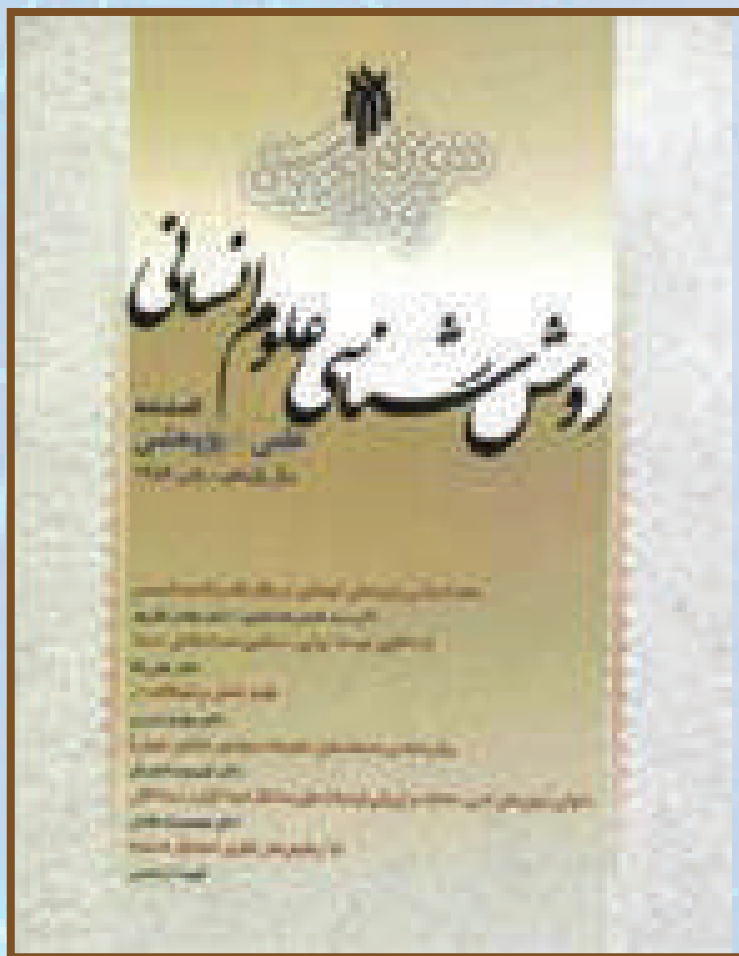
## گفت‌وگو درباره‌ی نشریه‌ی روش‌شناسی علوم انسانی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پنل مجازی گفت‌وگو درباره‌ی نشریه‌ی روش‌شناسی علوم انسانی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با حضور اعضای کمیته روش‌شناسی علوم انسانی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی وابسته به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مورخ پنجشنبه ۲۷ آذرماه ۱۳۹۹، برگزار شد.

اعضای کمیته‌ی روش‌شناسی سیدمحمدرضا حسینی‌بهشتی، حمید پارسانیا، سیدمحمدتقی موحدابطحی، محسن الویری، رحیم نوبهار، محمدتقی طباطبایی، مالک شجاعی‌جشوقانی، شمس‌الملوک مصطفوی و دبیر گروه، فائقه‌السادات میرمحمدحسینی فشمی، در این نشست حضور داشتند.

در آغاز برنامه مصطفوی، مدیر پنل در مورد دلایل برگزاری این نشست گفت: چندی پیش فصلنامه‌ی علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی صدمین شماره‌ی خود را منتشر کرد. با توجه به جایگاه روش‌شناسی در مباحث علمی، کمیته‌ی روش‌شناسی علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بر آن شد تا در هفته‌ی پژوهش نشستی با حضور اعضای کارگروه و حمیدرضا حسینی سردبیر این نشریه برگزار کند.

وی اظهار داشت: کمیته‌ی روش‌شناسی علوم انسانی تلاش می‌کند با توجه به کلان مسئله‌های مرتبط با روش‌شناسی علوم انسانی، مشکلات موجود در ارتباط با روش‌شناسی را در حوزه‌های مختلف علوم انسانی اعم از اقتصاد، فلسفه، تاریخ، روان‌شناسی، علوم اجتماعی و علوم سیاسی و ... بررسی کند و راه‌کارهایی را که می‌توان در جهت بهبود امور اندیشید، ارائه دهد. از آنجایی که هنوز تفکیک روشنی میان روش تحقیق در علوم انسانی و روش‌شناسی علوم انسانی وجود ندارد، این کارگروه تلاش می‌کند کتاب‌هایی را که مستقیم به موضوع روش‌شناسی اختصاص دارند در دستور کار نقد و بررسی قرار دهد و از این طریق موضوعات مرتبط با روش‌شناسی را در سطح دانشگاه‌ها و مجامع علمی روشن گرداند.



در ادامه حمیدرضا حسنی، سردبیر نشریه در خصوص نشریه‌ی روش‌شناسی علوم انسانی توضیح مختصری ارائه داد و گفت: این فصلنامه از باسابقه‌ترین نشریات در حوزه‌ی علوم انسانی است که از همراهی نخبگان و فرهیختگان زیادی در این حوزه برخوردار است. وی اظهار داشت: راهبرد نشریه گسترش و تعمیق مسائل روش‌شناسی، تمهید و بسترسازی هم‌سو با نیازهای بومی و ارائه‌ی مدلی موفق از علم دینی است.

دکتر حسنی بازخوردهای انتشار نشریه را از طرف اهالی حوزه و دانشگاه بسیار مهم دانست و اشاره کرد که نشریه تا به حال سه ویژه‌نامه در حوزه‌ی فلسفه‌ی تکنولوژی، علوم انسانی پیچیده و فلسفه‌ی شهرسازی داشته است.

پس از صحبت‌های حسنی، اعضای کمیته‌ی روش‌شناسی مسائل و سؤالات خود را در خصوص فعالیت‌های نشریه مطرح کرده و پیشنهادهای جهت بهبود کار ارائه کردند.

سخنان اعضای کمیته روش‌شناسی را می‌توان حول محورهای زیر خلاصه کرد:

- ضرورت ارائه‌ی تحلیلی از مقالات منتشر شده و شناسایی خلأهای موجود
- رصد مباحثی که در سطح جهانی در ارتباط با روش‌شناسی مطرح است.
- ارزیابی تأثیری که نشریه توانسته در ارتباط با روش‌شناسی در حوزه و دانشگاه ایجاد کند.
- تأکید بر نیاز به ارزیابی عملکرد نشریه و تأثیر نشریه در حوزه و دانشگاه، به‌خصوص در حوزه‌های علمیه و در مباحث مربوط به فقه و برآورد این مسئله که این نشریه چقدر توانسته است چنین تأثیری را ایجاد کند و دید درستی در مورد روش‌شناسی به مخاطبان خود ارائه دهد.
- ارائه‌ی ارزیابی از این که دستاوردهای چاپ صد شماره نشریه چه بوده است.
- نیاز به بررسی بیشتر اصل مسئله‌ی روش‌شناسی، جایگاه دانش روش‌مند و دانش‌های غیرروش‌مند در نشریه‌ی روش‌شناسی، توجه به تاریخچه‌ی پیدایش اندیشه روش و ضرورت‌هایی که ایجاد کرده روش‌شناسی به‌عنوان یک جریان مطرح شود.
- پیشنهاد برای این که یک ارزیابی از درون در مورد ارزیابی نشریه انجام شود و پیشنهاد شد که مسئولیت بررسی نقدانه مجله را بر عهده‌ی جمعی از گردانندگان مجله و اندیشمندان و صاحب‌نظران واگذار کنند.
- نیاز به تعامل بیشتر و گسترده تر با مراکزی که به بحث روش می‌پردازند. از جمله میز علوم انسانی
- ضرورت توجه نشریه به رساله‌هایی که در حوزه‌ی روش‌شناسی رشته‌های مختلف علوم انسانی از جمله علوم اجتماعی تحریر می‌شود و انعکاس محتوای این رساله‌ها در قالب مقاله در نشریه
- پیشنهاد می‌شود که موضوعاتی در آغاز هر سال اعلام شود تا اندیشمندان و صاحب‌نظران بتوانند مقالاتی را حول آن محورها ارائه دهند.
- ارزیابی این که در مورد مبانی روش‌شناسی علوم انسانی چه کارهایی طی این صد شماره انجام شده است و این کارها چه تأثیراتی داشته است.

پس از بیان سؤالات اعضای هیأت علمی حاضر در جلسه که همگی از فعالیت‌های نشریه قدردانی کردند و پیشنهادات و نظرات مطرح شده را در جهت بهبود و پیشرفت نشریه دانستند، حسنی در پاسخ به سؤالات شرکت‌کنندگان و اعضای کمیته‌ی روش‌شناسی بیان کرد که نشریه‌ی روش‌شناسی علوم انسانی انعکاس‌دهنده دیدگاه اهالی علم در کشور است و سیر تطور نشریه نشان می‌دهد که مباحث مربوط به روش‌شناسی رشد درخور توجهی داشته است و پیشرفت‌های زیادی در این حوزه صورت گرفته است.

حسنی همچنین ضمن تشکر از نظرات و دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان و پیشنهادات استادان درخصوص نیاز به داشتن ویژه‌نامه‌های تخصصی اعلام کرد که تاکنون چند ویژه‌نامه داشته‌اند و عناوین بسیار زیادی را برای انتشار ویژه‌نامه در نظر گرفته‌اند که با توجه به دشواری کار جریان انتشار آن‌ها کند است. همچنین بیان داشت که برای آشنایی با جریان‌های روش‌شناسی در غرب نیز فعالیت‌های انجام شده است.

## درج شناسه‌ی بین‌المللی DOI برای ۲۴ نشریه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ارتقای رتبه‌های نشریات پژوهشگاه در کمیسیون نشریات وزارت علوم و کسب شناسه بین‌المللی برای مقالات (DOI)

با وجود شرایط خاصی که کل کشور به دلیل بیماری کرونا با آن روبه‌رو بوده است، بخش‌های مختلف پژوهشگاه از جمله مدیریت انتشارات، به صورت خستگی‌ناپذیر بر تلاش‌های اجرایی خود افزوده و تداوم همکاری با صاحبان مقالات، سردبیر و اعضای تحریریه نشریات را سرلوحه‌ی کار خود قرار دادند. تلاش‌های ارزشمندی که علاوه بر انعکاس آثار علمی و پژوهشی اعضای محترم هیأت علمی پژوهشگاه، با در هم شکستن موانع سخت دوران کرونایی، سایر محققان را نیز در انتشار آثار پژوهشی خود یاری کرد. بنابراین این شراکت می‌تواند به‌عنوان الگویی مناسب در تحقق اهداف سترگ کشور از جمله جهش تولید، مورد عنایت بیشتری قرار گیرد؛ شراکتی که محصول همکاری صمیمانه‌ی بخش علمی (اعضای محترم هیأت علمی) و بخش اجرایی (واحد نشریات) پژوهشگاه است.

از اریبهشت ۱۳۹۸ با ابلاغ آیین‌نامه‌ی جدید ارزیابی نشریات از سوی کمیسیون نشریات وزارت عتف مقرر شد، تمام نشریات کشور (اعم از علمی-پژوهشی / علمی- ترویجی و...) در سامانه‌ی ارزیابی ثبت نام و مجدداً در فرآیند ارزیابی قرار گیرند. همچنین بر اساس همین آیین‌نامه، از این پس دیگر نشریات عنوان علمی-پژوهشی یا علمی-ترویجی نخواهند داشت و صرفاً با عنوان نشریه علمی شناخته می‌شوند و براساس ۴ رتبه الف، ب، ج، د درجه‌بندی کیفی و کمی خواهند شد. در این فرآیند ۲۱ نشریه‌ی پژوهشگاه موفق به کسب رتبه «ب» شدند و در تلاش هستند تا بتوانند به رتبه «الف» ارتقا یابند دو نشریه دیگر نیز در فرآیند ارزیابی قرار دارند. اهم اقدامات بخش نشریات به شرح زیر است:

\* ثبت ۲۳ نشریه علمی در سامانه‌ی میفا

\* کسب صد در صدی رتبه «ب» برای نشریات پژوهشگاه

\* ثبت سه نشریه در نمایه بین‌المللی DOAJ (تحقیقات تاریخ اجتماعی، حکمت معاصر، ادبیان و پژوهش‌های میان رشته‌ای)

\* ثبت ۶ نشریه در نمایه‌ی Google scholar (تحقیقات تاریخ اجتماعی، حکمت معاصر، ادبیات و پژوهش‌های میان رشته‌ای، فلسفه‌ی علم، جستارهای سیاسی معاصر، آفاق الحضاره)

\* دریافت درجه‌ی کیفی Q۱ توسط سه نشریه (جامعه‌پژوهی فرهنگی، جستارهای تاریخی، پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اجتماعی و اقتصادی)

\* دریافت درجه‌ی کیفی Q۲ توسط دو نشریه ۶ نشریه (جستارهای سیاسی معاصر، پژوهش‌نامه زنان، ادبیات پارسی معاصر، رسانه و فرهنگ، زبان شناخت، پژوهش‌نامه‌ی علوی)

\* به‌روزرسانی سامانه‌ی نشریات پژوهشگاه علوم انسانی و تغییر شکل ظاهری سامانه‌ها و افزون شدن برخی آیتم‌های جدید به سامانه‌ها که کاربری آن‌ها را تسهیل کرده است.

\* درج شناسه‌ی بین‌المللی DOI برای ۲۴ نشریه با صاحب امتیازی پژوهشگاه.

\* افزایش تولید علمی پژوهشگاه از طریق ارتقای تعداد مقالات منتشر شده در هر سال (حداقل ۲۴ مقاله)

\* مقایسه و ارزیابی امتیازبندی نشریات دانشگاه‌های برتر



## بازدید دکتر قبادی از مرکز تحقیقات امام علی (ع)

دکتر قبادی رئیس، پژوهشگاه روز دوشنبه ۱۳ بهمن ماه ۱۳۹۹، طی بازدیدی از مرکز تحقیقات امام علی (ع) با رئیس و کارکنان این مرکز در خصوص برنامه‌ها و مسائل آن گفت‌وگو کرد.

در ابتدای این جلسه، دکتر قبادی با معرفی دکتر ربانی‌زاده به‌عنوان رئیس جدید مرکز، از زحمات و تلاش‌های دکتر سیدسجاد علم‌الهدی قدردانی و تشکر کرد.

رئیس پژوهشگاه با اشاره به ابعاد جهانی شخصیت و سیره‌ی امام علی (ع) خواستار برنامه‌ریزی فعالیت‌های مرکز تحقیقات امام علی (ع) در جهت استفاده از همین فرصت برای بسط فعالیت‌های بین‌المللی و بین‌الادیانی شد. وی همچنین بهره‌گیری از فضای مجازی برای تداوم فعالیت‌های گذشته مرکز را فرصت مناسبی دانست تا با توجه به شرایط جدید کشور در رابطه با شیوع ویروس کرونا و محدودیت‌های پیش آمده اقدامات مؤثری صورت پذیرد.

دکتر قبادی در ادامه یادآور شد: سومین کنگره‌ی بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی که سال گذشته برگزار شد، نمونه‌ی خوبی برای خودگردانی برگزاری کنگره‌ها و همایش‌ها به لحاظ هزینه‌ای بود و ابراز امیدواری کرد بقیه‌ی مراکز و بخش‌های علمی پژوهشگاه نیز از این تجربه استفاده کنند و گفت «خدا را سپاسگزاریم که جایگاه مرکز تحقیقات امام علی (ع) در بین نهادهای علمی، فرهنگی و پژوهشی داخل و خارج از کشور خوب و برجسته است که این جایگاه باید حفظ و ترقی یابد».

در ادامه‌ی این نشست دکتر ربانی‌زاده ضمن تشکر از حضور دکتر قبادی در این مرکز گفت: نام امام علی (ع) جهانی است و همین امر می‌تواند فرصت مناسبی برای وحدت شیعه و سنی و حتی همکاری‌های بین‌الادیانی باشد و تأکید کرد در ماه‌های اخیر، ارتباطات خوب و گسترده‌ای با برخی نهادهای علمی، فرهنگی و مذهبی و همچنین شخصیت‌ها و اندیشمندان حوزه‌ی امام علی (ع) پژوهی برقرار شده است که می‌تواند موجب بیشتر شدن فعالیت‌های مرکز شود.



## نشست مشترک با «ستاد توسعه‌ی علوم و فناوری‌های شناختی»

در راستای گسترش ارتباط با نهادهای تأثیرگذار و تقویت پژوهش‌های مسئله‌محور، ۲۱ دی‌ماه ۱۳۹۹، دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه در جلسه‌ای که با دبیر ستاد توسعه‌ی علوم و فناوری‌های شناختی برگزار شد، به تبیین نقش، جایگاه و پتانسیل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در راستای همکاری با این ستاد پرداخت. در این جلسه که در محل ستاد توسعه‌ی علوم و فناوری‌های شناختی، با حضور دکتر خرازی، دکتر نیلی احمدآبادی، دکتر نصرت و دکتر روش به نمایندگی از این ستاد و دکتر زهرا پارساپور و دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی به نمایندگی از پژوهشگاه صورت گرفت، دکتر قبادی با اشاره به ظرفیت بالای پژوهشگاه، ضمن تأکید بر اهمیت نظریه‌پردازی و پژوهش‌های بنیادی، ضرورت تلاش برای ارتباط مؤثر با جامعه و صنعت و دغدغه‌مندی برای حل مسائل مهم را تحولی ضروری برای تقویت جایگاه پژوهشگاه دانست. وی در ادامه، با اشاره به گنجینه‌ی دانشی شکل‌گرفته در برخی از پژوهشکده‌ها، آن را به‌عنوان ذخیره و عصاره‌ی فضیلت برشمرد که می‌تواند به برکات علمی فراوان بیانجامد.

در ادامه، دکتر خرازی با اشاره به اهمیت این حوزه و البته هدایت دانشجویان تحصیلات تکمیلی به حوزه‌های میان‌رشته‌ای، آن را به‌عنوان یکی از زمینه‌های مناسب همکاری بین دو نهاد دانست.

دکتر نیلی نیز با بیان علاقه‌ی ستاد به فعالیت در حوزه‌ی علوم انسانی و اهمیت این بعد در کنار ابعاد فنی، مهندسی و ... به فرصت‌های مناسبی که برای همکاری بین دو طرف می‌تواند شکل بگیرد، اشاره داشت. وی همچنین ضرورت ترکیب علوم انسانی با علوم محاسباتی و تقویت مهارت استفاده از داده‌های بزرگ را امری اجتناب‌ناپذیر دانست لذا ستاد توسعه‌ی علوم و فناوری‌های شناختی اولویت‌های پژوهشی، توسعه‌ی زیرساخت، آموزش و ترویجی خود در سه سال اول کار خود را با توجه به این موارد تنظیم کرده و جهت طراحی اولویت‌ها ده گام اصلی زیر برداشته شده است. ستاد به‌عنوان یک نهاد ملی، با بهره‌مندی از بازخورد متخصصان و کاربران، این اولویت‌ها را در بازه‌های معین مورد بازبینی قرار خواهد داد.

پیشنهاد دکتر پارساپور به تشکیل حلقه‌های پژوهشی بین دو مجموعه، موضوع دیگری بود که با استقبال و پیشنهاد برگزاری نشست‌هایی با حضور خبرگان این حوزه همراه شد. در پایان جلسه و پس از طرح پیشنهادات مشخص از سوی پژوهشگاه، مقرر شد تا در اولین قدم، جلسات و نشست‌هایی جهت آشنایی بیشتر اعضای هیأت علمی پژوهشگاه با موضوعات و مسائل این ستاد برگزار شود.

لازم به ذکر است، با توجه به وسعت گستره‌ی حوزه‌ی علوم و فناوری‌های شناختی و چندرشته‌ای بودن آن، و نیز ضرورت توسعه‌ی سریع کیفی و کمی علوم و فناوری‌های شناختی در کشور، با توجه به اهمیت ویژه‌ی آن در آینده‌ی نزدیک در سطوح مختلف کاربردی یک نیاز استراتژیک و ملی، و نیز گرایش متخصصان از رشته‌های مختلف به حوزه‌ی علوم و فناوری‌های شناختی، ضرورت توجه هرچه بیشتر پژوهشگران و استادان علوم انسانی را می‌طلبد. در راستای تقویت این همکاری‌ها، ستاد توسعه‌ی علوم و فناوری‌های شناختی به‌طور منظم اقدام به فراخوان طرح‌های پژوهشی و حمایت از رساله‌های دکتری می‌کند که مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی پژوهشگاه، انعکاس و خبرسانی این موارد را همواره در دستور کار داشته است.



## دیدار دکتر قبادی با اعضای پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری

پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری در روز دوشنبه ۱۳ بهمن ماه ۱۳۹۹، میزبان دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی بود. در این دیدار، دکتر قبادی ضمن تبریک به مناسبت آغاز ایام‌الله دهه‌ی فجر و ولادت حضرت فاطمه (س) دیداری صمیمانه با اعضای پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری برگزار کرد. در این دیدار اعضای پژوهشکده نظرات و پیشنهادهای خود را پیرامون مسائل پژوهشکده مطرح کرده و با رئیس پژوهشگاه در میان گذاشتند.



## پاسداشت آئین ملی شب چله: برای فتح قلوب، با تکیه بر میراث بکوشیم

مدیریت فرهنگی معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی به‌مناسبت بزرگداشت بلندترین شب سال، آئین شب یلدا را برگزار کرد. این مراسم روز ۳۰ آذرماه ۱۳۹۹، در فضای مجازی از طریق برنامه‌ی وینار با حضور جمعی از استادان، دانشجویان و همکاران برگزار شد.

در ابتدای مراسم دکتر سلمان صادقی‌زاده، مدیر فرهنگی پژوهشگاه، ضمن تبریک شب یلدا، به تاریخچه و سنت‌های این آئین و اهمیت حفظ آن اشاره کرد. در ادامه دکتر زهرا پارساپور، معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی به‌عنوان نخستین سخنران جلسه، ضمن تبریک میلاد با سعادت حضرت زینب(س) به فلسفه‌ی وجودی شب یلدا اشاره کرد و از نقطه‌نظر ادبی، اجتماعی و معاشناختی به واکاوی اهمیت این شب در فرهنگ ایرانی پرداخت و گفت: یلدا واژه‌ای سریانی به معنای زایش است. شبی که در آن میترا ایزدمهر از دل سنگ متولد می‌شود و خورشید که نماد این ایزد و هم‌پیمان اوست در انتهای شب طولانی از دل کوه یا دل دریا زایش دوباره دارد. مسیحیان نیز میلاد مسیح (ع) را به شب یلدا پیوند می‌زنند و نوئل رومی نیز به معنای زادن است. پیوند خورشید با حضرت عیسی (ع) در ادبیات متجلی است و خورشید و عیسی در آسمان چهارم هم‌خانه هستند. شب یلدا تلاقی آذرماه نماینده‌ی آتش مینوی با دی ماه است که نماد اهریمن است. نبردی سخت که درد پایان به غلبه‌ی نور و مهر و فرا رسیدن روز اول دی ماه که به خرم‌روز شهره بود منتهی می‌شود. ایرانیان این شب طولانی را با گستردن خون، گردهم‌آمدن و چینش میوه‌هایی به رنگ خورشید به شادی سپری می‌کردند و با امید و مهر به استقبال پیروزی، روز و روشنی می‌نشستند.

پارساپور با اشاره به این بیت از حافظ؛ «صحبت حکام ظلمت شب یلداست/ نور ز خورشید جوی بو که برآید»، به معنای استعاری شب یلدا اشاره کرد که در این‌جا نمادی از تاریکی ظلم و ستم شاهان و حاکمان جائر است و بیان‌گر توجه به خورشید حقیقت به منظور پایان‌دادن به تاریکی جهل و جور است. در مواردی از شب یلدا به شب قدر یاد شده است.

وی همچنین از تعبیر شب یلدا به شب وصل سخن گفت و در همین رابطه با قرائت غزلی از حافظ سخن خود را خاتمه داد:

شب وصل است و طی شد نامه‌ی هجر	سلام فیه حتی مطلع‌الفجر
دلا در عاشقی ثابت‌قدم باش	که در این ره نباشد کار بی‌اجر
من از رندی نخواهم کرد توبه	و لو آذیتنی بالهجر و الحجر
برای ای صبح‌روشن دل خدا را	که بس تاریک می‌بینم شب هجر
دل‌م رفت و ندیدم روی دلدار	فغان از این تطاول آه از این زجر
وفا خواهی جفاکش باش حافظ	فان الريح والخسران فی‌التجر

در ادامه دکتر فاطمه راکعی ضمن تبریک میلاد با سعادت حضرت زینب(س) و روز پرستار و امید به تلاش جهت رهایی از این پاندمی با تأکید ارتباط شب یلدا با طبیعت با قرائت چند قطعه شعر و تقدیم به‌طرفداران طبیعت و امید به شادی بیشتر لحظات یلدائی، محفل مخاطبان را مزین کرد. وی گفت: تمامی شاعران در سراسر جهان طبع هنری خود را با زیبایی طبیعت ممزوج می‌کنند حتی زمانی که شاهد قهر طبیعت و پدیده‌هایی مانند زلزله، سیل و مواردی از این دست هستند. وی در ادامه اشعاری درباره‌ی طبیعت قرائت کرد.

در ادامه‌ی برنامه افشین علا با اشاره به بیماری کرونا و عدم پیش‌بینی آینده گفت: بهتر است همین‌دم را غنیمت شمرد. امشب فرصت خوبی است تا فرزندانمان را با ادبیات خودمان آشنا کنیم و شاید بهتر است اسم امشب را یلدای کتاب‌خوانی یا یلدای ادبیات بنامیم؛ سخن فارسی و ادبیات ما از ۱۰۰۰ سال پیش تاکنون محکم و بدون تغییر باقی مانده‌است و برای تسخیر قلوب، نیاز به لشکرکشی نداریم و درطول تاریخ با همین

حکمت و ادبیات توانستیم دنیا را تسخیر کنیم. متأسفانه به علت کوتاهی‌های ما خیلی‌ها مولانا را رومی می‌دانند درحالی‌که متعلق به ایران است. شاهنامه بزرگترین متن حماسی جهان است. رباعیات خیام در بین ملت روس در هر خانه‌ای وجود دارد. سرگجینه‌ی ادبیات ما، با دیگران رقابتی گسترده برپاست و نباید از آن غافل باشیم. وی در آخر با قرائت غزلی از حافظ به سخنان خود پایان داد.

در بخش بعدی این مراسم، بهمن بنی‌هاشمی مباحثی را درباره‌ی شب یلدا بیان کرد و همراه با نوازندگی سه‌تار از سوی استاد ناصری سروده‌های خود را قرائت کرد. ازجمله شعری با مضمون: «قسم به خواب؛ به سرمایه‌ی فراموشی پناه می‌برد انسان به شب به خاموشی...» در این قسمت برنامه‌ی موسیقی به صورت زنده اجرا شد. در پایان مراسم دکتر پارساپور ضمن اعلام خرسندی از برگزاری این برنامه و تشکر از حضور میهمانان محترم با آرزوی تداوم برنامه‌هایی با موضوع‌های فرهنگی، ادبی و گفت‌وگو در فضای صمیمی خاتمه‌ی جلسه را اعلام کرد.

مدیریت فرهنگی پژوهشگاه برگزار می‌کند:

## مراسم شب یلدا

همراه با مسابقه شعرخوانی و عکس یلدا

با حضور:

دکتر زهرا پارساپور      دکتر فاطمه راکعی

افشین اعلا      بهمن بنی‌هاشمی

مدیر برنامه:  
دکتر صادقی‌زاده

یکشنبه ۳۰ آذر ۱۳۹۹  
ساعت: ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ادرس ورود به جلسه مجازی

<https://webinar.ihs.ac.ir/b/ihc-wgf-pp7>




## مراسم بزرگداشت شهادت حضرت فاطمه زهرا (س)

به مناسبت بزرگداشت ایام فاطمیه و سالروز شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها، معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی در تاریخ، ۲۷ دی‌ماه ۱۳۹۹، نشست «فاطمه (س)، بانوی عشق و خرد جاودانه» را برگزار کرد.

در ابتدای این نشست که به‌صورت مجازی از طریق اسکای‌روم با حضور جمعی از دانشجویان، استادان و کارکنان پژوهشگاه برگزار شد،

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه از مدیریت فرهنگی به‌خاطر برگزاری چنین مراسمی قدردانی کرد. وی، زندگانی حضرت فاطمه زهرا (س) را رمزواره‌ای برشمرد که از ابتدا با یک رمزی طلوع کرد، رمزواره زندگانی کرد و رمزواره از این دنیا رفت، به‌طوری‌که حتی امروز، قبری برای آن حضرت، نشان نداریم و این وجه رمزگانی و نمادین هم خواست خداوند بوده است. رمز و نقش والای زنان در جهان‌بینی اسلامی، در زندگانی ایشان نهفته است و از جنبه‌های مختلف به آن پرداخته می‌شود. نقش دختر پیامبر (ص)، همسر امام (ع) و مادر اولیاء (ع) که متعلق به ایشان است، سرحلقه‌ی معنویت و اتصال ملک به ملکوت است.

قبادی تأکید کرد: همه‌ی انسان‌ها، نیازمند الگوگیری از شخصیت جامع ایشان هستند. وی با یادآوری این‌که، متأسفانه مقتضیات آن روزگار پیشین اجازه نداده تا از حیات ایشان بهره‌ی کافی و وافی ببریم؛ خاطرنشان کرد: با گذشت چند قرن از شهادت آن حضرت، هنوز الگوی معرفتی ایشان ماندگار، و اثرات تربیتی آن هنوز در فضای انقلاب و جامعه‌ی ایران قابل مشاهده است.

در ادامه دکتر زهرا پارساپور، معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی پژوهشگاه، ضمن عرض تسلیت این مناسبت، به ترسیم سیمای حضرت فاطمه زهرا (س) در ادبیات معاصر پرداخت که نمونه‌های فراوانی از اشعار پیرامون آن شخصیت وجود دارد. وی گفت: با این‌که به‌خاطر تسلط حکومت‌های مختلف و وضعیت شیعیان در روزگار مختلف، شاعران بیشتر حالت تقیه داشتند، نام گرمی آن حضرت را در برخی از اشعار شاعران بزرگ مانند: سعدی، ناصرخسرو، سنایی و دیگران شاهد هستیم. سنایی اشاره می‌کند:



دل خوبان عالم را وفا کو

جهان پر درد می‌بینم دوا کو

و در ادامه اشعارش می‌گوید:

زنی چون فاطمه (س) خیرالنساء کو

سراسر جمله عالم پر زناند

تقریباً مانند این اشعار به‌نام شاعران یا منسوب به آنان در کتب مختلف ادبی ثبت شده که وجهه‌ی شیعی دارند. یکی از منظومه‌های منسوب به عطار، مظهرالعجائب است که از لقب امام اول شیعیان الهام گرفته شده و فضایل ایشان را به نظم درآورده است. در آن‌جا به رابطه‌ی پیامبر و دختر عظیم‌الشأن ایشان اشاره شده و محوریت جمع‌شدن این پنج گنج اهل کساء را وجود حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها می‌داند و شرح ماجرای روایت حدیث شریف کساء را با نقل سخنی از شیخ عبدالله خفیف‌شیرازی معروف به شیخ کبیر به نظم آورده است:

آمد و دید او ز ماهی تا به ماه

گفت روز عید سید نزد شاه

در ادامه اشعارش می‌گوید:

همچو خورشیدی که باشد در سما

پس بیامد فاطمه خیرالنساء

و با اشاره به نقش پنج تن می‌سراید:

پنج اسرار خدا و پنج گنج

دان که این آل‌عبا هستند پنج

در درون یک قبا یکتا بُدند

پنج تن آل‌عبا این‌ها بُدند

راهدان و رهنما این پنج تن

گنج اسرار خدا این پنج تن

خود همین‌ها آمده از بود حق

خود همین‌ها مقصد و مقصود حق

دکتر زهرا پارساپور در پایان سخنانش، با اشاره به اشعار فوق، یادآور شد: جایگاه این شخصیت‌های والا به‌خوبی ترسیم شده است. حتی شاعر دیگر به‌نام هاتف اصفهانی، شاعر قرن ۱۲ هجری، در رثای آن حضرت این‌طور می‌سراید:

که خم از باد اجل شد ناگاه	حیف از فاطمه آن نخل جوان
در جهان خیل نکویان را شاه	حیف از آن گوهر ارزنده که بود
پرتو آن طرب‌افزا غم‌گاه	حیف از آن شمع فروزنده که بود
عفتش هم‌دم و عصمت همراه	بود از پاکی طینت تا بود
پاک دامان وی از لوث گناه	بود ذیل وی از آرایش دور
بود آن رشک‌خور و خجلت‌ماه	روز و شب تا به جهان داشت مقام
روشن از عارضش این نه خرگاه	خرم از چهره‌اش این هفت اقلیم
از سموم اجلش حال تباه	چون شد آن سرو قد لاله عذار
لاله زین غم ز سرافکنده کلاه	سرو ازین غصه به بر جامه درید
کرد در ماتمش این جامه‌ی سیاه	ریخت در فرقتش آن خاک به‌سر
جانش از شوق ملاقات الله	چون شد از دار فنا سوی بهشت
بار بگشاد در آن عشرت‌گاه	رخت بریست از این غم‌خانه
رفت از دار فنا فاطمه آه	کلک هاتف پی تاریخ نوشت



سخنران سوم این مراسم دکتر مریم صانع پور، استاد و عضو هیأت علمی پژوهشگاه، با تشکر از بابت برگزاری این مراسم به‌شرح حدیث شریف کساء پرداخت. وی با اشاره به عصر کنونی یعنی؛ عصر ارتباطات و اطلاعات، خواستار بازخوانی آموزه‌های مختلف دینی شد که به اتحاد مسلمین در سراسر جهان بیانجامد و منجر به دوری از تفرقه و اختلاف شود. چون این تفرقه و اختلاف درنهایت به سود سیاست‌های استعماری دولت‌های سلطه‌گر و در جهت ایجاد تفرقه و سلطه‌ی متجاوزگران است. وی با اشاره به توصیه‌های حضرت امام (ره) در خصوص ایجاد وحدت، خواستار برجسته‌کردن نقاط و وجوه مشترک بین

مسلمانان مختلف در دنیا شد و بیان کرد: در این رویه، از توهین، لعن و نفرین به عقاید و خلفای مذاهب اسلامی باید پرهیز کرد، که این رویه با سیره‌ی پیامبر اسلام (ص) هم‌خوانی ندارد و قرآن نیز ما را از ناسزاگویی برحذر داشته است. دین اسلام، دین مسالمت و تسلیم در برابر حق است. ما مسلمانان با رفتار مسالمت‌آمیز با یکدیگر در عصر کنونی با مخاطبان عرصه‌ی جهانی مواجه هستیم که با یکدیگر باید تعامل و گفت‌وگو داشته باشند. انسان امروز، تشنه‌ی عقل، عشق و عاطفه‌ی توأمان است که این مضمون به‌خوبی در حدیث شریف کساء، قابل مشاهده است. روح این حدیث شریف نیز با آموزه‌های قرآن هماهنگ است. محتوای آن نیز، تفسیری از آیات مختلف قرآن درباره‌ی اهل البیت (ع) است، همانند: آیه‌ی تطهیر، آیات مباحله، آیه انزال نور بر خانواده‌ی مسیحین خداوند و آیات‌الابراار. روایت حدیث شریف کساء، روایتی زنانه است که اثری از نزاع و انتقام‌جویی در آن دیده نمی‌شود، دل‌نشین است، ضیافت نورانی‌ست که در منزل حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها و به میزبانی آن بانوی جلیل‌القدر فراهم شده و ایشان مادرانه و مهربانانه اهل البیت را تحت یک کساء (عبا) جمع کرده‌اند. دکتر صانع‌پور در خاتمه‌ی سخنانش یادآور شد: حضرت جبرائیل نیز که مظهر خرد جاودانه محسوب می‌شود، اذن ورود تحت آن کساء را مطالبه می‌کند. پیامبر برای آنان، طلب رحمت و مغفرت دارند که همیشه پاک و پاکیزه باشند. حضرت فاطمه (س) همانند پیامبر و پدر بزرگوارشان، هم‌عرض سماء و ملکوت هستند بنابراین ماده نیست که قابلیت‌های این عالم را داشته باشند و قابل قیاس با انسان‌های این عالم نیستند، بلکه تجلی نور الهی‌ست که در این نظام وحدت‌گرایانه متجلی شده و حجت بر یازده فرزند صالح‌شان معرفی شده است. در پایان مراسم، حدیث شریف کساء توسط مداح اهل بیت، محمدرضا صابر، قرائت شد.

## مراسم گرامی داشت روز دانشجو

معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی به مناسبت گرامی‌داشت ۱۶ آذر، روز دانشجو، مراسمی را برگزار کرد. این مراسم روز یکشنبه مورخ ۱۶ آذرماه ۹۹، به صورت مجازی از طریق وبینار با حضور جمعی از دانشجویان، استادان و کارکنان پژوهشگاه برگزار شد.

این مراسم با قرائت قرآن و خیرمقدم دکتر سلمان صادقی زاده، مدیر فرهنگی پژوهشگاه، آغاز شد، وی ضمن تبریک این روز به دانشجویان، دلالت‌های تاریخی، تاریخچه‌ی این نام‌گذاری و اهمیت نهاد دانشگاه و دانشجویان را در تاریخ معاصر کشور یادآور شد. رئیس پژوهشگاه، دکتر حسینعلی قبادی، به‌عنوان اولین سخنران با اهدای



سلام و درود به دانشجویان شهید، یاد و خاطره شهدای دانشجو را که قربانیان سلطه‌جویی آمریکا و خودپرستی دیکتاتوری داخلی بودند، گرامی داشت. وی در ادامه از مدیریت فرهنگی بابت برگزاری این مراسم قدردانی کرد و اهمیت فداکاری شهدای دانشجو را یادآور شد. دکتر قبادی در ادامه با اشاره به شرایط امروز جهانی و جامعه ایران که تحت تأثیر شیوع ویروس کرونا قرار گرفته، خدمت نهاد دانشگاه را خدمتی صادقانه و پاک توصیف کرد و یادآور شد: دانشگاهیان محترم و کادر درمانی شرافتمندانه و نجیبانه مشغول خدمت‌رسانی به عموم مردم جامعه‌ی ایران هستند. این ده‌ها هزار نفری که به لطف خدا بهبودی و سلامتی یافته‌اند، مرهون تلاش‌ها و همکاری‌های کادر متخصص درمان کشور هستند. قبادی در پایان، با اشاره به فداکاری‌های کادر درمان اظهار امیدواری کرد: همه‌ی مردم جامعه قدر زحمات آنان را بدانند که برای استقلال، نجات و سرفرازی ایران خالصانه می‌جنگند و همه‌ی این تلاش‌ها در امتداد راه فداکاری دانشجویان شهید روز ۱۶ آذر است.

در ادامه دکتر زهرا پارساپور، معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی پژوهشگاه، ضمن عرض تبریک این مناسبت به همه و به‌ویژه دانشجویان سال تحصیلی جدید پژوهشگاه، نیم‌سال تحصیلی جاری را دومین نیم‌سال تحصیلی دانست که در آن فضای آموزشی جدیدی را در دنیای مجازی تجربه می‌کنیم. در این فضای جدید، برنامه‌های آموزشی تغییر کرده و میدان دانشگاه (به تعبیر جامعه‌شناسی) را از همه گرفته است. ارتباطات انسانی استاد و دانشجو کم‌رنگ شده و تعاملات دانشجو را با دانشگاهیان به حداقل رسیده است. این شیوه‌ی جدید بر زیست دانشجویان نیز تأثیر گذاشته است چراکه؛ امکان فعالیت آنان در کانون‌ها، انجمن‌ها و تشکل‌های مختلف دانشجویی سلب شده است و موقتاً همه در این فضای جدید مجازی دور هم جمع شده‌اند. وی در ادامه مجموعه‌ی معاونت و مدیریت‌های سه‌گانه‌ی تابعه‌ی این معاونت یعنی مدیریت ترویج دستاوردهای پژوهشی، مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی و مدیریت فرهنگی را برشمرد و اهم وظایف آن‌ها را خاطر نشان ساخت.

دکتر مصطفی عاصی، استاد و عضو هیأت علمی پژوهشگاه به‌عنوان سخنران سوم حاضر در این مراسم، ضمن عرض تبریک این روز، یادآور شد که این روز متعلق به دانشجویان و این دانشجویان است که باید سخن بگویند. وی با اشاره به این‌که از فضا و روزگار دانشجویی‌شان سال‌ها گذشته به مرور خاطرات آن زمانه پرداخت و اظهار داشت، شخصیت دانشجو با ورود به دانشگاه و به‌مرور زمان شکل می‌گیرد و تغییر می‌کند که این موضوع ناشی از حضور دانشجو در دانشگاه و ارتباطات و تعاملاتش با استادان و بزرگان دانشگاه است.

دکتر عاصی تأکید کرد: پژوهشگاه با آغوش باز از دانشجویان استقبال می‌کند و حضور در این‌جا فرصت خوبی برای رشد و پیشرفت علمی آنان است و اظهار امیدواری کرد که این دوران کرونایی زودتر تمام شود و دوباره



همه در فضایی صمیمی و نزدیک دور هم جمع شویم.

دکتر ناصر تکمیل‌همایون، استاد و عضو هیأت علمی بازنشسته‌ی پژوهشگاه به‌عنوان سخنران بعدی، ضمن تشکر از بابت برگزاری این مراسم و اهمیت‌دادن به‌این مناسبت، به تاریخچه‌ی وقایع سال‌ها و روزهای دانشجویی خودش اشاره کرد و گفت: آن‌زمان اعتراضات و تجمعات دانشجویی برآمده از موضوعات مختلفی مانند تجدید روابط با



انگلیس، نادیده انگاشتن خواسته‌های مردمی، توجه نکردن به قانون ملی‌شدن صنعت نفت و دستگیری دکتر مصدق به‌عنوان نخست وزیر قانونی وقت کشور بود و اعتراض دانشجویان فقط به موضوع روابط شاه با آمریکا محدود نمی‌شد. در روز ۱۶ آذر ماه سال ۱۳۳۲، محیط و جو دانشگاه‌ها آرام بود و همه‌ی دانشجویان سر کلاس درس حضور داشتند ولی هم‌زمان با ورود نیکسون، معاون رئیس جمهوری وقت آمریکا، به ایران، نیروهای نظامی و انتظامی شاه وارد دانشگاه تهران شدند و به دانشکده‌ی فنی حمله کردند. در جریان این حمله‌ی شاه‌ساخته، به‌سوی دانشجویان تیراندازی شد و سه تن از دانشجویان شهید شدند و شماری دیگر نیز مجروح و زخمی شدند. این موضوع مقدمه‌ای برای ادامه‌ی تظاهرات روزهای بعدی شد و به‌مرور زمان سایر دانشگاه‌ها و شهرهای مختلف ایران یاد و خاطره شهدای این روز را گرامی داشتند و اجازه‌ی فراموشی آن روز را تا زمان پیروزی انقلاب ندادند. پس از پیروزی انقلاب نیز این مناسبت در تقویم رسمی ثبت و ماندگار شد و با برگزاری مراسم‌های باشکوه‌تر، پیوندشان را با آن روز حفظ کردند. برنامه با بخش‌های متنوعی هم‌چون: سخنرانی دانشجویان، برگزاری مسابقه در بین دانشجویان و برگزاری مناظره دانشجویی همراه بود. آریا یونسی، اولین سخنران دانشجویی طی صحبتی کوتاه، ضمن تشکر از برگزاری مراسم گرامی‌داشت روز دانشجو در پژوهشگاه، بابت این فرصت صحبت کردن در جمع دانشجویان و استادان اظهار خرسندی کرد و مهم‌ترین دغدغه‌اش را توجه به فرهنگ و سنت اصیل ایرانی دانست که باید خوب فهمیده شود و وظیفه‌ی دانشجو را زنده نگه‌داشتن آن عنوان کرد. وی گفت: همان‌طور که دانشجویان شهید، مسائل و مشکلات زمانه‌ی خودشان را فهمیدند و برای حل آن‌ها کوشیدند، دانشجوی امروز نیز باید فعالیت‌های علمی در میدان‌های عمومی را به سمت حل مسائل جامعه ایرانی پیش ببرد و سنت فکری و فرهنگی خود را بر سنت‌های غیرایرانی مقدم شمارد. بهمن بنی‌هاشمی، دومین سخنران دانشجویی طی صحبتی کوتاه، ضمن تشکر از برگزاری مراسم گرامی‌داشت روز دانشجو، به این دوران کرونا‌یی اشاره کرد و گفت: موهبت حضور در نزد استادان بزرگ و گران‌قدر از دانشجو گرفته شده و میدان بازی و عمل دانشگاه کم‌رنگ شده است. وی با اشاره به دست‌نوشته‌های مرحوم محمدعلی فروغی، اظهار داشت که هرچند کسی از اتفاقات آینده خبر ندارد و اگر کسی سال گذشته، این وضعیت کنونی را ترسیم می‌کرد، همه تعجب می‌کردند. ولی امسال را متفاوت با سال‌های قبل به‌واسطه‌ی شیوه‌ی این بیماری ویروسی سپری می‌کنیم. مزروعیان، آخرین سخنران دانشجویی طی صحبتی کوتاه، ضمن تشکر از برگزاری مراسم گرامی‌داشت روز دانشجو به اهمیت موضوع انجام پژوهش در پژوهشگاه پرداخت و بیان داشت، فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان ارشد تحت عنوان پژوهش‌ورزی بسیار مناسب و به‌جا بود که سایر دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی چنین امکانی را ندارند. این فرصت مغتیمی بود که دانشجویان نزد استادان خودشان، به پژوهش و تحقیق می‌پرداختند. وی اظهار امیدواری کرد که پژوهشگاه بتواند همانند سالیان گذشته در مقطع کارشناسی ارشد جذب دانشجو داشته باشد و فارغ‌التحصیلان خود را به‌صورتی نظام‌مند حمایت کند. در ادامه‌ی مراسم، مسابقه‌ای میان دانشجویان حاضر با نظارت دکتر روح‌الله کریمی، مدیر آموزش و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، برگزار شد که دانشجویان، خانم‌ها؛ اردکانی، قندی و لطفی به‌عنوان برندگان نهایی معرفی شدند. در پایان مراسم، مناظره‌ای میان دو تن از دانشجویان؛ با موضوع «مهاجرت از ایران، آری یا خیر؟» برگزار شد و در نهایت مقرر شد به برندگان جوایزی اهدا شود

## نقد کتاب قانون اخلاق

نشست «نقد کتاب قانون اخلاق: بر پایه‌ی نقد عقل به عقل» روز ۲۵ آذرماه ۱۳۹۹، با حضور دکتر سیدمحمدرضا حسینی بهشتی، دکتر محسن جوادی و دکتر حمیدرضا حسینی برگزار شد.

در آغاز، این نشست مجازی شمس‌الملوک مصطفوی، مدیر جلسه در مورد کتاب قانون اخلاق نکاتی را مطرح کرد. از جمله این‌که در کتاب قانون اخلاق، عقل به‌عنوان سرچشمه‌ی اخلاق معرفی می‌شود و در واقع نوعی جریان‌شناسی قانون اخلاق ارائه می‌شود. وی به فصول کتاب اشاره کرد و گفت: مؤلف دیدگاه فلاسفه‌ی اسلامی، فلاسفه‌ی غربی و دیدگاه اجتهادی خودش را در این کتاب ارائه داد. همچنین بخش مهمی از کتاب به دیدگاه‌های کانت و نقد آن اختصاص دارد.

در ادامه دکتر جوادی ضمن تأکید بر اهمیت و جایگاه کتاب و دستاوردهای آن یک نکته روشی را در نحوه‌ی طرح بحث عقل محض در کتاب، به‌عنوان یک ابهام روشی مطرح کرد و همچنین چند نکته در مورد نحوه‌ی پرداختن مؤلف به اخلاق ارسطو را طرح کرد. از جمله این‌که چرا مؤلف به بحث کتاب دهم اخلاق «نیکوماخوس» توجه نکرده است. زیرا مطالب این کتاب بسیار قابل تأمل است و اگر ما مطالب را مربوط به ارسطو بدانیم قدری روال و نحوه‌ی کار متفاوت می‌شود. وی همچنین گفت: در کنار آراء اصلی ارسطو، بهتر بود به آراء شارحین و معاصرین ارسطو هم به‌طور جدی توجه می‌شد.

محسن جوادی پیشنهاد داد که بخش‌هایی از کتاب به‌طور مجزا تدوین شود تا امکان ترجمه‌ی آن به زبان‌های خارجی فراهم شود.

دکتر حسینی بهشتی در گزارش خود به عدم توجه مؤلف به بستر تاریخی و فرهنگی اندیشه‌ی فلاسفه در بحث اخلاق اشاره کرد و اهمیت توجه به زمینه‌های تاریخی مباحث اخلاقی را یادآور شد تا این‌که بتوانیم دغدغه‌ی فیلسوف را از این طریق بفهمیم. به‌طور مثال در مورد ارسطو کانتکس بحث بسیار مهم بوده است. فضای متزلزل ارزشی زمانه‌ی ارسطو به‌علت حاکمیت تفکر سوفسطائیان و مواردی دیگر، در نحوه‌ی تدوین نظام اخلاق ارسطو تأثیرگذار بوده است.

همچنین حسینی بهشتی به این مطلب اشاره کرد که بعضی از امهات فلسفه‌ی اخلاق ارسطو مانند «فرونسیس» و بحث اراده و تأثیرش بر فعل نیک، کمتر مورد توجه مؤلف قرار گرفته است. بهشتی تأکید کرد: برای این‌که بتوانیم با نظام اخلاقی کانت به‌طور دقیق‌تر برخورد کنیم، نیاز به یک مواجهه‌ی نظری کامل‌تر و گسترده‌تری بود که متأسفانه در کتاب چندان مورد توجه قرار نگرفته است. وی همچنین گفت: اشکالاتی در تقریرات جناب عابدی شاهرودی در بحث کانت وجود دارد که زمان برای طرح آن‌ها در این جلسه نیست. همچنین در اهمیت این کتاب تأکید کرد که زمینه‌ی یک اندیشیدن و پایه گفت‌وگو را ایجاد می‌کند.

دکتر حسینی بر خواندن همراه با تأمل در کتاب تأکید کرد و پرداختن به برخی از موارد طرح شده توسط استادان را به کتاب «تأسیسات اخلاق» احاله کرد. حسینی کتاب قانون اخلاق را کتابی در حوزه‌ی متافیزیک اخلاق هم دانست و به‌برخی نوآوری‌های کتاب اشاره کرد؛ از جمله دیدگاه خاص مؤلف در خصوص تفکیک بین عقل عملی و عقل اخلاقی که حائز اهمیت است. وی همچنین بر تفاوت تفسیر مؤلف از کانت و تفاوت دیدگاه‌های آیت‌الله عابدی با کانت اشاره کرد.

در پایان این نشست مجازی، مدیر جلسه جمع‌بندی خود از دیدگاه استادان حاضر را ارائه داد و اظهار امیدواری کرد که بتوان در خصوص ابهاماتی که در مورد روش‌شناسی کار عابدی شاهرودی وجود دارد و همچنین چالش‌های مطرح شده توسط استادان، نشست‌های تخصصی تشکیل شود.



پژوهش‌های علوم انسانی، مسوئلت اجتماعی و چشم‌انداز ایران در قرن آینده

گروه‌ی علمی و پژوهشی علوم انسانی، فلسفه و حقوق اسلامی

### نقد کتاب قانون اخلاق؛

### تألیف آیت‌الله علی عابدی شاهرودی

سخنرانان:

دکتر سیدمحمدرضا حسینی بهشتی

دکتر محسن جوادی

دکتر حمیدرضا حسینی

مدیر پنل: دکتر شمس‌الملوک مصطفوی

سه‌شنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۹ ساعت: ۱۴ تا ۱۶

<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-g6r-ved>



## کلان‌داده‌ها درباره‌ی شبکه‌های اجتماعی چه می‌گویند؟

پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات با همکاری کرسی ارتباطات علم یونسکو و انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات و بینار «کلان‌داده‌ها در مورد شبکه‌های اجتماعی چه می‌گویند؟» را در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۹۹ برگزار کرد. در این نشست محمد رهبری دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی و پژوهشگر شبکه‌های اجتماعی ابتدا به ارائه‌ی دیدگاه‌های خود در مورد شبکه‌های اجتماعی و تأثیرات سیاسی و اجتماعی آن پرداخت و اظهار داشت: شبکه‌های اجتماعی در عصر حاضر توانسته‌اند کنش‌گری به‌ویژه کنش‌گری سیاسی را تسهیل کنند. در این فضا، عضویت در نهادهای سیاسی و مشارکت سیاسی تحول معنایی پیدا می‌کند. با استفاده از همین فضا است که شاهد هستیم ترامپ رو می‌آید؛ شخصیتی که ورای هر دو حزب سنتی دموکرات و جمهوری خواه است. به‌همین شکل «مکرون» نیز در فرانسه قدرت می‌یابد.

وی افزود: در کنار آن فیک‌نیوز گسترش می‌یابد و امکانات جدیدی برای پروپاگاندا فراهم می‌شود و هر چه قدر هم یک مطلب تکذیب شود، هیچ فایده‌ای ندارد. اما اثرات منفی هم این شبکه‌ها دارند. از جمله این‌که فرآیندی به نام اتاق پژواک شکل می‌گیرد و کنش‌گر احساس می‌کند که در اکثریت است؛ چراکه در یک فضای بسته، همه همدیگر را تأیید می‌کنند. در نتیجه رواداری و تحمل در مقابل نظرات مخالف کاهش می‌یابد و تصور برحق بودن را ایجاد می‌کند. در این میان کلان‌داده‌هایی از فعالیت در این فضا وجود دارد که می‌تواند به فهم کلی از اتفاقات و جریانات این فضا کمک کند. البته نیازمند تحلیل و کشف الگوهای حاکم بر آن است. به‌عنوان مثال نتایج این تحلیل‌ها نشان می‌دهد ۴۲ درصد از جمعیت جهان در سال ۲۰۱۹ از شبکه‌های اجتماعی استفاده کرده‌اند. اینستاگرام ۱ میلیارد کاربر فعال و توئیتر ۳۲۶ میلیون کاربر فعال داشته‌اند.

وی در ادامه به اهمیت و مزیت‌های کلان‌داده‌ها نسبت به نظرسنجی‌ها اشاره کرد و افزود: این داده‌ها، صادقانه‌تر است، چرا که فرد به هر دلیلی ممکن است در نظرسنجی نظر حقیقی خود را آشکار نسازد، اما داده‌های گوگل و یا دیگر شبکه‌های اجتماعی دقیقاً به شما می‌گوید که مردم در اینترنت بیشتر دنبال چه موضوعاتی هستند. همچنین بر اساس موقعیت افراد، می‌توان داده‌های محلی و خاص یک حوزه را فراهم کرد. علاوه‌بر این می‌توان روابط علی بین متغیرها را از طریق تغییر دادن یک بخش از یک سایت اینترنتی مورد آزمون قرار داد. به‌عنوان مثال در مورد کرونا، کلان‌داده‌ها نشان می‌دهند که حساسیت نسبت به کرونا کاهش پیدا کرده است و این به مدیریت کمک می‌کند که سیاست‌گذاری بهتر و هزینه‌ی کمتر داشته باشد.

نویسنده کتاب «شبکه‌های اجتماعی مجازی و آنومی‌های نوظهور در ایران» در ادامه اظهار داشت: نگاه‌های سنتی نسبت به این نوع کنش‌گری نگاه تحقیرآمیز دارند و معتقدند این نوع کنش‌گری هیچ تأثیری ندارد و صرفاً خشم را تخلیه می‌کند و تغییرات بنیادین و مبتنی بر جنبش شهروندی را تولید نمی‌کنند. اما باید دانست این نوع کنش‌گری احیای حوزه‌ی عمومی تحت‌نظر ارتباطات است. در این فضا نظریه‌ی تأثیر پروانه‌ای حاکم است که هر نوع آگاهی بخشی می‌تواند بر افکار عمومی اثرگذار باشد و در دراز مدت هم ادامه یابد، در عین حال یک فضای هرج و مرج، ناهمگون و فردگرا را ترسیم می‌کند. بررسی‌های کلان‌داده‌ها نشان می‌دهد که برای موفقیت کمپین‌های مجازی، ساعات اولیه بسیار مهم است و اکثر کمپین‌ها که اصول این فعالیت را رعایت نکرده باشند، به شکست می‌انجامند. به‌عنوان مثال هشتگ «اعدام نکنید»، به‌طور انفجاری رشد کرد، اما هشتگ «افکاری» نتوانست توجه‌ها را جلب کند». وی در بخش دیگری از سخنانش تصریح کرد: «شبکه‌های اجتماعی قابلیت مشاهده فعالیت‌های دیگران را برای سایر کاربران فراهم می‌کنند که آن را اطلاعات اجتماعی می‌نامند و خود این فعالیت اجتماعی را ترویج می‌کند. همچنین هشتگ و کامنت، اثر «ارابه‌ی موسیقی» را دارند که پدیده‌ای روان‌شناختی است و مطابق آن معمولاً انسان‌ها هنگامی که متوجه می‌شوند دیگران نیز به اندیشه‌ای اعتقاد دارند، احتمال این‌که آن را بپذیرند، بسیار زیاد است. شبکه‌های اجتماعی امروزه نوعی از همان کافه‌های هابرماسی هستند که امکان بحث و سنجش عمومی را فراهم می‌کنند و می‌توانند حوزه‌ی عمومی را شکل دهند. البته باید توجه داشت که گفت‌وگو و کنش ارتباطی لازمه‌ی اساسی شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی است، ولی در بعضی از این شبکه‌ها نظیر توئیتر گفت‌وگو کمتر شکل می‌گیرد و فضای حاکم بیشتر احساسی است تا عقلانی.

محمد رهبری در پایان گفت: شبکه‌های اجتماعی سویه‌های تاریکی هم‌چون بروز خشم، تمسخر، جلب توجه با توسل به موضع‌گیری اخلاقی و ... نیز دارند. همچنین تفکر انتقادی در بعضی از شبکه‌ها تضعیف می‌شود. لذا شبکه‌های اجتماعی ماهیتی دوسویه دارند که هم شامل موارد و کارکردهای خوب و مثبت است و هم کارکردهای منفی که باید به هردو کارکرد توجه کرد.

## وظایف فردی و اجتماعی مسلمانان در مواجهه با بیماری کرونا

نشست علمی «وظایف فردی و اجتماعی مسلمانان در مواجهه با بیماری کرونا» در یکشنبه ۹ آذر ۱۳۹۹ شمسی توسط مرکز اسناد فرهنگی آسیا وابسته به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. سخنرانان نشست مذکور آیت‌الله حاج شیخ محمدجواد خالصی (عراق)، دکتر محمدعلی فتح‌الهی، حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ جمال حسین (میانمار)، حجت‌الاسلام والمسلمین داود کیوورانگر (اوگاندا)، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدنصرت علی‌جعفری (هندوستان) و دکتر کامیار صداقت‌مهرحسینی بودند. در حاشیه‌ی سخنرانی‌ها نیز شعرخوانی استاد حسین کریمی مراغه‌ای و استاد عباس ثاقب (از پاکستان) درباره کرونا پخش شد.

آیت‌الله خالصی از عالمان برجسته کاظمین و از اعضای مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در سخنرانی خود توصیه‌هایی در مواجهه با بیماری کرونا ارائه دادند؛ از جمله لزوم حفظ آرامش، حفظ روحیه و پیروی از دستورات پزشکان متخصص به‌مثابه یک واجب شرعی و ارتقای همبستگی اجتماعی با شاخص کمک و هم‌یاری به یکدیگر در قبال بحران‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از کرونا؛ و تأکید داشتند که تحقق این مهم در وهله‌ی اول وظیفه علمای دین، فرهیختگان، سیاست‌مداران و دولت‌ها و به‌طور کلی هر انسان مسلمانی است.

دکتر محمدعلی فتح‌الهی رئیس پژوهشکده‌ی مطالعات سیاسی، بین‌المللی و حقوقی، در سخنرانی خود به موضوع تهدید کرونا، فرصتی برای تأملات دینی پرداختند. وی بر این موضوع تأکید کرد که همه‌گیری کرونا فرصتی برای تجربیات جدیدتر دینی است و آن را در سه حوزه‌ی سرنوشت مشترک جهانیان، اولویت یافتن بهداشت و اهمیت یافتن روابط غیرفیزیکی (زندگی الکترونیک) مورد بررسی قرار دادند.

حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ جمال حسین مبلغ و نویسنده‌ی دینی و مدیر «انجمن علمی و فرهنگی حضرت فاطمه معصومه (سلام‌الله‌علیها) در میانمار» در سخنرانی خود، با اشاره به رهنمودهای مقام معظم رهبری و مراجع و علمای اسلام در مورد بیماری کرونا و لزوم تبعیت از آن‌ها و رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی جهت از میان بردن زنجیره شیوع بیماری ویروس کرونا، بر دستورالعمل‌های پزشکی وزارت بهداشت نظیر استفاده از ماسک و مواد ضدعفونی مورد تأیید مراجع پزشکی، شستشوی دست‌ها، قرقره و نظایر آن تأکید کرد. دیگر محور مورد توجه سخنران، هم‌یاری اجتماعی هم‌چون کمک به فقیران جامعه، خواندن زیارت عاشورا و ادعیه نورانی صحیفه‌ی سجاده است که در بالا بردن روحیه معنوی مسلمانان و فائق آمدن بر مشکلات بیماری کرونا کمک بسزایی می‌کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین داود کیوورانگر دارای دکتری اندیشه‌ی معاصر نویسنده و مترجم و مسئول بخش آفریقایی ستاد اربعین به آموزه‌های دین در چگونگی برخورد با مصائب و سختی‌ها نظیر بیماری‌های فراگیر پرداخت و با بحثی قرآنی (حدید: ۲۲؛ شوری: ۳۰ و بقره: ۱۲۴) به انواع مصائب و روش‌های مقابله با آن‌ها پرداخت.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید نصرت علی‌جعفری، نماینده حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالله جوادی آملی (حفظه‌الله) در شبه‌قاره‌ی هند، با استفاده از آیات قرآن (آل عمران: ۹۲ و مائده: ۲) به تبیین این موضوع پرداخت که نیکی در انواع مختلف آن (وسیله‌ی مال، صله‌رحم، رسیدگی به بیماران، تأمین غذا و داروی ایشان) همگی بر مبنای این باور عمیق هستند که هم‌چنان که انسان باید زندگی دیگران را نظیر زندگی خود دوست بدارد تا رضای الهی حاصل شود. این آموزه‌ی دینی تأکید دارد که در همه‌ی مواقع؛ خصوصاً در موقعیت‌هایی مانند شیوع بیماری کرونا نباید از کمک فردی و اجتماعی به دیگران دریغ کرد و باید یکدیگر را یاری داد و در امور خیر سهمیم شد تا علاوه بر آن‌که آسیبی به ایشان نرسد، خداوند نیز پاداش خوبی به ایشان عطا کند.

دکتر کامیار صداقت‌مهرحسینی (دبیر علمی نشست) نیز در سخنرانی خود به موضوع کرونا پیش‌آگهی عصری پرخطر پرداخت و در آن مباحثی درباره‌ی بازاندیشی درباره‌ی خدمت نظام‌وظیفه، توجه ویژه به داوطلبان جهادی مبارزه با کرونا به مثابه سرمایه‌های ارزشمند کشور، تأکید بر محله‌محوری، ارتقای مباحث علم و دین مطرح شد و بر ضرورت ایجاد شبکه ملی مجازی (ملی به معنای واقعی کلمه) برای هر محله در سطح کشور تأکید شد که بتواند در مواقع بحران، هر یک از مساجد، مدارس، ادارات و مؤسسات آموزشی، خانه‌های بهداشت، بسیج و کلانتری‌ها، اصناف مهم و ... را با کدها و تعاریف مشخص بر اساس دستورالعمل‌های کشوری به هم پیوند زند تا در حل مسئله، سهم به‌سزایی برعهده گیرند.

## انتصاب دکتر پارسا به‌عنوان دبیر علمی-کاربردی گروه توسعه‌ی پژوهش قرآنی

طی حکمی از سوی غلامحسین رحیمی، معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس کارگروه توسعه‌ی پژوهش قرآنی کمیسیون توسعه‌ی پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور، دکتر فروغ پارسا به‌عنوان دبیر علمی-کاربردی گروه توسعه‌ی پژوهش قرآنی منصوب شد. در این حکم آمده است؛ در راستای اجرای اقدامات پژوهشی مندرج در سند راهبردی توسعه‌ی پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور و با عنایت به معرفی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌عنوان دبیرخانه‌ی کارگروه توسعه‌ی پژوهش قرآنی و سوابق و تجارب ارزنده‌ی سرکارعالی به‌موجب این حکم به سمت دبیر علمی کارگروه توسعه‌ی پژوهش قرآنی منصوب می‌شوید. امیداست با حضور مؤثر سرکارعالی، تصمیم‌سازی و محتوابخشی به مصوبات کارگروه و اجرای اقدامات پژوهشی سند راهبردی تصریح یابد و زمینه‌ی هماهنگی و نظارت بر حسن اجرای آن فراهم شود.



### انتصاب‌ها

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی احکامی جداگانه،

دکتر فروغ پارسا را به‌عنوان مدیر گروه پژوهشی مستقل مطالعات علوم قرآنی،

دکتر فاطمه براتلو را به‌عنوان مدیر گروه پژوهشی مستقل مدیریت،

دکتر طاهره کمالی‌زاده را به‌عنوان مدیر گروه مجلات و نشریات، منصوب کرد.

هم‌زمان با سالروز تولد جلال آل‌احمد برگزار شد

## نشست بین‌المللی «جلال آل‌احمد از نگاه نویسندگان عرب»

دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی با همکاری پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات و خانه-موزه سیمین و جلال، هم‌زمان با سالروز تولد جلال آل‌احمد، نشست بین‌المللی به‌صورت مجازی با عنوان «جلال آل‌احمد از نگاه نویسندگان عرب» در روز ۱۱ آذر ۱۳۹۹ برگزار کرد.

سخنران نخست این نشست، دکتر علی زائری، عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات بین‌الملل کالیفرنیا بود که سخنرانی خود را با عنوان «مروری بر دیدگاه نویسندگان عرب نسبت به شخصیت و آثار جلال آل‌احمد» با اشاره به ترجمه و پژوهش بر روی آثار فارسی از نخستین سال‌های قرن بیستم در جهان عرب به کتاب‌ها و جستارهای منتشر شده در زمینه‌ی ایران‌شناسی در جهان عرب آغاز کرد. به بیان وی در دوره‌ی معاصر، نویسندگان و شعرای بسیاری مورد اهتمام ایران‌شناسان عرب قرار گرفته‌اند اما جلال آل‌احمد در این میان جایگاهی متفاوت دارد چرا که در زمینه‌های گوناگونی از جمله داستان کوتاه، رمان، سفرنامه، نقد، اندیشه و... قلم زده است. علی زائری در ادامه به ترجمه‌ی آثار آل‌احمد و پژوهش بر روی آن به زبان عربی در قالب موضوعاتی هم‌چون آغاز روی آوردن اعراب به آل‌احمد، آثار منتشرشده در کتب، مجلات آکادمیک و نیز آراء برخی ایران‌شناسان عرب در رابطه با وی اشاره کرد.

سخنران دوم، این نشست مجازی دکتر معصومه نعمتی‌قزوینی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بود که سخنرانی خود را با عنوان «جلال آل‌احمد از نگاه نوال سعداوی؛ نویسنده و پزشک معاصر مصری» ارائه کرد. نوال سعداوی، نویسنده، فعال اجتماعی و پزشک مصری برای نخستین بار در نوامبر ۱۹۶۸م/ ۱۳۴۷ شمسی به قصد حضور در یک همایش پزشکی به ایران سفر کرده است. پس از جست‌وجو درباره‌ی برجسته‌ترین چهره‌ی ادبی ایران در دانشگاه تهران، جلال آل‌احمد به او معرفی می‌شود. با جست‌وجوهای فراوان آدرس او را پیدا کرده و در منزلش با وی ملاقات می‌کند. در اولین برخورد، سادگی زندگی جلال او را متحیر می‌سازد. در این دیدار که ساعت‌ها به طول انجامید دو نویسنده درباره‌ی مسائلی از قبیل اوضاع داخلی ایران، مسئله‌ی فلسطین، آثار جلال و روابط ادبی میان ادبیات فارسی و عربی به گفت‌وگو پرداختند.

دو سال بعد نوال این بار به بهانه‌ی شرکت در همایش و تنها به‌قصد دیدار دوباره با جلال قصد عزیمت به ایران را دارد اما ساواک به علت دیدارش با جلال در سفر قبلی و نیز انتشار مقاله‌ای درباره‌ی روشنفکران و نویسندگان ایرانی در یکی از روزنامه‌های مصری، او را ممنوع‌الورود می‌کنند. هرچند نوال در سفارت ایران خبر درگذشت جلال را شنیده اما هرگز باور نمی‌کند و باوجود نداشتن ویزا و خطرهای احتمالی مانند دستگیری توسط نیروهای امنیتی، عازم تهران می‌شود. در فرودگاه به‌طرز معجزه‌آسایی ویزا دریافت کرده و مستقیماً از آن‌جا روانه‌ی منزل جلال می‌شود. روبه‌رو شدن با چهره‌ی غمگین و رنگ پریده‌ی سیمین دانشور، (همسر جلال) خبر درگذشت جلال را برایش تأیید می‌کند. بعد از ملاقات چندساعته با سیمین و صحبت با وی درباره‌ی نحوه مرگ جلال، تشییع جنازه باشکوه وی، ممنوعیت نشر آثارش در ایران، خفقان ادبی در کشور، سرکوب چهره‌های ادبی مخالف و شکل‌گیری سازمان‌های سری مبارزاتی و آثار سیمین، نوال برای همیشه این خانه را ترک و بعد از دیدار با چند چهره‌ی ادبی، بازدید از برخی نقاط دیدنی تهران و سفری کوتاه به اصفهان و شیراز رهسپار قاهره می‌شود.

بعد از این دو سخنرانی، بازدید مجازی از خانه-موزه سیمین و جلال به‌عمل آمد. در این بازدید که رضا توسلی، مدیر این خانه-موزه راهنمایی آن را بر عهده داشت، بخش‌های مختلف خانه‌ی مشترک سیمین و جلال از جمله اتاق پذیرایی منزل، که محل شکل‌گیری و تشکیل جلسات کانون نویسندگان ایران بود، اتاق کار جلال، اتاق کار سیمین، کتابخانه، سرداب و حیاط و دیگر بخش‌های خانه و نیز عکس‌ها، عقدنامه و حلقه‌های ازدواج و دیگر وسایل شخصی آن‌ها به‌نمایش درآمد.

سخنران بعدی این نشست دکتر ماجد مرهج رباط، مدیر گروه فارسی دانشگاه واسط عراق، بود که سخنرانی خود را با عنوان «تناقضات زندگی جلال آل‌احمد از دیدگاه نویسندگان عرب» به زبان فارسی ارائه داد. او اشاره کرد که جلال آل‌احمد به خانواده‌ای متدین تعلق داشت و پس از اتمام دبیرستان به اصرار پدرش به حوزه‌ی

علمیه‌ی نجف اشرف رفت. اما خانواده با ادامه‌ی تحصیل او در لبنان مخالفت کردند و نگران ایجاد تردیدهایی در اعتقادات مذهبی او بودند. اما کارنامه‌ی زندگی او نشان می‌دهد که در مراحل مختلف زندگی فراز و فرودهایی را طی کرده که از دید یک ناظر خارجی مورد توجه است. با توجه به ارتباط مستحکم ادبیات فارسی و عربی و جایگاهی که آل‌احمد در ادبیات معاصر فارسی دارد، نویسندگان عرب تفسیرهای مختلفی نسبت به نوشته‌ها و عقاید او دارند که در این سخنرانی به بخشی از آن‌ها اشاره شد.

در ادامه غلامرضا امامی، که از دوره‌ی جوانی تا پایان عمر جلال و سیمین با آن دو ارتباط نزدیکی داشت، مطالبی را درباره‌ی جلال آل‌احمد طرح کرد و به برخی انتقادات ماجد مرهج رباط درباره‌ی زندگی و کارنامه فکری و سیاسی جلال پاسخ داد.

سخنران آخر این نشست دکتر احمد محمد جاد، عضو هیأت علمی دانشگاه کانال سوئز مصر، بود که به دلیل مشکلاتی نتوانست در این نشست شرکت کند و خلاصه‌ای از سخنرانی او با عنوان «اثر بخشی توصیف در روایت مدیر مدرسه» را دبیر نشست ارائه کرد. به‌باور محمد جاد، علاقه‌ی خاص جلال به طبقات مختلف مردمی باعث شد تا متقدمان او را به‌عنوان نویسنده و متفکر اجتماعی مورد توجه قرار دهند. در این سخنرانی تأثیر جلال آل‌احمد بر رمان فارسی با تکیه بر عنصر توصیف در روایت مورد بررسی قرار گرفت.



دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی با همکاری پژوهشکده زبان و ادبیات و خانه موزه سیمین و جلال، به مناسبت سالروز تولد جلال آل احمد برگزار می‌کند:

**نشست تخصصی**

**جلال آل احمد از نگاه نویسندگان عرب**

**سخنرانان:**

**علی زائری**  
(پژوهشکده مطالعات بین‌الملل کالیفرنیا)

**ماجد مرهج رباط**  
(دانشگاه واسط عراق)

**احمد جاد**  
(دانشگاه کانال سوئز مصر)

**معصومه نعمتی قرزویی**  
(پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

**رضا توسلی**  
(مدیر خانه - موزه سیمین و جلال)

دبیر نشست: شکوه حسینی

**جلال آل احمد بعین عربیة**  
الثلاثاء، الأول من ديسمبر ۲۰۲۰،  
الساعة الثالثة بعد الظهر بتوقيت إيران

سه‌شنبه ۱۱ آذر ۱۳۹۹ ساعت: ۱۵ تا ۱۷

لینک ورود:  
<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-p3c-jmm>

به همراه بازدید مجازی از خانه - موزه سیمین و جلال

## وضعیت اکنون و آینده‌ی ادبیات پایداری در ایران

نشست دوم ادبیات پایداری در سیزدهم آذرماه ۱۳۹۹، توسط گروه زبان و ادبیات فارسی شورای بررسی متون به صورت مجازی (وبینار) برگزار شد. در ابتدای این نشست‌تغییر حضوری دکتر محمدرضا موحدی (دبیر علمی نشست) به اهمیت برگزاری چنین نشست‌هایی در تجدید موضوع «ادبیات پایداری» اشاره کرد و این جلسه را ادامه‌ی جلسه‌ی قبل با عنوان «نسبت فرهنگ با ادبیات جنگ» بیان کرد و سپس از دکتر ترکی - عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و عضو وابسته‌ی شورای بررسی متون، درخواست کرد تا سخنان خود را آغاز کند.

**دکتر ترکی: ادبیات پایداری در حوزه‌ی «ادبیات عامه» شکل گرفته است**



دکتر ترکی بحث خود را با موضوع «چیستی ادبیات پایداری» مطرح کرد. وی به اهمیت پرداختن به این موضوع اشاره کرد و گفت: با این‌که گرایش ادبیات پایداری مطرح شده است، اما اجماعی درباره‌ی اصطلاح «ادبیات پایداری» وجود ندارد، به همین دلیل این اصطلاحات تشبیه دارند و «ادبیات پایداری»، با نام‌های مختلف «ادبیات اعتراض»، «ادبیات دفاع مقدس» و «ادبیات حماسی» مطرح شده است، بنابراین تعیین حدود این اصطلاح و تعریف جامع و مانع آن ضروری است.

وی در ادامه‌ی سخنان خود به این موضوع اشاره کرد که در تعریف «ادبیات پایداری»، در مرحله‌ی اول، تعریف «ادبیات» قرار دارد که با متون معمولی متفاوت است و در مرحله‌ی دوم تعریف «پایداری»، که شامل این مؤلفه‌هاست: «هویت» که برای دفاع از آن شکل گرفته و این هویت باید «در معرض خطر» باشد و ممکن است فردی یا جمعی باشد. ادبیات پایداری مجموعه‌ی آثار پیرامون دفاع از این هویت فردی یا جمعی است و مؤلفه‌ی مهم بعدی در تعریف این اصطلاح «مشروع و قانونی» بودن است که قابل دفاع واقعی باشد و ملاک مشروع و قانونی بودن، «اخلاق انسانی» و «علم حقوق» است.

دکتر ترکی ادامه داد؛ مثلاً جریان مبتنی بر دیکتاتوری اگر هم ادبیات بیافریند (که معمولاً نمی‌آفریند) جزو مقوله‌ی ادبیات پایداری نیست. وی در تعریف «هویت» گفت که «هویت مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار فرهنگی و روانی است که باعث می‌شود یک فرد، گروه، اقلیت از فرهنگ و تمدن‌های دیگر جدا شود» که مجموعه این‌ها هویت نام دارد؛ هویت فردی ممکن است فردی باشد، مثلاً نویسندگانی که بیماری لاعلاج می‌گیرند و برای روحیه دادن به خود، اثر ادبی می‌آفرینند، در این‌جا هویت فردی در معرض خطر است. همچنین هویت، ممکن است خانواده، شهر، دیار، نژاد (سفید پوست و سیاه پوست)، جنسیت (زنانی که احساس کنند کرامت‌شان در جامعه نادیده گرفته شده) باشد که در حوزه‌ی ادبیات پایداری قرار دارند یا دین، مذهب، زبان در معرض خطر باشد اما ادبیات پایداری، بیشتر، هویت ملی است یعنی مردم و ملت سرزمینی حس می‌کنند هویت جمعی آن‌ها در معرض خطر است. وی با این مثال‌ها، «هویت» را محور اصلی ادبیات پایداری معرفی کرد و ادامه داد: گروهی باید در معرض خطر باشند؛ مثلاً ادبیاتی که انسان دفاع‌کننده از مال و ناموس خود می‌آفریند، ادبیات پایداری است یا عارفی که احساس می‌کند هوای نفس، او را در معرض خطر قرار داده و نفس‌آماره به وحش آسیب می‌رساند، ادبیاتی که می‌آفریند، ادبیات پایداری است. همچنین اصطلاح «ادبیات مقاومت» که در فارسی به «ادبیات پایداری» تبدیل شده، هویت در معرض خطر سرزمین‌های اشغال شده است.



دکتر ترکی در ادامه به تعریف دیگری از «هویت» اشاره کرد که بر اساس «دیگری» شکل گرفته و صحیح نیست؛ مثلاً هویت ایرانی به هویتی که عرب نیست تعریف شده است، اما مهم این است که هویت یک شیء، فرهنگ و... بر اساس عناصر درونی خود شناخته شود؛ مثلاً تعریف «انسان» به «آن‌که عقاب نیست» اشتباه است بلکه تعریف براساس جنس خودش یعنی «انسان حیوان ناطق است» صحیح است. وی بر این اساس توضیح داد که تعریف «هویت» بر اساس «دیگری» خطر دارد و خطرش این است که وارد عرصه‌ی جنگ تمدن‌ها می‌شود و نوعی تقابل ایجاد می‌شود.

مصادق اصلی هویت که بیشتر در ادبیات پایداری مورد بحث است، «هویت ملی» است که باید هویت مشروع قابل دفاع باشد که «پایداری» مفهوم پیدا کند در این تعریف با ادبیات حماسی، اعتراض و... متفاوت است. در حقیقت ادبیات پایداری می‌تواند ادبیات حماسی، اعتراضی، سیاسی و... باشد اما این‌ها یعنی ادبیات حماسی، اعتراضی و... لزوماً ادبیات پایداری نیستند و فقط زمانی ادبیات پایداری محسوب می‌شود که بر محور هویت مشروع در معرض خطر شکل گرفته باشد.

ترکی در ادامه‌ی سخنان خود بیان کرد: گاهی برای دفاع از هویت، به شعار و حرف حماسی نیاز نیست، بلکه «نرمش» دفاع از هویت است پس ادبیات پایداری می‌تواند «ادبیات نرمش» باشد؛ مانند دعا‌های صحیفه‌ی سجادیه که مضمون حماسی ندارند، اما عمیقاً ادبیات پایداری است که در آن زمان برای دفاع از هویت مثلاً تشیع و اسلام، منطقی‌ترین راه بوده است. وی به مصادق دیگر ادبیات پایداری یعنی «جنگ و ضد جنگ» اشاره کرد که گاه در سخن گفتن از جنگ، ادبیات صلح و هم‌زیستی مطرح می‌شود اما هنگامی که دفاع مورد تخطئه قرار می‌گیرد و بدی‌هایش گفته می‌شود که بعد از جنگ بیکاری، آوارگی و... پیش آمده اما ریشه‌هایش مطرح نمی‌شود، این‌ها ظاهرش ضد جنگ و باطنش جنگ است که در حقیقت تأییدکننده‌ی کارهای متجاوزان است که نتیجه گرفته می‌شود ادبیات جنگ، به‌طور خالص مصادق ادبیات پایداری نیست، اما اگر برای دفاع از هویت باشد جزء مصادیق ادبیات پایداری محسوب می‌شود.

دکتر ترکی تأکید کرد: «ادبیات زندان» بود که اشخاصی که این نوع ادبیات به دست کسانی که به اسارت افتادند پدید آمده است؛ مثلاً ابیاتی که زندانیان سیاسی روی دیوار نوشته‌اند، این‌ها هم جزء ادبیات پایداری است. نکته‌ی پایانی وی این بود که ادبیات رسمی «نخبگان»، ادبیات پایداری نیست بلکه چون مردم دفاع کننده هستند، ادبیات پایداری در حوزه‌ی «ادبیات عامه» شکل گرفته است.

در ادامه‌ی این نشست مجازی، استادان مختلف نظر خود را بیان کردند؛ از جمله دکتر حسینعلی قبادی ضمن تشکر از سخنان مفید دکتر ترکی نکاتی را در این خصوص مطرح کرد؛ از جمله این‌که ادبیات پایداری باید ناظر به ایران باشد و اگر قرار است ناظر به فرهنگ ایران باشد باید ادبیات پایداری ذیل هویت مبتنی بر معرفت مطرح شود تا مخاطبان بیشتری داشته باشد، در ادامه دکتر فاطمه راکعی و دکتر مریم صادقی به گسترده‌ی تعریفی و مشخص نبودن محدوده‌ی آن اشاره کردند. دکتر موحدی نیز با اشاره به کثرت تعاریف ارائه شده از سوی صاحب‌نظران، بر ضرورت گردآوری و جمع‌بندی این تعاریف (موسّع و مضیق) و نظام‌مندی مؤلفه‌های این‌گونه‌ی ادبی، تأکید کرد.



### دکتر سنگری: همه‌ی گونه‌های ادبی، هویت را نشان می‌دهند



در ادامه دکتر محمدرضا سنگری (رئیس اندیشکده‌ی ادبیات پایداری) بحث خود را با موضوع «ابعاد و ویژگی‌های ادبیات دفاع مقدس (افق و آینده کار)» آغاز کرد. وی ابتدا به تأسیس اندیشکده ادبیات پایداری در حوزه‌ی هنری پرداخت و به اقدامات مفید این دانشکده از جمله تألیف کتاب‌هایی برای رشته‌ی ادبیات پایداری اشاره کرد. سپس درباره‌ی موضوع مهم یعنی تعیین حدود و تعریف مشخص برای اصطلاح «ادبیات پایداری» و گفت: هنگامی که واژه‌ای از قلمرو فرهنگ وارد قلمرو دیگری می‌شود، مرزهای آن با ترجمه تغییر می‌کند. وی همچنین به اولین فردی که از اصطلاح «ادبیات مقاومت» استفاده کرد، اشاره داشت و گفت: غالی شکری در کتاب مقاومت در سال ۱۳۶۶ در نشر نو این تعریف ذکر شده است که بهترین تعریف از ادبیات پایداری هم هست. در آنجا «ادب المقاومة» به «ادبیات پایداری» ترجمه شد اما امروزه کرانه‌ها متفاوت شده است. وی در ادامه به «هویت» در تعریف مؤلفه‌ی ادبیات پایداری اشاره کرد و این ایراد را مطرح کرد که همه‌ی گونه‌های ادبی نمود فرد هستند و هویت را نشان می‌دهند، بنابراین باید در تحدید این تعریف دقت بیشتری شود.

دکتر سنگری در ادامه‌ی سخنان خود تعریف «ادبیات پایداری» را مطرح کرد و گفت: واژه‌ی اول یعنی «ادبیات» دو تکیه‌گاه «زبان» و «سرشت ادبی» دارد و در ادامه به سازه‌های مختلف «پایداری» اشاره کرد و گفت که این مقاومت، چندین «هویت» دارد؛ اولین ویژگی هویت مقاومت، هویت متفاوت طرفین است؛ دوم هویت، تراژیک و حماسی است؛ سوم هویت جغرافیایی آن و مکان‌مند بودن است یعنی فضای جغرافیایی در آن فرهنگ تأثیرگذار است و عبارات در مکان‌های مختلف معنی‌های متفاوت دارد؛ چهارم این که هویت فرهنگ مدار است که در فرهنگ گذشته و اکنون ریشه دارد و نقدپذیر هم هست. وی سپس به واژه‌ی «مقدس» در ادبیات دفاع مقدس اشاره و آن را نقدپذیر ارزیابی کرد. مانند نقد ترجمه‌های قرآن که مقدس است و نقد هم می‌شود. سنگری در جمع‌بندی سخنان خود به تعریف ادبیات پایداری اشاره کرد که «به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود و ارزش‌ها، رخدادهای و نمودهای هشت سال دفاع مقدس یعنی از سال ۱۳۵۹-۶۷ و بازتاب حوادث پیوسته به این هشت سال را به زبان هنرمندانه بیان می‌کند». وی در ادامه به دو دوره‌ی ادبیات مقدس اشاره کرد: دوهی اول، همه‌ی آثاری را دربر می‌گیرد که در طول هشت سال دفاع مقدس آفریده شده و دوره‌ی دوم که پس از پذیرش قطعنامه و پایان جنگ پدید آمده است. وی سپس برای دیدن افق آینده به آمار آثاری که در حوزه‌های مختلف آفریده شده اشاره کرد؛ از جمله در حوزه‌ی خاطره ۲۵۸۸ اثر، در حوزه‌ی نامه‌های ادبیات اسارت ۳۷ اثر، در حوزه‌ی زندگی‌نامه ۵۱۹۱ اثر (فربه‌ترین بخش)، در حوزه‌ی گزارش ۷۸ اثر و... و به برخی حوزه‌های در حال خطر و نابودی اشاره کرد؛ از جمله میثاق نوشته‌ها، جاده نوشته‌ها، مزار نوشته‌ها، سنگر نوشته‌ها، پیشانی بندها، لباس نوشته‌ها و... وی توجه به این آمار را از این لحاظ مهم ارزیابی کرد که تأکید و برنامه‌ریزی در هر کدام از این حوزه‌ها، به خصوص حوزه‌های در حال نابودی - به آینده‌ی بهتر این رشته و برنامه‌ریزی در خصوص پژوهش‌های پیش رو کمک شایانی خواهد کرد. در ادامه‌ی سخنان دکتر سنگری برخی استادان نظرات خود را مطرح کردند؛ از جمله دکتر راکعی با تشکر از دکتر سنگری، تعریف ایشان را دقیق و شفاف دانستند و دکتر رضوانیان نیز ضمن تشکر از سخنان استادان، دو مطلب بیان کرد و گفت: با توجه به این که ادبیات در حوزه‌ی خلاقه است که با ناخودآگاه متصل می‌شود، تعریف دقیق و شفاف در حوزه‌های مختلف آن از جمله «ادبیات پایداری» ممکن نیست به همین دلیل درون مرزها با تداخل گونه‌ها مواجه می‌شویم و تعاریف با مسامحه است که باید این سیالیت را پذیرفت و دوم کاربرد واژه‌ی «مقدس» در این حوزه که گزینش این واژه فرصت نقد را می‌گیرد زیرا در حوزه‌ی نظام ارزشی قرار می‌گیرد که باید نگاه مثبت‌گرایانه وجود داشته باشد.

دکتر کافی: عناوین پراکنده با دلالت علمی و پژوهش دانشورانه سازگار نیست



در ادامه‌ی سخنان کوتاه استادان، دکتر غلامرضا کافی، عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز، سخنان خود را با موضوع «پیشنهادی برای رج بندی مؤلفه‌های ادبیات پایداری» آغاز کرد. وی گفت: برای ذکر مؤلفه‌های پایداری، بیست دوره مجله‌ی ادبیات پایداری کرمان را بررسی کردند که ۲۷۶ مقاله در این بیست شماره چاپ شده و ۶۴ مقاله یعنی بیش از بیست و سه درصد عنوان، بررسی مؤلفه‌های پایداری داشت، اما مسئله، پراکندگی نام‌گذاری‌ها و عنوان‌بندی‌ها بود که انگیزه‌ی پیشنهادی در این‌باره شد. دکتر کافی در ادامه، بیان کرد: در بازشماری مؤلفه‌های مختلف به ۶۰ مؤلفه رسید که زیرمجموعه مؤلفه‌های دیگر قرار می‌گرفتند و به‌طور کلی شامل ۹ مؤلفه بود که پیشنهادی برای انجام پژوهش‌های بعدی محسوب می‌شود پس ضرورت انجام کار، کاستی‌های عنوان‌بندی و تشتت در عنوان‌های کلی مؤلفه‌های ادبیات پایداری است که این عناوین پراکنده با دلالت علمی و پژوهش دانشورانه سازگار نیست، بنابراین مؤلفه‌ها به ۹ طبقه تقسیم‌بندی شده است؛ مؤلفه‌هایی بر بنیان تبیین هویت؛ بر بنیان ستم‌ستیزی؛ بر بنیان سلحشوری و جنگ‌آوری؛ بر بنیان شکیبایی و آمادگی دفاعی؛ بر بنیان نیک‌خواهی؛ بر بنیان بصیرت و دانش؛ بر بنیان آگاهی‌بخشی؛ بر بنیان اتفاق و وحدت؛ بر بنیان آئین فتوت و ...

دکتر کافی سپس عناوینی را که ذیل این مؤلفه‌ها قرار می‌گرفتند را مطرح کرد؛ مانند مؤلفه بر بنیان هویت شامل عناوینی چون میهن‌دوستی، دین و باورهای مذهبی، پاسداشت زبان مادری، استقلال طلبی، سرزنش استحاله فرهنگی... همه ذیل مؤلفه هویت قرار می‌گیرند؛ مؤلفه‌ی دوم ستم‌ستیزی است که عناوین مختلفی چون نکوهش حاکمان، نکوهش بیگانگان، سرزنش بیگانگان ستایان ذیل آن قرار می‌گیرند؛ مؤلفه‌ی سوم سلحشوری و جنگ‌آوری است که عناوین مختلفی چون تحریض به قیام، مقابله با دشمن، ستایش شهادت و حفظ روحیه‌ی سلحشوری و افتخارات ذیل آن قرار می‌گیرد؛ چهارم مؤلفه‌ی شکیبایی و آمادگی دفاعی است که عناوین مختلفی چون صبر در راه هدف، تأکید بر توانمندسازی، سرزنش ترس از دشمن، آمادگی مقابله به مثل، نکوهش کاهلی ذیل آن قرار می‌گیرد؛ مؤلفه‌ی پنجم نیک‌خواهی است که عناوین مختلف چون مردم‌گرایی، عدالت طلبی، آزاد اندیشی، ایثار، مبارزه با فساد و صیانت از بیت‌المال ذیل آن قرار می‌گیرد؛ مؤلفه‌ی ششم بصیرت و بینش است که عناوین مختلفی چون دشمن‌شناسی، تبیین خودی و غیرخودی، اعتراض، هوشیاری در برابر حیل‌های دشمن و مبارزه با جهل ذیل آن قرار می‌گیرد؛ مؤلفه‌ی هفتم آگاهی‌بخشی است که عناوینی چون تحذیر و اعتراض، درس‌عبرت از گذشته، مبارزه با تفکر جبرگرایی، پایه‌ریزی اندیشه ذیل آن قرار می‌گیرد؛ مؤلفه‌ی هشتم اتفاق و وحدت است که عناوین مختلفی چون دعوت به همدلی، پیروی از رهبر واحد و رد قبیل‌گرایی ذیل آن قرار می‌گیرد؛ مؤلفه‌ی نهم آئین فتوت است که عناوینی چون نکوهش پیمان‌شکنی، نکوهش نفاق، دستگیری از ضعفا و نکوهش دنیاطلبی ذیل آن قرار می‌گیرد. در خاتمه‌ی سخنان دکتر کافی، دکتر ترکی در پاسخ به موارد مطرح شده‌ی استادان در خصوص تحدید اصطلاح، گفت: برای تعریف آن محوری مشخص شده؛ یعنی «محور هویت»، بعد «هویت مشروع» و «هویت در خطر جدی» که می‌خواهد هویتی را نابود کند قرار دارد. در ادبیات پایداری بخشی که ناظر به دفاع از هویت مشروع و در معرض خطر باشد مطرح می‌شود، پس مصادیق ضد‌اشغالگری و ضد نژادپرستی و مقاومت فلسطین و خود ما جزو مصادیق عینی‌تر این مفاهیم محسوب می‌شوند. در پایان جلسه، دکتر موحدی ضمن تشکر از استادان حاضر برای همراهی و مشارکت در مباحث، پیشنهاد داد: این مباحث به‌شکل مبسوط نوشته شود و در اختیار علاقه‌مندان به حوزه‌ی ادبیات پایداری قرار گیرد، سپس ختم جلسه اعلام شد.

دکتر صفوی‌فر: قرنطینه برای ما تازگی ندارد

## فاصله‌گذاری اجتماعی و روابط عاطفی

پژوهش‌کده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات با همکاری کرسی ارتباطات علم یونسکو و انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات نشست مجازی «فاصله‌گذاری اجتماعی و روابط عاطفی» را در تاریخ ۱۲ آذر ماه ۱۳۹۹ برگزار کرد. در این وبینار ابتدا دبیر نشست، سیده‌زهرا اجاق گفت: ارتباطات سلامت یکی از موضوعات مهم در بحث توسعه‌ی جوامع است و نقش مهمی در افزایش آگاهی، دانش و تغییر نگرش و رفتار عموم افراد جامعه در خصوص سلامت جسم و روان دارد. وی توضیح داد: در نشست یک روان‌پزشک سخنرانی می‌کند و با توجه به مسائل و موضوعات روانی پیرامون بیماری کووید-۱۹ بر این موضوع متمرکز خواهیم شد که این بیماری با الزام به رعایت پروتکل‌های بهداشتی فشارها و محدودیت‌هایی را بر ما اعمال کرده؛ آیا مزایا و فرصت‌هایی را به مردم بخشیده است؟



در ادامه فرنوش صفوی‌فر، روان‌پزشک، سخنرانی خود را با بیان این نکته آغاز کرد که ما همواره در قرنطینه‌ای همیشه بوده‌ایم! یعنی در یک بازه‌ی زمانی طولانی‌تر، به زندگی هر انسان که نگاه کنیم، خواهیم دید که اغلب افراد در چنبره‌ی یک تکرار گرفتار شده‌اند. بعضی می‌گویند: «ما همیشه در قرنطینه و فاصله از دیگران بوده‌ایم و قرنطینه برای ما تازگی ندارد». قرنطینه یعنی محدودیت انتخاب‌ها، یعنی تکرار تکرارها، یعنی انزوا، یعنی فاصله... بنابراین شاید حق با آن‌ها باشد. همان‌طور که «فروید» گفته، انگارگریزی از ایفای یک نقش تکراری در زندگی‌مان نداریم. «ویلیام وردزورث» هم گفته که کودک، پدر است. به عبارت دیگر ما در یک تعادل ناخوشایند، اما نسبتاً پایدار خود را حفظ می‌کنیم. جرأت تغییر نداریم، چون ما را از این کنج امن (گرچه تاریک و محدود) بیرون می‌کشد و پرتاب‌مان می‌کند به درون آشفتگی و آشوب، اقیانوسی از ابهام و ناشناختگی؛ پر از خطر جانوران وحشی کمین‌گرفته در تاریکی و... تغییرکاری است که خودمان انتخاب نمی‌کنیم، هنری است که وقت پرداختن به آن را پیدا نکرده‌ایم، مثل روابطی که می‌ترسیم قطع‌شان کنیم و بالا‌جبار ادامه می‌دهیم. «استریچی» به نقاط بحرانی یا نقطه جوش اشاره دارد که نقاط شروع فرایند سخت و دردناک، اما زیبای «تغییر» است. نقطه‌ای که در آن تصمیم خودمان را می‌گیریم و دل را به دریای ناشناخته‌ها می‌زنیم و حالا کرونا این همه‌گیری جهانی نظم اجتماعی و ذهنی ما را به هم زده؛ هم‌زمان، اکثریت جامعه با این موقعیت تصادم پیدا کرده‌اند: نیاز ضروری برای فاصله‌گذاری میان افراد، موقعیتی که اگر رعایت نشود، با خود مرگ و نیستی به‌همراه می‌آورد. اکنون «همه» درگیر این تکرار، این محدودیت انتخاب‌ها، این انزوا شده‌ایم. حالا همه باهم تجربه‌اش می‌کنیم. صفوی‌فر ادامه داد: آیا این شوک همگانی با همه‌ی درد و اضطراب‌ش، می‌تواند کمک‌مان کند برای پا گذاشتن به مسیر پرپیچ‌وخم اما زیبای تغییر در زندگی؟ ما همواره در فاصله از خودمان هستیم؛ از خویشتن واقعی‌مان. ما همواره پشت نقاب‌هایمان زندگی کرده‌ایم. در حال بهانه‌آوردن برای آن که با چالش‌هایمان در روابط روبه‌رو نشویم. این نقاب‌ها همان تکرارها، همان اسارت‌ها و همان تعادل نصف‌ونیمه ناخوشایند اما امنیت‌بخش هستند. فاصله‌گذاری از دیگران هم به تقویت خویشتن مشاهده‌گر و خویشتن تجربه‌گر منجر شده است. شاید کرونا فرصتی برای قدم برداشتن در مسیر سوژگی به تعبیر لاکانی فراهم آورد. در واقع فاصله‌گذاری اجتماعی، به‌ما حق انتخاب دوباره می‌دهد: در قرارهای کاری‌مان، در روابط عاطفی‌مان در این‌که زمان‌هایمان را که به‌طور محدود و موقت در اختیارمان قرار گرفته است، چه‌طور استفاده کنیم. فاصله‌گذاری میان خویشتن مشاهده‌گر و خویشتن تجربه‌گر شاید بتواند کمک کند که به زیستی سرزنده‌تر، آگاهانه‌تر و غنی‌تر دست یابیم.

صفوی‌فر در خاتمه‌ی سخنانش تأکید کرد: برای این کار باید پردازش کنیم. به تعبیر بیون برای آن که داده‌های حسی پریشان‌کننده و اضطراب‌های خام و ویران‌گر تبدیل به معناها و مفاهیم شوند، نیاز به دو ذهن است. ما نیاز داریم که در عین دوری از هم ذهن‌هایمان را به هم نزدیک کنیم و درباره‌ی تأثیراتی که فاصله‌گذاری، ماسک و کرونا بر زندگی جمعی‌مان گذاشته حرف بزنیم و ذهن‌هایمان را کنار هم نگاه‌داریم تا بتوانیم این اضطراب‌های خام را دوباره معنا کنیم و از همه‌ی این آشوب‌ها در جهت رشد و تاب‌آوری‌مان بهره ببریم.

## یکی از نشانه‌های زیبایی شعر لذت بردن از آن است، لذتی که معطوف به سود نباشد دکتر پورنامداریان: ادبیات، تولید زیبایی و بیان عاطفه با کلام است

در شعر باید تأویل‌هایی را قبول کرد که با کل بیت، شخصیت شاعر و ساختار زبانی هم‌خوانی دارد. الان ادبیت یک شعر به تولید زیبایی و بیان عاطفی است، نه معنا. در شعر هر وقت می‌خواهند یک چیزی را مبهم کنند، دال‌های بدون مدلول به کار می‌برند. ما اگرچه تعریف ادبیات را نمی‌دانیم اما مصادیقش را می‌شناسیم. ادبیات تولید زیبایی و بیان عاطفه با کلام است.



دکتر تقی پورنامداریان استاد برجسته‌ی زبان و ادبیات فارسی معمولاً کمتر مصاحبه یا سخنرانی می‌کند و بیشتر با کار و تحقیق و نوشتن کتاب و تدریس دانشجویان، به انتقال اندوخته‌های گهربارش می‌پردازد. استاد پورنامداریان باینکه مدتی است به افتخار بازنشستگی نائل شده است با این حال علاقه‌مندان و مخاطبان استاد، پیگیر ایشان هستند و مخصوصاً متن یا فایل صوتی سخنان استاد را درخواست می‌کنند که در بهمن ماه ۹۸ و قبل از رسیدن کرونا به ایران در جمع استادان و پژوهشگران افغانستانی زبان و ادبیات فارسی (از دانشگاه‌های هرات و کهکشان شرق) مطرح کرده بود. از این رو بنا به درخواست مخاطبان، متن طولانی این نشست پیاده‌سازی شد. در ضمن فایل صوتی این نشست آموزشی نیز در وبگاه پژوهشگاه در دسترس علاقه‌مندان به ادبیات و زبان فارسی قرار دارد.

دکتر پورنامداریان در این نشست صمیمی با طرح مبحثی در باب تک معنایی و چندمعنایی شعر نکات ارزنده‌ای را مطرح کرد و گفت: شعر کلاسیک عمدتاً به جز اندک استثنائاتی تک‌معنایی بوده است. وی با تقسیم‌گزاره‌های زبانی به سه دسته‌ی: گزاره‌های عقل‌پذیر یا عادت‌پذیر، گزاره‌های عقل‌گریز یا عادت‌گریز، و گزاره‌های عقل‌ستیز یا عادت‌ستیز، میزان و کیفیت چنین گزاره‌هایی را از شعر کلاسیک تا شعر معاصر با ذکر مثال‌های متعدد بررسی و تحلیل کرد که توصیه‌ها و نکات کلیدی حرف‌های استاد می‌تواند مورد استفاده‌ی شاعران و دوست‌داران ادبیات و زبان فارسی کشورمان قرار گیرد.

در ابتدای این دیدار، دکتر قبادی با خوشامدگویی به میهمانان، آرزو کرد؛ چنین دیدارهای علمی که می‌تواند گویش‌وران زبان فارسی را از اقصی نقاط ایران فرهنگی پیرامون شمع وجود استادان مسلم و مبرز این رشته در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های ایران جمع آورد، استمرار یابد. وی دست‌آورد این دیدارها را روایت سرگذشت ادبیات فارسی در ایران و افغانستان و دیگر بخش‌های ایران فرهنگی دانست و با معرفی اجمالی پژوهشگاه علوم انسانی به بهانه‌ی انتشار کتاب تاریخچه‌ی پژوهشگاه، درباره جایگاه علمی دکتر پورنامداریان سخن گفت که سخنان شنیدنی دکتر قبادی در وصف ادبیات فارسی، در ابتدای فایل صوتی این نشست در دسترس علاقه‌مندان است. در ادامه متن کامل سخنان استاد پورنامداریان از نظرتان می‌گذرد:

دکتر پورنامداریان در آغاز سخنانش گفت: خدای را بسیار شاکرم که به من این فرصت را داد که در خدمت

برادران همسایه و همدل و هم‌رشته‌ی افغانستانی حضور پیدا کردم. صحبت‌هایی که دکتر قبادی به خصوص درباره‌ی من داشتند، بیشترش اغراق است و من هیچ‌کدام را قابلش نیستم. من هم یکی از همکاران این پژوهشگاه هستم در کنار سایر همکاران و هیچ تفاوتی با آن‌ها ندارم. امروز هم که این‌جا هستم بیشتر دلم می‌خواهد از شما استفاده کنم و جهت‌یابی نگاه شما را درباره‌ی ادبیات بینم و با هم بیشتر صحبت کنیم. نمی‌خواهم من این‌جا متکلم وحده باشم و شما گوش کنید، چون من هم باید از شما یاد بگیرم. علت این‌که من آمدم این‌جا با شما حرف بزنم نه به اعتبار دانش بیشتر بلکه به اعتبار سن بیشتر است. مگر نه همه ما که این‌جا کار می‌کنیم در یک حدیم و من واقعاً فرقی با دیگران ندارم. از این مقدمه که بگذریم ما یک بحث مشترکی داریم به نام ادبیات. چون اسامی شما را که دیدم متوجه شدم اغلب ادبیات خوانده‌اید، خوب است با همین شروع کنیم که وقتی صحبت از ادبیات می‌شود ما چه چیزی را اراده می‌کنیم. وقتی ادبیات را در مفهوم گسترده به کار می‌بریم شامل تمام متونی می‌شود که به زبان فارسی از گذشته تا حال نوشته شده است. در این چشم‌انداز می‌توان رساله‌النفس ابن‌سینا را به‌عنوان ادبیات در نظر گرفت یا تاریخ بیهقی و شاهنامه‌ی فردوسی را هم ادبیات در نظر بگیریم. حافظ و سعدی و ... را هم ادبیات در نظر بگیریم. این خیلی گسترده است. اما وقتی راجع به ادبیات در معنای خاص صحبت می‌کنیم دیگر نمی‌شود رساله‌النفس ابن‌سینا یا حتی مصباح‌الهدایه یا نوشته‌های تاریخی را ادبیات دانست. من می‌خواستم بدانم وقتی از ادبیات در معنای خاص استفاده می‌شود شما چه نظری دارید؟

در یونان قدیم وقتی ارسطو و افلاطون خواستند، ادبیات را تقسیم‌بندی کنند فقط یک گروه از آن نوشته‌ها را برداشتند و تقسیم کردند که این‌ها همه منظوم بودند و شامل سه قسمت می‌شدند یکی آثاری که دراماتیک بود، یکی آثار حماسی، یکی هم آثار لیریک یا غنایی. این تقسیم‌بندی براساس همان نظر افلاطون بود که گفته بود، وقتی می‌خواهیم درباره‌ی موضوعی صحبت کنیم باید اول یک طبقه‌بندی درستی از آن بدهیم تا بشود درباره‌ی آن صحبت کرد. اساس طبقه‌بندی‌ای که افلاطون پیشنهاد کرده بود این بود که براساس یکسان‌نگری و اختلاف و تشابه می‌شود آثار را طبقه‌بندی کرد. بنابراین می‌شود اول به مقوله‌ای چون زبان فکر کرد که این مقوله به نثر و شعر تقسیم می‌شود که هر کدام از آن‌ها به انواعی تقسیم می‌شود و هر کدام از این انواع به اقسام و هر کدام از این اقسام به افرادی. بنابراین باید گفت؛ ما سه نوع شعر داریم، چون در قدیم همان‌طور که می‌دانید شعر بیشتر ادبیات بود و هر سخنی که منظوم بود ادبیات می‌شمردند. تقسیم‌بندی که ارسطو و افلاطون کردند به این سه نوع بود: یعنی شعر حماسی، شعر نمایشی و شعر غنایی. درباره‌ی حماسی و نمایشی در آن‌جا بود. نمایش‌هایی هم چون آشیل نوشته شده بود و در آملی تئاترهای بزرگ اجرا می‌شد.

در رساله‌ی پوئیک ارسطو فقط صحبت از تراژدی و نمایش است و درباره‌ی کمدی کم حرف زده شده. درباره‌ی شعر حماسی خیلی کمتر و درباره‌ی شعر لیریک یا غنایی تقریباً حرفی نزنده است، فقط به نظر می‌رسد قسمتی از تراژدی که هم‌سرایان با هم شعری می‌خوانند را شعر غنایی گفته. و این تعریفی که ما امروزه از شعر غنایی داریم در قرن نوزدهم نبود. چون وقتی صحبت می‌شود که غنایی شعری است که با ساز لیر بخوانند. حُب می‌شود همه چیز را با ساز لیر خوانند. هم حماسه را خوانند و هم شعر و غزل و ترانه‌های عاشقانه را با این ساز خوانند. بنابراین شعر لیریک تعریفی نداشته است، گرچه نمونه‌هایی داشت، مثلاً در قرن پنجم و قبل از آن. سافو و پیندار کسانی بودند که شعر عاشقانه گفته بودند ولی این به‌عنوان شعر غنایی شناخته نمی‌شد. پورنامداریان ادامه داد: در قرن نوزدهم بود که کم بعد از بحث‌های زیاد بالاخره شعر غنایی به این مفهوم محدود می‌شود. شعر غنایی بیان احساسات و عواطف شخصی است، بنابراین شعر غنایی یک چیز امروزی است. همان‌طور که می‌دانید الان در دوره‌ی ما دیگر کسی شعر حماسی نمی‌گوید. شعر تعلیمی هم کسی نمی‌گوید. بنابراین شعر الان به شعر غنایی محدود شده است. آن هم با همان تعریف بیان احساسات و عواطف شخصی که در قرن نوزدهم پیدا کرد. حتی در دایره‌المعارف‌های شما بخوانید نوشته امروز ما شعر غنایی داریم. در ایران هم همین‌طور. بنابراین ما الان فقط شعر غنایی داریم. مهم‌ترین تفاوت شعر غنایی با دو نوع دیگر (شعر حماسی و نمایشی) این است که در آن‌ها معنی روشن است و می‌شود گفت که شاعر یک معنی مشخصی را منظوم می‌کند. اما در شعر غنایی معنا از قبل، یعنی مقدم بر شعر وجود ندارد. اگر شما مهم‌ترین کتاب شعرشناسی دوره‌ی قدیم را بخوانید مانند کتاب المعجم فی معانی اشعار عجم در این کتاب نوشته است که شاعر وقتی می‌خواهد شعر بگوید اول باید مفهوم شعر را به نثر بسنجد، بعد که سنجید، تمام قافیه‌های ممکن را همه را زیر هم بنویسد و بعد برای هر قافیه یک مفهومی بسازد و در آخر، ابیات را پس و

پیش‌کند تا این‌که نظم قابل قبولی بپذیرد. وقتی این‌جا نگاه می‌کنیم می‌بینیم شعر یک صناعت است که کاملاً باید بیاموزی. باید وزن را یاد بگیری. قافیه را یاد بگیری. صناعات ادبی و بلاغت را یاد بگیری. بعد هم اول بسنجی چه می‌خواهی بگویی و بعد شروع کنی و منظومش نمایی. این به معنی این است که شعر حتماً معنی دارد. شعر کلاسیک با این تعریف، حداقل قبل از نیما یوشیج، اگر از استثنائاتی چون غزلیات حافظ و غزلیات شمس بگذریم، شعر کلاسیک شعر تک معنایی است. چندمعنایی نیست. اگر کسی بگوید این معنا هم می‌شود، حتماً غلط است. چون شاعران قدیم از زبان به‌عنوان وسیله‌ی انتقال معنا استفاده می‌کردند. اما در دوران جدید حتی می‌توان گفت از سال ۱۹۲۲ از کتاب *meaning of meaning* ریچارد آودن از آن‌جا دیگر شعر یک معنای دیگری پیدا کرده است. و حتی یک کسی به نام رولان بارت که در سال ۱۹۷۰ در گذشته گفته شعر از زبان برای انتقال معنا استفاده نمی‌کند. در شعر هر کلمه‌ای خود شی است نه کلمه. در شعر کهن اسم «درخت» را می‌خوانیم «دال، ر، خ، ت». یک دال است که مدلولش می‌شود شی خارجی. درخت خود درخت است نه یک علامت برای شی خارجی. وقتی این جور می‌گیم نمی‌شود شعر را معنی کرد. وقتی گفته می‌شود، کسی از درخت بالا رفت کسی مدلول دارد. بالا می‌رود مدلول دارد. بنابراین این جمله مصداقی دارد که در بیرون است. بنابراین شعر کهن ما کلمات را به‌عنوان دال به کار می‌بریم که این دال‌ها با هم جمع می‌شوند و گزاره‌ها را می‌سازند. و این گزاره به یک مصداق خارجی دلالت می‌کند. همه‌ی گزاره‌هایی که ما می‌سازیم یک معنی زبان‌شناختی دارد. معنی زبان‌شناختی یعنی آن چیزی که از کلمات حاصل می‌شود. ما در زبان نمی‌توانیم جملات بی‌معنی بسازیم. حتی اگر من بگویم «گنجشکی درختی را به آسمان برد» ظاهراً بی‌معنی است اما بی‌معنی نیست «گنجشک» فاعل و «درخت» مفعول است «به آسمان برد» هم متمم فعل و فعل است، ما می‌فهمیم معنی اش چیست. بنابراین وقتی می‌گوییم این معنی ندارد یا معنی این چیست؟ منظورمان این است که مصداق ندارد یعنی بر چیزی دلالت می‌کند که عادت‌های تجربی ما آن را قبول نمی‌کند. به عبارت دیگر این گزاره‌ها، گزاره‌های عقل‌گریز یا عقل‌ستیز هستند. یا عادت‌گریز یا عادت‌ستیز هستند. عادت‌پذیر نیستند. اگر بگویم «حسن در دریا غرق شد» این یک گزاره است که مصداق دارد یعنی عادت‌های ما آن را قبول می‌کند. این امکان وجود دارد که فردی در دریا غرق شود. این گزاره‌ای است که مصداق دارد. اما اگر بگویم «دریا در حسن غرق شد» همه خواهند پرسید دریا در حسن غرق شد یعنی چه؟ معنی زبان‌شناختی دارد اما مصداق ندارد. بنابراین وقتی ما معنی چیزی را نمی‌فهمیم یعنی با عادت‌های ما، با عقل ما قابل قبول نیست. بنابراین اگر مولوی بگوید «بحر من غرقه گشتم در خویش ...» مصداق ندارد. وقتی این اتفاق می‌افتد یعنی یک گزاره می‌بیند که مصداق ندارد حتماً می‌پرسید معنی اش چیست؟ این یعنی چه؟ بنابراین می‌توان گزاره‌های زبانی به سه نوع تقسیم کرد: یکی گزاره‌های عقل‌پذیر یا عادت‌پذیر، یعنی



آن‌هایی که مصداق دارند. مثلاً اگر بگوییم «زهرة خونیاگر فلک است» گزاره عقل‌پذیر است. چون در آن زمان بنابر هیأت بظلمیوسی زهرة خونیاگر فلک بود اگر بگوییم «حسن در دریا غرق شد» یا «پنج به علاوی نه می‌شود چهارده» باز هم یک گزاره‌ی عقل‌پذیر است. این گزاره‌های عقل‌پذیر بیشتر برای انتقال دانش به کار می‌رود. گزاره‌های نوع دوم گزاره‌های عقل‌گریز یا عادت‌گریز، گزاره‌هایی است که عادت آن را نمی‌گذیرد، مصداق هم ندارد ولی به راحتی می‌توان مصداق عقل‌پذیرش را پیدا کرد. وقتی سعدی گفته «بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران، کز سنگ ناله خیزد وقت وداع یاران» از سنگ وقت وداع یاران ناله بر نمی‌خیزد، بنابراین گزاره‌ی عقل‌پذیر نیست و اما می‌توان به زودی دریافت که وداع یاران خیلی سخت است. یا وقتی حافظ می‌گوید «دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زدم و ...» با سیل اشک نمی‌توان رهنزی کرد اما زود می‌فهمیم یعنی نتوانسته بخوابد. بیشتر شعر کلاسیک از این نوع گزاره‌ها هستند. نوع سوم گزاره‌های عقل‌ستیز یا عادت‌ستیز هستند که نه معنی اش را می‌فهمیم و نه مصداقش را می‌شود کشف کرد. فقط می‌توانیم تأویل‌شان کنیم. یعنی یکی از معنایش را حدس زد. آن‌جا که مولوی گفته «بحر من غرقه گشته‌ام در خویش ...» این یک گزاره‌ی عادت‌ستیز است چون بحر من معنا ندارد و نمی‌توان معنایش را فهمید فقط می‌توان این طور تأویلش کرد که منظور از بحر دانش است و ... یا مولوی می‌گوید «داد جارویی به‌دستم آن نگار، گفت کز دریا برانگیزم غبار» این هم عادت‌ستیز است چون معنایش معلوم نیست چگونه می‌توان از دریا غبار برداشت. مصداق هم ندارد. بنابراین می‌توان گفت، شعر در دوره‌ی کلاسیک بیشتر از گزاره‌های عقل‌پذیر یا عقل‌گریز درست شده اما در دوران معاصر و نظریه‌های معاصران شعر بیشتر از گزاره‌های عقل‌ستیز و عادت‌ستیز درست شده و ما باید تأویل‌شان کنیم. یعنی یک سخن بی‌مصداقی را جوری معنا کنیم که برای مخاطب مصداق‌پذیر باشد. اما فقط در حد حدس است. وقتی در نظریات جدید چه تأویل‌گرایی، چه فرمالیست و چه نظریه‌های رولان بارت، چه نظریه‌های دریافت، در همه شعر را کلامی می‌دانند که از گزاره‌های عقل‌پذیر درست نشده است. بنابراین در شعر معاصر «گوینده» و «مخاطب» از اقتدار زبان آزاد می‌شود. وقتی شما کلماتی را معانی قراردادی‌اش استفاده می‌کنید شما اسیر اقتدار زبان هستید، اما کسانی مثل «رولان بارت» می‌گویند، شعر یعنی انقلاب مداوم در زبان و رها شدن از اقتدار زبان. شما وقتی کلماتی را خارج از معانی قراردادی‌شان استفاده می‌کنید شما از اقتدار زبان رها شده‌اید، مخاطب هم همین‌طور وقتی سعی می‌کند آن را تأویل کند و حدس بزند از اقتدار زبان رها شده. برخی مانند گادامر و هایدگر معتقدند شعر می‌تواند معانی متعددی داشته باشد و هر کدام هم در حد خودش درست است. اما از نظر شخصی مانند هیرش که با آن‌ها مخالف است، یک شعر ممکن است معانی متعددی داشته باشد اما متأول یا تأویل‌کننده آن کسی است که بکوشد تا نیت گوینده را پیدا و کشف کند. بگوید او چه می‌خواسته بگوید. من می‌توانم نظر خود را از شعر بگویم اما این نظر من است. کس دیگر هم می‌تواند جور دیگر تأویل کند. اما خود گوینده چه اراده کرده است؟ «هیرش» معتقد است فرد باید سعی کند آن را پیدا کند. بنابراین تأویل‌های متعدد یکی از مشکلاتی است که الان به‌خصوص با این نظریات جدید در ایران بعد از انقلاب اسلامی دارد مثل سیل وارد می‌شود، خیلی از این‌ها فقط در حد حرف هستند. ما این‌ها را می‌گیریم و یک چیزی بیان می‌کنیم اما بسیاری از این نظریاتی که بیان می‌کنیم، چیزی به ما نمی‌دهند. من همیشه این را گفته‌ام که وقتی من یک شعری یا یک اثر ادبی را با نظریات جدید تأویل می‌کنم اگر معرفتی جدید بر معرفت من نیفزاید و اگر حس زیبایی‌شناختی مرا نسبت به این اثر تقویت نکند، چه فایده‌ای دارد؟! این خطری است که الان با آن مواجه هستیم و باید حواس‌مان به آن باشد. درست است که ممکن است یک شعری از گزاره‌های عقل‌ستیز و عادت‌ستیز درست شده باشد، اما این بدین معنا نیست که هرکس هر جور تأویل کرد، بگوییم درست است. «رولان بارت» گفته است؛ شعر با هر بار خواندن متولد می‌شود. یعنی بی‌نهایت معنی دارد و معنی آن تمامی ندارد. اما اگر با هر بار خواندن متولد شود آن کسی که شعر را تأویل می‌کند، چه ارزشی دارد و آن کسی که شعر را ساخته است چه ارزش و جایگاهی دارد؟ با این وضع هرکس کلمات را هرطور که خواست کنار هم می‌چیند و هر کسی هم هرطور بخواهد شعر را معنی می‌کند که نوعی هرج و مرج و بی‌معنایی در ادبیات ایجاد می‌شود. بنابراین ما باید کاری کنیم اگر از یک شعر ۱۰ تأویل مختلف ارائه شد و آن‌ها را به ۱۰۰ نفر نشان دادیم، ۹۹ نفر یکی از معانی را نشان بدهند و بگویند این تأویل درست است. این نوع تأویل چه نوع تأویلی است؟ قدر مسلم این‌که باید ساختار آن با ساختار زبانی متن منطبق باشد. متن‌های گذشته آن را تأیید بکنند یعنی روابط بینامتنی در شعر برقرار باشد و زندگی نویسنده هم با شعر هم‌خوانی داشته باشد. اگر حدسی در مورد شعری زده می‌شود، باید تمام ابیات شعر تأیید کند. نیما یوشیج یک شعری دارد که می‌گوید «زردها بیهوده قرمز نشدند / قرمزی رنگ نیانداخته است بی‌خودی بر دیوار» یک عده حدس زده‌اند که منظورش این است که شعله‌های آتش



می‌سوزد و رنگ آن بر دیوار می‌افتد. یک عده هم حدس می‌زنند منظره‌ی پاییز و زردی برگ درختان مدنظر شاعر بوده است. اما در ادامه خود شاعر می‌گوید «زردها بی‌خود قرمز نشده‌اند / قرمزی رنگ نیانداخته است بر دیوار/ صبح پیدا شده است از آن طرف دیوار .....» این‌جا خودش دلیلش را می‌گوید که طلوع آفتاب و فرا رسیدن صبح به علت قرمزی دیوار بوده است. بنابراین می‌توان حدس زد که نیما یوشیج در کلبه‌ای در شمال بوده، صبح بیدار شده و دیده روی دیوارها قرمزی افتاده است، بعد فکر کرده که این قرمزی از کجا آمده؟ بعد خودش نگاه کرده دیده آفتاب بالا آمده است و گفته صبح شده. بنابراین هر حدسی غیر از این بیهوده است. بعد می‌گوید «واژنا پیدا نیست». واژنا پیدا نیست. واژنا یک دهی بوده که وقتی از شیشه نگاه می‌کرده آن را می‌دیده. حالا چرا امروز پیدا نیست؟ چون بعدش می‌گوید «گرته‌ی روشنی مرده‌ی برفی ...» یعنی معلوم است که برفی آمده و روی شیشه را گرفته است. از شیشه نور عبور می‌کند قرمزی روی دیوار می‌افتد اما واژنا پیدا نیست. بنابراین وقتی خوب تأویل کنید همه‌ی مصرع‌های بیت، حرف شما را تأیید می‌کند. بعد ببینید ما اعضای یک فرهنگیم و می‌توانیم بر اساس عضویتی که در این فرهنگ داریم مثلاً اگر برگ در شعری آمده بود و معنی خودش را نمی‌داد، بگوییم که به درخت، باغ یا بهار دلالت می‌کند اما نمی‌شود که بگوییم برگ به موزاییک دلالت می‌کند.

استاد پورنامداریان تأکید کرد: درست است که یک شعر در نگاه امروز ما می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد و تأویل‌های مختلفی را بپذیرد اما فقط یک تأویل درست و قابل پذیرش است و آن هم وقتی که عوامل مختلف شعر با هم در ارتباط باشند. احمد شاملو شعری دارد بی‌وزن که می‌گوید:

میوه بر شاخه شدم / سنگ‌پاره در کف کودک.  
 طلسم معجزتی / مگر پناه دهد از گزند خویشتن‌ام / چنین که / دست تطاول به خود گشاده / من‌ام! / بالابلند! / بر  
 جلوخان منظرم / چون گردش اطلسی ابر / قدم بردار.  
 از هجوم پرنده‌ی بی‌پناهی / چون به خانه بازآیم / پیش‌از آن‌که در بگشایم / بر تخت‌گاه ایوان / جلوه‌ای کن / با  
 رخساری که باران و زمزمه است. / چنان کن که مجالی اندک را درخور است،  
 که تبردار واقعه را / دیگر / دست خسته / به فرمان / نیست / که گفته است، / من آخرین بازمانده‌ی فرزانه‌گان  
 زمین‌ام؟  
 من آن غول زیبایم که در استوای شب ایستاده است غریق زلالی همه آب‌های جهان، / و چشم‌انداز شیطنت‌اش /  
 خاستگاه ستاره‌ایست.

این شعر را به این دلیل خواندم که تأویل‌های بسیار بی‌ربطی درباره‌ی این شعر شده است که می‌خواهم بگویم دلیلش چیست و اگر آن عوامل را در نظر بگیریم تأثیرش چیست؟ وقتی می‌گوید «میوه بر شاخه شدم / سنگ‌پاره در کف کودک شدم» منظور خاصی دارد.



«یاکوبسن» یکی از طرفداران مشهور فرمالیسم می‌گوید؛ در شعر، شما باید دال‌ها را بدون مدلول تصور کنید و در شعر کلمات خود یک شیئی هستند. حالا این‌جا احمد شاملو گفته، «میوه بر شاخه شدم» ظاهراً معنی‌اش معلوم است اما شما باید این‌گونه فکر کنید که «میوه بر شاخه» چه خصوصیتی دارد و شاعر می‌خواهد چه بگوید یا وقتی که می‌گوید، «سنگ‌پاره در کف کودک» هدف خاصی دارد. وقتی میوه بر شاخه باشد بر چه دلالت می‌کند؟ یکی این‌که شاعر وضع ناپایداری دارد و مثل میوه بر شاخه هر لحظه امکان دارد که بیفتد. سنگ‌پاره در کف کودک هم یعنی این‌که هر لحظه ممکن است پرتاب شود بعد می‌گوید «طلسم معجزتی مگر نجات دهد از گزند خویشتم/ چنین‌که دست تطاول به خود گشوده منم» یعنی من خودم این



وضع را برای خودم فراهم کرده‌ام و مگر معجزتی مرا از این گزند نجات دهد که خودم برای خودم زده‌ام. این‌که شاعر می‌گوید، از گزند خویشتم خیلی مطلب مهمی است یعنی این وزن ناپایدار را خودم برای خودم به‌وجود آورده‌ام وقتی در ادامه از «پرنده‌ی بی‌پناهی» می‌گوید، یعنی هیچ‌جا مرا پناه نمی‌دهد. (اعتیاد به مواد مخدر داشت و معتاد بود).

پورنامداریان توضیح داد: در خصوص شعر نیما در مورد قرمزی زردها مثلاً باید این را هم بدانیم که آن زمان کتابی با عنوان «زردهای سرخ» چاپ شده بود که راجع به انقلاب چین بود در واقع انقلاب سرخ چین باعث شده بود که صبح آزادی در چین بدمد. بنابراین با در نظر گرفتن این مطلب، این شعر علاوه بر معنی ظاهری معنی دیگری هم پیدا می‌کند. این‌جا هم منظور شاعر در مورد پرنده‌اش ممکن است اشاره به فیلم «آلفرد هیچکاک» باشد که هر جا می‌رود پرنده‌گان حمله می‌کنند و ...

منظور از بالابند هم همسرش است که می‌گوید، با نرمی پناه بده و بعد می‌گوید طوری از من پذیرایی کن که مجالسی اندک مانده، چون ممکن است هر لحظه از درخت بیافتم. منظور از واقعه در تبردار واقعه یعنی مرگ! این تبردار را از کجا آورده؟

اگر این را هم ندانید که حافظ در اشعارش گفته،

به روز واقعه تابوت ما ز سرو کنید/ که می‌رویم به‌داغ بلندبالایی

شاملویی در این شعر هم بلندبالا آورده و هم واقعه و آن روابط بینامتنی که گفتم همین است.

بعد می‌گوید که گفته است من آخرین بازمانده‌ی فرزندانگان زمینم/ من آن غول زیبایم که در استوای زمین ایستاده‌ام که چشم‌انداز شیطنتش خاستگاه ستاره است.

اما منظور از «گزند خویشتم» چیست؟ شاملو همان‌طور که می‌دانید معتاد به هروئین بود معتادی‌اش هم شدید بود و من هم دیده بودم که می‌کشد. همه به معتاد می‌گویند مواد مصرف نکند اما او نمی‌تواند بنابراین منظور شاعر این است که من خودم باعث این وضع شده‌ام و همه از من فرار می‌کنند و به من پناه نمی‌دهند و به همسرش می‌گوید؛ بالابند! لااقل تو مرا پناه بده.



بینید این شعر را این‌جا که من برایتان تفسیر کردم مطمئن باشید هر تفسیری غیر از این باشد غلط است. اگر کسی نفهمد آن واقعه، بالا بلند و ستاره از کجا آمده معانی بی‌ربط می‌شود. بنابراین وقتی شما با گزاره‌هایی برخورد می‌کنید که این گزاره‌ها عادت‌ستیز یا عقل‌ستیز هستند و مجبور هستید آن را تأویل کنید تا معنی شعر برای مخاطب مشخص شود. این تأویل باید؛ مبتنی بر روابط بینامتنی باشد، مبتنی بر شخصیت خود شاعر باشد، مبتنی بر ساختار زبانی باشد و گرنه تأویل بی‌ربطی است. شما هم اگر در افغانستان نظریات جدیدی آمده حتماً نظریات را با دقت بخوانید. حتماً هر نظریه‌ای که نتواند معرفتی در انسان ایجاد کند یا نتواند حس زیباشناسی مخاطب را تشحیذ کند و از حالت «خنثی» بیرون بیاورد، یک تأویل بی‌خود است.

در ادامه، برخی از حاضرین در نشست سؤال‌هایی مطرح کردند:

سؤال میهمان: ما از این‌که در کنار شما هستیم خوشحالیم. ما حدود یک دهه در زبان فارسی کتاب «درسایه» شما را مطالعه کردیم که فقط یک سؤال دارم؛ این سه نوع معنایی که از زبان تعریف کردید چه تفاوتی میان گزاره‌ی عقل‌گریزو عقل‌ستیز و عادت‌ستیز می‌تواند داشته باشد، زیرا بسیار سخت می‌توان قبول کرد تفاوتی میان آن‌ها وجود دارد و در آخر به یک معنا می‌رسیم و تفاوت زیادی نمی‌توان دید و چگونه می‌توان دیدگاه‌های دیگری در ادبیات وارد کرد و با این گزاره‌ها توسل معنا پیدا کرد؟

دکتر پورنامداریان: بله، من وقتی می‌گویم که گزاره‌های عقل‌ستیز، عقل‌گریز و عقل‌پذیر این ساختار ظاهری شعر است یعنی شما شعری می‌خوانید چیزی نمی‌پرسید «یکی گریه در خانه زال بود/ که پیوسته ایام بدحال بود» اهل زبان سؤال نمی‌کنند معنی آن چیست. چون معنایش مشخص است. به این گزاره‌ها شعر نمی‌گوییم، نظم می‌گویند. نظم یعنی سخن منصوری که معنایش روشن است. شاهنامه‌ی فردوسی هم نظم است. مثنوی مولوی هم نظم است. بوستان سعدی هم نظم است. چرا چون معنایشان روشن است. این‌ها از گزاره‌های عقل‌پذیر درست شدند، به همین جهت وقتی شما می‌خوانید، نمی‌پرسید این یعنی چه. شاعر منظوری در ذهنش دارد و آن را عیناً منظوم می‌کند و هنر به‌نظم کردن و شاعرانه کردن یک سخن است که در حالت عادی هم می‌توان گفت، این‌گونه سخنان مصداق دارند. بخش زیادی از شعرهای کلاسیک از این گزاره‌ها تشکیل شده است. مثلاً بوستان سعدی که شما می‌خوانید نیازی به هیچ شرح ندارد. ما الان در دوران معاصر به این «شعر» نمی‌گوییم چون یک انسجام معنایی دارد و از یک‌جا شروع شده و به یک‌جا نیز ختم می‌شود و فقط وزن دارد و اگر وزنش را هم بگیریم هیچ چیز از نظر معنایی تغییر نمی‌کند، زیبایی‌اش تغییر می‌کند. این فرق دارد با شعری که «چو بشنوی سخن اهل دل، مگو که خطاست/ سخن‌شناس نه‌ای جان من خطا این جاست». اولین سؤالی که می‌کنید این است که، سخن اهل دل چیست که می‌گوید خطاست و بعد از توضیح من شما قبول می‌کنید. گاهی اوقات نیز جزو عقل‌گریزها هستند که معنی‌اش روشن نیست ولی توضیح که می‌دهند شما متوجه می‌شوید. مثل شعرهای حافظ که اگر بخوانید ممکن است معنی کنایه را متوجه نشوید ولی با جستجوی معنای کنایی در کتاب‌های فرهنگ متوجه معنای آن می‌شوید. شعرهایی هم داریم که با شرح هم معنایش را نمی‌فهمیم باید تأویل بشود. تأویل، مصدر باب تفعیل است یعنی برگشتن به اول از ریشه اول می‌آید. یعنی شاعر چه فکر کرده که ظاهرش این شده است؟ مثلاً در شعر «تا جارویی به‌دستم آن نگار گفت، دربا برانگیزد دریا..» این یعنی چی؟ یعنی جارو را آتش بکشید و بگویید جاروی دیگر پیدا کن. این‌ها عقل‌ستیز است. تأویل دو کار می‌کند؛ یا شما می‌خواهید واقعاً بدانید آن نویسنده چه گفته است؟ یک موقع حرف‌هایی که در ذهن شما پنهان است در نتیجه‌ی تأمل در متن آشکار می‌شود. تأویل یعنی، کشف معنای متن، در نتیجه‌ی تأمل بر متن!

شما چیزی را می‌خوانید و معنی آن را متوجه نمی‌شوید دوباره تأمل می‌کنید که بفهمید. بعد یک حدسی می‌زنید. این حدس را شما نمی‌دانستید. قبلاً در ذهن شما حاضر نبود و این متن باعثش شد. بنابراین در شعرهایی با گزاره‌های عادت‌ستیز، «شعر» مخاطب را فرامی‌خواند نه مخاطب شعر را! مخاطب شعر را نمی‌خواند تا بگوید معنایش این است. در نتیجه‌ی تأمل بر متن آن چیزهایی که در ذهنش است آشکار می‌شود. تا این‌جا مفید است اما وقتی می‌خواهید بگویید، نویسنده چه می‌گوید؛ آن‌جا باید تأویلی انجام بدهید که تمام جزئیات متن آن را تأیید کند. روابط بینامتنی آن را تأیید کند. یک اثر عقل‌ستیز بی‌فایده نیست. «یاکوبسن» گفته است؛ نقش زبان در ادبیات غیر از نقش ادبیات در اجتماع است. زبان در ادبیات شاید معنی خاصی نداشته باشد. من این را آزمایش کرده‌ام. زمانی معلم دهات بودم می‌آمدم دانشگاه هفته‌ای دو روز هم درس می‌خواندم خیلی شعر

نو می‌خواندم ولی خیلی از شعرها نامفهوم بود. بعد می‌آمدم از بچه‌های دانشگاه معنای آن‌ها می‌پرسیدم آن‌ها هم نمی‌دانستند. همه می‌گفتند دارد درباره‌ی سانسور صحبت می‌کند. یعنی نظر کلی می‌دادند. آن موقع متوجه شدم فقط من نیستم که متوجه نیستم. من در هنگام پیاده‌روی و در همه حال در مورد این شعر فکر می‌کردم و در نهایت کشف می‌کردم. اما متوجه یک چیز شدم که کسانی که شعرهای شاملو را می‌خوانند با این‌که نمی‌فهمند ولی جور دیگری تصور می‌کنند، جهان را جور دیگر می‌بینند یعنی قرار دادن کلمات کنار هم و تأمل در آن‌ها موجب می‌شد ذهن آن‌ها معانی جدیدی را کشف کند. در نتیجه وقتی من می‌گویم تأویل یک معنی می‌دهد. ممکن است شما تأویل کنید این هم فایده دارد. البته نه بی ربط. کسی که این کار را می‌کند باید حائز شرایط باشد حداقل شعر خوانده باشد. اما اگر شعر خوانده باشد تأویل می‌کند و آن شعر از ذهنش معنایی را کشف می‌کند. در نتیجه‌ی تأمل بر متن، معانی پنهان ذهنش فعلیت پیدا می‌کند اما وقتی که می‌خواهید بگویید، خود گوینده چه چیزی مدنظرش بوده است؛ آن موقع باید خیلی زحمت بکشید و بر ادبیات فارسی خیلی اشراف داشته باشید. روابط بینامتنی در نظرتان باشد که وقتی متن را دیدید از روی نشانه‌ها بگویید از این راه رفته است.

سؤال میهمان: از دیدار شما خیلی خوشحال هستم... چند نکته داشتم یک بحثی که شما مطرح کردید، معتقد به یک نوع معناحوری در متن هستید و این امروزه آدم را نسبت به تشمت و پراکندگی‌هایی که بعد از نظریه‌ی دریافت بیشتر هم شده است، راضی تر می‌کند. دوم این‌که؛ شما اشاره داشتید به نیما و این‌که گاهی شاید چنین دلالت داشته باشد و این نگاه رمانتیسم و شناور که در شعر نیما هست به آن حساب و به طرف سیاست و اجتماع گذاشت. سوم این‌که؛ شما اشاره داشتید، شاهنامه و مثنوی نظم است ما این‌ها را از استادان زیادی شنیدیم اما با نگاه امروز و موجودیت عناصر ادبی، ادبیات فارسی مان نوعی ادبیات بلاغی است و صورت‌گرا. باتوجه به عناصر ادبی که در بوستان و مثنوی وجود دارد، تکلیف چیست؟ باتوجه به گفته‌های شما که شعر یا باید به داشته‌های شما اضافه کند یا حس زیباشناسی شما را برانگیخته کند و ما می‌بینیم که در برخی از داستان‌های شاهنامه زبان احساسات آدم را بیدار می‌کند اگر بخواهیم مرادف نظم بدانیم تکلیف چیست؟

پورنامداریان: اول؛ این تقسیم‌بندی که کردم و می‌گویم نظم و شعر، یک گروه را نظم و دیگری را شعر تقسیم‌بندی کرده‌ام. این تقسیم‌بندی مبتنی بر معیارهای ارزشی نیست و مبتنی بر معیارهای توصیفی است. یعنی نظم با شعر فرق دارد اما ارزشی نیست. یعنی ارزش دارد و هر چه نظم است ارزش ندارد. شاهنامه‌ی فردوسی بسیار با ارزش‌تر از شعرها و غزل‌هاست بنابراین، این تقسیم‌بندی معیار توصیفی است نه معیار ارزشی. دوم؛ وقتی ما از زیباشناسی صحبت می‌کنیم امری نسبی است. هر کس ممکن است یک‌جوری زیبایی‌شناسی را بشناسد در ضمن نسل‌ها فرق می‌کنند یعنی آن زیباشناسی که برای آدم‌های ۵۰۰ سال پیش بود با انسان‌هایی که الان همه درس خوانده‌اند، تفاوت دارد.

چیزی که باید در نظر گرفت؛ شهر در دوران کلاسیک هنر شنیداری و گفتاری است اما در دوران معاصر تبدیل شده به هنر نوشتاری. این خیلی مهم است زیرا در قدیم نه زیاد فن چاپ بوده نه فرد باسواد. بنابراین هنر شنیداری بود. وقتی که شاعری شعر می‌گفت، برای یک تعدادی می‌خواند اما الان کسی که شعر می‌گوید، در غیاب مخاطب می‌نویسد. یک شعر وقتی نوشتاری می‌شود و یک صوت تبدیل به گفتار می‌شود، محمل صوت هواسست و محمل نوشتار صفحه است، مکان است. وقتی زمان با مکان جایش عوض می‌شود خیلی تغییر ایجاد می‌شود. این‌که گفتم بیشتر اشعار قدیمی تک‌معنایی است چون بیشتر شاعران گذشته مخاطبان خود را می‌شناختند اما وقتی نوشته است خواننده مشخص نیست، چون ممکن است شعر را کسانی بخوانند که حتی جزو مخاطبان شاعر نیستند. این موضوع خیلی مهمی است که تا به حال به آن توجه نشده و تنها دلیلی که وجود دارد، شعرهای کهن تک‌معنایی است و روشن است چون شنیداری است و اگر متوجه نمی‌شدند دیگر گذشته بوده، دیگر نمی‌شد دوباره خواند، تأمل کرد. چون محملش هوا بود و در هوا محو می‌شد. اما حالا که نوشتاری شده، در صورت عدم درک می‌تواند دوباره بخواند.

استاد زبان و ادبیات فارسی کشورمان اضافه کرد: وقتی که صاحب مرزبان‌نامه می‌خواهد این حرف را بزند، خودش هم می‌گوید این کتابی که من نوشته‌ام اول به زبان طبری و به زبان ساده بوده است به همین دلیل مثل عروس بی‌آریشی بوده است که کسی به آن نگاه نمی‌کرده و من می‌خواهم آن را آرایش دهم. به جای این‌که بگوید، «اگر سخن خوب را کسی خوب گوش نهد، فایده‌ای ندارد»، گفته است: شکوفه‌ی گفتار را اگرچه برگ بار لطیف آرد، چون به صبای صدق اصغا پرورده نگردد، هرگز امید کردار از آن چشم نتوان

داشت». تمام همین‌طور است و پر است از تشبیه، استعاره و کنایه، اما در قدیم ما به این شعر نمی‌گفتم. حتی فیلسوف‌ها هم آن را شعر نمی‌دانستند. فیلسوف‌ها برخلاف شعرشناسان که شعر را از روی وزن و قافیه می‌شناختند، می‌گفتند؛ شعر عبارت‌است از تقلید؛ و تقلید از نظر منطقی باعث ادبیت کلام می‌شود، نه وزن و قافیه! از نظر مردم وزن و قافیه از نشانه‌های شعر است اما از نظر فیلسوف تقلید یا محاکا شعر را ایجاد می‌کند. خواجه‌نصیرالدین طوسی یکی از بهترین کسانی است که تفسیر سخن افلاطون را آورده است، یک نمونه از نثر را به‌عنوان شعر مثال نزده است. و خودش می‌گوید: «از نظر منطقی تقلید یا محاکا، شعراست» همچنین این را نیز یادآوری می‌کند که «انباذقلس که از فیلسوفان قرن پنجم بوده است حرف‌های اخلاقی خود را به نظم گفته اما با این وجود از نظر فیلسوف شعر نیست اما از نظر مردم عادی هرچیزی که وزن داشته باشد، شعر است». بنابراین در زمان قدیم ما بسیار نثرهایی را داریم که با هر معیاری، نه تنها معیار بلاغت معنی، از بسیاری از شعرها، شعرترند. مثلاً بعضی جاها، به‌خصوص در صوفیه یا به‌عنوان مثال این سخن که متعلق به «روزبهان بقلی» است. روزبهان بقلی از عارفانی بوده است که می‌گفته است: «چشمه‌ای که در دل ۱۲۴ هزار پیامبر روان بود، امروز در چشمه‌ی دل روزبهان روان است. دریغا که کسی نیست قطره‌ای به‌او بچشانند». در شرح شطحیات، عارفانی مثل بایزید بسطامی که می‌گفت؛ در کنار خدا خیمه زده‌ام، یا حلاج که می‌گفت، «انالحق» تفسیر کرده است. در آخر می‌گوید «الله اعلم». یعنی آخرش نمی‌داند کدام درست است. او قطعه‌هایی دارد که می‌گوید؛ «فی نعتی»، یعنی درباره‌ی توصیف خودش می‌گوید که خود آن از هر شطحی، شطح‌آمیزتر است. یک جمله‌ی آن این است: «شیرا جمله صفاتی، نه تو بودی که صد هزار بار قامت ازل را، قامت سماوات را بر زیر نعل رخس رستم عشق پیمودی. نه تو بودی که ... بودی. زبان درکش که زبان، زبان بی‌زبانی. ای قاری الهان، ای یوسف مصر، در محله‌ی جان رو به کوران چه نمایی؟ ای قاری الهان داود، از لحن زبور پیش اهل زور چه گویی؟».

این‌ها اصلاً زبان انسان به نظر نمی‌آید! برخلاف این‌که سعدی گفته است، کتاب و اضافات زشت به ریشه است، درجایی دیگر گفته است؛ ای حبه‌ی مذبله‌ی کاروان‌گاه مراکب ...، در پستی بمان تا عقاب، عقاب غیرت تو را برگردد و در ... اندازد. یکی از خصوصیات شعر به معنای واقعی این است که کلامی نیست که شما آن را برگردانید. وقتی بخواهید برگردانید و معنی کنید همه‌چیز خود را از دست می‌دهد. این یکی از تفاوتهاست. آن چیزی هم که شما راجع به تأویل گفتید، بله، ممکن است در بعضی از آثار ضمن این‌که نظم هستند تکه‌هایی از شعر وجود داشته باشد. بایزید بسطامی، همان‌طور که می‌دانید، گفته است؛ «و به صحرا شدم، عشق باریده بود و چنان‌که پای در برف فرو شود در عشق فرو رفته می‌شد» آیا این شعر هست یا نه؟ اگر می‌گفت که؛ «به صحرا شدم باران باریده و زمین گل شده بود و پایم در گل فرو می‌شد» آیا شعر بود؟ خیر نبود، اما وقتی که می‌گوید؛ «و به صحرا شدم، عشق باریده بود و ...» یعنی خلاف عادت گفته و از کلمه برای انتقال معنی استفاده نکرده است. به‌همین جهت ما در این‌جا می‌گوییم، شعر است.

استاد پورنامداریان توضیح داد: از مسائلی که خیلی راجع به آن صحبت می‌شود این است که ادبیت اثر به چیست؟ ادبیت یک اثر مثل تمام حرف‌هایی که در کلیله و دمنه و کل مرزبان‌نامه آمده است، از انواع صنایع و شعرها، تضمین و تمام‌انهایی که در علم بلاغت است، برخوردار است. بیشتر از شعر، اما کسی به آن شعر نمی‌گوید. چون معنی از قبل روشن است و فقط می‌خواهد آن را تزئین کند. می‌شود گفت؛ نثر مصنوع یا



نثر مزین، اما در سخن بایزید بسطامی شما هیچ تزئینی نمی‌بینید. صناعات بدیعی، تشبیه و استعاره نمی‌بینید، اما می‌گویید شعر است. بنابراین ادبیت یک چیزی، در این دوره‌ی ما فقط شعر غنائی داریم. شعر حماسی و شعر تعلیمی نداریم. نه این‌که آن‌ها بی‌ارزش باشد، ما الان آن‌ها را نداریم چون فقط شعر غنائی می‌گویند. شعر غنائی هم که مهم‌ترین نوع آن تغزل باشد، همان‌طور که گفتیم معنایی ندارد. شعر نمی‌خواهد معنایی را به شما منتقل کند. ابیاتی که مولوی یا یک غزل می‌گوید چه چیز را می‌خواهد منتقل کند؟ آیا می‌خواهد معرفتی را منتقل کند؟ یا این‌که می‌خواهد عواطف شما را برانگیزد. الان ادبیت یک شعر به تولید زیبایی و بیان عاطفی است نه معنا. بنابراین اگر شما هر چیزی و به هر زبانی گفتید که معنی آن روشن بود و به روشنی می‌شد مفهوم آن را دریافت کرد، دیگر آن شعر نیست، بلکه از عناصر شعر استفاده کرده‌اید. اما وقتی شما شعری می‌خوانید که «نمی‌توانید بفهمید چه می‌خواهد بگوید»، شعر است. به‌طور مثال مولوی می‌گوید:

اه چه بی‌رنگ و بی‌نشان که منم	کی بینم مرا چنان که منم
گفتی اسرار در میان آور	کو میان اندر این میان که منم
کی شود این روان من ساکن	این چنین ساکن روان که منم
بحر من غرقه گشت هم در خویش	بوالعجب بحر بی‌کران که منم
این جهان و آن جهان مرا مطلب	کاین دو گم شد در آن جهان که منم
فارغ از سودم و زیان چو عدم	طرفه بی‌سود بی‌زیان که منم
گفتم ای جان تو عین مایی گفت	عین چه بود در این عیان که منم
گفتم آنی بگفت‌های خموش	در زبان نامده‌ست آن که منم
گفتم اندر زبان چو درنامد	اینست گویای بی‌زیان که منم
می‌شدم در فنا چو مه بی‌پا	اینست بی‌پای پادوان که منم
بانگ آمد چه می‌دوی بنگر	در چنین ظاهر نهان که منم
شمس تبریز را چو دیدم من	نادره بحر و گنج و کان که منم

چه معنایی به شما گفت؟ این ممکن است همه‌ی شما را تحت تأثیر قرار دهد اما کدام‌یک از شما می‌توانید بگویید چه معنایی داشت و چه معرفتی را خواست به شما منتقل کند؟ بنابراین ادبیت شعر، ضمن همه‌ی حرف‌هایی که زد، به این‌است که تولید زیبایی کند. ضمن این‌که زیبایی یک امر نسبی است. در قدیم فرق داشته و الان طور دیگری است و شاید این سؤال را بتوان مطرح کرد که زیبایی در عین است یا ذهن؟ آیا یک گل لاله چه من آن را بینم یا بینم زیباست یا یک تکه کلوخ چه من بخوام و چه نخواهم زشت است؟ یا این‌که این من هستم که زیبایی را به گل لاله نسبت می‌دهم و زشتی را به کلوخ، کدام است؟ این‌جا یک مسئله‌ی مفصلی راجع به زیبایی‌شناسی پیش می‌آید. این‌که چرا همه‌ی ما بعضی چیزها را زیبا می‌دانیم و چیز دیگری را زیبا نمی‌دانیم؟ یا این‌که چرا ما چیزی را زیبا می‌دانیم و دیگران آن را زیبا نمی‌دانند یا برعکس؟! چرا شما مثلاً گل لاله را زیبا می‌دانید و دیگری گل میخک را ترجیح می‌دهد؟ در چنین بحثی چه‌گونه می‌توان صحبت کرد؟ بنابراین به‌نظر من ادبیات، چیزی است که اول عاطفه را در دیگران برمی‌انگیزد و بیان می‌کند، اما بیشتر از آن عاطفه‌ی شخصی را بیان می‌کند و چون دیگر آدم‌ها هم مثل شاعر یک‌سری خصوصیات را کم‌وبیش دارند با خواندن آن دچار عاطفه می‌شوند و هم از آن لذت می‌برند. یکی از نشانه‌های زیبایی همین لذت بردن است، لذتی که معطوف به سود نباشد. در شعر باید این زیبایی ایجاد شود. به فرض در این سخن بایزید بسطامی که می‌گوید؛ و به صحرا شدم، عشق باریده بود ... آن کلمه‌ای دارد می‌گوید، تولید زیبایی است. این تولید زیبایی انواع مختلفی دارد. این نیست که شما فقط صنایع بدیعی را بیاورید. اگر شما تمام صنایع بدیعی را در یک کلام بیاورید، مثل کلام صاحب مرزبان‌نامه اضافه کنید فایده‌ای ندارد. یعنی شعر تولید نمی‌شود و فقط معنا را می‌پسچانند و دیرباب می‌کند. بعضی مانند ... گفته است، زیبایی ناشی از شکستن قوانین کد است. قوانین کد یعنی قوانین زبان. در دوره‌ی کلاسیک ما زیبایی‌شناسی دلالت‌گر داریم، اما وقتی شما این قوانین کد را می‌شکنید، یعنی از اقتدار زبان آزاد می‌شوید. مثلاً وقتی مولوی می‌گوید؛ «داد جارویی به‌دستم آن نگار ...» جارو معنای جارو ندارد! شاعر در این‌جا خود و مخاطب را از اقتدار زبان آزاد کرده است. مخاطب می‌تواند یک شعر را تأویل کند و ممکن است یک شعر تأویل‌های متعددی داشته باشد، اما سؤال مطرح است که آیا همه‌ی تأویل‌ها را همه‌ی آدم‌ها یک‌جور می‌پذیرند؟ قبل از انقلاب دکتر رضا برهنی برای این شعر مولوی با توجه بر روان‌شناسی فروید در کتاب طلا در مس، تأویل‌هایی کرده بود.



درحالی‌که در حدیقه سنایی، جارو را به «لا» نسبت داده، یعنی وقتی جارو می‌کنی، نیست می‌کنی. تفسیر او از طریق روان‌شناسی بود یا ما باید این تأویل را قبول کنیم یا این‌که بگوییم بیهوده است! وقتی مولوی این شعر را گفته است، باید دید در خود آثار او جارو را به چه معنی گفته است. او در قرن هفتم بوده و نمی‌توان با «فروید» در زمان حال تأویل کرد. بنابراین اگر یک نفر آمد از نگاه فروید تفسیر کرد، باید دید آیا می‌توان به مولوی نسبت داد؟! تأویلی که می‌کنید باید تمام ابیات آن را تأیید کند و شخصیت مولوی به‌عنوان یک عارف آن را تأیید کند. زمانی مد شده بود هر شعر نو را به نظریه ماکس، هنگس، فروید و انقلاب کمونیستی نسبت می‌دادند. به‌عنوان مثال شعر سهراب سپهری ربطی به این‌ها ندارد و هرکس چنین چیزی گفت، بی‌ربط است. اگر کسی خواست تأویل دیگری کند باید سهراب سپهری، شخصیت و زندگی‌اش و باقی آثارش را در نظر بگیرد. تأویل‌هایی که بسیار بی‌ربط است را نباید قبول کرد، تأویل‌هایی را باید قبول کرد که با کل بیت، شخصیت شاعر و ساختار زبانی هم‌خوانی دارد.

سؤال میهمان: جناب استاد، بسیار خوشحالم که در حضور شما هستیم. در این‌که شعر همیشه حکومت کرده هیچ جای شکی نیست. از آغاز شعر و از یونان باستان تا به امروز گفتیم. شعر سابقه‌ی بسیار طولانی دارد. زبان انسان با شعر شروع شده است. کتب مقدس آسمانی یا به شعر بوده‌اند یا موزون بوده‌اند. درمقابل داستان عمر بسیار کوتاهی دارد. حدود پانصد سال. از رنه لوساز شروع کنیم که «ژیل بلاس» از اوست یا رشته طلایی ... یا داستانی که در ادبیات انگلیسی نوشته شده است. امروز این سؤال مطرح است که آیا دوران حاکمیت شعر با توجه به آن ویژگی‌هایی که شما برای شعر برشمردید، به پایان رسیده‌است؟ این‌که عقل‌ستیز و عقل‌گریز باشد، بعضی از زبان‌ها مخصوصاً برای شعر ساخته شده است؟ مثلاً در زبان فارسی واقعیت این‌ست که ادبیات برای شعر است یا در روسیه وقتی که صحبت از ادبیات می‌شود ذهن‌ها به سمت داستان می‌رود. شما آینده‌ی شعر را در کشورهایی مثل ایران و افغانستان، چگونه می‌بیند؟ خصوصاً این‌که جوان‌ها این روزها علاقه به خواندن داستان دارند. آیا در آینده هم می‌توان حاکمیت شعر را شاهد بود یا این‌که وضعیت تغییر خواهد کرد و با این سرعت غیر قابل‌باوری که داستان حرکت می‌کند، در آینده شاهد حاکمیت داستان خواهیم بود، نظر شما چیست؟

دکتر پورنامداریان: شعر در ابتدا هنر شنیداری بود. یکی می‌گفت و یکی می‌شنید. طبیعی است که در گذشته که آدم‌های کمی سواد داشتند و هم امکان تکثیر اثر به شکل چاپی نبوده، در همه جای دنیا شعر هنری شنیداری بوده است. بنابراین وقتی محمل زمان است و کلمات در آن جاری می‌شوند، کلمات زود محو می‌شوند اما وقتی مثل امروز که شعر هنر نوشتاری و دیداری شده است،

کلمات در مکان ثابت می‌شوند. شما می‌توانید هر شعر را چند بار بخوانید این هم که می‌بینید در قدیم روی وزن تکیه می‌گذاشتند، چون وزن از نوع شنیدن حاصل می‌شود. یعنی آنهایی که شعر را می‌شنیدند از این وزن خوششان می‌آمد. بنابراین خیلی طبیعی است که شعر از نثر خیلی برتر باشد. به‌خاطر این‌که هنر شنیداری بوده است و وزن و قافیه را از راه گوش می‌شنیدند. ولی الان که نوشتاری شده است و شعر را می‌خوانند، نمی‌دانند چه کسی شعر را می‌خواند. یکی از ابهاماتی که در شعر هست و الان پیدا شده، ناشی از همین است یعنی شاعر آن موقع وقتی شعر می‌گفت، می‌دانست آن‌را برای چه کسانی می‌خواند. بعد علم هم محدود بود. می‌دانست مخاطبان یک کمی موسیقی می‌دانند، قرآن می‌دانند، حدیث می‌دانند و ...

بینید بلاغت که می‌گویند کیفیت تطبیق کلام با مقتضای حال، وقتی شما حال را می‌بینید می‌گویید، این حال مخاطب است اما امروز کسی که شعر را می‌نویسد، نمی‌داند که کیفیت حال مخاطب چه‌طور است. چون مخاطبانی که شعر را می‌خوانند قابل پیش‌بینی نیستند. عده‌ای خیلی کم و عده‌ای زیاد شعر خوانده‌اند. یک‌عده اصلاً شاید ایرانی نباشند. بنابراین در این دوره به‌نظر من تقریباً خوانندگان شعر کم شده‌اند. کم‌این‌که قبل از این‌که زبان پیدا شود در کتاب «سوزان لنگر» بیان شده «انقلاب رقص»، وقتی که زبان نبوده با رقص یعنی حرکات بدن، اتفاقات روزانه را بیان می‌کردند. این خودش انقلابی بوده یعنی می‌توانسته اتفاقات را با رقص بیان کند. بعداً وقتی زبان می‌آید، خوب طبیعی است که زبان را می‌شنیدند. همان‌طور که دیگران هم گفتند، از زمان افلاطون همیشه گفتار بر نوشتار ترجیح داشته است. گفتار اصلاً حضور متفاوتی داشته است، چون وقتی من با یک نفر گفت‌وگو می‌کنم اگر حرف مرا نفهمد، می‌پرسد و من توضیح می‌دهم و مجهول نمی‌ماند. اما وقتی شد نوشتار، مجهول می‌ماند. من نیستم که از من بپرسد. بنابراین خیلی طبیعی

است که گفتار در دوران کلاسیک که شعر هنر گفتاری بوده، نه هنر نوشتاری، خیلی برتر باشد. به همین جهت بسیاری از کتاب‌ها حتی طب، صرف و نحو عربی را به شعر می‌گفتند تا یادشان بماند. به همین جهت امروزه شاعر خیلی زیاد شده و یکی از شاعران معاصر می‌گفت: الان ما تقریباً ۲۰۰۰ نفر شاعریم، خودمان می‌گوئیم بین خودمان! خودمان هم می‌خوانیم. این نشان می‌دهد که امروز قضیه خیلی فرق می‌کند. همین‌طور که می‌دانید «متیو ارنولد» برای اولین بار گفته بود که خداوند پیامبرانی نمی‌فرستد یا پیغمبری نمی‌آید بعد از این دیگر شاعران جای پیامبران هستند؛ در واقع این هنر شعر ممکن است الان که به خاطر زیاد شدن داستان، تراکم داستان، الان ضعیف‌تر شده باشد. اما آن نیازی که انسان به ارتباط با متافیزیک دارد، تنها با شعر ممکن است. شما وقتی مطلب مبهمی می‌خوانید مثل این است که در برابر آستانه‌ی یک راز قرار گرفته‌اید و می‌خواهید کشفش کنید. این کشف هم بر دانش شما می‌افزاید چون به مسائلی که درون شما پنهان است فعلیت می‌بخشد، هم این‌که این نفهمیدن یک جو ذهنی به وجود می‌آورد مثل یک چیزی هست که من نمی‌فهمم! مثل مسائل متافیزیکی است. چیزی هست که من فکر می‌کنم هست اما درکش برایم مشکل است. این یک جو ذهنی به وجود می‌آورد. که جو یک جور جو دینی، وجدانی یک جور مذهبی است. بنابراین من گمان می‌کنم برخلاف این‌که شعر الان به خاطر داستان و روایات که خیلی متداول‌تر شده، یک مقداری می‌شود گفت که خواننده‌هایش محدودتر شده‌اند، ممکن است در یک زمان دیگری دوباره رو بیاید و در واقع بشود یک وسیله، یک راه ارتباط با متافیزیک، یک راه ارتباط با آن چیزهایی که ما نمی‌دانیم اما می‌دانیم که هست. خود این‌که در آستانه‌ی یک راز قرار بگیریم یک جو مذهبی در ذهن آدم به وجود می‌آورد. البته بعضی از داستان‌ها که مثل «ویرجینیا ولف» یا خانم «جیم جویز» می‌نویسند، حالا امثال این‌ها این‌گونه شده اما می‌دانید که داستان بلند است، داستان گذشته‌ی «مارسل پروز» بیان ۱۸ ساعته ولی ۵ جلد یعنی در واقع تمام آن تداعی‌ها ممکن است اتفاق بیافتد. خوبی شعر به این است که مطلب کوتاه است، شعر آنقدر بلند نمی‌شود. به خصوص امروز که شعر غنایی داریم. کسی دیگر حالا حماسه نمی‌گوید، شعر تحلیلی نمی‌گوید، آن شعر غنایی هر کدامش در واقع زودتر می‌توان با آن ارتباط برقرار کرد تا بخواهیم به داستانی را بخوانیم. یک مسئله هست که ببینید داستان هرچقدر هم که نوشته شود به همان شکل است، داستان آن چیزی نیست که آدم فکر کند در مقابل یک راز قرار گرفته است. چون آن‌جا معنی و جریان سیال ذهن یا تداعی‌های مختلف که پیش می‌آید شاعر می‌داند که باید به شیوه‌ی دیگری بخواند. به همین جهت «لورا بارن» گفته؛ الان خواندن مخاطب با قدیم فرق کرده است و باید جور دیگری خواند. باید به این‌ها به شکل دیگری نگاه کنیم اما یکی مثل «جیمز جول» می‌داند که دارد داستان می‌گوید اما باید شیوه‌ی خواندنش را یاد بگیرد که با یک داستانی که تداعی‌های مختلف به ذهن می‌آید. داستان با شعر فرق دارد که از قدیم حداقل می‌توان گفت، از زمان افلاطون در «رساله‌ی فدروس» در رساله‌ی ضیافت ویلیا دروس شعر الهام یک مقداری با الهام ارتباط دارد. حتی در قرن ۱۷ مثلاً «درایدن» که فیلسوف و نقاد و شاعر است خودش می‌گوید، باید قبول کرد که در شعر الهام وجود دارد. الان هم خیلی از شعرا همین را قبول دارند که شعر الهام است. «ساموئل تایلر کالبریج» می‌گوید؛ در شعر مصراع اول هدیه خدایان است. این مثل همان حرف بتوته و کروچکه هست در زیبایی‌شناسی. در کلیات زیبایی‌شناسی نوشته که هر شعر شهود است، یعنی این‌طوری نیست که من الان فکر کنم و بعد شعر بگویم! شعر نتیجه‌ی شهود است. حتی او عقیده دارد کل شعر به شهود در ذهن نازل می‌شود. بنابراین ارتباط شعر با کشف، شهود و مسائل دینی می‌تواند در واقع کاری بکند که داستان‌ها نمی‌کنند. چون داستانی که من می‌خوانم، می‌دانم که دارد داستان خودش را می‌گوید، اما مثلاً شخصیت‌های داخل داستان با هم تداخل می‌کنند. مسائلی که حالا مربوط به گذشته بوده این‌گونه می‌آید. در شعر این مسئله کمتر است و من فکر نمی‌کنم که دارم داستان می‌خوانم بلکه فکر می‌کنم یک چیزی می‌خوانم که نتیجه‌ی الهام است. بنابراین برخلاف این‌که الان داستان خیلی گسترده‌تر شده و همه می‌خوانند، این داستان‌ها نو هستند و تقریباً از لحاظ زیبایی به شعر نزدیک‌تر شده‌اند. همان‌طور که «یاکوسار» هم گفته بود؛ در شعر هر وقت می‌خواهند که یک چیزی را مبهم کنند، دال‌های بدون مدلول به کار می‌برند. چه شعر و چه داستان باشد، شما وقتی می‌خواهید مبهمش کنید دال‌های بدون مدلول به کار می‌برید. در آن‌جا هم ما دال‌های بدون مدلول می‌بینیم. مثلاً مثل کتاب‌های «ویرجینیا ولف». می‌دانم که من دارم داستان می‌خوانم، باید شیوه‌ی خواندن این نوع داستان را یاد بگیرم اما در شعر می‌دانم که این الهام است. به قول «متیو ارنولد» که گفته، «بعد از پیامبران در واقع شاعران این کار وحی الهی را به عهده می‌گیرند».



سؤال مهمان: مشتاق دیدار شما بودیم، خیلی کوتاه می‌خواستیم تعریف شما درباره‌ی ادبیات به‌عنوان یک متون عام به‌عنوان مفهوم بسیار عام را بدانیم. با توجه به این‌که تعاریف مختلفی از ادبیات ارائه شده شما ادبیات را به‌عنوان یک علم تعریف می‌کنید یا نه؟

پورنامداریان: ببینید ادبیات که علم نیست! بعد هم همان‌طور که می‌دانید ادبیات قابل تعریف نیست، تعریفی که جامع و مانع باشد. ببینید ما ادبیات را در هر عصری و در هر نثری یک‌جوری تعریف می‌کنیم. بنابراین ادبیات آن‌قدر متنوع است که اگر ما بخواهیم در یک تعریف جامع و مانع بگنجانیم، ممکن نیست اما یک چیزی هست که ما اگرچه تعریف ادبیات را نمی‌دانیم اما مصادیقش را می‌شناسیم. کسی امروز منکر نیست که شاهنامه، ادبیات است. غزل حافظ، ادبیات است. هیچ کس درباره‌ی این‌ها اختلاف نظر ندارد. اما یک تعریفی که بتواند همه‌ی این‌ها را در خود بگنجاند و در برگیرد وجود ندارد! می‌شود بعضی از عوامل را ببینیم. به نظرم یکی از چیزهایی که باید در ادبیات وجود داشته باشد، عاطفه هست. یعنی بیان عاطفه. هیچ نوشته‌ای که علمی باشد عواطف را بیان نمی‌کند! این از همان زمان که ارسطو گفته بود، شعری برتر است که تراژدی را یک‌جوری بنویسد که شفقت و ترس تولید کند! یعنی عاطفه. بنابراین می‌توانیم بگوئیم، یکی از چیزهایی که باید در ادبیات باشد بیان عاطفی است، یعنی دیگران را تحت تأثیر عاطفی قرار بدهد. یک نکته‌ی دیگر این است که ادبیات باید حتماً زیبا باشد. یک کار دیگری که ادبیات می‌کند، تولید زیبایی است. بنابراین یک تعریف کلی اگر بخواهیم ارائه دهیم تا بیشتر ادبیات را در برگیرد، تعریف جامع، این است که؛ «ادبیات تولید زیبایی و بیان عاطفه با کلام است».

سؤال مهمان: یک سؤال که یکی از استادان اصرار می‌کند که ادبیات یک علم است و باید شامل درس‌های مختلف شود و پرسش‌برانگیز باشد، این موضوع برای من سؤال است. نظر شما چیست؟

پورنامداریان: ادبیات علم نیست، آن چیزی که راجع به آن اختلاف است این است که نقد ادبی علم است یا علم نیست. یعنی راجع به خود ادبیات هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید. از قدیم هم کسانی مثل «سر فیلیپس» و همه‌ی کسانی که آمدند، هیچ کس ادبیات را علم نمی‌داند، چون ادبیات با ذهن سر و کار دارد.

سؤال مهمان: یک سؤال داشتم؛ شما گزاره‌های زمانی را به سه معضل تقسیم کردید. گزاره‌های عقل‌پذیر، گزاره‌های عقل‌گزی‌ر و گزاره‌های عقل‌ستیز. می‌شد از گزاره‌ی عقل‌پذیر مثال‌هایی زد و از گزاره‌های



عقل‌گریز هم می‌شود مثالی داشته باشیم؟ به‌طور مثال؛ اگر ۵۰ سال پیش در افغانستان گفته می‌شد، کره‌ی زمین بر سر شاخ گاو هست یا گاو هر زمان که زمین را از این شاخ به آن شاخ می‌اندازد، زلزله می‌آید! امروز اما از لحاظ عقل قابل پذیرش نیست. می‌توان مثال‌های دیگری هم زد. مثلاً بگوئیم؛ گربه موش را می‌خورد یا بر عکس بگوئیم موش گربه را می‌خورد. می‌بینیم که یکی از این‌ها عقل‌پذیر هست و یکی دیگر عقل‌پذیر نیست اما هر دو تا دستوری هستند. سؤال من این است که آیا گزاره‌ها تاریخی‌اند یا خیر و اگر تاریخی باشند آیا خود تغییر هم تاریخی نخواهد شد؟

سوال دوم، شما به بی معنای گزاره‌ها اشاره کردید، چون شما مطرح کردید، گزاره‌های زبانی به سه نوع تقسیم می‌شوند دستوری، غیردستوری و غیرقابل پذیرش، مثلاً موش گربه را خورد، جزو گزاره‌های غیرقابل پذیرفتنی است. حالا اگر ما بخواهیم بگوئیم بی‌معنایی، در کدام یک از این‌ها جا می‌گیرد؟ و مسئله‌ی سومی که می‌خواهم اشاره کنم، گویا معناشناسی که شما مطرح کردید، مصداق‌محور است. حالا اگر ما این‌طور بیان کنیم که شما گفتید در گزاره‌های عقل‌پذیر مصداق دارد و در گزاره‌های عقل‌گریز مصداق ندارد، حالا مثلاً؛ سیم‌خ‌مصدق چیست؟ آیا شما به مصداق درون‌زبانی و برون‌زبانی باور دارید یا این چیز دیگریست؟

پورنامداریان: من که گفتم اول، این مصداق‌ها در هر دوره‌ای یک علمی حاکم است. مثلاً فرض کنید این نجوم «بطلمیوسی» تا قرن ۱۷ رایج بود. یعنی همه فکر می‌کردند زمین در مرکز عالم قرار دارد و ۷ تا فلک و ۷ تا سیاره روی آن است و دورش می‌چرخد! بعد فلک هشتم فلک‌العروج و فلک نهم که تا قرن ۱۷ به‌عنوان یک مطلب علمی پذیرفته شده بود. بنابراین در آن دوره وقتی شما یک گزاره‌هایی می‌گوئید که تأیید همین دانش است، این‌ها در آن موقع عقل‌پذیر بوده و هیچ اشتباهی هم نیست. الان نمی‌توانید بگوئید که این حرف عقل‌ستیز است. در واقع شما از آن علم جدید کشف‌شده خبر ندارید. بنابراین آن عقل‌گریز و عقل‌ستیز و عقل‌پذیری که من گفتم، در هر زمانی می‌تواند دایر باشد، اما این‌که گفتیم مثلاً موش گربه را خورد، من گفتم یک معنی زبان‌شناسی ما داریم. معنی زبان‌شناختی در هر جمله‌ای که اشتباه دستوری نداشته باشد، درست است. من مثال‌هایی که زدم هیچ کدام اشتباه دستوری ندارد. اشتباه دستوری علامت ندانستن زبان است ولی در گزاره‌هایی که اشتباه دستوری ندارد، ما می‌توانیم ببینیم که آیا در دنیای خارج مصداق دارد، آیا عادت ما این را قبول می‌کند؟ اگر قبول کرد که معنی دارد معنی‌پذیر است اگر نکرد، یعنی این‌که خلاف عادت است، خلاف عقل است که معنایش روشن است. مثلاً وقتی شما گفتید؛ «گنجشکی درختی را به آسمان برد» این ممکن نیست. عادت‌پذیر نیست، عقل‌پذیر نیست. حالا می‌گوئید عقل‌ستیز است یا عقل‌ستیزی دیگر معنی ندارد، بنابراین اشتباهی پیش نمی‌آید. شما راجع به علمی که در یک دوره متداول بوده، اگر در آن دوره هم این چیزها را می‌گفتید، در آن دوره هم عقل‌پذیر بود و در آن دوره هم علم شمرده می‌شده است. تا قبل از قرن ۱۷ قبل از این‌که گالیله بیاید ثابت کند که خورشید در مرکز است و زمین دور آن می‌گردد، آن هیأت «بطلمیوسی» سر جایش بود. همه‌ی نویسندگان هم مثلاً از ابن‌سینا گرفته تا فارابی و ناصر خسرو، همه این‌ها را نوشتند، یعنی قبول داشتند. در آن روزگار علم بوده و چون بوده ما حالا نمی‌توانیم بگوئیم عقل‌ستیز بوده است. آن موقع عقل‌پذیر بوده اما اگر الان بگوئیم دیگر عقل‌پذیر و عقل‌ستیز نیست، بلکه این نشان بی‌توجهی ما به علم است یعنی اطلاعات ما کم است. این گزاره نتیجه‌ی اطلاعات اندک و بی‌خبری ماست. در مورد مصداق درون‌زبانی و برون‌زبانی، ببینید درون‌زبانی یک کلمه بافت هست. بافت همان‌طور که می‌دانید «مایکل هیلیدی» آورده یعنی در واقع؛ گفتمان. یعنی بررسی و تحلیل متن در بافت، حالا بافت ممکن است درون‌زبانی باشد یا بیرون‌زبانی. حتماً این خیلی در معنی گزاره‌ها مهم است، چون گاهی ممکن است متنی عقل‌پذیر باشد ولی وقتی کنار جملات دیگر می‌آید، عقل‌ستیز می‌شود. مثلاً فرض کنید، وقتی من گفتم ستاره‌ها در شب می‌درخشند که این مشکلی نیست و عقل‌پذیر است. اما وقتی من دارم با شما صحبت می‌کنم و راجع به یک مسئله‌ی اجتماعی حرف می‌زنم می‌گویم؛ مثلاً وضعیت فلان سازمان خراب است و بین مردم بی‌عدالتی و ظلم وجود دارد، خفقان و تاریکی هست و ... شما می‌گوئید؛ «غصه نخور ستاره‌ها در شب می‌درخشند». این دیگر معنایش ستاره‌ها در شب می‌درخشند نیست و یک بافت برون‌متنی یا بافت درون‌متنی جملات باعث شده که یک گزاره از عقل‌ستیزی به عقل‌پذیری یا بالعکس تبدیل شود که عیبی هم ندارد. (برای شنیدن فایل صوتی سخنان دکتر پورنامداریان به وبگاه پژوهشگاه مراجعه فرمائید).

## یک‌روز در اندرونی؛

### گذری بر زیست روزمره‌ی زنان در دوره‌ی قاجار

گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی با همکاری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، نشست تخصصی مجازی با عنوان «یک‌روز در اندرونی، گذری بر زیست روزمره‌ی زنان در دوره‌ی قاجار» را در روز دوشنبه ۱۷ آذرماه ۱۳۹۹، به‌صورت زنده (برخط) در صفحه‌ی اینستاگرام گروه پژوهشی مطالعات زنان با حضور و سخنرانی دکتر نسیم خلیلی؛ تاریخ‌پژوه و داستان‌نویس، مهدی یساولی؛ پژوهشگر تاریخ و روزنامه‌نگار و دکتر طیبه عزت‌اللهی‌نژاد، دبیر علمی نشست و عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی هنر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، برگزار کرد.

در ابتدای نشست مهدی یساولی پژوهشگر تاریخ و روزنامه‌نگار بحث خود را با عنوان «گذری بر زیست روزمره‌ی زنان در دوره‌ی قاجار» آغاز کرد. وی گفت: زندگی زنان رجال معمولاً به بطالت و تجمل‌پرستی و با حالتی یکنواخت و بدون تنوع سپری می‌شود. در زندگی آن‌ها هیچ‌یک از سرگرمی‌هایی که برای ما فراهم است، مثل: مجالس رقص، تئاتر، اپرا، میهمانی‌های مجلل، کنار دریا، مطالعه‌ی کتاب و سفر به پاریس و رم وجود ندارد، تا سیر زندگی آن‌ها از یکنواختی بیرون بیاید. سرگرمی‌های آنان، درست مثل مردهایشان در پرچانگی، شایعه‌سازی، بدگویی و تهمت به این و آن خلاصه می‌شود». این توصیف «لیدی مری شیل»، همسر وزیرمختار انگلیس در میانه‌های دوره‌ی قاجار، در کتاب «خاطرات لیدی شیل» درباره‌ی روزمرگی‌های طبقه‌ای از زنان جامعه‌ی ایرانی در روزگار پیش از مشروطه، ما را به این پرسش می‌رساند که این دسته از زنان ایرانی و نیز دیگر زنان در بخش‌های گوناگون جامعه، روز و روزگار خود را چگونه می‌گذرانده‌اند؟ یا به نشانه‌هایی در میان منابع تاریخی به‌ویژه گزارش‌های جهانگردان می‌توان دست یافت که نشان دهد زنان جامعه‌ی ایران تا پیش از روزگار مشروطیت، یک بامداد تا شام، یک هفته، یک ماه و یک‌سال خود را چگونه به سر می‌بردند؟ پاسخ به این پرسش‌ها با وجود منابع اندک، می‌تواند سیر دگرگونی زندگی زنان را در تاریخ ایران بیان‌گر باشد. جهانگردان در سفرنامه‌های‌شان، درباره‌ی زنان ایرانی و روزگارشان بسیار نگاه‌شسته‌اند. آن‌چه در این میانه اما بیش‌تر توجه آن‌ها را به خود می‌کشاند، ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی جامعه‌ی سنتی ایران در زمینه‌ی رفتار با زنان و جایگاه آنان در مدار مردسالارانه‌ی جامعه‌ی ایران بوده است؛ آن جهانگردان، بیش‌تر، پدیده‌هایی را دیده‌اند که برایشان تازگی داشته و در این میانه، محدودیت‌های زنان بیش‌تر در قاب دیدگان‌شان نشسته است. یساولی در خاتمه‌ی سخنانش تأکید کرد: از این دریچه اگر بخواهیم زندگی زن ایرانی را در روزگار یادشده توصیف کنیم، تصویری تیره به دست می‌آید که طبیعتاً همه‌ی واقعیت را نمی‌تواند بنمایاند. زنان در روزگار گذشته، هرچه هم زندگی سخت و دایره‌ی سنت‌ها برایشان تنگ بوده باشد، باز اعضای از جامعه به شمار می‌آمده‌اند که در سیر گذر روزگار نقش داشته‌اند. توجه به این مسئله، ما را در دستیابی به گذران روزگار و زندگی روزمره‌ی آنان یاری خواهد داد.

در ادامه، نسیم خلیلی در مقدمه‌ای معطوف به «اهمیت و ظرافت‌های منبع‌شناسی در تاریخ مردم» از ادبیات داستانی به‌عنوان منابع کمتر مورد توجه قرارگرفته در عرصه‌ی پژوهش تاریخ اجتماعی نام برد و ضمن اشاره به ادله‌ای که سندیت تاریخی شماری از این منابع را تأیید می‌کنند به آثاری از این دست و فکت‌های تاریخی نهفته در آن‌ها اشاره کرد تا بستری برای پرداختن به بحث اصلی خویش پیرامون واکاوی زیست زنان فرودست با اتکا به دو منبع ادبیات داستانی مربوط به بازه‌ی زمانی پسامشروطه و پیشاکودتا فراهم ساخته‌باشد؛ این دو اثر یکی دختر رعیت «م. به‌آدین» و دیگری تهران مخوف «مشفق کاظمی» بودند که دکتر خلیلی در اولی به دنبال داده‌ها و مستندات درباره‌ی زیست و روزمرگی‌ها و آسیب‌شناسی زندگی زنان خدمت‌کار و تأثیر بحران‌های گفتمان سیاسی بر آن بود و در دومی، یعنی تهران مخوف که آن را روایتی حول محور مسائل و روان‌شناسی اجتماعی پسامشروطه معرفی کرد، در پی سیر و چرایی سرنوشت و روحیات جمعی و جهان‌بینی فواحش به‌عنوان فراموش‌شده‌ترین زنان فرودست در تاریخ اجتماعی بود او در این گفت‌وگو کوشید ضمن اثبات اهمیت و سندیت تاریخی منابع ادبیات داستانی (به‌طور عام و این دو کتاب به‌طور خاص) به اهمیت واکاوی زندگی مغفول‌مانده زنان فرودست در تاریخ معاصر بپردازد.



## اثرات اقتصادی ویروس کرونا؛ بررسی آینده‌پژوهانه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سی‌ام بهمن‌ماه ۱۳۹۹، همایش اثرات اقتصادی کرونا را برگزار کرد. در این همایش یک روزه ۱۳ سخنران از استادان دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها به ارائه‌ی تحقیقات و دیدگاه‌های خود در زمینه‌ی اثرات اقتصادی همه‌گیری کرونا پرداختند.



در این همایش تخصصی، استادان و محققان اقتصادی به بررسی اثرات کرونا از جمله بر مصرف انرژی، کسب‌وکارها، خدمات الکترونیک، تجارت، اشتغال، نظام پولی، رشد اقتصادی، سلامت و گردشگری پرداختند. دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مراسم افتتاحیه‌ی این همایش ضمن قدردانی از مسئولان و دبیر همایش و تبریک ایام خجسته‌ی ماه رجب و .. از مقارن شدن این همایش با این ایام خجسته ابراز خرسندی کرد و گفت: از دکتر مصباحی‌مقدم، رئیس گروه اقتصاد شورای متون و عضو هیأت امنای پژوهشگاه بسیار سپاسگزاریم که همواره پژوهشگاه را از حمایت‌های جوانمردانه‌ی خود بهره‌مند می‌سازند. از جناب آقای طغیانی، نماینده‌ی محترم مجلس شورای اسلامی نیز سپاس ویژه دارم که ما را با سخنرانی علمی خود بهره‌مند خواهند کرد و امیدواریم که همکاری علمی و اجتماعی خود را با پژوهشگاه ادامه دهند. ان‌شاءالله بعد از این همایش از همکاری دکتر طغیانی و سایر نمایندگان مجلس بهره ببریم و در جنبه‌های مختلف علمی- اجتماعی از حمایت مجلس برخوردار باشیم.

خوشبختانه عنوان همایش به‌قدری گویاست که می‌تواند یکی از مصادیق بارز رویکرد برنامه‌ی توسعه‌ی پژوهشگاه تلقی شود. یعنی همان رویکرد کاربردی و اثربخشی و همان شعار اصلی برنامه‌ی دوم توسعه‌ی راهبردی یعنی پژوهشگاه بدون دیوار و توسعه یافته است.

دکتر قبادی در ادامه‌ی سخنانش مروری کوتاه بر عملکرد پژوهشگاه درباره‌ی کرونا داشت تا روند فعالیت‌ها برای رسیدن به این همایش مسئله‌مند و جامع‌گرا را نشان دهند. وی گفت: از همان اسفند ۹۸ در هفته‌ی اول ورود این بلیه به کشور، ابعاد فرهنگی، اجتماعی، انسانی و رفتاری آن بررسی شد و مشخص شد این پاندمی در حدی نیست که محدود به حوزه‌ی سلامت و بهداشت باشد و نیازمند آن است که ابعاد فرهنگی، اجتماعی، انسانی و رفتاری آن بررسی شود. بلافاصله در اسفند ماه بیانیه‌ای در این مورد خطاب به وزیر محترم بهداشت و درمان ارائه شد و خوشبختانه وزیر محترم استقبال کردند و ارتباط خوبی با معاون ایشان، دکتر حریرچی، برقرار شد و اولین همایش را با حضور ایشان در اردیبهشت ۹۹ برگزار کردیم. حتی در مراسم سالگرد خجسته‌ی پیروزی انقلاب اسلامی که هفته‌ی گذشته در پژوهشگاه برگزار شد، بعد از سخنرانی دکتر قمی، دکتر مهرپور، رئیس بیمارستان شریعتی صحبت کردند. یعنی ما همواره با ایجاد ارتباط و تعامل با حوزه‌ی سلامت و بهداشت سعی کرده‌ایم ابعاد اجتماعی، انسانی و فرهنگی را به مسئولان محترم گوشزد و فرهنگ‌سازی کنیم. دائماً این ارتباط را این حوزه حفظ کرده‌ایم.

دکتر قبادی ادامه داد: پژوهشگاه در ابتدای سال ۹۹ راهبردی را اعلام کرد که سرلوحه‌ی فعالیت‌های این مرکزی علمی، پژوهشی در سال ۹۹ قرار گیرد و آن عبارت بود از؛ امیدآفرینی و اثرگذاری علمی در جامعه یعنی هم

بالا بردن سطح تاب‌آوری اجتماعی و هم‌ایجاد علمی که به لطف خدا، امسال پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بیش از هر مؤسسه‌ی پژوهشی علوم انسانی کشور درباره‌ی ابعاد فرهنگی - اجتماعی کرونا کار کرده است. در فضای رسانه‌ای پوشش‌های رسانه‌ای متعددی را از بزرگان داخل و خارج پژوهشگاه منتشر کردیم. چندین جلد کتاب تألیفی و ترجمه‌ای داشتیم. پنل‌های علمی متعددی در هفته‌ی پژوهش برگزار شد که همه‌ی این‌ها می‌تواند تبدیل به توصیه‌های سیاستی و گزارش‌های راهبردی شود و در اختیار مجلس و سیاست‌گذاران قرار گیرد.

قبادی در خاتمه‌ی سخنانش تأکید کرد: همه‌ی این اقدامات انجام شد تا امروز به این همایش کاملاً کاربردی و مسئله‌مند رسیدیم که امیدواریم خروجی‌های آن در اختیار سیاست‌گذاران و کمیسیون‌های مرتبط مجلس و ... قرار گیرد و مؤثر واقع شود.



سخنران بعدی آیت‌الله مصباحی‌مقدم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بود که به تبیین اثرات شیوع ویروس کرونا بر اقتصاد جهانی و اقتصاد ایران به‌ویژه صنعت توریسم پرداخت و توصیه‌های سیاستی ارائه کرد. وی بزرگ‌ترین بخش‌های آسیب‌دیده از ویروس کرونا را صنعت توریسم دانست که به‌دلیل توقف حمل و نقل هوایی، دریایی و زمینی دچار کاهش تقاضا شده است و از این بابت تقاضای انرژی نیز کاهش یافته است. کشورهای تولیدکننده‌ی نفت و گاز مانند ایران که سهمی در تولید و عرضه‌ی آن دارد، از این آسیب، در امان نبودند. بسته‌بودن مرزهای زمینی ایران با برخی همسایگان برای مدتی منجر به کاهش صادرات شد. گردشگری در ایران دچار رکود شد. واردات مواد اولیه در اثر تحریم‌ها و کرونا کاهش یافت و کسب‌وکارهای خرد به‌دلیل تعطیلی بازار متوقف شد. البته مواردی اعم از استفاده از فضای مجازی برای کسب‌وکارها، همایش‌ها و جلسات باعث پائین‌آمدن هزینه‌ی تمام‌شده‌ی این فعالیت‌ها شده است. تحقیقات نشان دادند اروپا در فصل اول سال ۲۰۲۰ افت ۳،۳ درصدی تولید ناخالص داخلی را تجربه کرد و در فصل دوم با ۵ درصد کاهش تولید مواجه شد. همچنین افت قابل توجه وضع مالی مردم در کشورهای اروپایی از جمله انگلیس به‌طوری‌که بسیاری از مردم از بسته‌های حمایتی دولت، وام‌ها، کمک‌های بلاعوض، بخشش‌های مالیاتی و یارانه استفاده می‌کنند. این کشورها سیاست انبساط پولی (حدود ۵ درصد تولید ناخالص داخلی‌شان) را برای عبور از تنگناهای مالی برگزیدند.

در ادامه دکتر مهدی طغیانی، عضو و سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس نیز در این همایش به تبیین تحولات اثرات شیوع کرونا بر رشد اقتصادی ایران، صادرات غیر نفتی، بخش کشاورزی و بازرگانی آن پرداخت. آمارهای ارائه‌شده از مرکز آمار ایران حاکی از آن است که جذب شوک توسط اقتصاد ایران انجام شده و در حال عبور از شرایط سخت بحران کرونا در ایران هستیم.

در ادامه‌ی همایش دکتر داوود منظور، سجاد رجیبی و رضا رنجبران، از دانشگاه امام صادق (ع)، مقاله‌ی مدل‌سازی اجرای انواع محدودیت‌ها در همه‌گیری کووید-۱۹ و تغییرات مصرف انرژی اولیه در ایران را ارائه کردند. در این ارائه به مسئله‌ی تغییر مصرف انرژی‌های اولیه در کشور ایران پرداختند. بدین‌منظور ۱۰ سناریو مختلف از وضعیت آینده‌ی این بیماری و محدودیت‌های ناشی از آن در نظر گرفته و از طریق مدل‌سازی داده-ستانده انرژی و ورود شوک‌های اقتصادی این بیماری به تعاملات بخش‌های اقتصاد، تغییرات مصرف انرژی‌های اولیه در کشور ایران محاسبه کردند. طبق بهترین سناریو (بهبود سریع و کامل اپیدمی) مصرف ذغال‌سنگ ۱۹،۰٪ بیشترین کاهش و

برق هسته‌ای، برق آبی و برق بادی هر سه به میزان ۰,۰۱٪ افزایش در مصرف را خواهند داشت. طبق بدترین سناریو (تشدید اپیدمی به صورت انفجاری بدون فروکش کردن موج در یک بازه‌ی زمانی) ذغال‌سنگ به میزان ۱۷,۹۶٪ بیشترین کاهش در مصرف، سپس نفت با ۱۲,۶۱٪ و گاز طبیعی با ۸,۷۹٪ کاهش در مصرف را تجربه خواهند کرد. برق هسته‌ای، برق آبی و برق بادی هر سه به میزان ۴,۰۳٪ کمترین مصرف را خواهند داشت. در مجموع مصرف همه‌ی انواع انرژی اولیه در بهترین سناریو به میزان ۰,۰۸٪ و در بدترین سناریو به میزان ۱۰,۳۳٪ کاهش خواهد یافت.

دکتر لیلا سادات زعفرانچی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به بررسی اثرات ویروس کرونا بر فضای کسب‌وکار در ابعاد ملی و جهانی پرداخت. وی چشم‌انداز وضعیت بازار کار جهانی متأثر از شیوع کرونا را مبهم دانست.



وی گفت: دسترسی به واکسن اگرچه روزه‌های امید را به روی اقتصاد جهانی گشوده است، اما هم‌چنان سرعت دسترسی به واکسن و نیز واقعیت چگونگی دسترسی کل جمعیت جهانی به آن، هم‌چنان ترسیم امید بخشی از وضعیت بازار کار جهانی را حداقل در کوتاه مدت نشان نمی‌دهد. براساس آخرین گزارش سازمان جهانی بیماری کرونا و اقدامات پیش‌گیرانه در مقابله با آن، حدود ۹۴ درصد از نیروی کار جهانی را تحت تأثیر قرار داده است. آمار ساعات کار از دست رفته، کاهش درآمد کارکنان و افت دستمزد و نیز نابرابری سیاست‌های محرک مالی در بین کشورهای جهان وضعیت کسب‌وکار جهانی را سخت و به‌کارگیری راه‌حل‌ها را مشکل‌تر ساخته است. یکی

از اصلی‌ترین پیامدهای شیوع ویروس کرونا در کشور ایران، تعطیل و نیمه‌تعطیل کردن برخی رسته‌های شغلی در کشور است که با توجه به سهم شاغلان، خطر بالقوه‌ی بیکاری بیش از ۳ میلیون نفر را در ۱۰ رسته آسیب‌پذیر ایجاد کرده است. بازار کار ایران هم‌زمان با کاهش انگیزه‌ی مشارکت اقتصادی و کاهش جویندگان فرصت‌های شغلی مواجه بوده (کاهش نرخ بیکاری) که منجر به انتقال جمعیت فعال اقتصادی به جمعیت غیرفعال شده است. شواهد جهانی نشان می‌دهد فعال‌شدن افراد غیرفعال در اقتصاد حتی دشوارتر از استخدام مجدد بیکاران است و بهبود فضای کسب‌وکار را در آینده سخت‌تر خواهد کرد. مشاغل غیررسمی، افراد خارج از پوشش تأمین اجتماعی و زنان و جوانان در اولویت رسیدگی در حوزه‌ی بازار کار کشور با هدف‌گذاری اولویت در سیاست‌های ملی محسوب می‌شوند.

در ادامه‌ی همایش دکتر امیرحسین مزینی و الهام حسین‌زاده از دانشگاه تربیت مدرس به ارزیابی قابلیت‌های سلامت الکترونیک در مدیریت هزینه‌های مترتب بر پاندمی‌ها از منظر اقتصاد سلامت (مطالعه موردی: کووید-۱۹) پرداختند. کووید-۱۹، نمونه‌ای از دنیاگیری بیماری است که هم‌اکنون سراسر جهان را با خود درگیر کرده است. کووید-۱۹ نیز همانند سایر پاندمی‌ها جدای از گرفتن جان انسان‌ها، اقتصاد بسیاری از کشورها را به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم متأثر کرده است و خسارت و زیان قابل توجهی بر اقتصادهای برتر جهان وارد کرده است. در حوزه‌ی سلامت همانند سایر حوزه‌ها منابع محدود و تقاضا نامحدود است و منابع مراقبت‌های بهداشتی - درمانی کم‌یابند، در واقع، یکی از مسائلی که در دوران بیماری‌ها خصوصاً در دوران پاندمی‌هایی چون کووید-۱۹ مردم و دولت‌ها را نگران می‌کند، هزینه‌های این مراقبت‌هاست که امروزه با به‌کار بردن فناوری‌های مختلف از جمله فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌توان بخشی این هزینه‌ها را کاهش داد. فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اکثر بخش‌های زندگی بشر از جمله حوزه‌ی سلامت اثرگذار بوده است. فاوا نقش عمده‌ای در شناسایی، نقشه‌برداری، درک، مدیریت و درمان همه‌گیری‌های جهانی دارد. نظام سلامت در دوران پاندمی‌هایی هم‌چون کووید-۱۹ با استفاده از سلامت الکترونیک و قابلیت‌های آن از جمله، تشخیص بیماری، اقدامات پیش‌گیرانه برای مردم و کادر درمان در زمان شیوع ویروس و بیماری، کاهش اثرات پاندمی‌ها با نظارت و کنترل بیماری‌ها از راه دور، برقراری ارتباطات شفاف بین بیماران و پزشکان و همچنین کادر درمان و متخصصان باهم و بررسی راه‌کارهای پیشرو و... است که منجر به ارائه‌ی مراقبت کم‌هزینه‌تر، مناسب‌تر و مؤثرتر، ارتقاء کیفیت خدمات، افزایش کارایی و در نتیجه صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌ها در حوزه‌ی سلامت می‌شود و می‌تواند



به صورت کارا تر و اقتصادی تری به مدیریت این بیماری‌ها پردازد. بنابراین می‌توان گفت که سلامت الکترونیک در دوران پاندمی‌هایی چون کووید ۱۹ می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بخش قابل توجهی از زیان‌ها و خسارت‌های وارده به اقتصاد کشورها را تعدیل کند. مباحث فوق در قالب بررسی‌های صورت گرفته در ادبیات موضوع نیز تأیید شده است.

سخنران بعدی دکتر نیلوفر مرادحاصل و زهرا تقی‌پور از پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات بودند که به بررسی تأثیر پاندمی کووید ۱۹ بر خدمات الکترونیکی پرداختند. اثرگذاری شرایط پاندمی بر روی خدمات الکترونیک با تأثیرات مثبت و منفی همراه بوده است. یافته‌های مطالعات حاکی از تأثیرات منفی کوتاه‌مدتی در برخی حوزه‌هاست، اما مطالعه‌ی روندهای بلندمدت نشان می‌دهد حوزه‌ی خدمات الکترونیکی پتانسیل بالایی داشته تا قوی‌تر از گذشته توسعه یابد زیرا تحریک تقاضا برای خدمات الکترونیکی فرصتی جهت تقویت طرف عرضه در این حوزه فراهم می‌آورد. در این مقاله با بررسی و مرور مطالعات انجام‌شده در حوزه‌ی بین‌المللی و داخلی که کووید ۱۹ را به‌عنوان عاملی مستقل در مطالعات مدنظر قرار داده، به بررسی تأثیر این متغیر بر خدمات الکترونیکی و میزان رشد و کاهش این خدمات پرداخته شده است. همچنین با استناد به برخی مطالعات که در کنار بررسی این متغیر اصلی متغیرهایی دیگری نیز نظیر رفتار مشتریان و بهره‌گیری بین‌المللی کرونا نیز توسط قطب بین‌الملل دانشگاه اصفهان مورد بررسی قرار گرفت.

در ابتدا دکتر سیدکامیل طیبی از دانشگاه اصفهان به بررسی کووید-۱۹ در عرصه‌ی تجارت بین‌الملل پرداخت. از نظر ایشان یکی از بخش‌های متأثر از کرونا، تجارت جهانی است که ۷۰ درصد بخش جهانگردی-گردشگری بین‌الملل- متأثر یا حتی متوقف و کوچک شده است. کشورهای بزرگ مثل فرانسه، هند، کره جنوبی، آمریکا، چین، رشد منفی را تجربه کردند که نشان از کوچک‌شدن اقتصاد آنان و آسیب به GDP آنها دارد. در فصل دوم سال ۲۰۲۰ بیش از ۱۴ درصد تجارت کشورهای دارای درآمد بالا کاهش یافت. همچنین کشورهای با درآمد پایین یا متوسط نیز تا ۶ درصد با کاهش صادرات مواجه شدند و با کسری تجاری روبه‌رو شدند. افزایش بدهی‌ها در بخش‌های غیرمالی، دولتی و خانوار قابل مشاهده است. در بخش تجاری ایران هم از جنبه‌ی حجمی و نیز ارزشی، با کاهش حجم تجاری مواجه هستیم. کاهش فروش نفت به علت تحریم‌ها و پاندمی کرونا کاهش شدید رشد اقتصادی در سال اخیر را رقم زده است.

در ادامه‌ی پنل، دکتر محمد واعظ از دانشگاه اصفهان به بررسی تحولات ساختار اشتغال در دوران پساکرونا پرداخت و آسیب‌های وارده به آن را تشریح کرد.

در ادامه، دکتر رسول بخشی از دانشگاه اصفهان نیز به بررسی نظم پولی جهان پس از کرونا پرداخت که حاکی از افول دلار در شرایط جدید کرونایی است.

از ظرفیت فناوری‌های نوین به‌عنوان محرک توسعه‌ی خدمات الکترونیکی نیز معرفی شده‌اند به تأثیر فناوری‌های نوین نیز بر رشد و کاهش خدمات الکترونیک پرداخته شده است. در پایان بررسی یافته‌ها و پژوهش‌های نشان می‌دهد در حوزه‌های منتخب مورد مطالعه خدمات گردشگری الکترونیکی، تبلیغات آنلاین (برخط) با بیشترین کاهش و خدمات سلامت، آموزش، بازی آنلاین، رسانه، فیلم و سریال آنلاین با بیشترین تقاضا و بیشترین رشد همراه بوده‌اند و مهم‌ترین چالش‌های آنها مربوط به کمبود تقاضا، کمبود منابع مالی، محیط کسب و کار نامناسب به دلیل مشکلات بیمه، مالیات، نبود قوانین کارآمد و نداشتن رگولاتوری تخصصی است.

دکتر میرحسین موسوی و ندا مظفری‌پور از دانشگاه الزهرا به بررسی اثر بحران کووید ۱۹ بر تقاضای گردشگری در ایران با استفاده از مدل رگرسیون داده‌های ترکیبی با توالی متفاوت (MIDAS) پرداختند. صنعت گردشگری حساسیت بالایی به بحران‌ها و حوادث سیاسی، اقتصادی، بیماری، بلایای طبیعی و... دارد؛ به‌طوری‌که شیوع پاندمی کووید ۱۹ در سال ۲۰۲۰ اثر بسیار مخربی بر صنعت گردشگری در سراسر جهان گذاشته است. در این راستا این مقاله به بررسی اثر بحران کووید ۱۹ بر تقاضای گردشگری بین‌المللی در ایران پرداخته است. به‌این منظور داده‌های ماهانه و روزانه مربوط به تعداد گردشگران بین‌المللی و کووید-۱۹ در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ جمع‌آوری شده است و به‌دلیل متفاوت بودن توالی داده‌های مورد استفاده، مدل رگرسیون داده‌های ترکیبی با توالی متفاوت (MIDAS) به‌کار رفته است. نتایج بررسی آنان حاکی از آنست که تعداد مبتلایان و بهبودیافتگان کووید ۱۹ اثری غیرخطی و معنی‌دار بر تقاضای گردشگری بین‌المللی دارد.

دکتر عباس عصار آرانی و سعید قربانی از دانشگاه تربیت مدرس به بررسی آثار کووید ۱۹ بر کسب‌وکارها در جهان و ایران پرداختند. این ویروس شوک شدید و گسترده‌ای به بنگاه‌ها در سراسر جهان وارد کرده که با اثر منفی ماندگار بر روی فروش آنها همراه بوده است. تعدیل نیروی کار، افزایش محدودیت‌های مالی در بنگاه‌های

کوچک و عدم اطمینان به آینده از دیگر چالش‌های ویروس کووید ۱۹ برای کسب‌وکارها است. بنگاه‌ها برای پاسخ به بحران کووید ۱۹، به دنبال مدل‌های جدید کسب‌وکار هستند و به‌طور فزاینده‌ای به دنبال راه‌حل‌های دیجیتال هستند. شوک این همه‌گیری، به وضوح انطباق فناوری را افزایش داده است و چنین رویدادی می‌تواند در آینده بهره‌وری را نیز افزایش دهد. در این مقاله به بررسی آثار کرونا بر کسب‌وکارها در اقتصاد جهان و ایران با رویکرد فرصت‌های ایجاد شده در شرایط همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ و ارائه‌ی مدل‌های جدید کسب‌وکار پرداخته شده است. در شرایط جدید، مدل‌های کسب‌وکار نوآورانه‌ای که ایجاد می‌شود، باید ترکیبی از استراتژی‌های تحول‌آفرین و مؤلفه‌های نوظهور باشند. براساس یافته‌های پژوهش، راه‌حل نجات کسب‌وکارهای ایران به‌ویژه در این شرایط، حرکت به سمت افزایش تولیدات داخلی با توجه به رشد بهره‌وری، حمایت هدف‌مند از کسب‌وکارها و توسعه‌ی اقتصاد دیجیتال است.



در ادامه‌ی همایش دکتر سیدحسین میرجلیلی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به بررسی بحران کرونا، رشد اقتصادی و بازیابی پساکرونا پرداخت. در این مقاله آثار بحران ناشی از کرونا بر رشد اقتصادی معرفی شده و به این پرسش پرداخت که برای خروج از رکود ناشی از کرونا چه نوع بازیابی انجام خواهد شد و انواع سرمایه‌چهنقشی در این زمینه ایفا می‌کنند. همه‌گیری کرونا ترکیبی از شوک هم‌زمان عرضه و تقاضا است که قلمرو جهانی دارد و رشد اقتصادی را به شدت کاهش داده است. کشورهای شرق آسیا که دچار کاهش رشد

زیادی شده‌اند، ولی از تاب‌آوری اقتصادی برخوردارند، پیش‌بینی می‌شود که بازیابی قوی داشته باشند. سایر کشورهایی که از مشکلات ساختاری رنج می‌برند، انتظار می‌رود که بازیابی ضعیف یا تداوم رکود داشته باشند. با وجود این، تقریباً برای همه‌ی کشورها، انتظار می‌رود که برگشت رشد اقتصادی به حالت قبل، تنها بخشی از کاهش رشد را جبران کنند. اگرچه نااطمینانی زیادی درباره‌ی این‌که چه وقت و چه‌گونه بازیابی اقتصادی برای کشورهای مختلف اتفاق می‌افتد، وجود دارد. کشورهایی که نتوانند همه‌گیری را کنترل کنند، بازیابی سریعی نخواهند داشت. برحسب سیاست‌های دولت و شدت شوک بحران کرونا، بازیابی می‌تواند بی‌ثبات، سریع و تدریجی باشد. همه‌گیری کرونا، به ظرفیت اقتصاد برای تولید و صادرات کالاها و خدمات، آسیب می‌زند و بخشی از ظرفیت تولیدی اقتصاد در پساکرونا از دست می‌رود. انواع سرمایه (فیزیکی، انسانی، طبیعی و اجتماعی) در بازیابی تولید ملی در پساکرونا نقش اساسی ایفا می‌کنند. اقتصاد ایران برای بازیابی پساکرونا می‌تواند از سرمایه‌های خود استفاده کند.

پنل بحث و بررسی، ابعاد بین‌المللی کرونا نیز توسط قطب بین‌المللی دانشگاه اصفهان مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا دکتر سیدکامیل طیبی از دانشگاه اصفهان به بررسی کووید ۱۹ در عرصه‌ی تجارت بین‌الملل پرداخت. از نظر وی یکی از بخش‌های متأثر از کرونا، تجارت جهانی است که ۷۰ درصد بخش جهانگردی (گردشگری بین‌الملل) متأثر یا حتی متوقف و کوچک شده است. کشورهای بزرگ مثل فرانسه، هند، کره جنوبی، آمریکا، چین، رشد منفی را تجربه کردند که نشان از کوچک‌شدن اقتصاد آنان و آسیب به GDP آن‌ها دارد. در فصل دوم سال ۲۰۲۰ بیش از ۱۴ درصد تجارت کشورهای دارای درآمد بالا کاهش یافت. همچنین کشورهای با درآمد پایین یا متوسط نیز تا ۶ درصد با کاهش صادرات مواجه و با کسری تجاری روبه‌رو شدند. افزایش بدهی‌ها در بخش‌های غیرمالی، دولتی و خانوار قابل مشاهده است. در بخش تجاری ایران هم از جنبه‌ی حجمی و نیز ارزشی، با کاهش حجم تجاری مواجه هستیم. کاهش فروش نفت به علت تحریم‌ها و پاندمی کرونا کاهش شدید رشد اقتصادی در سال اخیر را رقم زده است.

در ادامه‌ی پنل، دکتر محمد واعظ از دانشگاه اصفهان به بررسی تحولات ساختار اشتغال در دوران پساکرونا پرداخت و آسیب‌های وارده به آنرا تشریح کرد.

در خاتمه‌ی این نشست مجازی، دکتر رسول بخشی از دانشگاه اصفهان نیز به بررسی نظم پولی جهان پس از کرونا پرداخت که حاکی از افول دلار در شرایط جدید کرونایی است.



## گرامی داشت هفته‌ی بسیج

دومین نشست تخصصی گرامی‌داشت هفته‌ی بسیج ۵ آذرماه ۱۳۹۹، طی یک نشست مجازی با سخنرانی حجت‌الاسلام امیرحسین شاهانی، مسئول دفتر نمایندگی، ولی فقیه در سازمان‌های بسیج و سرهنگ حمیدرضا قریشی، فرمانده بسیج ادارات برگزار شد. در این نشست که با همکاری بسیج کارکنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مرکز مقاومت بسیج کارکنان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و گروه معارف اسلامی دانشگاه امام حسین (ع)، برگزار شد.



در ابتدای نشست دکتر حسین نصیرزاده عضو هیأت علمی دانشگاه و فرمانده مرکز مقاومت بسیج کارکنان با اشاره به فعالیت‌ها پیرامون هفته‌ی بسیج گفت: دومین نشست بصیرتی نیز با استقبال خوب بسیجی‌ها و فرماندهان مختلف برگزار خواهد شد که دکتر محمد مهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی نیز طبق برنامه سخنرانی خواهند کرد. نصیرزاده همچنین خبر داد؛ وزیر علوم نیز طبق برنامه در این سلسله نشست‌های بصیرت‌افزایی سخنرانی خواهند کرد. در ادامه‌ی مراسم حجت‌الاسلام شاهانی سخنان خود را آغاز کرد و گفت: «بسیج شجره‌ی طیبه است» این جمله از حضرت امام رضوان الله تعالی علیه است که یکی از بهترین جملات در مورد بسیج به شمار می‌رود. شجره‌ی طیبه‌ی پربرکت و مؤثر که میوه‌های این شجره‌ی طیبه به گونه‌ای است که مایه‌ی طراوت و شادابی می‌شود تا جایی که هم این درخت طراوت دارد و هم کسانی که از برکات این درخت بهره‌مند می‌شوند.

دکتر شاهانی افزود: امام (ره) بسیج را فقط برای عرصه‌های نظامی نمی‌خواست و بسیج را برای تفکر می‌خواست که الحمدلله بسیج مستضعفین در جنگ نرم توفیقات خوبی داشته است و این باید ادامه داشته باشد. بسیج در تاریخ انقلاب نقش فراوانی داشته است و از همان پنج آذر ۱۳۵۸ که بسیج با فرمان امام (ره) تشکیل شد یک حرکت انقلابی بود. وی در ادامه با اشاره به حرکت دشمنان انقلاب تأکید کرد: دشمنان انقلاب و کشور همواره برنامه‌های خاصی علیه ما دارند و از تحریم‌های گسترده گرفته که با هدف نشان‌دادن ناکارآمدی نظام اسلامی اعمال می‌شود؛ تا فشار آوردن به چرخه‌ی اقتصادی و ... همگی در این جهت است که مقاومت ما را بشکنند اما خوشبختانه با مقاومت و اتحاد مردم، دشمن در رسیدن به اهداف خود ناکام می‌ماند. در ادامه‌ی این نشست مجازی سرهنگ پاسدار دکتر قریشی گفت: فعالیت‌های شما باعث افتخار است که باید تهدیدات را به فرصت تبدیل و اطلاع‌رسانی کنید. وی در ادامه با اشاره به فعالیت‌های دفاع از مقرر به‌همت فرماندهان و آحاد بسیجی اشاره کرد و گفت: فعالیت‌های خوبی در راستای تحقق منویات حضرت آقا انجام شده و در برگزاری میزهای خدمت توفیقاتی داشته‌ایم که حضرت آقا نیز ما را مورد تفقد قرار داد و گفت، «بسیج، وزارتخانه‌ها را به مردم نزدیک کرد». ما میز خدمت برای مدافعین سلامت کادر بهداشت و درمان در هفت بیمارستان برگزار کرده‌ایم و فعالیت‌ها در این زمینه ادامه دارد و ... قریشی در ادامه‌ی سخنانش به نقش بسیج مردمی تأکید کرد و گفت: کشور سوریه بعد از سال‌های سال با تکیه بر بسیج مردمی، روی پای خودش ایستاد و به همکاری با برادران مقاومت ادامه می‌دهد. سرهنگ پاسدار قریشی در خاتمه سخنانش از فرماندهان و بسیجیان حاضر در جلسه تشکر کرد و گفت: شما در حوزه‌ی مرکز و پایه، در کسوت فرماندهی و در بحث بسیج وزارتخانه‌ها همگی در راستای وحدت نظر و قول هستیم و همه در راستای اهداف بلند و شرایط خاص نظام حرکت می‌کنیم تا با وحدت نظر و وحدت رویه زیر منویات حضرت آقا ان‌شاءالله به هدف برسیم.

## رویکرد ترمیمی به پرونده‌های خشونت جنسی در گفتمان قضایی ایران

گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی نشست تخصصی مجازی با عنوان «رویکرد ترمیمی به پرونده‌های خشونت جنسی در گفتمان قضایی ایران» را روز شنبه ۱۵ آذرماه ۱۳۹۹، با حضور و سخنرانی دکتر سپیده میرمجیدی هسجین؛ عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ و دبیر علمی نشست دکتر سمیه فریدونی، عضو هیأت علمی مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، برگزار کرد.



در این نشست دکتر میرمجیدی با طرح بحث کاربست ظرفیت‌های ترمیمی در پرونده‌های خشونت جنسی اذعان کرد: تاکنون پژوهش‌های متعددی دسترسی به عدالت زنان در جرایم جنسی، طفره از احراز عنف به دلیل سنگین بودن مجازات اعدام و به‌طور مشخص تأثیر کلیشه‌های ذهنی و جنسیت‌زده قاضی را در احراز مدعیان زنان قربانی خشونت جنسی، موضوع تحلیل‌های انتقادی خود قرار داده‌اند و مقصر تلقی کردن بزه‌دیدگان خشونت جنسی، مجاز دانستن تجاوز بر اساس آشنایی قبلی و تفسیرهای ناعادلانه از مفهوم مقاومت در تجاوز به عنف را به‌مثابه جلوه‌ای از آزادی عمل قضایی در برساخت مصادیق خشونت‌های جنسی به نقد کشیده‌اند. ولی بیشتر تحقیقات تجربی از صرف عدم احراز جرم و به‌رسمیت نشناختن تجربه‌ی بزه‌دیدگی بزه‌دیده آن‌چنان که خود روایت می‌کنند، پا را فراتر نگذاشته و به مرحله‌ی پس از رد مدعیان وی نپرداخته‌اند.

میرمجیدی ادامه داد: بیشتر آنان از سنگین بودن مجازات اعدام و طفره‌ی قضات از احراز جرم به‌همین دلیل نقد کرده‌اند. بدون توجه به این‌که پرونده با عدم احراز تجاوز، همیشه به‌صورت قرار منع تعقیب یا برائت متهم نمی‌انجامد. بلکه قاضی در ازای عدم احراز جرم به‌دلایل پیش‌گفته و از جمله سنگین بودن مجازات قانونی، جای دیگری به‌حمایت از وی اقدام می‌کند و سعی در جبران بخشی از خسارت‌های ادعایی بزه‌دیده دارد. رویه‌ای که حتی در آرای متعدد دیوان عالی کشور نیز به چشم می‌خورد. در این مرحله ممکن است رویکرد قاضی (البته اغلب ناآگاهانه) با بعضی از مهم‌ترین نیازهای روان‌شناختی بزه‌دیده خشونت جنسی به‌طور نسبی هم‌سو شود که از منظر یک رویکرد بزه‌دیده‌محور، از اقتضائات عدالت ترمیمی به‌عنوان یکی دیگر از راهبردهای عدالت است.

میرمجیدی همچنین ضمن اشاره به سازوکارهای ترمیمی قاضی در پرونده‌های خشونت جنسی، ادامه داد: البته بدیهی است شکل صددردصدی و کامل از یک مداخله‌ی ترمیمی نیست اما به‌رحال در وضعیت کنونی، نظام عدالت کیفری ایران، نویدبخش و امیدوار کننده است و در مقایسه با رویه‌ی پیشین قضات دادگاه کیفری پیشرفت قابل توجهی محسوب می‌شود. تأکید صرف بر کسب رضایت بزه‌دیده، تعیین مهلت برای بررسی امکان ازدواج، تهدید متهم به تشدید مجازات در صورت عدم جلب رضایت شاکی، عدم احراز رضایت بزه‌دیده در صورت ناتوانی در اثبات زنای به عنف، در نظر گرفتن دغدغه‌ها و انتظارات بزه‌دیده در فرآیند رسیدگی و محکومیت متهم به پرداخت ارش‌البکاره به‌عنوان یکی از سازوکارهای جبران خسارت است. میرمجیدی در پایان نشست تأکید کرد: بی‌گمان پیش‌بینی امکان‌توسل به برنامه‌های عدالت ترمیمی در پرونده‌های خشونت جنسی در گفتمان تقنینی و تصریح بر آن، مطلوب‌تر است.



## اصطلاح‌شناسی، ویژگی‌ها و کلیات

پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی با همکاری انجمن مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی اقدام به برگزاری کارگاه آنلاین «آشنایی با رویکرد تاریخ‌نگاره و اندیشه: اصطلاح‌شناسی، ویژگی‌ها و کلیات» در روزهای دوشنبه اول و دوشنبه هشتم آذر ۱۳۹۹ کرد. در این کارگاه دکتر احمد پاکتچی (دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر سیدمحمدهادی گرامی (استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر فرهنگ مهروش (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی) به تدریس پرداختند. کارگاه در ۱۲ ساعت (۸ جلسه ۱.۵ ساعته) و در دو روز برگزار شد.

دکتر گرامی در بخش اول از این کارگاه به تعریف تاریخ‌نگاره و اندیشه پرداخت و منابع بسیاری را در این زمینه جهت مطالعه معرفی کرد. وی در ادامه در توضیح اصطلاح‌شناسی و بستر غربی آن، به نسبت اصطلاحات در زبان فارسی با حوزه‌ی لاتین آن اشاره کرد و اصطلاحات لاتین در حوزه‌ی تاریخ‌نگاره و اندیشه و ویژگی‌های این حوزه‌ی دانشی در فضای علوم انسانی زبان لاتین را شرح داد. دکتر گرامی سپس ویژگی‌ها و امتیازات این حوزه‌ی مطالعاتی را برشمرد و بستر شکل‌گیری آن در مطالعات اسلامی ایران و مطالعات اسلامی غرب را مورد بررسی قرار داد.

دو بخش بعدی از این کارگاه به تدریس دکتر احمد پاکتچی اختصاص داشت. تبارشناسی دوگانه تاریخ‌نگاره در اندیشه‌ی جدید فلسفی و تاریخ‌پژوهی نوین و تمایز و نسبت تاریخ‌نگاره با رویکردهای نوین در مطالعات اسلامی مانند معناشناسی، ریشه‌شناسی، انسان‌شناسی و ... موضوعاتی بود که در بخش اول تدریس شد.

پاکتچی در بخش دوم به موضوعاتی همانند تاریخ‌نگاره و اندیشه در علوم انسانی غرب پرداخته و رویکردهای مختلفی هم‌چون تک‌ایده‌ها، نسبت تاریخ‌نگاره با گفتمان کاوی، نسبت تاریخ‌نگاره و اندیشه و فرهنگ پژوهی را تشریح کرد.

دکتر مهروش در قسمت آخر کارگاه تاریخ‌نگاره به بررسی تاریخ‌نگاره در علوم انسانی ایران پرداخت و از سیدجواد طباطبایی، آدمیت و ... مثال‌هایی را عنوان کرد. وی همچنین در ذکر مثال‌هایی از تاریخ‌نگاره در مطالعات اسلامی ایران، به کارهایی از پاکتچی، قراملکی، محمدتقی سبحانی و ... اشاره کرد.

در پایان هر کلاس استادان به پرسش‌های شرکت‌کنندگان پاسخ دادند و بحث و گفت‌وگو در زمینه مسائل تدریس شده انجام شد.

## معناشناسی و مطالعات قرآنی

پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی با همکاری انجمن مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی در تاریخ ۲۲ آبان ۱۳۹۹، اقدام به برگزاری هفتمین دوره‌ی کارگاه‌های معناشناسی و مطالعات قرآنی به‌صورت مجازی کرد. این کارگاه در ۶ ساعت (۴ جلسه ۱.۵ ساعته) به‌صورت مجازی (آنلاین) برگزار شد.

در ابتدای نشست دکتر هادی رهنما (استادیار پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) توضیحاتی درباره‌ی کارگاه ارائه داد و گفت: دوره‌ی کارگاه‌های معناشناسی و مطالعات قرآنی در راستای برنامه‌ی راهبردی پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی در بسط و تعمیق مطالعات نوین و روش‌مندسازی پژوهش‌های قرآنی، طراحی شده است و از سال ۱۳۹۳ به‌صورت سالیانه در آبان ماه هر سال برگزار می‌شود. نظر به بازخورد مثبت این کارگاه نزد مخاطبان رشته‌ی علوم قرآن و حدیث و نیز دانش‌آموختگان زبان‌شناسی، کارگاه امسال با تنوع‌بخشی موضوعی، روشی و نیز سخنرانان مدعو، طراحی و برگزار شده است.

در ادامه دکتر احمد پاکتچی (دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) به تدریس پرداخت. موضوع بحث وی «کاوش در آیه‌ی «نَزَّلْنَا الذِّكْرَ» با رویکرد معناشناسی تاریخی» بود که به‌شرح و بسط رویکرد معناشناسی تاریخی-تطبیقی با ذکر مثال آیه ۱۵ سوره‌ی مبارکه حجر اختصاص داشت.

در مبحث بعدی دکتر رهنما بحثی با عنوان ظرفیت‌های معنایی واژه‌ی حفظ در خوانش آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» ارائه داد. تحلیل این آیه نمونه‌ای از تحلیل معناشناختی نقش‌گرا محسوب می‌شود.

پس از استراحت، از ساعت ۱۴ کارگاه با تدریس دکتر علی دهقان آغاز شد. «شبکه‌ی معنایی قرآن در حوزه‌ی ادراک و دانایی» عنوان بحث وی بود که ذیل یکی از روش‌های رویکرد ساختارگرا به شمار می‌آید.

در بخش آخر این کارگاه آموزشی دکتر کامیار جولایی با بحثی با عنوان «حس‌آمیزی در قرآن کریم، رویکردی شناختی» مطرح کرد و به پرسش‌های شرکت‌کنندگان پاسخ داده شد.

دکتر قبادی در نشست مدیران ستادی پژوهشگاه:

## باید نقاط قوت و ضعف دورکاری را شناسایی و برنامه‌مدارانه با آن مواجه شویم

ششمین نشست مدیران ستادی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۶ دی‌ماه ۱۳۹۹، توسط مدیریت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت در سالن اندیشه برگزار شد.

در ابتدای نشست دکتر قبادی، ضمن عرض خیرمقدم به حاضرین در جلسه، از بابت انتخاب دکتر پاکتچی به‌عنوان «سفیر و نماینده‌ی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان آموزش علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)» ابراز خرسندی کرد و گفت: باید خداوند متعال را شاکر باشیم و افتخار کنیم که عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌عنوان سفیر و نماینده‌ی دائم جمهوری اسلامی ایران در یونسکو معرفی شد. ایشان دانشمندی جامع‌الاطراف، محقق مسلط و توانمند، متخصص در چندین رشته، صاحب ممارست در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و دارای تجربه در تحقیقات بین‌المللی هستند.

دکتر قبادی، در ادامه‌ی جلسه درباره‌ی ارزیابی دورکاری کارکنان یادآور شد: یکی از مسائل ما میزان کارآمدی پرسنل است. دورکاری از جهتی خوب و از جهتی آفت‌زاست و باید به‌مرور زمان و با بررسی‌های بیشتر، آفت‌های دورکاری را شناسایی و با آن برخورد کنیم. وی پیشنهاد داد، در جلسه‌ی آتی نشست مدیران ستادی، سنج‌های دورکاری مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بازآرایی را یکی از محورهای برنامه‌ی توسعه خواند و با تأکید به این‌که ساختار جدید موجب تغییراتی در برخی از نهادها یا حذف آن شده است؛ از معاونت اداری-مالی خواست تا جلسه‌ای با کارکنان داشته باشند و نظرات آنان را درباره‌ی فرایند ابلاغ ساختار سازمانی بررسی کنند تا جایابی افراد واقع‌بینانه صورت گیرد. وی با اشاره به این‌که برنامه‌ی توسعه ضمانت اجرایی می‌خواهد؛ درباره‌ی نقش مدیران گروه‌ها تصریح کرد: بایستی مسئله‌هایمان را از طریق مدیران میانی کشف کنیم. مدیران میانی اعم از اداری-پژوهشی و پشتیبانی می‌توانند با نظارت حین عمل، به پایش برنامه‌ی راهبردی کمک کنند تا با ارزیابی از پایین به بالا بتوانیم برنامه‌ی راهبردی را محقق کنیم.

در ادامه‌ی نشست، مدیران ستادی درباره‌ی ساختار جدید پژوهشگاه و الزامات آن نقش مدیران میانی در پیشبرد برنامه‌ی راهبردی و مروری بر ارزیابی دورکاری کارکنان به‌بیان دیدگاه‌های خود پرداختند و درباره‌ی ساختار جدید پژوهشگاه و الزامات آن موارد مهمی مطرح شد: ۱. باتوجه به این‌که شرط احراز پست‌های رئیس اداره دارا بودن سابقه در آن واحد است در صورتی‌که فردی سابقه‌ای در آن مجموعه نداشته باشد چگونه خواهد بود؟ ۲. درباره‌ی تنزل رتبه برخی از کارمندان در ساختار جدید با داشتن تخصص، شایستگی و سابقه‌ی کاری بالا مساعدت شود. ۳. پست‌های کارمندان باتوجه به رعایت تخصص، شرایط ستاره‌دار اختصاص داده شود و پست غیرستاره‌دار به اعضای هیأت علمی اختصاص ندهند. ۴. در صورت تغییر رسته‌ی شغلی از کارشناس آموزشی-



پژوهشی به اداری وضعیت کارکنان چگونه خواهد بود.

حسن اسدی‌افخم، مدیر بودجه، تحول اداری و بهره‌وری در این نشست بیان کرد: واحدهایی که رئیس اداره دارند و کارشناس مسئول نداشتند، پیش‌نیاز کارشناس مسئول ندارند. وی تصمیم‌گیری برای انتخاب افراد در پست‌ها را از اختیارات مدیر خواند و گفت: با به‌روزرسانی شرح وظایف، شرایط احراز شغل به واحدها ابلاغ خواهد شد. شاپور نیکبخت شیبانی، مدیر اداری و پشتیبانی پژوهشگاه نیز خاطرنشان کرد: داشتن تجربه‌ی کارشناس مسئول در صورتی که پیش‌نیاز وجود نداشته باشد، ضروری نیست. همچنین حذف یا تغییر پست سازمانی بر اساس آئین‌نامه و ضوابط قانونی انجام می‌شود. وی درباره‌ی تغییر رسته‌ی شغلی کارکنان در ساختار جدید یادآور شد: تفاوتی در حقوق آنان ایجاد نمی‌شود و فقط در ارتقای رتبه تأثیر دارد که به‌دنبال راه‌کاری هستیم تا کارکنان دچار خسران نشوند.

دکتر مسعود رضایی، مدیر نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت درباره‌ی نقش مدیران میانی در پیشبرد برنامه راهبردی گفت: مدیران میانی، نقش مهمی در انعکاس مسائل و مشکلات در نظارت و پایش برنامه‌ی راهبردی دارند تا با همکاری آنان بتوانیم به اهداف خود در برنامه‌ی راهبردی برسیم. بحث دورکاری و شرایط کرونایی موضوع مهمی است هم از جهت این‌که کارکنان به‌موقع و درست کارشان را انجام دهند و هم از بعد نظارتی و اطمینان از این‌که کارها در مسیر درست انجام گیرد ضمن این‌که در جلسات آتی نشست ستادی، زمانی را به بحث‌های تخصصی اختصاص می‌دهیم.

در ادامه مهندس جواد صالحی، سرپرست مدیریت فناوری اطلاعات نکاتی را مطرح کرد: ۱. از مدیران خواسته شود که اثرات برنامه‌ی راهبردی اول و دوم در نحوه‌ی مدیریتی خود را بیان کنند تا مورد الگو قرار بگیرد؛ ۲. مدیران نیاز به آموزش‌های تخصصی مثل کارت امتیازی متوازن (BSC) دارند تا این برنامه نمود بیشتری داشته باشد. پیشنهاد می‌شود، در ارزیابی دورکاری کارکنان، روش‌ها، ابزارکار، ارزیابی‌ها به‌صورت هدف‌مند پیگیری شوند. دکتر شکوه‌السادات حسینی، مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی یادآور شد: بایستی سازوکار علمی و عملی اجرای برنامه به‌ویژه در حوزه‌ی بین‌الملل بحث شود.

دکتر سلمان صادقی‌زاده، سرپرست مدیریت فرهنگی تغییر ساختار را مبارک ارزیابی کرد و گفت: از این جهت که برنامه‌ی راهبردی به روزآمدسازی و بازنندیشی منجر می‌شود، اتفاق خوبی است. بازنندیشی یک نیاز اجتماعی و نیاز فردی است که در صورت نبود آن، سازمان دچار آفت و با مشکل روبه‌رو خواهد شد. یکی از آفت‌های سازمانی سندرم سلسله مراتب و ساختار موروثی است که نبود نظارت و ارزیابی باعث نابه‌سامانی خواهد شد. یکی از مزیت‌های تغییر ساختار، دادن قدرت‌بازیگری به کارشناس است.



## قرنطینه، کرونا و زیست آنلاین نوجوانان

سخنرانی با عنوان «قرنطینه، کرونا و زیست آنلاین نوجوانان» روز سوم دی‌ماه ۱۳۹۹، نشست توسط پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، با همکاری کرسی ارتباطات علم یونسکو و انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، روز چهارشنبه سوم دی‌ماه ۱۳۹۹ به صورت مجازی برگزار شد.

عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با طرح نسبت میان کرونا و مطالعات نسلی در نشست «کرونا، قرنطینه و زیست آنلاین نوجوان» گفت: هرچند به‌طور معمول نسل گروهی از افراد هستند که در فاصله‌ی زمانی معینی به دنیا آمده‌اند اما از گروه‌هایی که مقارن با یک رویداد تاریخی بوده‌اند نیز تحت عنوان نسل یاد می‌شوند مانند نسل جنگ، نسل بحران. کرونا



نیز به‌عنوان یک پاندمی جهانی می‌تواند زمینه‌ساز طرح این سؤال باشد که آیا نسل‌ساز است؟ معصومه تقی‌زادگان در سخنرانی خود در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی افزود: در حال حاضر شاهد طرح مفاهیمی مانند «نسل تاج»، «نسل کووید ۱۹» یا «نسل قرنطینه» در گزارش‌های مطبوعاتی هستیم و شواهد نیز حاکی از آن است که بسیاری از مفاهیم نسلی در توضیح شرایط زیست در دوره‌ی کرونا کارآمد هستند از جمله این‌که تأکید بر بالا بودن میزان مرگ‌ومیر گروه‌های سنی بالاتر را می‌توان با مفهوم شکاف نسلی توضیح پذیر ساخت، عده‌ای نیز با اشاره به رفتارهای نسلی مختلف مانند عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی و قرنطینه‌ای از سوی جوانان به امکان روی دادن جنگ بین‌نسلی اشاره کرده‌اند، البته در مقابل ما شاهد حمایت بین‌نسلی در دوره‌ی کرونا نیز بوده‌ایم. همچنین طرح گمانه‌زنی‌هایی در مورد افزایش آمار تولد باتوجه به انزوای والدین در دوران قرنطینه را می‌توان نشانه‌هایی از ظهور یک نسل جدید با رفتارهای نسلی خاص (الگوهای صرفه‌جویی، احتیاط، شستن دست، عدم لمس صورت، عادت فاصله اجتماعی) دانسته‌اند. این‌ها نشانه‌هایی دال بر توانایی کووید ۱۹ در تعریف یک نسل است.

وی در ادامه گفت: شاید برای مطمئن‌بودن از این‌که کووید ۱۹ نسل‌ساز است زود باشد، اما به احتمال قریب به یقین شاهد شکل‌گیری یک نسل میانه، نسل متقاطع یا خرده‌نسل هستیم. چرا که شرایط زیست قرنطینه‌ای سبب



تغییرساختاری در زیست روزمره‌ی همه از جمله، کودکان شده است. کودکان در این هنگامه بیش از هر زمان مجوز زیست آنلاین پیدا کرده‌اند اما سؤال این است که ما چه قدر درباره‌ی این تغییر اطلاعات داریم؟ شرایط جدید چه تأثیری بر روابط اجتماعی کودکان با همسالانشان گذاشته و آن‌ها در شرایط قرنطینه چه راه‌کارهایی در پیش گرفته‌اند؟ شرایط جدید سبب کشف یا افزایش استفاده از چه فضاهایی شده است؟ قرنطینه سبب افزایش چه نوع رفتارهایی در کودکان شده است، مثلاً استفاده از اپلیکیشن‌ها را افزایش داده یا بر حضور کودکان در شبکه‌های اجتماعی چه تأثیری داشته است؟ آیا این حضور تنها منجر به افزایش مصرف شده است یا شاهد افزایش تولید محتوا توسط کودکان نیز هستیم؟

عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی ارتباطات پس از آن براساس مصاحبه با نوجوانان از تغییرات رخ داده در زندگی روزمره آن‌ها سخن گفت، از جمله این‌که آن‌ها توانسته‌اند خود را با شرایط فعلی و زیست آنلاین تطبیق دهند و با استفاده از اپلیکیشن‌هایی مانند زوم، واتساپ و تلگرام به بازسازی روابط جمعی خود پرداخته‌اند، تولد، دورهمی و جشن‌های مناسبتی برگزار کرده‌اند. نوجوانان بازی‌های جمعی خود را به فضای آنلاین منتقل کرده‌اند و روزانه با دوستان‌شان قرارهای بازی دارند. این شرایط سبب شده است که اکثر آن‌ها به خلاف انتظارشان شاهد گسترش دایره‌ی مراودات و عمق دوستی‌هایشان در دوران قرنطینه باشند. نوجوانان همچنین به بازسازی روابط خود با همسالانشان در حلقه‌های فرامدرسه‌ای و فراجنسیتی پرداخته‌اند.

تقی‌زادگان با اشاره به این‌که نوجوانان از شرایط و زیرساخت‌های آموزش آنلاین راضی نیستند، گفت: نوجوانان در حال تجربه شرایط آموزشی نوینی هستند که در چهارچوب قواعد قبلی نیست، یادگیری در این شرایط فعلی متمرکز و یک‌سویه نیست. نوجوانان از سلطه‌ی مکانی و زمانی مدرسه رها شده‌اند و گاهی اگر از کیفیت و برنامه‌ی آموزشی راضی نباشند هم‌زمان با حضور در کلاس به فعالیت‌های دیگر مشغول هستند. آن‌چه نوجوانان از روند یادگیری خود روایت می‌کنند نشان‌دهنده‌ی پیش‌روی آن‌ها به سوی یادگیری مشارکتی و چندمنبعی است. نکته‌ی مهم دیگر این است که آن‌ها پس از یک‌دوره سردرگمی یا شغف ناشی از تعطیلی مدارس توانسته‌اند به برنامه‌ی نسبتاً منظمی برای پوشش دادن فعالیت‌های آموزشی و فراغتی خود دست یابند.

دکتر تقی‌زادگان در خاتمه افزود: آن‌چه این فرضیه‌ی ساخت نسل متقاطع در دوره‌ی پاندمی کرونا را قوت می‌بخشند، این است که شرایط ناشی از همه‌گیری کرونا سبب تبدیل اینترنت از یک رسانه به فضا-رسانه شده، درحالی‌که این تجربه از تجربیات نسل آینده در مرحله‌ی هویت‌یابی‌شان است.



## آشنایی با کاربریست رویکردهای انسان‌شناختی در مطالعات قرآنی و اسلامی

پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی با همکاری انجمن مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی اقدام به برگزاری کارگاه آنلاین «آشنایی با کاربریست رویکردهای انسان‌شناختی در مطالعات قرآنی و اسلامی» در روزهای دوشنبه ۱۷ و دوشنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۹ کرد. در این کارگاه دکتر احمد پاکتچی (دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر سیدمحمدهادی گرامی (استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر فرهنگ مهروش (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی)، دکتر یحیی میرحسینی (استادیار دانشگاه میبد یزد) و دکتر محمدحسین شیرزاد به تدریس پرداختند. کارگاه در ۱۲ ساعت (۸ جلسه ۱.۵ ساعته) در ۲ روز از ساعت ۹ تا ۱۲ و ۱۴ تا ۱۷ برگزار شد که به موارد زیر پرداخته شد:

انسان‌شناسی (آنتروپولوژی) یکی از شاخه‌های مهم مطالعات اجتماعی است؛ با این حال، مطالعاتی که درباره‌ی شناخت زیست و ساختمان بدن انسان و همچنین ماهیت انسان به شکل فلسفی است، انسان‌شناسی خوانده شده است. اما این اصطلاح بدون هیچ قرینه‌ای عمدتاً به انسان‌شناسی فرهنگی - اجتماعی انصراف دارد. گرچه نقطه تمرکز و تمایز انسان‌شناسی با خویشاوندان نزدیکش هم‌چون جامعه‌شناسی مطالعه‌ی میدانی، جزئی، هم‌دلانه و از درون یک جامعه است، با این حال امکانات این دانش، محدود به مطالعه‌ی میدانی نیست.

انسان‌شناسان در کنار مطالعه‌ی میدانی همواره از مطالعه‌ی اسناد و شواهد مکتوب فرهنگی سخن گفته‌اند و از این‌ره‌گذر زمینه برای مطرح‌شدن جدی‌تر شاخه‌ای به نام انسان‌شناسی تاریخی فراهم شده است. از سوی دیگر یکی از گرایش‌های کلاسیک در این رشته مطالعات دیرینه‌ی انسان‌شناسی بوده است که به مطالعه‌ی فرهنگ و حتی ساختار زیستی جوامع بدوی پرداخته است. به‌نظر می‌رسد انسان‌شناسی تاریخی و همین‌طور مطالعات دیرینه‌ی انسان‌شناسی درباره‌ی جوامع بدوی ظرفیت‌هایی را برای مطالعه با رفتار فرهنگی - اجتماعی صدر اسلام فراهم می‌کنند؛ جامعه‌ای که ویژگی‌های آن (به‌خصوص با توجه به پیش‌زمینه‌ی عصر جاهلی) بسیار مشابه جوامع بدوی است که انسان‌شناسان از آن سخن گفته‌اند. آشنایی با کاربریست نظریات و الگوهای انسان‌شناختی در حوزه‌ی مطالعات قرآنی و اسلامی می‌تواند منجر به فهم عمیق‌تری از آیات و آموزه‌های اسلامی و همچنین بازشناسی فرهنگی - اجتماعی جامعه‌ای که این آموزه‌ها در آن سر برآورده‌اند، شود.

در این کارگاه در جلسات اول و دوم، دکتر مهروش به شرح مفاهیم بنیادین، پیشینه و مکاتب دانش انسان‌شناسی پرداخت.

در جلسات سوم و چهارم به چستی انسان‌شناسی تاریخی و رویکرد اسنادی به انسان‌شناسی با ارائه دکتر پاکتچی اختصاص یافت.

در جلسه‌ی پنجم دکتر محمدحسن شیرزاد با ارائه‌ی مطالعه‌ی موردی «استطاعت سیبل» به ارائه‌ی بحث انسان‌شناسی حمل و نقل در بافت نزول قرآن کریم پرداخت و دکتر محمدحسین شیرزاد انسان‌شناسی امنیت در بافت نزول قرآن کریم را به‌عنوان یک‌نمونه موردی دیگر مورد بررسی قرار داد.

در جلسه‌ی ششم دکتر میرحسینی به معرفی حوزه‌های انسان‌شناسی و مطالعه‌ی کاربریست آن در مطالعات اسلامی پرداخت. انسان‌شناسی خویشاوندی، انسان‌شناسی طبیعی، انسان‌شناسی دینی، انسان‌شناسی اقتصادی و ... از مواردی بود که در این جلسه به آن‌ها اشاره شد.

جلسه‌ی هفتم با تدریس دکتر گرامی به تبیین کاربریست میان‌رشته‌ای انسان‌شناسی اختصاص یافت. در این جلسه دکتر گرامی با طرح چالش‌های میان‌رشته‌ی و ابهامات درونی رویکردهای انسان‌شناختی، به شرح درک میان‌رشته‌ای و ساختارمند اصطلاحات و گرایش‌های نزدیک به مطالعات اسلامی در انسان‌شناسی پرداخت. وی در ادامه در بحثی، امکان مطالعه میان‌رشته‌ای میان انسان‌شناسی و مطالعات اسلامی را بررسی کرد و اشاره‌ای به انواع مطالعات رایج میان‌رشته‌ای اسلامی انسان‌شناختی داشت.

جلسات آخر کارگاه نیز با ارائه‌ی دکتر پاکتچی به تعریف ماده‌ی فرهنگی و انسان‌شناسی تاریخی و زمینه‌های انسان‌شناسی در استعاره‌ها و رده‌بندی‌های قرآنی اختصاص یافت. در انتهای کارگاه نیز جلسه‌ی پرسش و پاسخ کوتاهی برگزار شد.



## مصاحبه با دکتر رفیعی، مدیر نشر آثار علمی پژوهشگاه

پس از برگزاری نمایشگاه مجازی کتاب تهران و حضور موفق انتشارات پژوهشگاه در این نمایشگاه و استقبال وسیع از آثار پژوهشگاه، تصمیم گرفتیم با دکتر یدالله رفیعی، مدیر نشر آثار علمی گفت‌وگوی انجام دهیم و نظراتش را در مورد کیفیت نمایشگاه امسال جويا شویم که در شرایط کرونایی برگزار شد و استقبال خوبی از آثار پژوهشگاه به‌عمل آمد. با دکتر رفیعی در مورد برخی حواشی نیز سؤال کرده‌ایم که در ادامه حاصل این مصاحبه از نظر تان می‌گذرد:



**\* تصور می‌کردید از نخستین نمایشگاه مجازی کتاب تهران تا این حد استقبال شود و این میزان کتاب از سوی ناشران کشور به‌فروش برسد؟**

خدا را شکر استقبال از نمایشگاه به‌اذعان بسیاری از مسئولان و ناشران فوق‌انتظار بود و خوشحالیم که انتشارات پژوهشگاه در این دوره از نمایشگاه کتاب، خوش درخشید و مبلغ ۶۹۶۴۶۵۰۰۰ ریال (بیش از ۶۹ میلیون تومان) فروش داشت.

**\* آیا از فروش آثار پژوهشگاه در این نمایشگاه راضی بودید؟**

فروش که خیلی خوب بود؛ اما ما همچنان در انتظار کمک بیشتر معاونت محترم اداری، مالی برای امور پس از فروش هستیم.

**\* در مقایسه با نمایشگاه کتاب در دوره‌ی قبل (سال ۹۸) استقبال از آثار پژوهشگاه چطور بود؟**

با این که این نمایشگاه مجازی بود و در نمایشگاه مجازی نسبت به نمایشگاه حضوری، ناشران در عرضه‌ی کتاب محدودیت بیشتری دارند، اما فروش ما نسبت به سال ۹۸ حدود سه‌برابر افزایش داشت.

**\* به نظر شما باید چه کار کنیم تا رشد انتشارات پژوهشگاه بیشتر شود؟**

کارهای زیادی لازم است انجام شود تا انتشارات پژوهشگاه به جایگاه واقعی خود در کشور دست یابد، همچنان که قبلاً هم عرض کردم، هر اقدام واحد انتشارات مستلزم حمایت دیگر بخش‌های پژوهشگاه است که بیشتر آن‌ها در تأمین نیروی متخصص و منابع مالی خلاصه می‌شود و گرنه همکاران من برنامه‌های زیادی برای رشد انتشارات دارند.

### \* گویا برخی از آثار جدید پژوهشگاه برای فروش به نمایشگاه عرضه نشد، موانع کار چه مواردی بودند؟

عرضه‌ی کتاب در هر نمایشگاهی فقط شامل کتاب‌های منتشر شده در سال‌های پایانی منتهی به زمان برگزاری همان نمایشگاه می‌شود، پس ما هر کتابی را نمی‌توانیم در نمایشگاه عرضه کنیم. نمایشگاه برای اولین بار به صورت مجازی برگزار شد و با نمایشگاه‌های قبل متفاوت بود و عرضه‌ی کتاب در اختیار ناشران نبود، بلکه کتاب‌ها فقط توسط خانه‌ی کتاب عرضه شد و آن‌ها از ناشران فقط قیمت و تعداد موجودی را استعلام کردند. بنابراین هر کتابی که در سامانه‌ی خانه‌ی کتاب ثبت نشده بود، در نمایشگاه عرضه نشد. لازم است این‌جا یادآور شوم؛ هر کتابی که به چاپ می‌رسد ناشر موظف است که مراحل اعلام وصول آن را انجام دهد تا در سامانه‌ی خانه‌ی کتاب به ثبت برسد. انتشارات پژوهشگاه در دهه‌ی ۹۰ حدود ۵۸۵ عنوان کتاب منتشر کرده است که از این تعداد حدود ۱۲۰ عنوان آن مربوط به سال‌های ۹۸ و ۹۹ است که مراحل اعلام وصول آن یا انجام شده یا در حال انجام است، بسیاری از کتاب‌های منتشر شده در سال‌های قبل از ۹۸ اعلام وصول نشده است. بنا بر این بسیاری از کتاب‌ها که اعلام وصول نشده در نمایشگاه عرضه نشد و از سویی دیگر بسیاری از کتاب‌های ما یک نوبت چاپ و تمام شده است و سال‌هاست که تجدید چاپ نشده‌اند. طبعاً هر کتابی که موجودی نداشت در بخش فروش کتاب، قابل نمایش نبود و بیش از نیمی از کتاب‌های ما موجودی نداشت. به هر حال با توجه به مشکلات گفته شده ما از عرضه‌ی آثار برخی از استادان و محققان پژوهشگاه محروم شدیم. امیدوارم با رفع مشکلات موجود بتوانیم در نمایشگاه‌های آینده با تعداد بیشتری از آثار در نمایشگاه حضور یابیم.

### \* روند اعلام وصول کتاب‌ها به خانه‌ی کتاب چگونه است و چه پروسه‌ای در این خصوص انجام می‌گیرد، آیا ریاست پژوهشگاه یا سایر مسئولان در این زمینه، اعمال نظر یا دخالتی دارند؟

اعلام وصول در انتشارات انجام می‌شود و ارتباطی به دیگر مسئولان ندارد. از طرفی من فکر نمی‌کنم کسی با عرضه و فروش کتابی که چاپ شده است مشکلی داشته باشد، اگر کسی بخواهد کتابی در نمایشگاه عرضه نشود پس دلیل انتشار آن با این شرایط اقتصادی چیست؟

### \* با توجه به شرایط کرونا و موانع بودجه‌ای و ... چگونه می‌توانیم در سال‌های آتی حضور و فروغ چشم‌گیرتری در چنین نمایشگاه‌هایی داشته باشیم؟

همکاران من در واحد انتشارات، نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرند و تاکنون هم اگر کسی منصفانه به قضیه نگاه کند، فعالیت‌های انتشارات را درمی‌یابد و میزان پیشرفت این فعالیت‌ها غیرقابل انکار است. با توجه به شرایط کرونا در حال حاضر بخش انتشارات برای عرضه و فروش کتاب الکترونیکی با چهار مرکز قرارداد دارد و در حال آماده‌سازی فایل‌های بیشتر برای تحویل به آن چهار مرکز است.

### \* در مورد وضعیت فروش اینترنتی آثار پژوهشگاه اگر صلاح می‌دانید، توضیح دهید که ان شاء الله حدوداً چه زمانی محصولات پژوهشگاه به صورت اینترنتی به فروش خواهد رسید؟

در بخش فروش اینترنتی طبعاً نیاز به راه‌اندازی سامانه و تأمین نیروی متخصص داریم. البته انتشارات در زمینه‌های مختلف از جمله برای همین فروشی که در نمایشگاه داشتیم، نیازمند کمک هست تا بتواند به تعهدات خود در مقابل خریداران عمل کند. این‌جا که بخش خصوصی نیست تا جذب نیرو در اختیار مدیر انتشارات باشد، بنابراین باید انتشارات مورد حمایت قرار گیرد.

### \* اگر نکته یا حرف خاصی دارید مطرح بفرمائید؟

امیدوارم در آینده پشتیبانی بیشتری از انتشارات بشود تا بتواند به اهداف مورد نظر خود و آن‌چه دیگران از آن انتظار دارند، دست یابد. با آرزوی سلامتی و موفقیت.

## پرفروش‌ترین آثار انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در نخستین نمایشگاه مجازی کتاب

پس از شیوع ویروس کرونا و لغو برگزاری نمایشگاه کتاب تهران در اردیبهشت ماه سال جاری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در راستای حمایت از ناشران و بازار کتاب کشور با استفاده از تجربیات حضور در نمایشگاه‌های مجازی کتاب هم‌چون نمایشگاه بزرگ کتاب فرانکفورت که به‌صورت مجازی برگزار شد، تصمیم گرفت نخستین نمایشگاه مجازی در ایران نیز (۱ تا ۸ بهمن ۹۹) برگزار شود. انتشارات پژوهشگاه هم با شرکت در این رویداد فرهنگی حمایت خود را از این طرح اعلام کرد. اگرچه بسیاری از ناشران بزرگ کتاب هم‌چون نشر مرکز، هرمس و دیگر ناشران در نمایشگاه حضور نیافتند اما انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با شرکت در فرایند نوین فروش الکترونیک، آثار خود را با ۲۰ درصد تخفیف به مردم ارائه کرد.

این نمایشگاه از اول تا هشتم بهمن ماه ۱۳۹۹ ادامه داشت که به‌دلیل استقبال خوب چند روزی هم تمدید شد. با وجود شتاب‌زدگی مجریان برگزاری نمایشگاه و عدم آمادگی و هماهنگی‌های لازم در زمان ثبت‌نام، انتشارات پژوهشگاه توانست به‌سرعت خود را به اولین نمایشگاه مجازی کتاب برساند. حضور آثار ناشران مختلف در نمایشگاه مجازی توسط «خانه‌ی کتاب» تعیین شد و انتشارات پژوهشگاه هیچ کتابی را راساً در سامانه‌ی فروش نمایشگاه بارگذاری نکرد بلکه خانه‌ی کتاب، کتاب‌هایی از پژوهشگاه را که در سامانه‌اش وجود داشت را برای فروش گذاشت.

در مجموع انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور ۲۲۴ اثر خود در این نمایشگاه، بالغ بر ۱۲۰۰ سفارش دریافت کرده است که آمار خوبی است و مراحل بسته‌بندی سفارش‌ها در حال انجام است ضمن این‌که تجارب ارزنده‌ای از نخستین نمایشگاه مجازی کتاب تهران حاصل شده و می‌توانیم در سال‌های آینده با رفع برخی مشکلات و کاستی‌ها از این ذوق و شوق مخاطبان برای مطالعه‌ی کتاب به‌نحو شایسته‌ای در جهت فرهنگ‌سازی استفاده کنیم.

به‌هر صورت استقبال علاقه‌مندان کتاب از این نمایشگاه نیز در نوع خود بی‌نظیر بود و میزان فروش خالص انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی در این نمایشگاه ۶۹٬۶۵٬۰۰۰ ریال (بیش از ۶۹ میلیون تومان) بوده که پس از کسر تخفیف مورد نظر، به حساب پژوهشگاه واریز شده است.

فهرست ۲۰ کتاب پرفروش انتشارات پژوهشگاه در نخستین نمایشگاه مجازی کتاب تهران (۱ تا ۸ بهمن‌ماه ۱۳۹۹)

۱. دوره دوازده جلدی آموزش مری فیثا (فلسفه برای کودکان)، جمعی از نویسندگان
۲. زندگی سراسر فهم مسئله است، دکتر نعمت‌الله فاضلی
۳. متون فارسی زردشتی، (ج ۲)، دکتر حمیدرضا دالوند
۴. تاریخ و سنت زردشتی، (ج ۱)، دکتر حمیدرضا دالوند
۵. پروای دیگران، دکتر مریم نصر اصفهانی
۶. گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی در دوره‌ی پهلوی، دکتر علیرضا ملایی توانی
۷. جامعه‌شناسی تاریخی، منوچهر آشتیانی
۸. رساله سمرقندی، دکتر سیدحسن نصیری
۹. خلاصه مقالات شیخ جام، دکتر سیدحسن نصیری
۱۰. تاریخ اصفهان (دوره‌ی سه جلدی)، جلال‌الدین همایی، ماهدخت بانو همایی
۱۱. تاریخ اصفهان (بخش جغرافیا)، جلال‌الدین همایی، ماهدخت بانو همایی
۱۲. درآمدی بر فلسفه‌ی معاصر غرب، دکتر محمد اصغری
۱۳. جستارهایی درباره‌ی فلسفه و ادبیات، دکتر کریم مجتهدی
۱۴. درآمدی بر ادبیات‌شناسی، دکتر محمود فتوحی
۱۵. قواعد کلی فلسفی جلد اول و دوم، غلامحسین دینانی
۱۶. مبانی و دستور خط فارسی شکسته، دکتر امید طبیب‌زاده
۱۷. امر مطلق، دکتر سیدعلی اصغری
۱۸. نظام اخلاقی حارث محاسبی، دکتر اعظم قاسمی
۱۹. استعاره و شناخت، دکتر آریتا افراشی
۲۰. علوم انسانی و اجتماعی در ایران، دکتر نعمت‌الله فاضلی

دکتر شاه قاسمی در نشست «فرهنگ شهرت و پورنوگرافی فقر»:

## سلبریتی‌ها بین جهان سرمایه‌داری و جهان فقر پل می‌زنند

پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری کرسی ارتباطات علم یونسکو و انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات وینار «فرهنگ شهرت و پورنوگرافی فقر» را در تاریخ ۲۰ دی‌ماه ۱۳۹۹، برگزار کرد.



در این نشست دکتر احسان شاه‌قاسمی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران در ابتدا به فرهنگ شهرت در جوامع مختلف از جمله ایران اشاره کرد و گفت: «سلبریتی‌ها یا افراد مشهور در همه‌ی جوامع افراد تأثیرگذاری هستند و حتی از افراد علمی نیز مهم‌تر هستند و نقش مهمی در بسیج افکار عمومی دارند». وی افزود: «در سال‌های اخیر سلبریتی‌ها بنا بر توصیه‌ی مشاوران تبلیغاتی خود در حوزه‌هایی وارد شدند که اساساً هیچ تخصص و مدرکی ندارند و از این طریق می‌خواهند بیشتر خود را مطرح کرده و از این طریق ثروت خود را افزایش دهند. به‌عنوان مثال، در حوزه‌ی حقوق حیوانات یا بحث‌های محیط زیست وارد می‌شوند یا به‌عنوان سفیر ایدز و انرژی پاک مطرح می‌شوند، در حالی که در این حوزه‌ها اصلاً تخصصی ندارند».

این استاد دانشگاه خاطر نشان کرد: «متفکران چپ اساساً معتقدند که سلبریتی‌ها در خدمت سرمایه‌داری هستند و کمک می‌کنند که سرمایه‌داری از خود تصویری انسانی و نیک‌خواه ارائه دهد. علاوه بر این، سرمایه‌داری از این طریق فقر را نه به‌عنوان یک مشکل ساختاری در جوامع، بلکه مشکل فردی معرفی می‌کند». شاه‌قاسمی به نظرات «ژیژک» در این رابطه اشاره کرد و افزود: «وی معتقد است که سلبریتی‌ها بین جهان سرمایه‌داری و جهان فقر پل می‌زنند. پول می‌آورند و مدرسه می‌سازند. بچه‌ای را به فرزندپذیری قبول می‌کنند، به افراد فقیر پول توزیع می‌کنند و کارهایی نظیر این انجام می‌دهند که نام این، سرمایه‌داری بدون کافئین است! سرمایه‌داری را بدون سرمایه‌داری نشان می‌دهند. در واقع سرمایه‌داری بسیار متجاوز است و در آن همه چیز «خوار» به‌نظر می‌آید، اما به کمک سلبریتی‌ها آرام به‌نظر می‌رسد. لذا جامعه‌ای که ممکن است شورش کند را آرام می‌کنند».

دکتر شاه‌قاسمی در ادامه به بُعد دیگر این فرهنگ پرداخت و گفت: «سلبریتی‌ها با خدمت‌شان در واقع به خودشان خدمت می‌کنند، حتی اگر صادقانه پول به فقرا بدهند. نمونه‌ی آن کنسرتی بود که چندسال پیش خواننده‌ها با هزینه‌ی خودشان آواز خواندند و پول زیادی که جمع شد را به آفریقا فرستادند. آن‌ها نمی‌گویند که چگونه از این طریق سود شخصی به‌دست آوردند و در واقع در حال فریب ما هستند. در بعد از همین کنسرت، فروش محصولات همه‌گی این خواننده‌هایی که در این کنسرت مشارکت داشتند، چندین برابر شد. لذا تیم نامورساز برای آن‌ها تعیین می‌کند که جلوی دوربین برود و با بیشترین نمایش، کمترین هزینه را بدهد و سود خود را نیز به‌دست آورد. بنابراین اگر قبول نمی‌کنیم که در خدمت سرمایه‌داری هستند، قطعاً در حال خدمت به خود هستند».

وی با ذکر نمونه‌های متعددی از فعالیت‌های سلبریتی‌ها در ایران تصریح کرد: «در ایران سلبریتی‌ها اگر

سیاسی نباشند، می‌توانند برخی کارها را انجام دهند و در بسیاری از موارد رسماً تخلف هم می‌کنند. از مردم پول گرفتند، اما به همان اندازه خرج نکردند. بنگاه‌های خیریه هم گاهی از این طریق پول شویی می‌کنند. در این رابطه ما هم مقصر هستیم که از آن‌ها می‌خواهیم به مناطقی که وضع بدی دارند، بروند. ما گاهی با آن‌ها هم‌دست هستیم. رنج مردم را می‌بینیم و کمک به آن‌ها را به سلبریتی‌ها می‌سپاریم و خیال خودمان را راحت می‌کنیم تا از احساس گناه خود بکاهیم. کنش خود را با آن‌ها هماهنگ می‌کنیم و حتی انفعال خودمان را به سلبریتی می‌دهیم با این تصور که مشکل حل خواهد شد».

این پژوهشگر فرهنگ شهرت افزود: «من این صنعت نیکوکاری را ساختار علمی دادم و از آن تشبیه به پورنوگرافی کردم. پورن یک واژه تحقیرآمیز است و ارزان‌ترین طبقه‌ی مردم هستند که هیچ هنری ندارند و در نهایت تنها بدن‌شان را در اختیار دیگران قرار می‌دهند. تصویری هم که سلبریتی‌ها از طریق آن خود را مطرح می‌کنند در ذات خودش پورنوگرافی دارد. عکس کپی از ما و جعلی است و اصالت ندارد و لذا یک چیز تحقیرآمیز است و وجوه پورنوگرافیک دارد».

شاه‌قاسمی به وجوه دیگر این شباهت اشاره و خاطر نشان کرد: «لذت دیداری و لذتی که از دیدن تصویر یک مدل وجود دارد، به نوعی شبیه عمکرد پورنوگرافی است که دعوت به جذابیت تصویر صورت می‌گیرد. در حوزه‌ی فقر هم اصل بر این است که از جذابیت تصویر استفاده و آفریقایی را نشان دهید تا نگاه خیره غربی را بهتر جذب کنید. لذا در همین تصاویر فقر هم، تصاویر زنان سه برابر تصاویر مردان است. ۶۰ درصد عکس‌هایی که برای خیریه‌ها به کار می‌رود، زنان و کودکان را به عنوان قربانی نشان می‌دهند. در واقع شبیه پورنوگرافی واقعیت برساخته و بدن برهنه ساخته و پرداخته می‌شود».

دکتر شاه‌قاسمی وجه دیگر تشابه را «تکبر» دانست و تصریح کرد: «در هر دو، نوعی نگاه از بالا وجود دارد. در حوزه‌ی فقر راحت در مبل نشستید و عکس‌های فقر را می‌بینید و در پورنوگرافی هم این چنین است. علاوه بر این کثرت تصاویر پورنوگرافی آن را تبدیل به تصاویر عادی می‌کند. در تصاویر فقر هم همین اتفاق می‌افتد. انبوه تصاویر فقر آن را به تصاویری معمولی تبدیل می‌کند و به سیاست‌زدایی و کرخت‌زایی منجر می‌شود. همچنین در پورنوگرافی فقر نوعی ساده‌سازی وجود دارد و مسئله‌ی پیچیده‌ی فقر را در قالب یک کمک ساده‌ی قابل حل معرفی می‌کند، همان‌طور که در پورنوگرافی و رابطه‌ی جنسی شاهد این ساده‌سازی هستیم که آن را از چارچوب خود جدا و عرضه می‌کند. در ساده‌سازی هیچ‌وقت متوجه نمی‌شویم که مشکل واقعی فقر از کجا نشأت می‌گیرد و دلایل واقعی فقر چیست؟»

وی در پایان با تأکید بر این که سلبریتی‌ها قدم اساسی برای حل معضل بر نمی‌دارند و فقط در پی خدمت به خود هستند اظهار داشت: «این امید وجود دارد که با کارهای پژوهشی و انتشار کتاب‌های جدید خارجی و ایرانی در این حوزه بتوان سطح آگاهی‌ها را بالا برد و از این که مردم زمینه‌ساز تقویت این جریان شوند، تا حدودی جلوگیری کرد».



## معرفی کتاب

### معرفت‌شناسی اختلاف‌نظر در باور دینی: مصالحه‌گرایان در برابر نامصالحه‌گرایان

غزاله حجتی دانش‌آموخته‌ی دکترای فلسفه‌ی دین از دانشجویان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و نویسنده‌ی کتاب «معرفت‌شناسی اختلاف‌نظر در باور دینی: مصالحه‌گرایان در برابر نامصالحه‌گرایان» است که همین کتاب رساله‌ی دکترای نویسنده نیز است. به‌مناسبت انتخاب این کتاب به‌عنوان کتاب برتر سال دانشجویی، مصاحبه‌ی وی که حاوی نکات برجسته‌ی کار تحقیقی و پژوهشی انجام شده است، بازنشر می‌شود. وی در معرفی خود می‌گوید:

در سال ۱۳۶۲ در شهرستان همدان به‌دنیا آمدم. از نوجوانی به ادبیات و علوم انسانی علاقه داشتم. در دوران دبیرستان با این‌که در رشته‌ی ریاضی دیپلم گرفتم اما با مطالعه‌ی دروس مربوط به رشته‌ی علوم انسانی در آزمون سراسری این رشته شرکت کردم و در مورد انتخابی اول خود که رشته‌ی فلسفه بود، در دانشگاه تهران پذیرفته شدم. پس از پایان دوران کارشناسی با توجه به علاقه‌ی شخصی برای تعمق و تدبیر در مسائل دینی، رشته‌ی فلسفه‌ی دین را برای تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد برگزیدم و باز هم در انتخاب اول خود که فلسفه‌ی دین بود، در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در پایان این مقطع از رساله‌ی خود با عنوان «خدا، اخلاق و معنای زندگی از دیدگاه گرت تامسون» دفاع کردم. با توجه به کارنامه‌ی تحصیلی و نمره‌ی کسب‌شده در پایان‌نامه موفق شدم به‌عنوان دانشجوی ممتاز از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شوم.

پس، از طی سه سال فراغت از تحصیل در سال ۹۲ در آزمون دکتری فلسفه شرکت کردم و پس از کسب رتبه‌ی عمومی در سه دانشگاه مصاحبه دادم و رزومه‌ی علمی‌ام بررسی شد. خوشبختانه پس از اعلام نمرات در هر سه جا به‌عنوان نفر اول انتخاب شده بودم تصمیم گرفتم در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مشغول به تحصیل شوم و در ابتدای ترم نهم موفق شدم تا از رساله‌ی خود در زمینه‌ی معرفت‌شناسی، با عنوان «معرفت‌شناسی اختلاف‌نظر در باور دینی: مصالحه‌گرایان در برابر نامصالحه‌گرایان» دفاع کنم.

در طول دوران تحصیل موفق به ترجمه و چاپ چندین عنوان کتاب شدم و در سال ۹۵ توانستم جایزه‌ی کتاب سال دانشجویی را برای ترجمه‌ی «معنای زندگی» اثر گرت تامسون کسب کنم. در سال ۹۵ و ۹۶ به‌دلیل تعداد مقالات چاپ شده در آن سال و تعداد کتاب‌های منتشر شده، موفق شدم از طرف پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در هفته‌ی پژوهش به‌عنوان پژوهشگر برتر دانشجویی معرفی شوم.

دکتر حجتی در خاتمه‌ی سخنانش تأکید کرد: علاقه‌ی تخصصی‌ام فلسفه‌ی دین است و به تمام مباحث آن علاقه‌مندم. از بین مباحث موجود در این حوزه به مطالعه‌ی تخصصی در زمینه‌ی معرفت‌شناسی پرداخته‌ام و توجیه باور دینی جزو دغدغه‌های اصلی من بوده است. در این زمینه چند مقاله نگاشته‌ام و رساله‌ی دکتری خود را نیز در قالب کتاب منتشر کرده‌ام. کتاب اختلاف‌نظر، نوشته‌ی «براین فرنیس» نیز با ترجمه‌ی من به‌زودی منتشر خواهد شد. معنای زندگی زمینه‌ی دیگری است که در آن مطالعه و پژوهش زیادی داشته‌ام و موفق به ترجمه‌ی دو عنوان کتاب و نگارش چند مقاله در این زمینه نیز شده‌ام و ...



## تبیین نظریات تفسیری فضل‌الرحمان و تأثیر آن بر خوانش‌های زنانه از قرآن

گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی، نشست تخصصی مجازی «ارائه‌ی گزارشی از پایان‌نامه‌ی برتر کارشناسی ارشد حوزه‌ی مطالعات زنان در هیجدهمین دوره از جشنواره‌ی پایان‌نامه‌ی سال دانشجویی جهاد دانشگاهی» با عنوان «تبیین نظریات تفسیری فضل‌الرحمان و تأثیر آن بر خوانش‌های زنانه از قرآن»، ۱۴ دی‌ماه ۱۳۹۹ با حضور و سخنرانی نویسنده‌ی پایان‌نامه‌ی نفیسه دانش‌فرد و دبیر علمی نشست، دکتر زهره معماری برگزار کرد.



در ابتدای نشست دکتر معماری به‌اهمیت حضور فعال زنان در عرصه‌های گوناگون اشاره کرد و گفت: امروزه حضور فعال زنان در عرصه‌ی تحقیق و پژوهش آن‌هم با موضوعاتی که در طول تاریخ مغفول مانده‌اند و نیز در موضوعات مرتبط به حقوق اجتماعی و خانوادگی در صحنه‌ی سیاست و هرگونه فعالیت‌هایی که برای انسان قابل‌تصور است، مشاهده می‌شود. در دوران کنونی جامعه‌ی ما، شرایطی به‌وجود آمده که زنان به‌طور نسبی به خودآگاهی، آگاهی بر توانایی فکری و فیزیکی دست پیدا کرده‌اند. از این‌رو، تاحدودی شرایط مساعدی برای شناخت جایگاه شایسته‌ی زنان و به‌دست آوردن آن جایگاه فراهم است و با وجود زنان شایسته، توانا و اندیشمند این روند به‌پیش می‌رود.

وی افزود: تحقیقات فضل‌الرحمن اندیشمند پاکستانی، درباره‌ی نظریات تفسیری قرآن با رویکرد هرمنوتیکی، بسیار ارزشمند است و به خوانش‌هایی از قرآن، متناسب با نیاز روز، کمک به‌سزایی می‌کند. همچنین تأثیر بسیاری برای برون‌رفت از بن‌بست‌هایی دارد که از دیدگاه‌هایی انعطاف‌ناپذیر ناشی می‌شود، دیدگاه‌هایی که همواره راه رسیدن به حقیقت را بازگشت به زمانی می‌داند که کتاب مقدس نازل شده، و نگاهی که با هرگونه تحول و پیشرفتی مخالف است. از نظر «هایدگر» فیلسوف آلمانی معاصر، انسان عبارت است از نسبت‌هایی که برقرار می‌کند. باتوجه به این دیدگاه، برای بازگشت به زمان نزول کتاب مقدس، باید تمامی نسبت‌ها را گسست و به نقطه‌ی صفر رسید اما در این‌صورت این مشکل رخ می‌نماید که با گسستن نسبت‌ها اساساً هیچ تفکری ممکن نخواهد بود. به‌عبارت بهتر دیدگاه این گروه از متفکران دینی عملاً به بن‌بست می‌رسد. جنبه‌ی نوآوری روش فضل‌الرحمان نسبت به جریان هرمنوتیکی غربی، در پایان‌نامه به خوبی تبیین نشده و درصورت وجود وجه تمایز و نوآوری، نیاز است این امر به‌طور مستقل تحقیق، بحث و تبیین شود.

در ادامه‌ی این گفت‌وگو دانش‌فرد نویسنده‌ی پایان‌نامه، صحبت خود را با مقدمه‌ای در باب معرفی فضل‌الرحمان آغاز کرد: فضل‌الرحمان ملک متولد ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۹ بود که در ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ درگذشت. او متکلم مدرنیست بر روش‌شناسی متفاوتی در تفسیر قرآن تأکید می‌کرد. او پس از گذراندن دروس حوزه‌ی علمیه «دثوبند» در دانشگاه لاهور کارشناسی ارشد عربی را دریافت کرد. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به دانشگاه آکسفورد رفت. مهم‌ترین اقدام وی در دوره‌ی ایوب‌خان و پروژه‌ی احیای قرآن در پاکستان رخ داد که وی به پاکستان رفت و مدیر مؤسسه‌ی تحقیقات اسلامی و عضو مجلس پاکستان شد و مسئول تغییر در مسائل فقهی - حقوقی و سیاست در آن‌جا شد ولی پس از مخالفت شدید علمای سنتی، به آمریکا بازگشت و تا آخر عمر به تدریس در دانشگاه شیکاگو مشغول بود.

وی ادامه داد: با بروز فمینیسم اسلامی، زمینه‌ی وسیعی برای رشد نوعی از تفاسیر زنانه (خوانش‌های زنانه) در غرب به وجود آمد، مفسرین فمینیسم اسلامی معتقدند که تفاسیر علمای متقدم، اصالتاً با تحولات اجتماعی جوامع مدرن امروزی مطابقت ندارد. فضل‌الرحمن به کمبودهایی که در آثار تفسیری مسلمانان وجود دارد، اشاره می‌کند. کمبودهایی که در پاسخگویی به نیازهای مسلمانان دوران معاصر نمایان می‌شود. او معتقد است باید قرآن به‌صورت واحد کل، مورد مطالعه

قرار بگیرد، این کار مستلزم مطالعه‌ی نظرات و دیدگاه‌های مسلمانان نسل نخستین، همچنین مطالعه‌ی زبان، گرامر و سبک (کلمات قرآن) است و به‌کارگیری روش‌های تفسیری متفاوت است. او راه‌حل را در اجتهاد می‌داند، اجتهاد همان تلاش برای فهمیدن معنای متون مرتبط در گذشته است که متضمن قانونی است یا قانون را تغییر یا تعدیل می‌کند به‌گونه‌ای که بتوان شرایط جدید را نیز در آن لحاظ کرد، نظریات تفسیری وی شامل بافت‌مندی تاریخی، نظریه‌ی دوحرکتی، هرمونوتیک قرآنی، نظریه‌ی وحی، نبوت و رویکرد بینامتنی است که زنان مسلمان فمینیست مثل آمنه ودود، سعیدیه شیخ، عزیزه الحبری و اسماء بارلاس با کمک از نظریات وی برخی آیات حقوقی مرتبط با زنان را بازتفسیر کرده‌اند. پس از بررسی مصادیق آیاتی که باز تفسیر شده، میزان انطباق بر نظریات فضل‌الرحمان به‌دست آمده است. منظور از بافت‌مندی تاریخی توجه به شأن نزول آیات، تفکیک آیات خاص و عام، توصیفی و تجویزی است، گام اول نظریه‌ی دو حرکتی، بافت‌مندی تاریخی است و گام دوم استخراج ارزش‌های اخلاق از دل آیات و تسری آن در زمان معاصر است. هرمونوتیک قرآنی فضل‌الرحمن یعنی با توجه به کلیت قرآن، جنبه‌های خاصی از گذشته و حال را مشروعیت بخشی کرده و مشروعیت از برخی جنبه‌ها برداشته شود. در نظریه‌ی وحی، شخصیت پیامبر (ص) را نیز در شکل‌گیری وحی مؤثر می‌داند.

وی درباره‌ی نظریه‌ی نبوت نیز، معتقد است؛ وظیفه‌ی پیامبر(ص) فقط هدایت معنوی جامعه است و قانون‌گذاری فقط متعلق به شرایط خاص جامعه است. در رویکرد بینامتنی نیز توجه به کلیت آیات برای تفسیر سایر آیات است. آمنه ودود در بازتفسیرش از برخی نظریات فضل‌الرحمان استفاده کرده، ولی در هرمونوتیک قرآنی و تفکیک آیات خاص و عام از فضل‌الرحمان فراتر رفته است و آیات عام را نیز فقط به زمان نزول مربوط دانسته است. سعیدیه شیخ که با توجه و تأکید بر روش‌های کشف و شهود صوفیان به خصوص ابن‌عربی و بررسی احادیث رویکردی عدالت‌جویانه در فمینیسم را دنبال می‌کند که با رویکرد فضل‌الرحمان در تفسیر متفاوت است، چرا که فضل‌الرحمان کشف و شهود را از عقلانیت اسلامی دور دانسته و توجهی هم به بررسی احادیث در تفسیر آیات قرآن ندارد. عزیزه الحبری دیدگاه‌های حقوقی نواندیشانه را در تفسیر آیات حقوقی قرآن و با استناد از نظریات فضل‌الرحمان به کار برده که در برخی موارد بازتفسیرش منطبق و در برخی موارد کاملاً متناقض است. او نیز به بررسی در فقه را وظیفه‌ی هر مسلمان صاحب‌صلاحیتی می‌داند و این‌که بر بررسی احادیث در تفسیر تأکید می‌کند که در این‌جا با رویکرد فضل‌الرحمان متفاوت است. اسماء بارلاس نویسنده و مفسر فمینیست دیگری که در بازتفسیرش بیشترین انطباق را بر نظریات تفسیری فضل‌الرحمان داشته است، او از هرمونوتیک قرآنی، بافت‌مندی تاریخی، نقد درونی قرآن، نظریه‌ی دو حرکتی کمک می‌گیرد تا آیاتی را که به‌نظر می‌رسد برابری جنسیتی در آن خدشه‌دار شده را به‌گونه‌ای تفسیر کند که عدالت و تساوی از آن‌ها برداشت شود.

دانش‌فرد در پایان نشست، اذعان کرد: فضل‌الرحمان و نویسندگان زن متأثر از او به‌نوعی با تمسک به رویکردهای نواندیشانه، تلاش کردند تا اول، اقتدار علمای پیشین را متزلزل کرده و روند ثابت تفسیر را متغیر دانسته و با کمک از بازشدن درب اجتهاد بتوانند عدالت جنسیتی را در زمینه‌ی آیات حقوقی و تشریح قوانین در حوزه‌ی زنان، فراگیر کنند. فضل‌الرحمان در دوره‌ی پروژه‌ی احیای ایوب‌خان در پاکستان تلاش کرد با کمک از رویکردهای جدید به تفسیر، برخی قوانین در موضوعات مختلف را اصلاح و تعدیل کند که با مخالفت شدید علمای سنتی به بن‌بست رسید، و مرحله‌ی کاربردی کردن نظریات وی چندان عملی نشد، تا زنان مفسر فمینیست معاصر از بن‌مایه‌ی نظریات او برای بازتفسیرشان استفاده و بازتفسیرشان را در مورد آیات حقوقی زنان بیان کردند.

گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده مطالعات اجتماعی  
برگزاری می‌کند:

دانشگاه علامه طباطبائی  
پژوهشگاه مطالعات قرآنی

گزارشی از پایان‌نامه برتر (کارشناسی ارشد) حوزه مطالعات زنان  
در هجدهمین دوره جشنواره پایان‌نامه سال دانشجویی جهاد دانشگاهی ۱۳۹۹

**تبیین نظریات تفسیری فضل‌الرحمان  
و تأثیر آن بر خوانش‌های زنانه از قرآن**

سخنران:  
**نقیسه دانش‌فرد**

دبیر علمی نشست:  
**دکتر زهره معماری**

یکشنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۹۹ ساعت ۱۰ تا ۱۲

لینک پیوستن به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/b/ihs-69a-g47>



## قیام کلنل محمدتقی خان پسیان

گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده‌ی تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه‌ی سلسله نشست‌های یک‌صدمین سال‌گشت جنبش‌های پسامشروطه، پس از برگزاری سه نشست؛ نهضت جنگل، جنبش شیخ‌محمد خیابانی و نهضت جنوب، نشست چهارم را با محوریت قیام سرهنگ (کلنل) محمدتقی خان پسیان در روز، دوشنبه ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۹۹، با حضور دکتر یوسف متولی‌حقیقی (عضو هیأت علمی دانشگاه مشهد) و مهندس عبدالرضا سلطان‌زاده پسیان (از اعضای خاندان کلنل پسیان) و به دبیری دکتر اعظم ریاحی (پژوهشگر و عضو پژوهشگاه علوم انسانی) برگزار کرد.

در ابتدای این نشست، اعظم ریاحی، ضمن معرفی سخنرانان نشست، اشاره کرد که حد فاصل مشروطیت تا ظهور سلسله‌ی پهلوی از حساس‌ترین فرازهای تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. جنبش مشروطه و روی کار آمدن دولت مشروطه و شکل‌گیری مجلس برای مردم، روشنفکران و طیف‌های مختلف جامعه نوید بخش دورانی جدید بود که شعارهای مشروطیت تجلی آن بود. این امر تصورات و در پی آن توقعاتی از مشروطیت را در اذهان ایجاد کرده بود. استبداد صغیر، دولت‌های مستعجل، جنگ جهانی اول، نقض بی‌طرفی ایران از سوی متفقین شرایطی را بر ایران تحمیل کرد که جامعه به سوی التهاب سوق داده شد و زمینه برای حرکت‌های اعتراضی در نقاط مختلف ایران به وجود آمد. از این ره‌گذر گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده‌ی تاریخ در ادامه‌ی نشست‌های پیشین این پژوهشکده با محوریت جنبش‌های پسامشروطه، در این نشست به قیام کلنل محمدتقی خان پسیان در این دوره‌ی زمانی می‌پردازد.

دکتر متولی‌حقیقی: قیام محمدتقی خان پسیان در خراسان تجزیه‌طلبانه و فتنه نبود



دکتر یوسف متولی‌حقیقی، محقق تاریخ مشهد و نویسنده‌ی کتاب از تبریز تا مشهد؛ پژوهشی پیرامون زندگی و قیام کلنل محمدتقی خان پسیان، پس از ذکر مقدمه‌ای از زندگی کلنل پسیان، سخنرانی خود را با تحلیل منابع درباب قیام کلنل پسیان ادامه داد و گفت: در این یک سده مورخان و نویسندگان داخلی و خارجی در مورد کلنل پسیان ده‌ها کتاب و مقاله نوشته‌اند. او از جمله‌ی معدود افرادی است که کتاب‌های بی‌شماری در مورد او و قیامش نگاشته شده است، حرکت او یک‌سال در خراسان طول کشید، اما شمار کتاب‌هایی که درباره‌ی یک‌سال نگاشته شده قابل توجه است. این منابع گاه توسط موافقان و گاه توسط مخالفان او به تحریر درآمده است. از جمله کتابی که توسط

جمعی از دوستان کلنل در سال ۱۳۰۶، در خارج از ایران منتشر شده، حاوی آرای موافق اوست. کتاب دیگر کتاب علی آذری با عنوان «قیام کلنل محمدتقی خان پسیان» است. علی آذری از همراهان و دوستان کلنل محسوب می‌شود و بر این اساس کتاب او را هم باید در شمول منابع موافق قیام او قرار داد. منبع دیگر، کتاب «گزارش سرکنسول انگلیس در مشهد»، پرایدوکس است. یکی از وجوه قیام کلنل رویارویی او با کنسول انگلیس در این شهر بود، خوب، بالطبع این کتاب که شامل گزارش‌های کنسول انگلیس است از دید مخالف نگاشته شده است.

متولی‌حقیقی در ادامه به چند پرسش و ابهام مهم درباره‌ی کلنل پسیان و اقدامات او در خراسان طی دوره‌ی ۱۳ فروردین ۱۳۰۰ تا ۱۰ مهر ۱۳۰۰.ش پرداخت. او عملکرد پسیان در خراسان را شایسته‌ی تجلیل دانست و گفت: اقدامات پسیان در این دوره در دو محور قابل بررسی است؛ مسائل مالی و اصلاحات در آستان قدس. او با کمک پیشکار مالی خراسان، «مسیو دبوآی» بلژیکی، امور مالی را سامان داد و همین امر هم موجب دشمنی گروهی با او شد. اموال «قوام‌السلطنه» مصادره شد. با بدهکاران بزرگ مالیاتی چون «آیت‌الله آقازاده» و

«حاج حسین ملک» تسویه شد. با کسب درآمد در این بخش به عملیات عمرانی در خراسان پرداخت. او سپس به سامانه‌ی امور آستان قدس پرداخت. گروه‌های زیادی در حدود ۲۰۰ نفر از آستان قدس حقوق می‌گرفتند، او بسیاری را حذف کرد و همین امر سبب مخالفت برخی خاندان‌ها با او شد. اقدامات پسیان در این دوره کوتاه به‌همین موارد ختم نمی‌شد و در عرصه‌ی اجتماعی و اقتصادی دست‌آوردهای بسیاری داشت از جمله کاهش نرخ نان، جمع‌آوری سلاح‌های شخصی، ساخت پیاده‌رو در خیابان‌ها، سروسامان دادن به روشنایی معابر، مبارزه با استعمال تریاک، تأسیس چند مدرسه دولتی و ...

دکتر متولی حقیقی سپس به این موضوع پرداخت که آیا پسیان اندیشه‌ی تجزیه‌طلبی داشت یا خیر؟ او در این باره تصریح کرد: این قضیه را «ملک‌الشعراى بهار» برای اولین بار طرح کرد و از تلگرافی سخن گفته که در آن مدعی است کلنل در پی تجزیه‌ی خراسان بود. ملک‌الشعراى بهار از جمله افرادی است که بر حرف و اندیشه‌ی خود استوار بود و سال‌ها به همین خاطر در دوره‌ی پهلوی در سختی قرار گرفت و در اندیشه‌ی آزادی‌خواهی او شکی نیست، اما چرا در مورد پسیان این‌گونه می‌اندیشید جای ابهام دارد. پسیان اهل تبریز بود و تنها مدتی را در مشهد گذراند، این موضوع قابل درک نیست که چرا باید فردی از تبریز به خراسان برود و در پی تجزیه‌ی آن سامان برآید؟! همچنین تلگرافی که ملک‌الشعراى بهار از آن یاد می‌کند را منتشر نکرده است و از آن سندی در دست نیست و همین امر، ابهام موضوع را بیشتر کرده و درستی یا نادرستی سخن او را زیر سؤال می‌برد. بنابراین پسیان را نمی‌توان تجزیه طلب دانست.

متولی حقیقی سپس به طرح دیدگاه‌ها و تحلیل‌های مورخان و نویسندگان پیرامون شخصیت و حرکت کلنل پسیان به‌شکل متضاد و متفاوت پرداخت. او مورخین و نویسندگان در این حوزه را به سه گروه؛ هواداران کلنل پسیان، مخالفان و منتقدین کلنل پسیان و مورخین و نویسندگان بی‌طرف تقسیم کرد و افزود: در گروه اول شخصیت‌هایی چون عارف قزوینی، فرخی یزدی، ایرج میرزا، حسین مکی، علی آذری و سیف‌الله وحیدنیا قرار می‌گیرند که در آثار و اشعار خود شخصیت کلنل

پسیان را ستوده و حرکت وی را مورد انتقاد قرار نداده‌اند. گروه دوم شامل نویسندگان و شخصیت‌هایی چون ملک‌الشعراى بهار ، قوام‌السلطنه، رضا شاه، اسداله اعلم و تا اندازه‌ای مهرداد بهار می‌شوند که در نوشته‌ها و اظهارنظرهای خود حرکت کلنل پسیان را در خراسان یک فتنه و حرکت تجزیه‌طلبانه معرفی کرده و بر همین اساس در زمره‌ی مخالفین و منتقدین او قرار گرفته‌اند. گروه سوم که اکثر آن‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در مورد شخصیت و حرکت کلنل پسیان کتاب و مقاله نوشته و بسیاری از آن‌ها به تحلیل مسئله پرداخته‌اند، فارغ از جانب‌داری یا مخالفت، کوشش کرده‌اند تا بر اساس اسناد و شواهد تاریخی پژوهشی بی‌طرفانه ارائه کنند. کاوه بیات، کلیم‌الله توحیدی و استفانی کرونین را در این گروه می‌توان جای داد. با این حال گروهی از نویسندگان تاریخ معاصر ایران هم با وجود اهمیت مسئله، آن را بی‌اهمیت تلقی کرده و در نوشته‌های خود یا به آن اشاره نکرده، یا به سرعت از آن گذشته‌اند.

در ادامه‌ی نشست، نیره دلیر مدیر گروه تاریخ سیاسی ضمن قدردانی از مهندس



گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده علوم تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

**یک‌دهمین سالگشت جنبش‌های پسا مشروطه ایران**

**جنبش**

**کلنل محمد تقی خان پسیان**

سخنرانان:

**دکتر یوسف متولی حقیقی**

پس از یکصد سال نگاهی به دیدگاه‌های مختلف پیرامون شخصیت و حرکت کلنل محمد تقی پسیان در خراسان

**مهندس عبدالرضا پسیان (از خاندان کلنل پسیان)**

**آنچه درباره پسیان نمی‌دانیم**

دلیر نشست: **دکتر اعظم ریاحی**

دوشنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۹ ساعت: ۱۶ الی ۱۸

لینک پیوستن به نشست:

<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-64x-ram>

پسیان برای در اختیار گذراندن اسناد خاندانی خود بر اهمیت تاریخ خاندانی تأکید کرده و به این مسئله‌ی مهم اشاره کرد که بسیاری از اسناد و مدارک تاریخ معاصر در اختیار خاندان‌ها قرار دارد و هنوز بسیاری از آن‌ها در معرض استفاده و تحقیق محققان و پژوهشگران تاریخ معاصر گذاشته نشده است. چه بسا با «دراختیار قرار گرفتن» این اسناد و مدارک روایت‌هایی متفاوت از تاریخ معاصر بتوان ارائه کرد.



**مهندس عبدالرضا پسیان: سرهنگ پسیان اعتقاد داشت، ایران باید به دست ایرانی آباد و ساخته شود**

در ادامه‌ی این نشست مجازی، عبدالرضا پسیان نواده‌ی برادر کلنل پسیان، سخنان خود را با اشاره به شرایط تاریخی ایران در این زمان آغاز کرد و گفت: پس از جنگ جهانی اول، دورانی سرنوشت‌ساز بر ملت‌ها حاکم شد و امپراطوری‌های بزرگ تجزیه شده و دولت‌های کوچک به وجود آمدند. ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود و دست‌خوش تغییر و تحول شد. باید توجه داشت در این دوران احمدشاه قاجار به‌عنوان آخرین پادشاه سلسله‌ی قاجاریه بر مسند سلطنت بود. حوادث این دوران نقطه‌عطفی را در تاریخ معاصر ایران رقم زد و

پس از دوره‌ی قاجاریه بنیان ۵۰ ساله‌ی حکومت پهلوی را پی‌ریزی کرد. چند جنبش اصلی در این دوره به وجود آمدند؛ قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز، نهضت میرزا کوچک‌خان در گیلان و بالاخره جنبش کلنل محمدتقی‌خان پسیان در خراسان که تمامی آن‌ها تا پیش از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ سرکوب شدند.

مهندس پسیان افزود: چهار دوره‌ی متمایز در شکل‌گیری شخصیت کلنل پسیان را می‌توان تشخیص داد؛ دوره‌ی اول، دوره‌ی تربیت در خانواده تا ۱۵ سالگی. دوره‌ی دوم، تربیت اصول نظامی که از ۱۵ سالگی آغاز می‌شد. دوره‌ی سوم، مسافرت به آلمان و آشنایی با تمدن اروپایی. دوره‌ی چهارم، بازگشت به وطن و حضور در خراسان. عنصر ایرانییت و اسلامیت در محمدتقی پرنگ بود که در دامان مادر و خانواده در اوان زندگی در عمق جاننش نشسته بود و تا پایان زندگی کوتاه و پر بارش شخصیت اصلی وی را شکل می‌داد.

تحصیل در مدرسه‌ی «نظام» تهران به مدت ۵ سال و اعزام به قوای ژاندارمری با حضور مشاورین سوئدی و شرکت در جنگ‌های متعدد جهت سرکوب اشرار که در این دوره، رشادتها و نبوغ نظامی محمدتقی‌خان به منصفی ظهور می‌رسد و شخصیت نظامی محمدتقی‌خان شکل می‌گیرد در دوره‌ی سوم، کلنل در معرض آموزش‌های نظامی جدید و ابزار و ادوات جدید از جمله فن خلبانی قرار می‌گیرد و در مقطعی در جبهه‌ی لهستان در جنگ جهانی اول، علیه روسیه تزاری می‌جنگد و نشان لیاقت صلیب آهنین را نیز دریافت می‌کند. حضور در آلمان باعث مواجه شدن کلنل محمدتقی‌خان با فرهنگ جدید غرب شده و عنصر تجددخواهی را در شخصیت کلنل شکل می‌دهد.

پس از پایان جنگ جهانی اول، کلنل به وطن مراجعت کرد و ابتدا به‌عنوان سرپرست ژاندارمری و سپس در فروردین سال ۱۳۰۰ به سمت والی خراسان منصوب شد و ظرف مدت شش‌ماه ضمن برقراری امنیت و سرکوب اشرار به استقرار نظام صحیح حکومتی اقدام کرد و سرانجام با دسیسه‌های دولت انگلیس و دشمنی قوام‌السلطنه در دهم مهرماه سال ۱۳۰۰، شمس‌ی به شهادت رسید. این فرزند برومند وطن با نبوغ خدادادی در عمر کوتاه ۳۲ ساله اما پرثمر خود پس از طی مراحل دشوار به عنصری تبدیل شد که برگ درخشانی از تاریخ مبارزه بیگانگان و وطن‌دوستی و عشق به ایران و ایرانی را به یادگار می‌گذارد. به‌طوری‌که خود می‌گوید: «مرا اگر بکشند، قطرات خونم کلمه‌ی ایران را ترسیم می‌کند و اگر بسوزانند، خاکسترم نقشه‌ی وطن را تشکیل خواهد داد».

مهندس پسیان تأکید کرد: کلنل سال‌ها برای ایران جنگید. بخشی از زندگی او که مغفول مانده است، با شروع جنگ جهانی اول و با تشکیل دولت مهاجرین به آن‌ها پیوست و با مهاجمین به این آب و خاک به مبارزه پرداخت. در سال ۱۲۹۴ قوای قزاق تحت‌الحمایه‌ی روسیه را در همدان شکست داد و این‌گونه همدان با ابتکار

کلنل از تصرف روس‌ها آزاد شد. در سال ۱۲۹۵، هنگامی که نیروهای روسیه به غرب ایران حمله کردند، با رشادت نیروهای ژاندارمری عقب رانده شدند.

وی سپس به دست آورده‌های کلنل در دوره‌ی حضور او در آلمان پرداخت و ادامه داد: کلنل در آلمان درحالی‌که لباس ژاندارمری ایران را بر تن داشت بر حسب اتفاق با ژنرال «هدنبرگ» آشنا و با پیشنهاد او وارد ارتش آلمان می‌شود. او اولین خلبان ایرانی بود که بر فراز آسمان آلمان هواپیمایی را هدایت کرد و سپس با وجود خطراتی که در این بخش برای او وجود داشت، به نیروی زمینی آلمان پیوست. کلنل علت پیوستن خود را به این نیرو این‌گونه عنوان کرده بود: «امید به یادگرفتن چیزی جدید در مملکت بیگانه و آوردن متاعی ارزشمند برای آموزش ایرانیان مرا تشویق به این کار کرد». کلنل تا پایان جنگ جهانی اول در ارتش آلمان ماند و در جبهه‌ی لهستان با ارتش روسیه جنگید. پس از جراحت در جنگ با روس‌ها در بیمارستان بستری شد و شخص ویلهلم اول، امپراتوری آلمان، از او عیادت و تشکر کرد. او در زمان اقامت در آلمان به ترجمه و نویسندگی و همچنین آموختن ریاضی و موسیقی پرداخت. او در ۲۸ سالگی با کوله‌باری از تجربیات نظامی و آشنایی با دو زبان آلمانی و روسی به ایران بازگشت به این امید که آنها را در اختیار هم‌وطنان خود قرار دهد.

مهندس عبدالرضا پسیان درباره‌ی اتهام تجزیه‌طلبی به کلنل پسیان برای دقایقی با بغض و اشک، توضیح داد: دوست و دشمن کلنل پسیان در خصوص وطن‌دوستی و تعلق خاطر ایشان به حفظ سرحدات و یک‌پارچگی ایران تردیدی نداشته‌اند. لیکن در این دوره‌ی پر از دسیسه که بریتانیا به مهره‌چینی جدید و زیرکانه مشغول طراحی کودتا بود، بسیاری از جمله کلنل پسیان به «سیدضیاءالدین طباطبایی» اعتماد کردند و امید داشتند فصل جدیدی از اصلاحات در ایران آغاز شود، اما با شکست کابینه‌ی سیدضیاء و روی کار آمدن قوام‌السلطنه این امید ناکام ماند. در ادامه رضاخان قدرت یافت و به سرکوب قیام‌ها پرداخت. برای تطهیر رضاخان و قوام‌السلطنه در شهادت کلنل پسیان گفته شده که کلنل فاقد بینش سیاسی بوده و در دامگه، قربانی بی‌تدبیری خود شده است! در این باره باید گفت؛ اگر سیاست را به‌همراهی با اهداف انگلیس و رضاخان معنی کنیم او سیاست‌مدار نبوده است اما اگر مردم سیاست را فردی مستقل، تظلم‌خواه و وطن‌پرست بدانیم، او سیاست‌مداری بود که عقیده داشت ایران باید به‌دست ایرانی آباد و ساخته شود. عارف قزوینی در رثای کلنل این‌گونه سروده است:

امروز رها ز قید هستی است  
این عاقبت وطن‌پرستی است

این سر که نشان سرپرستی است  
بادیده‌ی عبرتش ببینید

سپس مهندس پسیان بخش‌هایی از تصاویر و نامه‌های متعلق به کلنل پسیان را که در مجموعه‌ی خانودگی خاندان پسیان نگه‌داری می‌شود، به معرض نمایش گذاشت که شامل عکس‌هایی از دوره‌های مختلف زندگی کلنل پسیان بود. یکی از حاضران در جلسه درباب چگونگی دسترسی به این اسناد پرسیدند، مهندس پسیان در پاسخ به این پرسش گفت: این اسناد، نامه‌ها و عکس‌ها از دیرباز در خاندان پسیان نگه‌داری می‌شود. در گذشته دکتر یوسفی با پدر من تماس گرفتند و بخش زیادی از این اسناد توسط ایشان بررسی و حاشیه‌نویسی شد. بخشی نیز منتشر شد. این مجموعه شامل دو بخش است، بخش اول، اسنادی که شامل نامه‌های خصوصی و عکس‌های خانوادگی است که در معرض دید عموم قرار نگرفته و ترجیح آن است که در خانواده باقی بماند. بخش دوم، بیشتر رویکرد عمومی دارد و برخی منتشر شده و برخی منتشر نشده است. پیش از من این مجموعه را پدر من که خود از استادان دانشگاه بودند، حفظ و نگه‌داری می‌کردند و سفارش کردند که این مجموعه در خانواده باقی مانده و حفظ شود. در مورد این‌که کدام اسناد منتشر شده و کدام منتشر نشده به واسطه‌ی تعداد محققانی که اسناد در اختیار آن‌ها قرار گرفته، نمی‌توانم به طور دقیق اظهارنظر کنم. گفتنی است، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برای نخستین بار به‌طور عمومی این اسناد و مدارک را از ایشان در اختیار گرفته و برخی از آنها را در وبگاه اطلاع‌رسانی خود منتشر می‌کند.

یک‌صدمین سالگرد نهضت جنگل

## آلمان‌ها، بلشویک‌ها، عثمانی، و نقش ترکیب طبقاتی - اجتماعی نهضت جنگل

نشست آلمان‌ها، بلشویک‌ها، عثمانی، و نقش ترکیب طبقاتی - اجتماعی نهضت جنگل به بهانه‌ی نزدیک شدن به یک‌صدمین سالگرد پایان این نهضت به صورت آنلاین در تاریخ ۸ دی ماه ۱۳۹۹ با حضور دکتر عباس پناهی (دانشیار پژوهشکده گیلان شناسی دانشگاه گیلان)، دکتر قربان‌علی کناررودی (عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی اسناد کتابخانه و آرشیو ملی ایران)، دکتر هومن یوسفدهی (محقق و مدیر موزه‌ی خوش‌نویسی)، دکتر اعظم ریاحی (پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر نیره دلیر (مدیر گروه تاریخ سیاسی) برگزار شد. نخست اهمیت این حوزه‌ی زمانی و برگزاری سده‌های وقایع تاریخی متعدد آن اشاره شد و بر ضرورت تغییر نگاه به کلان روایت‌های رسمی شکل‌گرفته در میان انبوهی از روایت‌های مطرح‌شده توجه داده شد که به‌ایجاد و تقویت نگاه‌های نقادانه برای گشودن افق‌های تازه از طرق مختلف ازجمله پژوهش‌های بنیادین و آسیب‌شناسانه به دور از رویکردهای عاطفی توجه داده شد.



در ابتدای نشست، دکتر کناررودی سخن خود را در زمینه‌ی مناسبات بلشویک‌ها و نهضت جنگل آغاز کرد. به اعتقاد وی همکاری نهضت جنگل و بلشویک‌ها به شکل غیررسمی به سال‌های پیش از ورود آنان به انزلی در ۲۸ اردیبهشت ۱۲۹۹ بازمی‌گردد اما پس از ورود بلشویک‌ها به انزلی و مذاکرات و صدور بیانیه‌ی تشکیل جمهوری شورایی در گیلان، اتحاد و همکاری بین آنان به صورت آشکار و رسمی درآمد. این اتحاد و همکاری نه‌تنها نهضت جنگل را در دستیابی به اهداف منطقه‌ای و ملی کمکی نکرد، بلکه منجر به تضادهای سیاسی - ایدئولوژیکی بین اعضای آن شد و در نهایت موجبات ضعف و سقوط نهضت را فراهم ساخت.

دکتر کناررودی افزود: از اسناد و مدارک چنین برمی‌آید رهبران بلشویک در راستای اهداف ضد امپریالیستی خود مبنی بر مبارزه با انگلستان و همچنین پیش‌برد سیاست‌های صدور انقلاب از همان آغاز به‌صورت سازمان‌یافته، در صدد نفوذ در نهضت و به‌دست گرفتن رهبری آن بودند. تلاش بلشویک‌ها، به اختلافات سیاسی و ایدئولوژیکی بین جنگلی‌ها منجر شد و عده‌ای از نفوذی‌های بلشویک دست به کودتای ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۳۸ برابر با ۹ مرداد ۱۲۹۹ علیه رهبری نهضت زدند. این اقدام موجب درگیری‌های متعدد بین انقلابیون و خسارت‌های بسیار به نهضت و مردم منطقه شد و در نتیجه پایگاه اجتماعی نهضت و وجهه‌ی ملی آن در افکار عمومی جامعه و انقلابیون در گیلان و سایر مناطق کشور از بین رفت.

کناررودی در پاسخ به این سؤال که چه شرایط و ضرورت‌هایی موجب نزدیکی و همکاری نهضت جنگل با بلشویک‌ها شد، گفت: مؤثرترین عامل در سوق دادن نهضت جنگل به همکاری با بلشویک‌ها، وضعیت بحرانی آن، پس از جنگ‌های منظم و نامنظمی بود که با انگلیسی‌ها و قوای دولتی انجام داده بود. در اثر این جنگ‌های فرسایشی انقلابیون، مجبور به عقب‌نشینی‌های پیاپی و در نتیجه اختلاف درونی و از بین رفتن رهبران برجسته‌ای چون حاج احمد کسمایی و دکتر حشمت و شمار زیادی از مبارزان شد. از این‌رو، در آن شرایط بحرانی رهبری نهضت به‌این نتیجه رسید که به‌تنهایی قادر به تحقق اهدافش نیست. عامل دیگری که نهضت را به همکاری با بلشویک‌ها ترغیب کرد، رشد بلشویسم در ایران و دلدادگی رهبران و انقلابیون به انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و شعارها و برنامه‌های آن بود.

در ادامه‌ی این نشست مجازی دکتر پناهی ضمن بیان مختصری از اهمیت جنبش جنگل و مطالعات آن توضیح داد: جنبش جنگل یکی از مهم‌ترین جریان‌های فکری، سیاسی و نظامی اوایل سده‌ی بیستم میلادی در ایران بود، که به‌دلیل شرایط آن روز دنیا که درگیر در معرکه‌ی جنگ جهانی، بلشویزم و نفت شده بود، به‌وقوع پیوست.

جنبش جنگل (۱۲۹۳-۱۳۰۰ خ/ ۱۹۱۳-۱۹۲۰م)، این جنبش از نظر تاریخی یکی از قیام‌های مهم و تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران است که در مقطع حساسی از تاریخ ایران و جهان و اندکی پیش از شروع جنگ جهانی اول و زوال امپراتوری تزاری و عثمانی شکل گرفت. در میانه‌ی راه، جنبش نیز شاهد وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه بود. ظهور و خیزش این جنبش بر پایه‌ی اندیشه و آرمان‌های برخی از مجاهدان مشروطه بود که با وجود استقرار مشروطیت در ایران، به جهت فشارهای روسیه، انگلستان و دیگر مدعیان داخلی و خارجی، دستاوردهای خود را در خطر تهدید می‌دیدند؛ لذا برای احیای استقلال ایران به دنبال کاهش نفوذ بیگانگان در ایران برآمدند. پناهی افزود: از نظر تئوریک و ایدئولوژی جنبش جنگل، رهبران آن پس از ناکامی مشروطه‌خواهان و همچنین تبلیغات عثمانی و آلمان جهت اتحاد مسلمانان، به سوی اندیشه‌ی اتحاد اسلامی جذب شد که مورد توجه ملی‌یون ایرانی بود. در نتیجه میرزا کوچک‌خان با همکاری برخی از شخصیت‌های گیلانی، ایدئولوژی اتحاد اسلام را سرلوحه‌ی برنامه‌های خود قرار داد. به هر حال هر یکی از مدعیان جهانی آن روز با انگیزه‌های خاص خود در برابر جنبش ایستادند یا این‌که پنهان و پیدا از جنبش حمایت کردند. موضع انگلستان و روسیه در برابر جنگلی‌ها آشکار بود. از دیدگاه آنان این جنبش در راستای تهدید منافع آنان شمرده می‌شد، در نتیجه تمام تلاش خود را جهت فرونشاندن آن با ابزارهای مختلف به کار بردند، اما عثمانی‌ها، آلمان و دولت تازه تأسیس شوروی حمایت از جنبش با هدف پیشبرد منافع سیاسی و نظامی‌شان را در سرلوحه‌ی کار خود قرار دادند. البته این موضوع به معنای آن نیست که جنگلی‌ها دست‌بسته در برابر رفقای ایدئولوژیک خود بودند، بلکه رهبران جنبش جنگل، عثمانی‌ها، آلمانی‌ها و بلشویک‌ها را به‌عنوان متحد استراتژیک خود می‌شناختند. چه‌بسا آنان پس از مشاهده‌ی رفتار خصمانه و دخالت‌آمیز عثمانی در امور ایران به‌ویژه در اشغال مناطق باختری ایران، عثمانی‌ها را در اردیبهشت ۱۲۹۸ خ. کنار گذاشتند و به بلشویک‌ها که با وعده‌های بزرگ به سوی آنان و ملت ایران آمدند، پیوستند. هرچند اینان نیز به زودی برای تأمین منافع خود جنگلی را قربانی منافع بلند مدت خود کرده و حاضر به سازش با انگلستان و دولت ایران شدند.

پناهی در پاسخ به این پرسش که انگیزه‌ها و اهداف دولت‌های خارجی در حمایت از جنبش یا مقابله با آن چه بوده است، گفت: در برابر آن‌ها جنگلی‌ها از چه استراتژی و تاکتیکی برای همکاری یا مقابله با قدرت‌های بزرگ استفاده کردند. بر اساس این پرسش باید گفت که باوجود استراتژی موفق جنگلی‌ها در برابر آلمان و عثمانی، تاکتیک‌ها و تصمیم‌های راهبردی آن‌ها در برابر انگلیسی‌ها و بلشویک‌ها موفقیت‌آمیز نبوده است. جنگلی‌ها می‌توانستند در صورت انتخاب دیپلماسی راهبردی از شکست منجیل جلوگیری کنند و با وجود دشمنی با انگلیسی‌ها از آن‌ها امتیازات خوبی اخذ کنند. زیرا هدف انگلیسی‌ها سرکوب جنگلی‌ها نبود، بلکه منظور اصلی آنان دسترسی به چاه‌های نفت باکو بوده است. از سوی دیگر روابط جنگلی‌ها با بلشویک‌ها به دلیل عدم شناخت درست و منطقی آن‌ها یکی از دلایل مؤثر ناکامی و ایجاد انشقاق در درون تشکیلات جنبش و در نهایت شکست و فروپاشی آن‌ها بوده است.



سخنان دکتر یوسفدهی با این پرسش آغاز شد که آلمان‌ها تا چه اندازه در شکل‌گیری و استمرار نهضت جنگل نقش داشته‌اند؟ وی گفت: دو کشور آلمان و عثمانی در آستانه‌ی جنگ جهانی اول بر آن شدند که منافع دشمنان خود کشورهای روس و انگلیس را در منطقه و به‌خصوص در ایران و مستعمره‌اش هندوستان به‌خطر بیندازند. به‌همین خاطر حمایت و تأیید مخالفان این دو کشور در ایران و اقدامات مسلحانه علیه منافع آنان در برنامه‌ی آنان قرار گرفت. یکی از نهضت‌های مسلحانه که مقارن با جنگ عالم‌گیر اول در شمال ایران با هدف ضربه‌زدن به نیروهای متجاوز روسیه‌ی تزاری و مقابله با دخالت‌ها و تعدیات آن‌ها شکل گرفت نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک‌خان و تحت نظر هیأت اتحاد اسلام

بود. طبعاً این نهضت و اقدامات آن مورد حمایت دو کشور آلمان و عثمانی هم بود؛ اما انگیزه و توقع این دو کشور از نهضت جنگل یکسان نبود. آلمان‌ها فقط به دنبال آسیب‌های ایدئانی به نیروهای روسیه‌ی تزاری



بودند، عثمانی‌ها خواسته‌های بیشتری داشتند و به دنبال اتحاد نظامی و توسعه‌ی سیاسی و سرزمینی هم بودند. یوسفدهی ادامه داد: این در حالی بود که فعالیت‌های میرزا کوچک‌خان و هم‌زمانش ذیل وطنخواهی و استقلال و تمامیت ارضی ایران تعریف می‌شد و همکاری با بیگانگان بر خلاف منافع ملی در آن جایی نداشت. انتظار جنگلی‌ها حمایت اطلاعاتی و تسلیحاتی بیش‌ازپیش و توقعات غیرمنطقی سیاسی بود. برای آلمان‌ها مواضع جنگلی‌ها قابل قبول بود اما عثمانی‌ها توقع بیشتری داشتند و در عوض حاضر بودند حمایت همه‌جانبه‌ی مالی و تسلیحاتی هم داشته باشند؛ پس از این‌که انتظارات آنان برآورده نشد، کمک‌های خود را محدود کردند و حتی ارسال سلاح و مهمات را هم موقوف به پرداخت بهای آن کردند. حتی در مقطعی کوشیدند اسلحه و مهمات اهدایی دولت آلمان را هم به جنگلی‌ها بفروشند. تعامل دولت آلمان با نهضت جنگل بسیار منطقی‌تر بود و در حد امکان از کمک به نهضت جنگل دریغ نداشتند. جنگلی‌ها هم تسهیلات لازم را برای جابه‌جایی نیروهای آلمانی که بین قفقاز و اردوگاه آلمان در کشور عثمانی در رفت‌وآمد بودند، در محدوده‌ی گیلان فراهم می‌کرد. کشور آلمان در برهه‌ای تعدادی از افسران خود را برای آموزش و فرماندهی جنگلی‌ها به گیلان فرستادند که در جنگ‌های مهم جنگلی‌ها با نیروهای مشترک روس و انگلیس در منجیل و رشت شرکت داشتند. یوسفدهی افزود: با این وجود رفتار میرزا کوچک‌خان با افسران آلمانی در عین احترام‌آمیز و دوستانه‌بودن، براساس منافع ملی بود و برای مثال با آن‌که این افسران در میان جنگلی‌ها می‌زیستند اما از میزان تسلیحات و مهمات جنگلی‌ها و محل نگهداری آن‌ها اطلاعی نداشتند. جدا از مقطعی که حضور افسران آلمانی در گیلان به روابط این کشور با نهضت جنگل استحکام بخشیده بود، حضور یک مأمور سیاسی آلمانی به نام گائوک در کنار میرزا کوچک‌خان فراتر از حمایت یک کشور بیگانه از یک نهضت بود و بیشتر ارادت تمام عیار یک تبعه‌ی بیگانه نسبت رهبری نهضت جنگل بود که تا هنگام مرگ آن دو را در کنار هم قرار داد. یوسفدهی نقش آلمان‌ها را در شکل‌گیری و استمرار نهضت جنگل جانبی و در حد ارسال محدود سلاح و مهمات و کمک در آموزش نظامی نیروهای جنگل با اعزام افسران آلمانی و اتریشی و در یک مقطع مشارکت این افسران در جنگ با نیروهای انگلیسی برشمرد که به‌هیچ‌وجه نقش تعیین‌کننده‌ای در راهبرد و روش جنگلی‌ها نداشتند.

دکتر اعظم ریاحی پژوهشگر تاریخ ایران معاصر سخنرانی خود را با عنوان تأثیر ترکیب اجتماعی و طبقاتی



رهبران جنگل بر عملکرد آن‌ها در انتهای نشست ارائه کرد. ریاحی اشاره گفت: یکی از موضوعات شایان توجه در مبحث حرکت سیاسی، مقوله‌ی «رهبری حرکت سیاسی» است. در این بحث، دو سؤال اساسی مطرح است: چرا این فرد رهبر این حرکت سیاسی محسوب می‌شود؟ و انگیزه‌ی او چه بوده است؟ «گی‌روشه» معتقد است؛ تحت تأثیر عوامل فعال یا عاملان تغییر، یک کنش تاریخی شکل می‌گیرد به این صورت که فرد یا افرادی در نقش مبشران ایده‌ها، ارزش‌ها یا نوآوری هستند و گروهی دیگر نقش مبلغان این ایده‌ها را عهده‌دار می‌شوند. رهبران جنبش جنگل نیز پیام‌آور ایده و ارزشی بودند که واکنشی بود به فضای سیاسی و اجتماعی آن روز ایران. بر این اساس برخی نقش مبشر و برخی نقش مبلغ را در شکل‌گیری و تداوم این جنبش ایفا کردند. در پاسخ به سؤال دوم نیز باید گفت: ماکس وبر معتقد است، کنش رفتاری از چهار منبع تغذیه می‌شود: آداب و رسوم، شرایط روحی و روانی،

توجیه عقلمانی، ارزش‌ها. درواقع رفتار هر فرد منبعث از یکی از این چهار منبع است. این چهار منبع دارای عناصری هستند که چارچوب فکری و عملی فرد را تعریف می‌کنند و طی زمان و در فرآیند مناسبات فرد، در زیست اجتماعی‌اش از گروه‌های مختلف اجتماعی کسب می‌کند. بر این اساس رهبران جنبش جنگل که میرزا کوچک‌خان به‌عنوان رهبر کارزماتیک آن نقش مبشر ایده را ایفا می‌کرد، دارای اصولی بودند. این اصول بر اساس روند زندگی میرزا کوچک‌خان شامل چهار اصل کلی بود: استقلال طلبی و نفی دخالت بیگانه، ایدئولوژی

مذهبی بر پایه‌ی مفاهیم اسلامی، رفع بی‌عدالتی به‌ویژه بر پایه خواسته‌های طبقات متوسط و فرودست، مبارزه با استبداد داخلی. وقتی این اصول در شرایط آن روز ایران مورد تهدید قرار گرفت، چهار منبعی که ماکس وبر آن‌ها را عامل کنش رفتار معرفی می‌کنند، رهبران جنگل را به واکنش علیه وضع موجود سوق دادند. این‌گونه جنبش جنگل شکل گرفت. در طی مراحل مختلف جنبش نیز وقتی عوامل بیرونی با این چهار اصل هماهنگ بودند از سوی رهبران جنگل جذب می‌شدند و هنگامی که این اصول را به چالش می‌کشیدند رهبران جنگل آن‌ها را دفع می‌کردند. ریاحی این جمع‌بندی را از سخنان خود ارائه کرد که در واقع مناسبات میرزا کوچک‌خان با سایر کنش‌گران در جنبش، تحت تأثیر این چهار اصل و عناصر آن‌ها قرار داشت. تهدید یا تقویت این چهار اصل می‌تواند رفتارهای جذبی و دفعی میرزا کوچک‌خان را طی جنبش جنگل توجیه کند.

در خاتمه‌ی نشست دکتر نیره دلیر، دبیر نشست در جمع‌بندی به‌اهمیت نقش الگویی این نهضت در مطالعات تاریخ جنبش‌های معاصر از منظر مناسبات خارجی، تشکیلات، رفتار سازمانی، رهبری و مواردی دیگر اشاره کردند و به این امر توجه دادند که مناسبات بین‌المللی چه تأثیر عمیقی در سرنوشت بسیاری از این قیام‌ها، جنبش‌ها و ... دارد. در حالی که نبود بینش بین‌المللی و ناآگاهی از فهم سیاست‌های قدرت‌های بزرگ مبتنی بر آن، و برقراری مناسبات منطقه‌ای یا محلی با دیگر قدرت‌ها یا همسایگان پیرامونی چه تبعات پر هزینه‌ای را به‌بار خواهد آورد. در پایان حضار و سخنرانان از برگزاری این نشست تشکر کردند و خواهان برگزاری نشست‌هایی با موضوعاتی مشابه یا سایر حوزه‌های چالش‌برانگیز تاریخ معاصر که حدود یک‌سده از این اتفاقات مهم تاریخی می‌گذرد، شدند.

مدرسه علم نجف قدس  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده علوم تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

**یکصدمین سالگرد نهضت جنگل**

**نقش آلمانیها، بلشویکها، عثمانی‌ها**

**و ترکیب اجتماعی - طبقاتی جنبش جنگل**

سخنران:

**دکتر عباس پناهی**

**دکتر هومن یوسفدهی**

**دکتر اعظم ریاحی**

**دکتر قربانعلی کناررودی**

با حضور مدیر گروه تاریخ سیاسی

دوشنبه ۸ دی ماه ۱۳۹۹

ساعت: ۱۶ الی ۱۸

لینک پیوستن به نشست:

<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-64x-ram>



## نقد و بررسی ایده‌ی گفت‌وگو و معاصرت بر اساس کتاب «گفت‌وگویی میان هگل و فیلسوفان اسلامی»

گروه فلسفه، کلام، ادیان و عرفان شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، روز ۲۵ دی‌ماه ۱۳۹۹، نشست مجازی با عنوان «نقد و بررسی ایده‌ی گفت‌وگو و معاصرت بر اساس کتاب گفت‌وگویی میان هگل و فیلسوفان اسلامی» برگزار کرد. در این نشست دکتر علی‌اصغر مصلح، دکتر ان‌شاءالله رحمتی و دکتر حمید طالب‌زاده سخنرانی کردند.



در ابتدای جلسه دکتر حسین هوشنگی، دبیر علمی نشست، با بیان مقدمه‌ای کتاب دکتر طالب‌زاده را یک رخداد فلسفی قلمداد کرد که بحث گفت‌وگو و معاصرت را به شکلی فلسفی پیش کشیده است. در ادامه دکتر علی‌اصغر مصلح این کتاب را مصداق گفت‌وگو با تکیه بر معاصرت دانست و گفت: که برخلاف بسیاری از پژوهش‌های مدعی گفت‌وگو و تطبیق که یکی از طرفین آن ساخته مؤلف هستند، در این پژوهش به‌خاطر تسلط مؤلف بر فلسفه‌ی غرب و فلسفه‌ی اسلامی با گفت‌وگویی واقعی طرفیم. البته همان‌گونه که خود مؤلف هم توجه داشتند، این گفت‌وگو، یک گفت‌وگو از گفت‌وگوهای ممکن است، چرا که گفت‌وگوی پایانی وجود ندارد. دکتر مصلح معاصرت را ویژگی تفکری که با اکنون روبه‌روست، توصیف کرد و گفت: ما از فیلسوفان بزرگ آموختیم که فلسفه با زمان نسبت دارد، یا زمان مفهومی شده است، یعنی همان به مفهوم درآمدن زمانه. پناه‌بردن به گذشته‌ای مألوف یا فراتاریخ و فرازمان از سوءتفاهم‌ها در مورد معاصرت است. معاصرت به معنای پذیرفتن اندیشه‌های معاصر نیست بلکه به معنای درافتادن با پرسش‌های معاصر است. بر این اساس، معاصر بودن به معنای پذیرفتن نسبی‌گرایی، نیهیلیسم یا پایان فلسفه نیست، بلکه همان روبه‌رو شدن با مسائل نامفهوم اکنون است که باید مفهوم شود، مانند فضای مجازی و ...

دکتر مصلح، کار دکتر طالب‌زاده را پرداختن به معاصرت بر اساس وجود در یک سنت دانست و گفت: مقصود از سنت در این جا، سنت صدرایی است، یعنی کتابی است که در جهانی مانوس با نه‌ایه‌الحکمه و رساله‌الولایه نوشته شده ولی همچنین دغدغه‌ی اکنون نیز دارد. گفت‌وگو عرصه‌ی وجود انسانی است که به معنایی وجود او دو شقه و دو بخش شده و دو نسبت دارد و می‌خواهد این دو را به هم ربط دهد. گویا دو جهان در ذهن متفکر به هم می‌رسند. دکتر طالب‌زاده می‌خواهد بگوید این امر شدنی است و می‌شود به این سنت، روح جدید بخشیم یا خود سنت روح جدیدی ایجاد کند، درحالی‌که این شقاق به وجود آمده است. مثلاً صیوررت هگل و ملاصدرا را با هم به اندیشه در بیاوریم.

دکتر مصلح در پایان سخنانش یادآور شد: ما هنوز در حال هجی کردن گفت‌وگو هستیم، یعنی معنایی اخلاقی از آن می‌فهمیم، یعنی رعایت دیگری و مقداری از این معنا فراتر می‌رویم. اما گفت‌وگو به معنای امروزی، فراروی از فلسفه‌های معاصر و سنتی است. به عبارت دیگر، هر فلسفه‌ای که در زیست جهانی شکل گرفته نباید دیگری را نادیده بگیرد یا به موضع خودش تقلیل دهد. اکثریت فیلسوفان مدرن هم جوهره‌ی اندیشه‌ی گفت‌وگو را نداشتند. به همین جهت حتی در فلسفه‌ی غرب هم چنین معنایی کاملاً بروز نکرده است. در جهان امروز، اگر همه باید با هم زندگی کنیم، یعنی همه مجال زیستن و گفت‌وگو دارند

و باید دریافت خود را مفهومی کنند که می‌شود همان چیزی که به فلسفه‌ی میان‌فرهنگی مشهور شده است. بدون معاصرت، گفت‌وگو شکل نمی‌گیرد و گفت‌وگو باید بر سر مسائل امروزی باشد. در جریان کرونا بیشترین نمود گفت‌وگو را شاهد بودیم و بیشترین گفت‌وگو را کردیم. بزرگترین گفت‌وگو الان در سراسر زمین در حال انجام است.



در ادامه دکتر ان‌شاءالله رحمتی در مورد گفت‌وگو و معاصرت گفت: منظور از گفت‌وگو چیزی از نوع مذاکره نیست که به یک سازش برسیم. حتی از باب کنجکاوی هم نیست که ببینیم دیگران چه‌گونه فکر می‌کنند و در دنیا چه می‌گذرد. به عبارت دیگر، نوعی مطالعه مردم‌شناسانه هم نیست. هدف گفت‌وگو، کشف حقیقت، تصحیح فهم و کشف افق‌های نو است. رحمتی درباره‌ی معاصرت و زمانه گفت: معاصرت به معنای فرزند زمانه بودن و پذیرفتن چارچوب‌ها و فهم زمانه نیست. بر این اساس است که فیلسوف هم‌رنگ جماعت نیست بلکه زمانه‌ساز است. لذا می‌تواند به اصلاح و برهم زدن اجماعات زمانه بپردازد. هایدگر در «درآمدی به متافیزیک» می‌گوید، فلسفه نابهنگام است، یعنی باب روز نیست بلکه معیار خود را بر زمانه تحمیل می‌کند. این سخن او در سنت ما هم قابل پیگیری است. سهروردی می‌گوید، من فلسفه‌ی ایران باستان را احیا کردم ولی کسی بر من فضل تقدم ندارد. او زمانی فلسفه‌ی ایران باستان را احیا می‌کند که زمانه چنین فلسفه‌ای را نمی‌فهمید. لذا فلسفه می‌تواند بسیار از زمانه‌ی خود جلوتر باشد و در زمانه‌ی خودش ظنی پیدا نکند. البته این حرف به معنای فکر کردن در خلاء هم نیست.

دکتر رحمتی به دو نمونه گفت‌وگو در فرهنگ ایرانی-اسلامی اشاره کرد و گفت: «میرفندرسکی» به‌طور جدی با سنت‌های هندی گفت‌وگو کرده است. گویا تنها هم نبوده و گروهی داشته است. همچنین عمادالدوله بدیع‌الملک میرزا که هم فلسفه‌ی اسلامی می‌دانسته و هم به فلسفه‌ی جدید علاقه‌مند بوده است، سؤالاتی از آقاعلی مدرس‌زنوزی می‌پرسد که نتیجه‌ی آن کتاب بدایع‌الحکم می‌شود. حاصل گفت‌وگوی عمادالدوله شاید امروزه خنده‌دار به‌نظر برسد، زیرا نسبت به چرخش معرفتی (epistemic turn) بی‌اطلاع است. اما کار میرفندرسکی چنین نیست، چون گفت‌وگویش با عالم هندی است که شبیه عالم ماست. امروزه گفت‌وگو با فلسفه‌های جدید دشوار است. درسی که از ترجمه آموخته‌ام این است که گاهی معادلی مناسب حتی برای پرسامدترین اصطلاحات نداریم، مانند سوژه، سکولاریسم، نیهیلیسم و حتی ایده‌آلیسم. لذا باید در این گفت‌وگو قائل به تفصیل شد. یعنی برخی جاها گفت‌وگوی ما با فلسفه‌ی جدید به معنای «تعرف‌الاشیاء باضدادها» است، یعنی در مواجهه با فلسفه‌های دیگر، فلسفه خودمان را بهتر می‌فهمیم. در سطح دیگر مثلاً با فلسفه‌های تحلیلی هم می‌توان گفت‌وگو کرد، زیرا در فلسفه‌ی ما وجه دیالکتیکی پررنگی و مباحث تحلیلی وجود دارد، مثلاً در فلسفه‌ی دین و آن‌جا که فلسفه‌ی دین نوعی الهیات فلسفی می‌شود، چنین ظرفیتی هست.

پس از دکتر رحمتی، دکتر حمید طالب‌زاده با تأیید سخنان دکتر مصلح درباره‌ی «با دیگری فکر کردن و به رسمیت شناختن دیگری» و مطالب دکتر رحمتی درباره‌ی نابهنگام بودن فلسفه، درباره‌ی فلسفه، معاصرت و گفت‌وگو مطالبی ارائه کرد و توضیح داد: افلاطون در زمانه‌ای می‌زیست که آتن دیگر قوت قبلی را

نداشت و «سوفسطائیان» مجال بروز کرده و فلسفه را به حاشیه برده بودند. در این هنگام، افلاطون بنیاد مابعدالطبیعه را می‌گذارد و از حقیقتی صحبت می‌کند که در حال از دست رفتن بود. فیلسوف به گسیختگی و بی‌پایگی در بنیاد فلسفه توجه می‌کند و البته هیچ کس به اندازه‌ی فیلسوف به این امر توجه نمی‌کند. فیلسوف برای این که دوباره شیرازه را به زندگی عالم برگرداند، متوجه لوگوس عالم می‌شود و با توجه به لوگوس، متوجه آرچه می‌شود و بر این اساس است که علوم دیگر ممکن و بنیان‌گذاری جدید می‌شود. فیلسوف با این بنیان‌گذاری جدید، کار نابهنگام می‌کند. فیلسوف از وضع انضمامی و دیدن گسست است که چنین بنیان‌گذاری می‌کند. سپس ارسطو پدید می‌آید و بنیان‌گذاری افلاطون را نمی‌پذیرد، زیرا پیامد سیاسی بنیان‌گذاری افلاطون را نمی‌پذیرد. ارسطو معتقد بود بنیان افلاطون، دوستی را از مدینه حذف کرده است. لذا بنیان‌گذاری جدید می‌کند و «آرچه» جدیدی کشف می‌کند که همان صورت است. ارسطو هم نابهنگام و تاریخ‌ساز است.



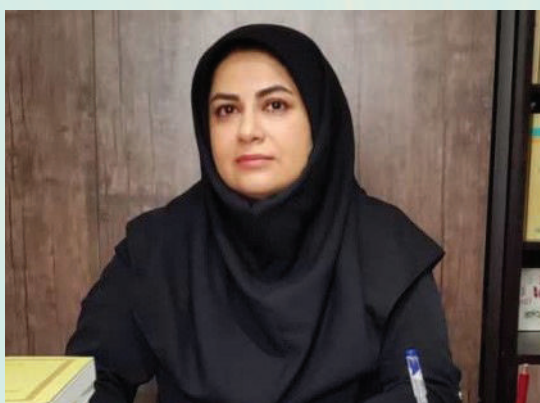
دکتر طالب‌زاده فلسفه را امری در متن امور انضمامی دانست که در عین حال از عادات گذر می‌کند و به لوگوس رجوع می‌کند تا متوجه آرچه شود. او گفت در جهان اسلام هم چنین است. مدتی پس از وحی اسلامی کلام پدید آمد، اما در پراکندگی، گسست و تفرقه بود تا این که فارابی بنیان‌گذاری کرد. فارابی درست در متن معاصرت و در مواجهه با لوگوس به ارتباط بین افلاطون و ارسطو پی می‌برد و واجب‌الوجود و موجود به ما هو موجود بنیاد فکر او می‌شود. بر این اساس، فلسفه‌ی اسلامی هم نابهنگام است. اما متأسفانه به تدریج حکمت عملی از فلسفه‌ی اسلامی رخت برمی‌بندد و حکمت نظری هم به انتزاعی‌ترین شکل خود درمی‌آید. فلسفه‌ی اسلامی به شرح و آموزش و تعلیم (دکترین) تبدیل شد. بر این اساس، ربطش با زندگی کم شد. دکتر طالب‌زاده گفت وگویی که در کتابش مطرح شده را به این معنا دانست که باید تحولی اتفاق بیفتد و فلسفه‌ی اسلامی باید با مسائل جدید مواجه شود.

دکتر طالب‌زاده در خاتمه‌ی سخنانش گفت: ما باید با فلسفه‌ی غرب مواجه شویم، چون فلسفه، صورت تمدن غرب است. باید خودمان را بازسازی کنیم و باید به متن حیات برگردیم و با مسائل امروزی مواجه شویم. هدف از گفت‌وگو این بوده که مجدداً مبانی خود را بازاندیشی کنیم.



## جنبش شیخ محمد خیابانی

گروه تاریخ سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی در ادامه‌ی برگزاری سلسله نشست‌های «یک‌صدمین سال‌گشت جنبش‌های پسامشروطه»، پس از برگزاری نشست نهضت جنگل (آلمان‌ها، بلشویک‌ها، عثمانی، و نقش ترکیب طبقاتی-اجتماعی نهضت جنگل)، دومین نشست از این سلسله نشست‌ها را با موضوع جنبش شیخ محمد خیابانی در تاریخ، ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۹۹ و با حضور دکتر عباس قدیمی‌قیداری، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز و دکتر اعظم ریاحی، دبیر نشست، پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کرد. نخست دکتر علیرضا ملایی‌توانی (دانشیار گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) با ذکر مطالبی درباب اهمیت بررسی همه‌جانبه‌ی موضوع جنبش‌های پسامشروطه نشست را آغاز کرد و در ادامه به‌این موضوع اشاره کرد که مقوله‌ی جنبش‌ها، موضوعی پیچیده است که به یک‌باره و بدون بررسی همه‌جانبه‌ی بستر شکل‌گیری این نهضت‌ها، نمی‌توان به نتیجه‌ی دقیقی رسید.



د ر



ادامه، دکتر قدیمی‌قیداری سخنرانی خود را با ارائه‌ی مقدمه‌ای آغاز کرد، مبنی بر این‌که قیام‌ها و جنبش‌های سیاسی در ایران پس از انقلاب مشروطیت، یکی از مهم‌ترین رویدادهای صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌رود. از این قیام‌ها و جنبش‌ها می‌توان به جنبش میرزا کوچک‌خان جنگلی، قیام شیخ محمد خیابانی، قیام سرهنگ (کلنل) محمدتقی‌خان پسیان و قیام ابوالقاسم لاهوتی اشاره کرد. درباره‌ی هرکدام از این جنبش‌ها و قیام‌ها می‌توان به تفصیل سخن گفت. از میان این جنبش‌ها، قیام شیخ محمد خیابانی درخور توجه و بررسی بیشتری است، از آن‌رو که دیدگاه‌های متفاوت و متضادی درباره‌ی انگیزه‌ها، ماهیت، علل و سرانجام آن مطرح است. ماهیت قیام‌های این دوره باهم متفاوت است و نمی‌توان آن‌ها را در یک تحریر هم‌سان ارزیابی کرد و ضروریست ماهیت متفاوت این قیام‌ها را مدنظر قرار دهیم.

دکتر قدیمی سخن خود را با بیان مطالبی در باب شرایط سیاسی ایران در زمان شکل‌گیری قیام شیخ محمد خیابانی ادامه داد و گفت: توجه به‌این شرایط در تحلیل موضوع اهمیت دارد. وی پس از بیان شرح مختصری از زندگی شیخ محمد خیابانی به دو پرسش و ابهام مهم در قیام شیخ محمد خیابانی پرداخت؛ آیا شیخ محمد خیابانی افکار تجزیه‌طلبانه داشت؟ او سپس به مقوله‌ی تغییر نام آذربایجان به «آزادستان» پرداخت. هم‌چنین در ادامه این پرسش را مدنظر قرار داد که آیا شیخ محمد خیابانی در پی همکاری با بلشویک‌ها بود؟ وی افزود: اگر بخواهیم قیام خیابانی را تحلیل کنیم و حتی اگر بخواهیم رویکردی نقادانه داشته باشیم، باید براساس نطق‌ها، فعالیت‌ها و هم‌چنین گزارش‌هایی که از او در دست است این ارزیابی صورت پذیرد.

در ادامه اعظم ریاحی، دبیر جلسه در ابتدای سخنانش به‌این موضوع اشاره کرد که آزادی‌خواهی و تلاش برای کسب آزادی‌های فردی و جمعی مفاهیمی هستند که تاریخ بشر را سایه‌وار تحت الشعاع قرار داده‌اند. این مفاهیم چه در قلمرو عقاید مذهبی و چه در حیطه‌ی تفکرات غیرمذهبی قداستی درونی دارند و عاملی اساسی برای اتحاد گروهی که در پی کسب آن بوده‌اند، محسوب شده‌اند. تاریخ سرزمین ایران نیز به‌عنوان بخشی از تاریخ جهانی، در طی مسیر چندین‌هزار ساله‌ی خود همواره شاهد حرکت‌های آزادی‌خواهی بوده که برخلاف فراز و نشیبی که در زندگی مردمان آن ایجاد می‌کرد، در کنش‌های آن‌ها به اشکال گوناگون بازتاب داشته است.

در قلمرو زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ قمری (۱۲۹۳-۱۳۰۰ ش/۱۹۱۴-۱۹۲۱ م) وقایعی در سطح بین‌الملل رخ داد که نه تنها به رویارویی قدرت‌های سیاسی آن‌زمان و شکل‌گیری جنگ جهانی اول منجر شد، بلکه در ایران هم، تحت تأثیر این روند، سلسله حرکت‌های ضدسلطه‌ی بیگانه در مناطق مختلف، هم‌زمان با جنگ جهانی شکل گرفت. تاریخ هیجده‌ساله‌ی آذربایجان از فعالیت دموکرات‌ها و ناآرامی در آذربایجان در اعتراض به حضور نیروهای روس و قرارداد ۱۹۱۹ به رهبری شیخ محمد خیابانی را نقل می‌کند. حیات یحیی به شورش در کاشان و نواحی اطراف اصفهان اشاره می‌کند. به‌روایت احزاب سیاسی ملک‌الشعرا بهار، کلنل محمدتقی خان پسیان در خراسان در اعتراض به دخالت انگلیس در امور ژاندارمری برخاست. مطبوعات این دوره، از جمله حیات و کاوه، سرشار از اخبار حماسه‌آفرینی‌های مردم دشتی و تنگستان علیه استعمار انگلیس در جنوب است. از دیگر فعالیت‌های ضد استبدادی که واکنش دولت‌های متحد و متفق درگیر در ایران را برانگیخت، به رهبری میرزا کوچک‌خان در گیلان روی داد. اما، آن‌چه این دوره را برجسته می‌نمایاند، وقوع آن در برهه‌ی زمانی مابین جنبش مشروطه و پایان سلطنت قاجار و آغاز حکومت پهلوی اول است.

پرسش‌های حاضران:

دکتر رضا بیگدلو (استادیار تاریخ پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی) توضیحاتی مبنی بر اهمیت این جنبش مطرح کرد و گفت: یکی از مهم‌ترین قیام‌هایی که به‌شدت مورد خوانش‌های متفاوت قرار گرفته و می‌گیرد، قیام شیخ محمد خیابانی است که توسط طیف خاصی از محلی‌گرایان و افرادی که به‌دنبال اهداف خاصی هستند، مورد بازخوانی قرار گرفته است. ابهامی در باب قیام‌هایی از این دست وجود دارد، از جمله درخواست‌های شیخ محمد خیابانی و حتی قیام جنگل و سایر قیام‌های ناظری که در این دوران شکل گرفته، مثل قیام کلنل پسیان. شاید بهتر بود بگوییم خیابانی چه نمی‌خواست؟ چون از این منظر بهتر می‌توان برخی از این ابهامات را پاسخ داد. بیگدلو این پرسش را طرح کرد که با توجه به این موضوع که در وطن‌پرستی و ملی‌گرایی آن‌ها شکی وجود ندارد و این افراد بیش از هر کسی به استقلال ملی و یک‌پارچگی سرزمینی می‌اندیشیدند، اما پیامد این قیام‌ها، به‌ویژه قیام شیخ محمد خیابانی که موضوع نشست امروز است، برای وحدت ملی و یک‌پارچگی سرزمینی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دکتر قدیمی قیداری در پاسخ به پرسش بالا توضیح داد: بهره‌برداری از این قیام‌ها و جنبش‌ها که در واقع مصداق وارونه‌خوانی یا واژگونه‌خوانی تاریخ است، در جهت برخی اغراض و اهداف قومیتی، سیاسی و ایدئولوژیک شکل می‌گیرد که هیچ نسبتی با ماهیت این قیام‌ها و جنبش‌ها ندارد. در مقابل این بهره‌برداری‌های مغرضانه، باید تلاش شود روایت درست و واقع‌بینانه‌ای بدون قهرمان‌سازی و تقدیس بی‌جهت که تنها و تنها به آن‌چه بوده است وفادار باشد، به دست داده شود آن‌هم با توجه به بستر، زمینه و زمانه.

در پایان مدیر گروه تاریخ سیاسی، دکتر نیره دلیر از سخنرانان و حضار برای شرکت در این نشست تشکر کرده و بر اهمیت توجه به مسائل بین‌المللی در تحلیل این جنبش‌ها تأکید کرد.



گروه تاریخ سیاسی پژوهشگاه علوم تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

**یکصدمین سالگشت جنبش‌های پسا مشروطه ایران**

**جنبش**

**شیخ محمد خیابانی**

سخنران:

**دکتر عباس قدیمی قیداری (عضو هیات علمی دانشگاه تبریز)**

**خیابانی چه می‌خواست؟**

**دبیر نشست: دکتر اعظم ریاحی**

شنبه ۲۵ بهمن ماه ۱۳۹۹ ساعت: ۱۸ الی ۲۰

لینک پیوستن به نشست:

<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-64x-ram>

## دومین نشست مجازی پروژه‌ی «ایران فراسوی مرزها» (آشنایی با ایران‌شناسان)

دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری بنیاد دایره‌المعارف اسلامی و رایزنی فرهنگی ایران در لبنان دومین نشست مجازی پروژه‌ی «ایران فراسوی مرزها» (آشنایی با ایران‌شناسان) را روز چهارشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۹ برگزار کرد. این نشست که با حضور نعیمه شکر (لبنان)، محمدمهدی شریعت‌مدار (ایران)، محمد صرخوه (کویت)، حبیب فیاض (لبنان)، عباس خامه‌یار (ایران)، فراس الحلباوی (سوریه) و غلامعلی حدادعادل (ایران) به صورت مجازی برگزار شد، به نکوداشت شخصیت علمی دکتر دلال عباس (استاد ادبیات تطبیقی و ادبیات فارسی - دانشگاه لبنان) اختصاص داشت.



دکتر دلال عباس، متولد روستای کوثریه السیاد در منطقه‌ی جبل عامل جنوب لبنان (۱۹۴۷)، بانوی فارسی‌پژوه و مترجم لبنانی که دوره‌ی کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه لبنان گذراند و دکتری خود را از دانشگاه تهران اخذ کرد، هم‌اکنون استاد دانشگاه لبنان است و دارای بیش از ۲۰ کتاب تألیفی و ترجمه در زمینه‌ی ادبیات، فلسفه، دین و سیاست است. از جمله آثار ترجمه‌شده توسط او از زبان فارسی به عربی می‌توان به «تدین و نفاق به زبان گربه و موش» (کتاب موش و گربه‌ی شیخ‌بهایی)، «زن در اندیشه‌ی شهید مطهری»، «قبض و بسط شریعت» از دکتر عبدالکریم سروش، اشعاری از نیما یوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث، خسرو گل‌سرخ، سهراب سپهری و داستان‌هایی از صادق هدایت و محمدعلی جمال‌زاده اشاره کرد. همچنین او دارای تألیفاتی از جمله: زن در اندلس، آینه‌ی تمدنی که دمی درخشید و فرونشست، نصرت آمین؛ مجتهدی دانشمند در روزگار سختی، شیخ‌بهایی؛ ادیب، فقیه و دانشمند، زبان عربی و اصطلاحات علمی؛ اصطلاحات ترجمه به عربی در دوره‌ی عباسی است.

\*\*\*

در ابتدای نشست دکتر شکوه حسینی (مدیر دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، ضمن خوش‌آمدگویی به میهمانان و حاضران در جلسه، گفت: مفتخرم از سرکار خانم دکتر دلال عباس، استاد ادبیات تطبیقی و ادبیات فارسی دانشگاه لبنان به خاطر حضورشان در این محفل تشکر کنم و مراتب خرسندی خود را از این‌که افتخار یافته‌ایم جلسه‌ای هرچند کوچک در بزرگداشت شخصیت علمی و فکری ایشان برگزار کنیم، ابراز دارم. خاطر نشان می‌کنم که دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه مدتی است که در پروژه‌ای با عنوان «ایران، آن‌سوی مرزها» در تلاش است تا به بازتاب نمادها و شخصیت‌های ایرانی در خارج از ایران و نیز معرفی استادان و پژوهشگران غیرایرانی بپردازد که در زمینه‌ی فرهنگ، ادبیات و اندیشه ایرانی فعالیت می‌کنند. افتخار داریم که در این جلسه با همکاری رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بیروت و بنیاد دایره‌المعارف اسلامی برگزار می‌شود، میزبان یکی از نام‌آشناترین استادان و مؤثرترین شخصیت‌های عرب باشیم که به‌حق حلقه‌ی وصلی میان فرهنگ ایرانی و عربی است و سال‌ها در راه معرفی فرهنگ و اندیشه‌ی ایرانی به دانشجویان، پژوهشگران و استادان عرب و به‌ویژه لبنانی تلاش و مجاهدت کرده است. دست روزگار زمانی دکتر دلال عباس را به ایران کشانید و او سال‌هایی چند در این دیار رحل اقامت افکند و در دریای بیکران اندیشه و ادبیات این



سرزمین غوطه‌ور شد و مرواریدی چند از صدف عرفان، تصوف، اندیشه و ادب آن برچید و به مشتاقان این فرهنگ در گوشه‌وکنار جهان گسترده‌ی عرب ارزانی داشت. با توجه به تعداد قابل توجه سخنرانان گرامی ترجیح می‌دهم معرفی ابعاد مختلف این شخصیت را به بزرگوارانی بسپارم که دعوت ما را پذیرفته‌اند و در این محفل مجازی از سخنان‌شان بهره‌مند خواهیم شد.

\*\*\*

سخنران نخست این نشست، عباس خامه‌یار، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بیروت بود که ضمن ابراز خرسندی از همکاری این مرکز با پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در بزرگداشت این شخصیت برجسته‌ی علمی و فرهنگی به ابعاد شخصیت و آثار او اشاره کرد و اهمیت برخی آثار او را درباره‌ی معرفی شخصیت‌های ایرانی، به‌ویژه بانوی مجتهد «نصرت امین» به جهان عرب یادآور شد.

\*\*\*

سخنران دوم این نشست، محمدمهدی شریعت‌مدار، دانش‌آموخته‌ی اقتصاد و حقوق، نویسنده، مترجم و فعال فرهنگی و رسانه‌ای، قائم‌مقام سابق اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی و رایزن پیشین فرهنگی ج. ا. ایران در لبنان بود؛ او در آغاز گفت: تقدیر چنین بود که دانش‌آموخته‌ی زبان و ادبیات عربی در حساس‌ترین مقطع تاریخ معاصر و دوران مبارزات و پیروزی انقلاب به ایران بیاید و با نام شیخ‌بهای آشنا شود و درباره‌اش پایان‌نامه‌ی دکتری بنویسد و هم‌چون او در تعاملات فرهنگی دو کشور بکوشد. معرفی ادبیات معاصر ایران، آشنایی با ادبیات، فرهنگ، سیاست و ارزش‌های ملی، دینی و انقلابی ایران و تمدن اسلامی و توجه به تکرر و تعدد آرای دینی و سیاسی در ایران و معرفی آن به جهان عرب از مهم‌ترین ویژگی‌های اوست.

شریعت‌مدار ادامه داد: شاید دلالت عباس آغازگر معرفی شعر، داستان، رمان و ادبیات معاصر ایران به جهان عرب باشد که سابقه‌ی آشنایی با سرآمدان ادبیات کلاسیک هم‌چون حافظ، خیام، سعدی و فردوسی داشته است. وی افزود: تنوع آثار او از تألیف و ترجمه‌ی کتب و مقالات علمی و عمومی و راهنمایی رساله‌ها و انجام سخنرانی‌ها از دیگر خصوصیات تلاش علمی نیم‌قرن از زندگی پربر اوست. در حوزه‌ی تاریخ، ادبیات و فرهنگ ایران، آثارش درباره‌ی شیخ‌بهای و مقالات متعددش در مجله مطالعات ادبی و توجه به روابط فرهنگی ایران و جبل‌عامل او را متمایز می‌کند. او معتقد است که هر که شعر فارسی نخوانده باشد، فرهنگ اسلامی‌اش ناقص است. پژوهش‌های دینی و قرآنی مانند قرآن و شعر، داستان در قرآن و ترجمه‌ی چندین اثر در حوزه‌ی معارف دینی از نویسندگان ایرانی نشان از تلاش او در پاس‌داشت ارزش‌های دینی و بیان ارتباط ادب و دین دارد. او هم تربیت شده‌ی مادری نیکو و هم خود یک مربی است و در آثارش به مسائل تعلیم و تربیت نیز می‌پردازد و برای دانشجویانش، علاوه بر استادی، همواره مادری مهربان نیز بوده است. اهتمام به زنان در آثارش موج می‌زند. زن در اندیشه‌ی مطهری، زن در جامعه‌ی ایرانی، حقوق زن در اسلام، زن اندلسی، زن در عصر جاهلی و کتاب ماندگارش درباره‌ی بانو «نصرت امین» از جمله این آثار اوست.

شریعت‌مدار در پایان سخنانش یادآور شد: دکتر دلالت عباس در عرصه‌ی سیاست نیز از خاطرات مرحوم هاشمی رفسنجانی و درباره‌ی امام موسی صدر، مسئله‌ی فلسطین، اسلام‌گرایی و ولایت فقیه آثاری ترجمه کرده است. راهنمایی رساله‌ها و بعضی کارهای مشترک با نویسندگان ایرانی و سخنرانی و حضور در همایش‌ها از جمله کارهای دیگر اوست. استادی پرتلاش که آثار جاودانی از خود به‌جا گذاشته و خود هم اثر ماندگاری در تعاملات فرهنگی ایران و عرب داشته است. با امید به این‌که دلالت عباس، استاد و مادر معنوی‌ام همواره بدرخشد و سربلند بماند و سال‌های سال، بزید و همگان از فیض وجود او بهره‌مند شوند و از خرمن دانش او خوشه‌ها بچینند.

\*\*\*

سخنران سوم، این نشست، دکتر نعیمه محمد شکر از کشور لبنان با دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه لبنان و استاد همین دانشگاه بود. از جمله آثار او می‌توان به کتاب نقد سمفونی پنجم نزار قبانی؛ نمونه‌ی موردی مجموعه‌ی «لا»، کتاب زبان و ادبیات فارسی، ترجمه‌ی رمان سرزمین سوخته احمد محمود، کتاب نگاهی نو در ادبیات تطبیقی، کتاب عشق در شعر محمدعلی شمس‌الدین، کتاب درسی فارسی ۱ و ۲، ترجمه‌ی پروژه‌ی «فلسطین

از نگاه موسی صدر»، پروژه «جنبه‌های مقاومت در شعر عزالدین المناصره»، پروژه «بررسی تطبیقی الفونس لامارتین و نیما یوشیج» و پروژه‌ی «نشانه‌شناسی غربت در رمان لوی زیتون اشاره کرد.

دکتر نعیمه شکر سخنرانی خود را بر اساس دو محور پیش برد؛

۱. او با اشاره به اهمیت ترجمه و گشایش نسبت به دیگر فرهنگ‌ها از طریق بررسی دستاوردهای علمی پروفیسور دلال عباس در زمینه‌ی ترجمه از فارسی به عربی به دلیل درک وی از اهمیت ارتباط میان ادبیات فارسی و عربی و فراهم کردن راه‌هایی مؤثر در زمینه‌های مختلف فکری، اجتماعی، دینی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، علمی و ادبی برای نزدیک کردن دو فرهنگ متفاوت و بازسازی پل‌های ارتباطی تاریخی- فرهنگی میان دو ملت به نقش بارز وی در برگردان آثار بسیاری از ادبیات فارسی به عربی با این باور به تکامل ادبیات یک ملت با برقراری ارتباط معنادار و مبتنی بر روابط انسانی میان ملت‌ها و دولت‌ها پرداخت.

۲. همچنین او به معیارهای این کنش‌گری (حسن انتخاب و موضوع) پرداخت. او بیان کرد: دکتر دلال عباس با درک میزان مؤثر نقشی که ترجمه می‌تواند در انتقال آثار ادبی فارسی به عربی ایفا کند، موضوعاتی را با نگاهی واقع‌گرایانه از این ادبیات برگزیده و با ترجمه‌های دقیق و زبانی بلیغ و ذهنیتی عمیق توانسته است گوهر مفاهیم و مضامین بدیع را در آن‌ها برملاء کند.

دکتر نعیمه شکر همچنین به شمه‌ای از چشمه‌سار ترجمه‌های دکتر دلال عباس اشاره کرد و گفت: دکتر دلال عباس آثار ارزنده‌ای را ترجمه کرده از جمله؛ پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش نوشته‌ی «شیخ‌بهایی» که در قالب کتاب پژوهشی به عربی با نام «التدین والنفاق بلسان القط والفار» منتشر شده و مورد توجه نویسندگان و مترجمان برجسته قرار گرفته است و به گواهی استادان و ادیبان متخصص به‌عنوان حلقه‌ی وصلی میان لبنان و ایران در گوهر نثر و شعر فارسی عمیق شده و زوایای پنهان آن را برملاء ساخته است. همچنین اشعار «پروین اعتصامی» که به‌شکلی عمیق به پدیده‌ی فقر و ستم اجتماعی پرداخته و اشعار «نیما یوشیج» و دیگر شاعران پارسی که دستمایه‌ی صدها مقاله شده که گنجینه‌ی گرانسنگی برای دایره‌المعارف اسلامی فراهم آورده و جایگاه بارزی را برای ایشان در این زمینه رقم زده است تا جایی که ترجمه‌ی کتاب‌هایی نظیر ولایت دمکراتیک فقیه، اسلام و مسلمانان در فرانسه و چالش آزادی و بندگی و ... به ایشان سپرده شده است. در پایان به قوت تسلط پروفیسور دلال عباس در برگردان متن با توجه به لایه‌های مختلف و رمزگشایی آن اشاره شود که با گوهر متن سازگاری دارد و در سطحی عالی و به‌دور از جانب‌داری به انتقال اندیشه‌های درون‌متن می‌پردازد و به‌واقع، حقیقت و روح متن فارسی را به زبان عربی منتقل می‌کند.

\*\*\*

چهارمین سخنران نشست، محمدصالح محمد صرخوه، شاعر کویتی سخنان خود را این‌چنین ایراد کرد: «من قصد ندارم درباره‌ی مادر معنوی‌ام، دکتر دلال عباس، از منظر آکادمیک سخن بگویم بلکه می‌خواهم از او به‌عنوان یک الگو صحبت کنم. همگان می‌دانند که در فروپاشی اقتصادی و سیاسی کشورها، فرهنگ نیز قربانی می‌شود، یعنی به جای زایش و تولید، تبدیل به فرهنگی مصرفی و مقلد می‌شود و این به‌سبب ازدست‌رفتن خودآگاهی انسان‌های جوامع مختلف در مقابل فروپاشی اقتصادی و تحت‌تأثیر قرار گرفتن زندگی سیاسی و اجتماعی آن‌هاست. ما نیز در جامعه‌ی خود شاهد این دنباله‌روی فرهنگی نزد شاعران و نویسندگان هستیم. همچنین شاهدیم که آدم‌ها قدرت تشخیص و ارزیابی خویش را ازدست می‌دهند و نمی‌توانند میان «سره و ناسره» تمایز قائل شوند و متأسفانه کسانی هم راهروی ایشان می‌شوند. درواقع آن‌گونه آدم‌ها جایگاهی در دل مردم می‌یابند و مردم بی‌اعتماد به خویش، گم‌شده‌شان را در آن‌ها می‌یابند و این‌گونه احساس ارزش داشتن پیدا می‌کنند. پیش از آن که با خانم دکتر دلال آشنا شوم، متأسفانه می‌انگاشتم که زنان هیزم و شعله‌ور کننده‌ی روحیه مصرفی و رکن رکین تمدن سرمایه‌داری هستند. اما پس از آشنایی و هم‌کلامی هر روزه با ایشان، به نمونه‌ای دست یافتم که هم‌سانی را برای او در روزگارمان نمی‌یابم. شاید او مشابه زنان قرطبه باشد که در کتاب‌های تاریخ آمده‌اند. زانی کنش‌گر، متین، شاعر و ادیب. البته از این تقسیم‌بندی میان زن و مرد عذرخواهم اما آن‌چه در رفتار ایشان یافته‌ام دوری از مصرف‌گرایی پوشالی و پرهیز از اختلاط به معمول جامعه است.

دکتر دلال عباس بیش از شعر، داستان، رمان و ادبیات، عقلانیتی متمایز دارد که آزادانه در ایدئولوژی‌های گوناگون سیر کرده است. دکتر دلال جدا از مناقشات موجود میان شعر کلاسیک و مدرن، درباره‌ی شعریت قرآن کریم سخن می‌گوید که نه موزون و مقفی است و نه ویژگی‌های شعر سنتی و کلاسیک را دارد و نه بر نمط بحرهای خلیلی سروده شده است. ایشان درهای تازه‌ای را به شعر و زبان مدرن گشوده که تاکنون این‌گونه مورد توجه



قرار نگرفته بوده است.

نکته دومی که مایلیم به آن اشاره کنم رابطه‌ی شخصی من با ایشان است. من با ایشان در جشنواره‌ی «گفت‌وگوهای فرهنگی» یا «گفت‌وگوی جوانان ایرانی و عرب» آشنا شدم که حدود چهار سال پیش در مشهد برگزار شد و تجربه‌ی معنوی بزرگی برای من بود. در میان بحبوحه‌ی آمدوشدها و گفت‌وگوهای شبانه، دکتر دلالت عباس نظاره‌گری خاموش در گوشه‌ای از لابی هتل بود و من از خود می‌پرسیدم چه در دل می‌تواند داشته باشد. آشنایی من با ایشان احساس عمیق مادر و فرزندی به من داد و از آن موقع همواره شعرهایم را بازنگری می‌کند و با تیغ نقدش می‌پالاید. در پایان برای ایشان طول عمر و نیک‌بختی آرزوندم.»

\*\*\*

سخنران پنجم این نشست، محمدراس الحلباوی، از کشور سوریه، دانش‌آموخته‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران و مترجم آثاری از فارسی به عربی بود که سخنرانی خود را با عنوان «دلالت... نگاره‌ای انقلابی، سالکی عارف» ایراد کرد: «آن‌گونه که استاد دلالت برایمان روایت کرده او در دوران ظهور سپیده‌ی انقلاب در آسمان ایران در آن‌جا حضور داشته و امواج متلاطم جنبشی که دژ مستحکم ستم و استبداد را فرو ریخته از نزدیک نظاره‌گر بوده است، زمانی که غریو فریاد انقلابیون پایه‌های ظلم و استعمار را فروریخته و اندیشه و فرهنگ و معارف را دیگرگون ساخته است. آن زمان که انقلابی‌ها شعر عارفانه‌ی حافظ را عاشقانه سر می‌دادند که؛

شعر حافظ همه بیت‌الغزل معرفت است آفرین بر نفس دل‌کش و لطف سخنش

و شعار ارزشمند: دیو چو بیرون رود فرشته درآید

شعری که عصاره‌ی جنبش و تحول‌شناختی برای سالکی است که پرده‌های تاریکی را می‌زداید. ملت ایران این بعد عارفانه را تبدیل به پروژه‌ای انقلابی-تمدنی کردند تا عدالت را محقق سازند و دست بندگی و بهره‌کشی را کوتاه کنند تا به قول حافظ نور فرشتگان، مکان ظلمانی شیطان را روشن سازد.

دلالت این مسافر جبل عامل این حوادث را با تمامی احساسات و عواطفش زندگی کرد و تا آن‌جا به هم‌ذات‌پنداری با آن رسید که با شیخ‌بهایب آشنا شد که او نیز اتفاقاً از جبل عامل آمده بود. او به تأسی از سلوک شاعرانه‌ی ایرانیان به زبان حافظ شیرازی که؛

قطع این مرحله بی‌همراهی خضر مکن. ظلمات است بترس از خطر گمراهی  
 شیخ‌بهایبی را استاد و مراد خویش در این راه قرار داد و با او چنان انس گرفت که گاه بازگشت به وطن پروژه‌ی  
 شناختی خود را با همان شور و حال ادامه داد و به ثمر رساند.  
 دلال راه نیاکان خود را ادامه داد که زمانی با فروریختن سد مأرب، سرزمین حجاز را ترک گفتند و در جیل‌عامل  
 (سرزمین شهیدان و عالمان) سکنی گزیدند. روحیه‌ی انقلابی او همچنین وام گرفته از کوچ‌نشین دیار ربذه است  
 که مولایش -از کودکی با کلامش دم‌خور بود- خطاب به او فرمود:  
 «ای ابوذر! تو برای خدا خشم گرفتی. بنابراین به‌همان کسی که برای او خشم گرفتی امیدوار باش. این مردم  
 در دنیای خود از تو ترسیدند، و تو بر دین خویش از آنان ترسیدی. پس آنرا که به خاطرش از تو ترسیدند.  
 به‌ایشان واگذار، و با آنچه از آنان برایشان ترسیدی رو به گریز درآر...» پس خشم و روح انقلابی ابوذر برخاسته  
 از همان عالمان و شهیدانی است که موجب گره‌خوردن دلال با شیخ‌بهایبی شد.  
 دکتر دلال نوشتن و ترجمه را نیز عملی انقلابی می‌داند و از قرآن و شعر سخن می‌گوید که او از سرچشمه‌ی  
 آن‌ها سیراب گشته و طوفان عشق در وجودش فوران کرده است که «هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم»  
 یا دیگر سروده‌ی حافظ که؛ عشقت رسد به فریاد، ار خود بسان حافظ  
 قرآن ز بر بخوانی، با چارده روایت  
 وی از دیگر سو با داستان بی‌مثال یوسف در قرآن دم‌ساز شد که ملامت از تصاویر وصل و هجران در عشق و  
 ادب ایرانی است.  
 یوسف گم گشته بازآید به کنعان غم‌مخور، کلبه احزان شود روزی گلستان غم‌مخور  
 یوسف در نگاه او نماد روحی زیباست که به امر پروردگار هبوط کرده و از دامان او جدا افتاده است و احساس  
 غربت و فراق می‌کند به معشوقی ازلی:  
 دل هر جا رود اما عشق همان عشق به معشوق اولی است





چه منزل‌ها طی کرده عاشق و هیچ‌کدام جای مأمَن نخستین‌اش را نمی‌گیرد  
یوسف مورد حسد برادران قرار گرفت و مراحل دُشوار را در پستی و بلندی روزگار گذراند، آن گونه که عطار  
و سهروردی از هجران و وصال او بر ایمان بازگو کرده‌اند.  
خانم دلال از پزندگانی بر ایمان سخن گفته که عزم کوچ کردند و کوه‌ها و دشت‌ها را طی کردند و شمار بسیاری  
تعلل کردند یا مشکلات سفر آنان را از پرواز به‌سوی مقصد بازداشت و در نهایت، جز اندکی با طی هفت شهر  
عشق به گفته‌ی عطار و کوه‌های دوازده‌گانه به‌قول سهروردی، بنیان‌گذار حکمت‌الاشراق، به سرمنزل مقصود  
نرسیدند و شاید جبل‌عامل یکی از این منزلگاه‌ها بوده برای پزندگانی که استاد دلال حکایت‌شان را برای ما  
روایت کرده و چه‌بسا خود نیز هم‌سفر این مرغان بوده باشد.»

\*\*\*

پس از وی، دکتر حبیب فیاض، دانش‌آموخته‌ی دکترای فلسفه‌ی اسلامی از دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران،  
استاد فلسفه‌ی دانشگاه لبنان سخنران خود را بر اساس پنج محور ۱. منش تربیتی و اخلاقی دکتر دلال عباس  
۲. عرفان و تصوف فطری در شخصیت او ۳. زندگی علمی و پژوهشی وی ۴. نقش او در ایجاد ارتباط فرهنگی و  
فکری میان ایران و جهان عرب ۵. نمونه‌ی زن مسلمان اندیشمند، کنش‌گر و دارای آثار متعدد ارائه و بیان کرد:  
«پیش از آغاز سخن باید بگویم در تمامی سال‌های اقامت‌م در ایران فقط یک یا دو بار ایشان را دیدم اما هرگز  
نمی‌توانم دکتر دلال عباس را به‌عنوان یکی از اجزای اصلی انگاره‌ام درباره‌ی ایران از خاطراتم جدا کنم و این  
شاید به عمق دل‌بستگی ایشان به ایران و تسلطش بر ابعاد فکری و اجتماعی این کشور بازگردد. اما درباره‌ی  
محور نخست باید بگویم ایشان به‌عنوان مادر و مربی دارای نظامی فکری و فرهنگی است که از یک سو با  
مادرانگی و خانواده‌گره می‌خورد و از سوی دیگر به ابعاد علمی، پژوهشی و آکادمیک بازمی‌گردد که این هر  
دو بعد در نهایت اخلاص و شفافیت و مجاهدت تا رسیدن به کمالی آرمان‌گرایانه است.  
پس از سال‌ها گذران عمر در بحث و درس و مشاهده‌گری نسبت به واقعیت‌های اجتماعی در لبنان و دیگر  
کشورها، به این نقطه اساسی دست یافته‌ام که مادرانگی زن است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم و از ره‌گذر  
تربیت، تمدن را می‌سازد.

اما درباره‌ی شخصیت آکادمیک دلال عباس، به‌عنوان یک همکار، بی‌اغراق می‌گویم، تاکنون استادی ندیده‌ام که  
تا این اندازه نسبت به منافع دانشجویان پافشاری داشته باشد. او به معنای واقعی کلمه خدمت‌گزار دانشجویان  
در درس و آموزش است و در راه خدمت به دانشجویان از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند. از سوی دیگر، ارتباط  
او با دانشجویان فقط در درس و آموزش خلاصه نمی‌شود و ایشان از تجربیات دکتر دلال عباس در زندگی نیز  
برخوردار می‌شوند. این منش را هم در مدیریت ایشان در زمانی که مدیر دبیرستان بود می‌بینیم و هم در  
سطح دانشگاه. در بعد فکری به‌طور خلاصه می‌توانم روی سه نقطه تمرکز کنم: اول؛ ادبیات. دکتر دلال عباس  
شاعر نیست اما تمامی ویژگی‌ها و ابزار یک ادیب درجه‌ی یک را در جهان عرب داراست و به‌لحاظ فکری  
می‌توان او را یکی از ادبای جهان عرب به شمار آورد. دوم؛ بعد تاریخی. مراد من از تاریخ روشی است که  
دکتر دلال در کنکاش‌های خود دارد. او هیچ پدیده‌ای را بدون مراجعه به ریشه‌های تاریخی آن بررسی نمی‌کند  
و شاید این امر ناشی از تأثیری باشد که او از منش پژوهشی ایرانی گرفته است، زیرا ایرانیان عموماً با بازنگری  
ریشه‌ها و اجزای یک موضوع آن را بررسی می‌کنند. شاید هم دلیل دیگری داشته باشد و آن حلول شخصیت  
شیخ‌بهاء‌الدین عاملی در شخصیت دکتر دلال عباس باشد و او این متدولوژی تاریخی را از شیخ‌بهای و ام گرفته  
باشد. سوم؛ ترجمه. همان‌گونه که دکتر حدادعادل اشاره کردند، اگر دکتر دلال نبود، امکان نداشت دانشنامه‌ی  
جهان اسلام به شکل کنونی درآید. من به ضرس قاطع می‌گویم که دکتر دلال عباس پل ارتباطی مستحکمی  
میان ایران و جهان عرب در سطوح مختلف فرهنگی، فکری و ادبی است و اگر وجود او نبود این ارتباط ایجاد  
نمی‌شد. افزون بر آن، ایشان نقشی ارشادی نیز برای ده‌ها دانشجو و پژوهشگر عربی ایفا کرده و می‌کند که  
در سایه‌ی آموزش و راهنمایی او به مسائل فکری و ادبی ایران پرداخته‌اند.

آخرین محوری را که می‌خواهم به آن بپردازم، مربوط به شخصیت معنوی دکتر دلال عباس است که بدون  
ورود به جزئیات باید بگویم که ایشان دارای روحیه‌ی انقلابی است، بدان معنا که تلاش می‌کند تا وضعیت  
موجود مقلد و سطحی را تغییر دهد. او دارای نیرویی مثبت از نوع متصوفانه است که نمی‌داند فطری است یا  
حقیقتاً دستی در عرفان و تصوف دارد.

در کنار این فیض بیکران، محبت و صبوری و آمادگی ایشان برای هر آزمونی او را در تمامی ناملایمات حفظ و سربلند کرده است. برای من دکتر دلال عباس آمیزه‌های از گذشته و اکنون، اندیشه و عمل، ادبیات و پژوهش، کشف و درک، و ثابت و متحول است.»

\*\*\*



سخنران هفتم این نشست دکتر حدادعادل، استاد دانشگاه تهران، رئیس دانشنامه‌ی جهان اسلام و رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی بود. او با اشاره به این که بنیاد دایره‌المعارف اسلامی تاکنون ۲۸ جلد از دانشنامه‌ی جهان اسلام را به زبان فارسی منتشر کرده که ۱۲ جلد از آن به عربی ترجمه شده است، بیان کرد: همه‌ی این ۱۲ جلد زیر نظر خانم دکتر دلال ترجمه شده است. همچنین او بیان کرد که از حدود ۳۲۰۰ مقاله‌ی این دانشنامه حدود ۱۰۰۰ مقاله را خود ایشان ترجمه کرده‌اند و مابقی مقالات نیز تحت نظارت ایشان ترجمه شده است. وی در پایان اشاره کرد که ایشان حلقه‌ی ارتباط محکمی میان فرهنگ ایرانی و عربی و از سرمایه‌های بزرگی است که بایستی وجود او را پاس داشت.

\*\*\*

سخنران هشتم و پایانی این نشست دکتر دلال عباس بود که از ابتدا در نشست حضور داشت و سخنرانی خود را با عنوان

«داستان من با زبان فارسی و ایران» ایراد کرد: «داستان من با زبان و ادبیات فارسی و ایران و فرهنگ آن از این جا شروع می‌شود، زمانی که اواخر دهه‌ی شصت قرن بیستم میلادی دانشجوی دانشگاه لبنان در رشته‌ی زبان و ادبیات عرب بودم، به‌طور میانگین هفته‌ای دو ساعت زبان فارسی می‌خواندیم. استاد ما دکتر احمد لوسانی بود. روش تدریس وی و اطلاعات اضافی که به آن می‌افزود، باعث شد تا عاشق این زبان و شعرهایی شوم که برخی اشعارشان را شنیده بودم. آرزویی بود که تحقق آن آسان نبود، آن هم اندیشه‌ی مسافرت در آن زمان به ایران و ادامه‌ی تحصیل بود. لذا تحصیلات تکمیلی خود را در رشته‌ی ادبیات اندلس دنبال و موضوع ایران و زبان فارسی را فراموش کردم.

پس از گذشت ده سال و درست دو سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، تقدیر این بود که آرزوی دیرینه‌ی من محقق شود. در اواخر سال ۱۹۷۶م. در بحبوحه‌ی جنگ داخلی لبنان و تجاوزهای اسرائیل به جنوب که ساکن آنجا هستیم، به‌اتفاق همسرم به ایران رفتیم. همسرم از سوی یک شرکت آلمانی برای کار به آنجا رفت و من نیز با هدف ثبت‌نام در دکتری رفتم.

برای نخستین بار در ایران بود که نام بهاءالدین عاملی به گوشم خورد، لذا از همان زمان تصمیم گرفتم تا موضوع پایان‌نامه‌ی دکتری من باشد و کار را با جمع‌آوری اطلاعات و اسناد آغاز کردم. هم‌زمان نیز پیگیر حوادث جاری در ایران در آن مرحله‌ی تاریخی و حساس پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بودم. لذا با مقدمات و تمام جزئیات آن از نزدیک آشنا شدم. مالک ساختمانی که در آنجا سکونت داشتیم، از طرفداران انقلاب اسلامی بود و از او اطلاعات بسیاری را از اوضاع جاری دریافت کردم. یک ماه پیش از بازگشت امام (ره) به ایران، ما به جنوب لبنان که هم‌چنان از سوی اسرائیل مورد تجاوز قرار گرفته بود، بازگشتیم. دو سال زندگی در تهران، این فرصت را برای من ایجاد کرد تا نسبت به اوضاع فرهنگی، سیاسی و تاریخی آنجا از طریق تلویزیون و به‌ویژه تلویزیون آموزشی، مطالعه‌ی روزنامه‌ها و گفت‌وگو با استادان، دانشجویان، همسایه‌ها، عموم مردم و خارجی‌ها آشنا شوم. در لبنان نیز مطالعه و تحقیق پیرامون بهاءالدین عاملی را دنبال کردم و شروع به ترجمه‌ی متون تاریخی و ادبی مرتبط با موضوع پایان‌نامه‌ام کردم. این پایان‌نامه را در لبنان و با راهنمایی استاد مرحوم دکتر احمد لوسانی به پایان رساندم و پس از آن، بر خود واجب دانستم که آن‌چه‌را از ایران، انقلاب و فرهنگش می‌دانم به کسانی که به ایران توجه دارند، اما زبان فارسی نمی‌دانند، اطلاع دهم یا اندیشه‌های غلط درباره‌ی ایران و انقلاب اسلامی موجود در اذهان را تصحیح کنم. شیخ‌بهایی نیز به‌عنوان حلقه‌ی اتصال میان من و ایران اسلامی باقی ماند. این شخصیت تفاوت میان جریان‌های فقهی و مفهوم عملی جهت تشخیص ظاهر و باطن اسلام را آموخت. او محور جریان اجتهادی در ایران به شمار می‌رفت که میراث شهید اول و دوم که از جبل‌عامل بودند را با خود

به همراه داشت و استاد ملاحظه‌دار و محسن فیض کاشانی نیز بود. این جریان اجتهاد در اسلام که علمای جبل عامل پایه‌های آن را در ایران استوار کردند، همانی است که امام خمینی (ره) و آقای خامنه‌ای به آن منتسب هستند. شیخ‌بهای همچنین حلقه‌ی اتصال میان من و شعرای عرفانی بود که از آن‌ها تأثیر گرفته بود و نیز انقلاب اسلامی باعث شد تا اندیشه‌ی جنگ همیشگی میان حق و باطل و میان پیامبر اکرم (ص) با گردن‌کشان قریش، و میان امام حسین علیه‌السلام با یزید و میان ونزوئلا با آمریکا شیطان بزرگ، تقویت شود.

\*\*\*

در پایان این نشست دکتر شکوه حسینی (مدیر دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) بعد از جمع‌بندی و تشکر از حاضرین در این نشست متن قدردانی دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را برای حاضران قرائت کرد:

«استاد گرامی سرکار خانم دکتر دلالت عباس

پس از سال‌ها تلاش شایسته و پی‌گیر سرکارعالی برای پیوند میان فرهنگ و زبان فارسی و عربی، توفیق آن را یافته‌ایم تا در محفلی هرچند کوچک، روزنه‌ای به‌سوی آثار ارزشمندتان بگشاییم و دمی در کنار شما و دوستانتان از این سرمایه‌ی معنوی در گنجینه‌ی گرانسنگ فرهنگ و ادبیات فارسی و عربی سخن بگوییم.

عمری باید تا ارزش عمرها را بنگاریم و بر زبان آوریم

سلامتی و سربلندی شما و تمامی استادان گران‌قدر و پابندگی و پویایی فرهنگ ایرانی و عربی، دو بازوی توانمند تمدن اسلامی را آرزومندیم.»



## از کیهان‌شناسی قرآنی تا تاریخ قرآن

نشست علمی «از کیهان‌شناسی قرآنی تا تاریخ قرآن؛ درآمدی بر دلالت‌های تاریخی کیهان‌شناسی قرآنی» روز دوشنبه ۲۹ دی ۱۳۹۹ با ارائه‌ی دکتر سیدمحمدعلی طباطبایی (مهرداد) در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به صورت مجازی برگزار شد.

در این نشست دکتر طباطبایی پس از مباحثی مقدماتی درباره‌ی روش‌شناسی تاریخی در مطالعات قرآنی یادآوری کرد که بحث حاضر از منظری صرفاً تاریخی، و نه الهیاتی، به موضوع می‌نگرد و چون این خوانش از منظری متفاوت و با پیش‌فرض‌ها و روش‌های متفاوتی صورت می‌گیرد، بنابراین به‌طور طبیعی شاهد تفاوت‌هایی در نتایج این بحث نسبت به مباحث الهیاتی در حوزه‌ی کیهان‌شناسی قرآنی خواهیم بود؛ اما آن‌چه در این نشست از آن بحث می‌شود خود کیهان‌شناسی قرآنی نیست؛ بلکه بحثی درجه دوم درباره‌ی کیهان‌شناسی قرآنی است که در پی پاسخ به این پرسش است که مطالعه درباره‌ی کیهان‌شناسی قرآنی از منظر تاریخی، چگونه می‌تواند به پرسش‌های مهم تاریخی درباره‌ی قرآن که در چند دهه‌ی اخیر از برخی قرآن‌پژوهان تجدیدنظرطلب یا شکاک صورت گرفته است، پاسخ دهد.

مهم‌ترین پرسش‌ها این است که، متن قرآن توسط چند نفر تألیف شده؟ در چه زمانی تألیف شده و این تألیف در چه منطقه‌ای از لحاظ جغرافیایی صورت گرفته است؟

دکتر طباطبایی در پاسخ به پرسش اول، به موضوع انسجام کیهان‌شناسی قرآنی اشاره کرد و بر این اساس نتیجه گرفت که چنین انسجامی

باید نشانه‌ای از وحدت مؤلف چنین متنی باشد. در پاسخ به پرسش دوم، با استناد به آیاتی از سوره‌ی جن و اتکاء به مطالعاتی درباره‌ی دوره‌های تاریخی شدت گرفتن بارش‌های نجومی، به این موضوع اشاره کرد که بهترین تاریخ پیشنهادی دست‌کم برای این سوره، همان تاریخی است که سنت اسلامی پیشنهاد می‌کند، یعنی اوایل قرن هفتم میلادی. و نهایتاً در پاسخ به پرسش سوم، پس از نقد دیدگاه‌های «پاتریشیا کرونه» درباره‌ی ارتباط آیات قرآن با منطقه‌ای حاصل‌خیز مثل سوریه، و با استناد به آیاتی که از پدیده‌های خاص مناطق بیابانی حکایت می‌کنند، می‌توان نتیجه گرفت که درباره‌ی جغرافیای پیدایش متن قرآن، احتمالاً همان چیزی که در سنت اسلامی آمده، یعنی صحرای حجاز، به واقعیت نزدیک‌تر است.



## تحول پارادایمی در معانی و دلالت‌های مفهوم امنیت

سخنرانی «تحول پارادایمی در معانی و دلالت‌های مفهوم امنیت» ۳۰ آذرماه ۱۳۹۹ توسط دکتر سلمان صادقی‌زاده و در قالب نشست تخصصی برگزار شد. صادقی‌زاده در شروع سخنانش گفت: مفاهیم بسیط آن‌جایی معنا دار می‌شوند که با عینیت اجتماعی گره بخورند و عینیت اجتماعی، بازتاب‌دهنده‌ی آن‌ها باشد. در رابطه با تحول در معانی و دلالت‌های مفهومی، ما



با سه رکن اساسی روبه‌رو هستیم: مفهوم، تفهیم و فهم. وقتی ما از عدالت سخن می‌گوییم، این مفهوم عدالت ابتدا معنای مستقیمی ندارد اما زمانی که فرایند تفهیم آغاز می‌شود، فهمی از آن استخراج می‌شود که تعیین‌بخش «عدالت» است. در واقع فهم ما از مفهوم عدالت است که از فرایند تفهیم به‌دست می‌آید. زمانی که این فهم به‌وجود می‌آید متحول شده و در فرایند تحولات تاریخی با تغییر واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و هویتی، دست‌خوش تغییرات می‌شود. امنیت هم از این قاعده برکنار و مستثنا نیست.

وی افزود: خود امنیت به‌عنوان یک مفهوم بسیط می‌تواند دست‌خوش تغییر و تحولات بنیادین شود. دیگر بعد قضیه، خود تحول پارادایمی است که درباره‌ی شکل‌گیری و دگرگونی و گذار پارادایمی بحث‌های زیادی صورت گرفته و شاید در نگاه نخست یادآور مبحث «تامس کوهن» در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی باشد که از منطق تحول در منطق علمی سخن می‌گفت؛ نکته این‌جاست که منطق علمی، دوار است نه تراکمی. او بیش از همه فیزیک را مدنظر قرار داد که فیزیک مکانیک نیوتن با فیزیک نسبیت انیشتین و عدم قطعیت‌هایزنبیرگ و ... دنباله‌ی هم نبودند، بلکه از هم جدا بودند و بیش از آن‌که پیوسته باشند، ناظر بر گسست بودند. پس ذات علم، ذات دواری است ولی وقتی ما حرف از پارادایم و تحول پارادایمی می‌زنیم یک بخش قضیه به علوم انسانی برمی‌گردد. زمانی که ما از تحول پارادایمی سخن می‌گوییم، آن نظام دانش ما دست‌خوش تحول می‌شود لذا، هم هستی‌شناسی ما، و عینیتی که روبه‌رو هستیم دست‌خوش تغییر می‌شود، و هم معرفت‌شناسی ما. به‌بیان دیگر، هم ذهن جهان عینیت ما عوض می‌شود و هم جهان ذهنیت ما. در این تغییر، ما شاهد تحول در فضای فهم هستیم که بر تحول در خود فهم مقدم است.

عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی علوم اجتماعی پژوهشگاه در ادامه تأکید کرد: تحول پارادایمی می‌تواند یک معنای جامعه‌شناختی هم به خود بگیرد، و معنایی فراتر از ذهنیت را شامل شود از همین‌رو باید تحول پارادایمی را در کنش کنش‌گران اجتماعی یافت، نه در ساختارهای ذهنی و عینی مبهمی که محصول نظریات ساختارگرایانه و کارکردگرایانه‌ی پس از جنگ جهانی دوم است. امنیت هم به‌این‌شکل قابل تقسیم پارادایمی است. در دوره‌ی شکل‌گیری دولت ملی و در آغاز پارادایم سیاسی، امنیت بیش از هر چیز به معنای امنیت ملت بود. آغاز پارادایم سیاسی امنیت‌هم‌نشین با دوره‌ای از مدرنیته بود که می‌توانیم اسم آن را دوره‌ی «مدرنیته‌ی متقدم» بگذاریم یا اصطلاحاً مدرنیته‌ی نوپا یا نوپدید. یکی از اصول مهم این مدرنیته‌ی نوپا یک‌سری دوگانه‌سازی بود مانند در برابر هم قراردادن خاص‌گرایی‌ها و عام‌گرایی‌ها که مهم‌ترین اصل

مدرنیته‌ی متقدم بود. مدرنیته‌ی متقدم به این معنا خاص‌گرایی‌ها را در برابر عام‌گرایی‌ها قرار داد که از یک خرد واحد سامان‌بخش فراگیر سخن گفت که بر معنای تاریخ و جامعه مستولی خواهد شد و هر نوع خاص‌گرایی نقد و رد شد. قومیت، نژاد، زبان‌ها و گویش‌ها، ادیان، باورها و سنت‌ها را نقد کرد بیش از آن‌که بر پیوند گذشته و آینده متمرکز باشد، بر مقابل هم قراردادن این‌ها متمرکز بود. صادق‌زاده گفت: در این دوره امنیت یک معنای علی‌حده‌ای پیدا کرد و از معنای امنیت حاکمان و قبیله‌ی حاکم فراتر رفت و ما برای اولین بار شاهد ظهور معنای مدرن امنیت هستیم و این دوره ادامه پیدا کرد تا قرن ۱۹. در قرن ۱۹ تحولاتی در جهان پیش آمد و تضادها بسیار زیاد شد. تضاد بین سرمایه و کار، جایگزین تضاد میان ارباب و رعیت شد و از دل این تضاد مباحث بسیاری پیش آمد. در دهه‌ی ۱۹۳۰ جبهه‌های مردمی را داریم در کشورهای مختلف فرانسه، انگلیس، هلند. این جبهه‌های مردمی دقیقاً بازتاب برآمدن پارادایم اقتصادی امنیت بودند. این بار دال مرکزی امنیت متفاوت شد، با درون مایه‌ی اقتصادی! ما در مطالعات امنیت سه پرسش را مطرح می‌کنیم:

۱. امنیت چه کسی یا چه چیزی؟
۲. امنیت در برابر چه چیزی؟
۳. امنیت با چه وسیله‌ای؟

وقتی سؤال اول را پاسخ می‌دهیم مرجع امنیت را تعریف کرده‌ایم. زمانی که به دو سؤال بعد پاسخ می‌دهیم درباره‌ی معانی و دلالت‌های آن صحبت می‌کنیم. در پارادایم سیاسی امنیت مرجع اصلی امنیت دولت ملی بود. البته ذکر این نکته ضروری است که ما وقتی به دوره‌ی پارادایم اقتصادی امنیت می‌رسیم به این معنی نیست که پارادایم‌های سیاسی امنیت مهم نیست یا به‌دست فراموشی سپرده شده است بلکه بدین معناست که پارادایم اقتصادی امنیت تعیین‌کننده مرجع و دلالت‌های مفهوم امنیت است و در کانون مطالعات امنیت قرار می‌گیرد. ذیل پارادایم اقتصادی امنیت پرسش اجتماعی قرن ۱۹ مطرح می‌شود: «تکلیف طبقات محروم‌تر در برابر تضادهای فزاینده چیست؟» بنابراین طبقات اقتصادی به مرجع امنیت بدل می‌شوند و دلالت کلیدی‌اش می‌شود، تأمین اجتماعی و رفاه که در پی آن دولت‌های رفاه شکل می‌گیرند اما از اواخر قرن ۲۰ به این سو که در صحنه‌ی جهانی ایدئولوژی اکنومیسیم به بن‌بست می‌خورد به تدریج صحنه‌ی آرایش نیروهای اجتماعی در سطح جهان دست‌خوش دگرگونی‌های عمیقی می‌شود و دیگر چیزی به نام طبقه وجود ندارد و در این دوره شاهد بازگشت هویت‌ها، فرهنگ‌ها و خاص‌گرایی‌ها هستیم که مقارن با مدرنیته‌ی متأخر است. در این دوره آن‌چه بیش از همه اهمیت می‌یابد، ظرفیت کنش‌گری اجتماعی و آزادی و اختیار عمل سوژه‌ی انسانی است امری که با هویت و ارزشهای افراد و گروه‌های اجتماعی در پیوند است. وی ادامه داد: در این دوره در حوزه‌ی امنیت‌پژوهی نظریه‌ی امنیت جامعوی (اجتماع) شکل می‌گیرد و در پرتوی آن امنیت عبارت است از «اطمینان خاطر افراد و گروه‌های اجتماعی نسبت به حفظ موجودیت، هویت و ارزش‌های خود در برابر تهدیدات ناشی از تحولات عادی و تحرکات عمدی». و این تعریفی است که گروه پژوهشی جامعه و امنیت پژوهشگاه علوم انسانی در اواخر دهه‌ی ۱۳۸۰ ارائه کرده است. ذیل این نظریه افراد و گروه‌های اجتماعی، مرجع امنیت می‌شوند. هویت‌ها و ارزش‌ها نیز دلالت بر بازگشت خاص‌گرایی‌ها و به‌حاشیه رانده شده بودن آن‌ها دارد. «ویور» امنیت اجتماعی را به‌طور مستقل مطرح کرد و آن را به‌عنوان یک رکن مستقل تعریف کرد. امنیت جامعوی از این نظر با پارادایم فرهنگی امنیت در تقارن و توازی است که به دغدغه‌های هویتی و معرفتی به‌عنوان دشواره‌های نظم اجتماعی اشاره می‌کند. ما وقتی از تحول پارادایمی در معانی و دلالت‌های مفهوم امنیت سخن می‌گوییم؛ اگر چند مورد تغییر کند، صحنه‌ی امنیت اجتماعی نیز تغییر می‌کند. مثلاً اگر منشاء ناامنی یا مرجع امنیت تغییر کند، یک رکن از معنای امنیت تغییر می‌کند و در نهایت اگر ابزارهای امنیت تغییر کند سومین رکن امنیت نیز تغییر کرده است. از این روی، در جهان معاصر، ما در هر سه بعد و در هر سه رکن (مرجع، منبع تهدید و ابزار مقابله) شاهد تحولاتی هستیم. صادق‌زاده یادآور شد: آن‌چنان فضا و زمان در عصر جهانی‌شدن یا جهان محلی‌گرایی منقبض شده، مهم‌ترین مرجع امنیت، افراد و گروه‌های اجتماع هستند زیرا در هیاهوی تبلیغات و کالایی‌سازی عصر جهانی‌شدن و حضور سنگین دولت‌های اقتدارگرا بزرگ‌ترین تهدید امنیتی، خفه‌شدن سوژه‌ی انسانی است. در این فضا امنیت می‌شود امنیت کنش‌گر انسانی، یعنی کنش‌گر انسانی باید امنیت داشته باشد تا بتواند





بیافریند، بسازد، معنا بخشد و بازآفرینی کند و براساس اخلاق و ارزش‌ها و منافع و مصالح انسانی بتواند جامعه و جهان را اصلاح یا بازسازی کند. دیگر بحث سازمان و دولت و طبقه نیست. دولت باید امنیت کنش‌گران اجتماعی را فراهم سازد تا بتوانند آزادانه از ارزش‌ها و هویت خود پاسداری کنند و نظم‌ی اخلاقی‌تر در جهان زیسته‌ی خود پدید آورند. در جامعه‌ی پسا صنعتی طبقات اجتماعی رنگ می‌بازند و اقشار اجتماعی مهم‌تر از طبقات می‌شوند و جامعه‌ی مدنی معنای متفاوتی می‌گیرد چون مناسبات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در جامعه‌ی پسا صنعتی تغییر می‌کند. در جوامع صنعتی روابط تولید سازنده و هدایت‌گر فعالیت‌های اقتصادی بود. اما در جوامع پسا صنعتی روابط مصرف مهم‌تر از روابط تولیداند. آن‌چنان فناوری‌های جدید پیدا می‌شوند که می‌بینیم مصرف مهم‌تر از تولید می‌شود، و ما با انفجار تبلیغات مواجهیم. یعنی نیاز را می‌سازند. خدمات، به‌جای تولید، ستون اصلی جامعه می‌شود. سرمایه‌داری تجاری از سرمایه‌داری تولیدی و صنعتی پیشی می‌گیرد و سرمایه‌داری مالی از تجاری نیز پیشی می‌گیرد این همان چیزی است که «توماس پیکتی» در کتاب سرمایه در قرن ۲۱ نشان می‌دهد و استدلال می‌کند که نرخ رشد سرمایه از نرخ رشد تولید پیشی گرفته است.

دکتر صادقی‌زاده در خصوص «ارتباط جنبش‌های اجتماعی جدید با فهم امنیت در دوران جدید» توضیح داد: جنبش‌های اجتماعی جدید بر بستر مدرنیته متأخر ظاهر شدند و خیلی فرهنگی و هویتی هستند و ایدئولوژی و سازمان ندارند. در پی به چنگ آوردن قدرت نیستند و ساختار منسجمی ندارند اما این ویژگی‌هایشان هم فرصت و هم تهدید است. این‌که کنش‌گران اجتماعی مستقیماً وارد می‌شوند و به‌دلیل عدم وجود ایدئولوژی بهتر می‌توانند اندیشه‌های خود را مطرح کنند و ناامنی‌های خودشان را بشناسند. دغدغه‌ی جنبش‌های اجتماعی جدید برطرف کردن ناامنی‌های ذهنی است. اگر از تحلیل «سوات» بهره بگیریم می‌بینیم که نقطه‌قوت این پارادایم امنیت در پیچیده بودن و منعطف بودن آن است و نقطه‌ضعفش در پراکندگی و عدم انسجام.

مهم‌ترین فرصت‌ها، ناظر بر کنش‌گری اجتماعی آن است. بازآفرینی اجتماعی و تولید اجتماعی است و بزرگترین تهدید آن ناظر بر جماعتی‌سازی است. یکی از نکات مهم در تعریف امنیت جامعه‌ی، این است که ما می‌گوییم، امنیت اجتماعی با امنیت پایدار مرزبندی‌هایی دارد اما این مرزبندی‌ها به این معنی نیست که این دو از هم بیگانه‌اند. امنیت پایدار ریشه در توسعه‌ی پایدار داشت که اکولوژیست‌ها (زیست بوم‌گراها) مطرح کردند. آن‌ها معتقد بودند، توسعه‌ی صنعتی، توسعه‌ی مدرن یا بورژوازی اصالتاً نامتجانس است. در مدرنیته‌ی متأخر گفته می‌شود که ما درون طبیعتیم نه در مقابل طبیعت.

امنیت پایدار، امنیتی است که صحنه‌ی امنیت را یک صحنه‌ی کلان، منسجم و واحد ببیند که در آن مؤلفه‌های مختلف انسانی و غیرانسانی کنار هم دیده شوند. پس این تعریف هم وجه انسانی دارد هم غیرانسانی. از این نظر با امنیت جامعه‌ی مشترک است. اما تفاوت کجاست؟ امنیت جامعه‌ی بیش از هرچیز بر فرهنگ و هویت افراد و گروه‌های اجتماعی متمرکز است. یعنی نقطه‌ی تمرکز امنیت جامعه‌ی و پارادایم فرهنگی امنیت این‌جاست که واگرایی می‌شود با نقطه‌ی کانونی امنیت پایدار. چراکه موضوع اصلی سوژگی افراد و گروه‌های اجتماعی می‌شود.

صادقی‌زاده سخنان خود را با پاسخ‌دادن به این سؤال که «نقش مشارکت در این امنیت چه تغییری به خود می‌گیرد»، خاتمه داد: در پارادایم فرهنگی امنیت مشارکت تبعی جای خود را به مشارکت فعال می‌دهد به این معنی که اگر افراد برای سازمان‌های اجتماعی بسیج می‌شدند یا اگر در پارادایم اقتصادی امنیت افراد پشت‌سر طبقات اقتصادی بسیج می‌شدند یا پشت‌سر معنایی از تاریخ بسیج می‌شدند، در دوره‌ی جدید، مشارکت فعال جایگزین آن شده است یعنی افراد و گروه‌های اجتماعی به طرفیت از هویت و ارزش‌های خود و همچنین به طرفیت از ارزش‌های عام کنش‌گری می‌کنند.

## بررسی و ارزیابی کتاب حکمت عملی از نگاه سه فیلسوف مسلمان فارابی، ابن سینا و ملاصدرا

گروه فلسفه، کلام، ادیان و عرفان شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری معاونت پژوهشی دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق (ع)، روز دوشنبه ۸ دی ماه ۱۳۹۹، نشست مجازی با عنوان «بررسی و ارزیابی کتاب حکمت عملی از نگاه سه فیلسوف مسلمان فارابی، ابن سینا و ملاصدرا» برگزار کرد. در این نشست حجه‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد ذبیحی (مؤلف کتاب)، دکتر محسن جوادی و دکتر حسین هوشنگی حضور داشتند.



در ابتدای این نشست مجازی دکتر ذبیحی نکاتی را درباره‌ی کتاب‌شان بیان کرد و گفت: این کتاب کاری جدید در حیطه‌ی پژوهشی اثر به حساب می‌آید و برای دروس مراکز آموزشی که به میحث حکمت عملی می‌پردازند در قالب دو واحد تنظیم شده است که البته همین امر کار تألیف را سخت کرده است. وی اضافه کرد: برای تألیف این اثر منبعی جز متون کهن که آن‌ها نیز منسجم نبودند، در دست نبود. همچنین به‌خاطر وجود محدودیت در ارائه‌ی این پژوهش در قالب دو واحد مجبور شدند که بر سه فیلسوف مسلمان تأکید کنند. وی دلیل نپرداختن به شیخ اشراق را در علایق شخصی‌شان مربوط به فلسفه‌ی مشاء که استدلالی و برهانی است، دانست و تأکید کرد: فارابی در حکمت عملی هم مقدم بر بقیه‌ی فلاسفه مسلمان است و هم بیشتر به حکمت عملی پرداخته است. همچنین به ابن سینا و ملاصدرا از این جهت پرداخته شده است که این دو از فیلسوفان صاحب نظام فلسفی به حساب می‌آیند. اما شیخ اشراق تصریح دارد که مبنایش بر سیر و سلوک است و نه برهان، بنابراین در این پژوهش به شیخ اشراق پرداخته نشده است.

دکتر ذبیحی ادامه: نکته‌ی مهم من در این کتاب این است که حکمت عملی الزامی درونی است نه تحمیلی از بیرون. به عبارت دیگر، از الزامات درونی خودمان به این حکمت رسیدیم که موضوع حکمت عملی اعمال و تکالیف اختیاری انسان است، یعنی هر فعلی که با نیت خیرخواهانه باشد. وی همچنین به مسائل و غایت حکمت عملی نیز اشاره کرد و به‌مرور ساختار و مطالب کتاب پرداخت و تلاش کرد که اهمیت و محتوای کار این سه فیلسوف در حکمت عملی را توضیح دهد.

دکتر محسن جوادی، در مورد این کتاب به اقتضای هر فصل به بیان نکاتی پرداخت و گفت: فصل کلیات را در پرداختن موجز و عمیق به برخی مفاهیم کامیاب ولی توضیح برخی دیگر از مفاهیم مانند عقل، حکمت عملی و... را نیازمند تکمیل دانست. دکتر جوادی فصل مربوط به فارابی به‌طور خاص را از حیث بحث‌های نفس‌شناسی مفصل و خوب اما در عین حال پرداختن به مسائل دیگر حکمت عملی از جمله بحث فضایل و... را نیز تکمیل‌کننده دانست. فصل مربوط به ابن سینا را به‌خاطر اهمیت ابن سینا و همچنین تسلط مؤلف بر ابن سینا و فلسفه‌ی مشاء خوب و البته مفصل توصیف کرد. وی بحث نفس‌شناسی ابن سینا را مفصل و در عین حال جای مباحث دیگر حکمت عملی را در این فصل نیز خالی دانست. از نظر وی در فصل مربوط به ملاصدرا بیشتر به انسان‌شناسی مشائی ملاصدرا پرداخته شده و جای خالی پرداختن به نسبت بحث‌هایی

مانند جسمانی‌ی الحدوث بودن نفس، حرکت جوهری و... (که از نوآوری‌ها و خصایص فلسفه‌ی ملاصدرا است) را با حکمت عملی، محسوس دانست. دکتر جوادی در پایان سخنانش این کتاب را اثری دانست که خلاء فقدان تألیف در این حیظه‌ی پژوهشی را پر می‌کند، گرچه سطح علمی مباحث این کتاب را بالاتر از کارشناسی که مخاطب این اثر تلقی شده است، ارزیابی کرد که در مجموع زمینه‌ی تکمیل و پرداختن به بحث‌های دیگر



حکمت عملی و به‌طور خاص عدالت و سیاست هم در این اثر وجود دارد. در ادامه دکتر حسین هوشنگی به بیان نکات قوت و مزایای این کتاب پرداخت و این کتاب را اولین کتاب تألیفی در حکمت عملی متناسب با مخاطب دانشگاهی دانست که به‌عنوان نمونه در پایان هر فصل سؤالات تحلیلی وجود دارد و مباحث فنی‌تر از دیگر مباحث تفکیک شده است. وی جمع متعادل بین عقلانیت و دیانت و دفاع از برهانی و استدلالی بودن فلسفه‌ی اسلامی را از وجوه پررنگ این اثر تلقی کرد، مخصوصاً در مقابل رویکردهایی که تفکیکی بین فلسفه و عرفان نمی‌کنند. همچنین مراجعه به متون اصلی را از دیگر نقاط قوت



این اثر دانست. دکتر هوشنگی نثر کتاب را شیوا، رسا و پخته توصیف و اضافه کرد که گرچه از کتابی درسی انتظار نوآوری نمی‌رود اما در این اثر شاهد افق‌گشایی‌های فکری هستیم. دکتر هوشنگی در بیان نقاط ضعف و کاستی‌ها به برخی آثار مشکوک و منحول مانند فصوص‌الحکم منسوب به فارابی یا برخی رسائل منسوب به ابن‌سینا اشاره کرد که از نظر استناد معلوم نیست تا چه میزان به فیلسوفان یادشده قابل استناد باشند و در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته‌اند. وی همچنین برخی مباحث مانند مباحث نفس را قابل تلخیص و مباحث فنی و قابل استفاده دیگری را نیز در مواردی فراتر از سطح مخاطبان این اثر ارزیابی کرد و گفت: به‌نظر می‌رسد در مواردی ابن‌سینا صدرا بی فهم شده است. وی در پایان سخنانش به بررسی و نقد این ادعای کتاب که حکمت عملی یکی از دو شاخه‌ی علوم حقیقی است، پرداخت و حقیقی بودن را در این ادعای یادشده مبهم دانست.

## نقد و بررسی مجموعه‌ی اسلام ایرانی

نشست هفتگی شهر کتاب با همکاری گروه فلسفه‌ی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه، در روز سه‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۹، به نقد و بررسی مجموعه‌ی اسلام ایرانی اختصاص یافت. این جلسه با حضور دکتر شهین اعوانی، دکتر علی مرادخانی، دکتر حسین هوشنگی و دکتر انشاءالله رحمتی به‌صورت مجازی برگزار شد.

در ابتدای جلسه، علی‌اصغر محمدخانی به بیان مقدماتی در مورد محتوای جلسه و مجموعه‌ی اسلام ایرانی پرداخت. سپس دکتر رحمتی، مترجم این مجموعه، توجه به دو کتاب ابن‌سینا و تمثیل عرفانی و تخیل خلاق در عرفان ابن عربی را به‌عنوان مکمل مجموعه‌ی اسلام ایرانی در فهم «کربن» کمک‌کننده دانست. دکتر رحمتی مجموعه‌ی اسلام ایرانی «کربن» را از مهم‌ترین تألیفاتی دانست که در دوران معاصر نوشته شده است و می‌تواند ما را در تأمل در باب فرهنگ‌مان یاری کند. یکی از این یاری‌رسانی‌ها ابداع مفاهیمی است که تأمل فلسفی و نظری در باب فرهنگ اسلام ایرانی را تسهیل می‌کند، مانند غربت آگاهی تشیع، افلاطونیان پارس، حماسه پهلوانی و عرفانی، پدیدارشناسی عشق عقیف، پدیدارشناسی وجود معطوف به آن سوی مرگ، اخلاق فتوت و... . دکتر رحمتی از خلال مرور مفاهیم اساسی یادشده کل مجموعه اسلام ایرانی را به شکل اجمالی مرور کرد. در ادامه، دکتر شهین اعوانی ترجمه‌ی این مجموعه به زبان فارسی را مایه‌ی خوشحالی دانست، مخصوصاً از این جهت که این مجموعه آن چنان فنی و تخصصی است که به کمتر زبانی ترجمه شده است. سخنان دکتر اعوانی بیشتر پیرامون جلد دوم این مجموعه بود. او فهم «کربن» را بدون فراهم آوردن برخی مقدمات دشوار دانست. بنابراین مترجم را از آن جهت که هم خودش مقدمات فهم «کربن» را گذرانده و هم در ترجمه‌های دیگرش این امکان را برای خواننده فارسی‌زبان فراهم کرده است، ستود. او رویکرد مترجم به «کربن» را آکادمیک و در عین حال هم‌دلانه توصیف کرد و یکی از فواید آشنایی نسل جوان با «کربن» را در تصحیح پاره‌ای از مفاهیم فلسفه‌ی غرب مانند هرمنوتیک، دانست که به‌شکل نادرست در کشور ما معرفی شده است. دکتر حسین هوشنگی سومین سخنران این جلسه بود که با تمرکز بر جلد چهارم و پنجم ترجمه‌ی این اثر، به‌شکلی انتقادی به این مجموعه و مؤلف آن پرداخت. او پروژه‌ی «کربن» را چه در غرب و چه در ایران ناموفق دانست و گفت که ما امروزه مکتب کربنی نداریم. او علت این عدم موفقیت را همان چیزی دانست که «کربن» بیش از همه آن را مورد نقد قرار می‌داد یعنی عوامل اجتماعی-سیاسی. دکتر هوشنگی، «کربن» را یکی از افراد پرشماری دانست که پس از بحران‌های نیمه‌ی اول قرن بیستم تلاشی برای برون‌رفت از آن بحران‌ها کردند اما پس از گذر زمان نوشته‌ها و راه‌حل‌های‌شان مورد اقبال قرار نگرفت. وی دکتر هوشنگی مترجم اثر را صرفاً مترجم ندانست و گفت: مقدمه‌های مفصل دکتر رحمتی این ظرفیت را دارد که در قالب یک کتاب جمع‌آوری شود و یکی از بهترین مدخل‌های ورود به اندیشه‌ی «کربن» باشد.

در پایان این نشست مجازی، دکتر علی مرادخانی به نسبت «کربن» با وضعیت اندیشه‌ی ما ایرانیان پرداخت. او «کربن» را متفکری غیر قابل چشم‌پوشی دانست که فهم اندیشه‌ی برخی از مهم‌ترین متفکران ایرانی معاصر از جمله شایگان، داوری، طباطبایی و نصر، بدون توجه به «کربن» میسر نیست. دکتر مرادخانی «کربن» را یک

متفکر امروزی و نه سنتی دانست که مسئله اصلی‌اش مانند بسیاری از هم‌نسلان اروپایی وی بحران تجدید بود. او هنر «کربن» را در ایجاد تعادل بین اندیشه‌ی شرق و اندیشه‌ی غرب در پاسخ به مسئله‌ی یادشده دانست. او وضعیت فعلی ما ایرانیان را در تفکر فلسفی غیر متعادل (کفه‌ی شرقی سنگین‌تر) توصیف کرد.

دکتر مرادخانی در خاتمه‌ی سخنانش یادآور شد: مهم‌ترین درسی که ما ایرانیان می‌توانیم از «کربن» بگیریم را توجه به این تعادل در اندیشه‌ورزی و سنگین‌تر کردن کفه‌ی تفکر غربی برای رسیدن به تعادل در اندیشه دانست.



## اطلاعیه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به مناسبت درگذشت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی (ره)



إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

ارتحال فیلسوف وقاد، پژوهشگر بزرگ عرصه‌ی علوم اسلامی و انسانی، حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی را به محضر مقام معظم رهبری و حوزه‌های علمیه و ریاست محترم و اعضای مکرم مؤسسه‌ی آموزشی-پژوهشی امام خمینی (ره) و به‌ویژه فرزند فاضل ایشان جناب آقای دکتر مصباح تسلیت عرض می‌کنیم.

ایشان، پژوهشگری سخت‌کوش و محقق‌ی باهمت بودند که عمری را در راه مطالعه و تحقیق برای بازشناسی علوم اسلامی و انسانی مصروف داشتند و با نوشتن آثار ارزشمند در حوزه‌های گوناگون معرفتی در راه گسترش معارف اسلامی گام برداشتند.

از خداوند رحمان علو درجات ایشان را مسئلت داریم.

\*\*\*\*\*

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ  
سَرَّكَارِ خَانِمَ مَرْكَانَ كُوشَا

مصیبت درگذشت پدر گرامی‌تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای سرکارعالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

روابط عمومی

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

سرکار خانم نوایی کواسانی

مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای سرکارعالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

\*\*\*\*\*

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای دکتر وحید قهرمان

مصیبت درگذشت مادر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

\*\*\*\*\*

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای حمزه احمدیان

مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

\*\*\*\*\*

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای آسماعیل سحرخیز

مصیبت درگذشت مادر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

\*\*\*\*\*

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای سیدفخرالدین مؤیدی

(عضو بازنشسته‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

مصیبت درگذشت همسر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

\*\*\*\*\*

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای دکتر یوسف محمدنژاد عالی‌زمینی

مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

روابط عمومی





مدیر مسئول: سید محسن علوی پور

سر دبیر: حوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

[ravabet@ihcs.ac.ir](mailto:ravabet@ihcs.ac.ir)

[www.ihcs.ac.ir](http://www.ihcs.ac.ir)

پیام رسان ها: @ihcss, @pajoheshgah